



تاریخ نامه ورزش ایران زمین (۱)



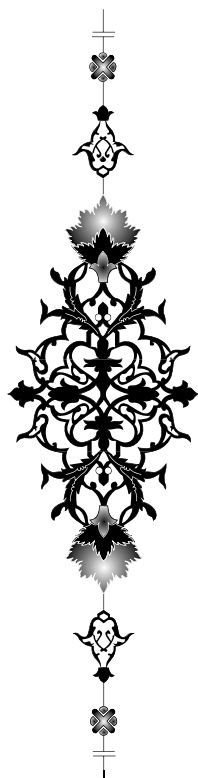
به کوشش:
حسن باستانی راد

با همکاری:
سیدامیر حسینی
دکتر هایدی صیرفی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





شصتین سال تأسیس
کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
گرا میس باد



تاریخ‌نامه ورزش ایران زمین (۱)

مجموعه مقاله‌ها، سخنرانی‌ها و گزارش‌های
نخستین هم‌اندیشی بین‌المللی تاریخ ورزش ایران
آبان‌ماه ۱۳۸۵

به کوشش:
حسن باستانی‌راد
با همکاری:
سیدامیر حسینی، دکترهایده صیرفی



کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران

انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
زمستان ۱۳۸۶



تاریخ نامه ورزش ایران زمین (۱)

انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران

به کوشش: حسن باستانی راد

با همکاری: سید امیر حسینی، دکتر هایده صیرفی

نظارت فنی: پرویز خاکی

صفحه آرایی و طراحی جلد: سید محمد اورنگ

لیتوگرافی: طلوع

چاپ: شرکت چاپ و نشر طلایه آفاق

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

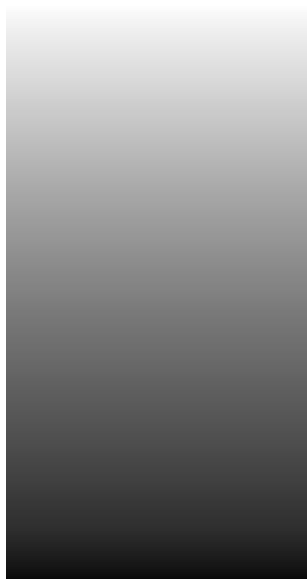
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۰۵-۷۳-۳ ISBN: 978-964-5605-73-3

نشانی: تهران، خیابان گاندی، خیابان ۱۲، شماره ۴۴، کد پستی ۱۵۱۷۸۳۳۸۱۳

تلفن: ۸۸۷۷۹۱۳۶، نمابر: ۸۸۷۷۷۰۸۲

Email: nociri@nede.net Website: www.olympic.ir

سرشناسه	: هم‌اندیشی بین‌المللی تاریخ ورزش ایران (نخستین: ۱۳۸۵، تهران).
عنوان و پدیدآورنده	: تاریخ‌نامه ورزش ایران زمین (۱): مجموعه مقاله‌ها، سخنرانی‌ها و گزارش‌های نخستین هم‌اندیشی بین‌المللی تاریخ ورزش ایران، آبان‌ماه ۱۳۸۵/ به کوشش امیر حسینی، حسن باستانی راد، هایده صیرفی.
مشخصات نشر	: تهران: کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۴۳۸، 50 صفحه، مصور
شابک	: ISBN: 978-964-5605-73-3 ریال: ۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
یادداشت	: ص.ع. لاتینی شده: Amir Hosseini, Hasan Bastani Rad, Haideh Sairafi Tarikhname-ye Varzesh, IranZamin= The first International
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: ورزش - ایران - تاریخ - کنگره‌ها.
موضوع	: ورزش - ایران - کنگره‌ها.
شناسه افزوده	: حسینی، امیر، ۱۳۳۶.
شناسه افزوده	: باستانی راد، حسن، ۱۳۵۵.
شناسه افزوده	: صیرفی، هایده، ۱۳۴۱.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۵/۷۶-۶۵۷ GV
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۷۹۶
شماره کتابخانه ملی	: ۱۱۴۶۵۰۱



فهرست

۱۷	پیشگفتار
۱۹	سخن نخست
۲۱	اعضای هیئت علمی (به ترتیب حروف الفبا).....
۲۲	اعضای کمیته ها و ستاد اجرایی نخستین هم اندیشی.....
۲۴	برنامه نخستین هم اندیشی بین المللی تاریخ ورزش ایران.....
۲۴	مراسم افتتاحیه.....
۲۵	نشست یکم.....
۲۵	سخنرانی ها.....
۲۶	نشست دوم.....
۲۶	سخنرانی ها.....
۲۷	نشست سوم.....
۲۸	سخنرانی ها.....
۲۹	فهرست مقاله های پوستر (بر اساس حروف الفبا).....

۳۳	فصل یکم
۳۳	گزارش دبیر همایش.....
۳۳	درآمدی بر تاریخ ورزش در ایران زمین.....
۳۴	گام نخست.....
۳۷	پیام سید محمد خاتمی
۳۷	رئیس مؤسسه بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.....
۳۹	پیام دکتر رضا قراخانو
۳۹	رئیس کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران.....
۴۱	پیام دکتر کارل لئارتز و آنتونی بیکرک
۴۱	رئیس و دبیر کل جامعه بین‌المللی تاریخ نگاران المپیک.....
۴۳	پیام سیدامیر حسینی
۴۳	رئیس آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک.....

۴۵	فصل دوم
۴۵	ورزش در ایران باستان.....
۴۵	شناسایی نگاره‌های ورزشی در جام ارّجان.....
۴۵	درآمد.....
۴۷	پیشینه تاریخی ارّجان (کرم‌میرزایی).....
۴۸	جام ارّجان.....
۴۸	تحلیل نگاره‌های جام ارّجان.....
۵۱	نگاره‌های ورزشی جام ارّجان.....
۵۲	پایان سخن.....
۵۳	مآخذ.....



مشت زنی در جام حسنلو (محمدرضا ریاضی).....	۶۱
درآمد.....	۶۱
مبارزه مشت زنی در جام حسنلو.....	۶۱
مآخذ.....	۶۶
جستجوی ریشه های بازی های المپیک در ایران (پروفسور سیروس جاوید).....	۶۷
جایگاه ورزش در آموزش های ایرانیان دوره باستان (دکتر جواد کریمی).....	۷۵
درآمد.....	۷۵
آموزش در ایران باستان.....	۷۶
اهداف آموزش.....	۷۸
ورزش در آموزش های ایرانیان.....	۷۹
مآخذ.....	۸۱
نظام های تربیت بدنی در ایران باستان (تکتم نعمتی).....	۸۳
درآمد.....	۸۳
نخستین دوره های تاریخی.....	۸۴
نظام عالی تربیتی در دوره باستان.....	۸۵
نگاهی به رشته ها و فنون ورزشی در دوره هخامنشیان.....	۸۹
تکامل رشته ها و فنون در دوره ساسانیان.....	۹۳
مآخذ.....	۹۵
ورزش در دوره اسلامی از دیدگاه هندی (آنیتاگوش).....	۹۶

فصل سوم

۹۷

ورزش در ایران اسلامی.....	۹۷
تأثیر ایمان و معنویت بر عملکرد ورزشی در اسلام (دکتر حسن خلجی).....	۱۰۱

درآمد.....	۱۰۱
انواع کمک‌های نیروزایی.....	۱۰۳
تأثیر ایمان در عملکرد ورزشی در قرآن.....	۱۰۹
آثار ایمان.....	۱۱۰
پرسش‌هایی درباره نیروزایی ایمان مذهبی.....	۱۱۳
پایان سخن.....	۱۱۴
مآخذ.....	۱۱۷
امام علی (ع) الگوی ورزش ایرانیان (کامران شرفشاهی).....	۱۲۱
مآخذ.....	۱۳۳
فصل چهارم.....	۱۳۵
ورزش در فرهنگ ایرانی.....	۱۳۵
ورزش در نزد ایرانیان (دکتر ناصر تکمیل همایون).....	۱۳۵
مآخذ.....	۱۴۵
رستم پهلوان در سغد (دکتر زهره زرشناسی).....	۱۴۷
مآخذ.....	۱۵۴
درآمدی بر بازی منصفانه در ورزش (دکتر رحیم رمضانی نژاد).....	۱۶۳
درآمد.....	۱۶۳
بازی منصفانه در فرهنگ ایرانی.....	۱۶۵
تحلیل بازی منصفانه.....	۱۶۸
۱. تعریف بازی منصفانه.....	۱۷۰
۲. ضرورت بازی منصفانه.....	۱۷۲
۳. زمان و مکان بازی منصفانه.....	۱۷۵
۴. بازی منصفانه برای همه.....	۱۷۷
۵. اجرای بازی منصفانه.....	۱۷۹



۱۸۳.....	۶. گذشت و بخشش.....
۱۸۴.....	بازی منصفانه دو طرفه (همکاری متقابل).....
۱۸۵.....	بازی منصفانه یک طرفه (همکاری در مقابل عدم همکاری).....
۱۸۵.....	بازی غیر منصفانه دو طرفه (عدم همکاری متقابل).....
۱۸۵.....	بازی منصفانه یک طرفه (عدم همکاری در مقابل همکاری).....
۱۸۶.....	آموزش بازی منصفانه.....
۱۸۷.....	مآخذ.....
۱۸۹.....	بررسی بازی های بومی محلی سیستان (دکتر ابوالفضل فراهانی و منصوره شهرکی).....
۱۸۹.....	درآمد.....
۱۹۱.....	معرفی سیستان.....
۱۹۲.....	مواد و روشها.....
۱۹۶.....	یافته های تحقیق.....
۱۹۶.....	۱- کودی.....
۱۹۷.....	۲- بازی چاپ.....
۱۹۹.....	۳- بازی کچ و کچ.....
۱۹۹.....	۴- کشتی محلی.....
۲۰۰.....	۵- بازی الاسور کورا.....
۲۰۱.....	۶- بازی خسو خسو (خ سوخ سو).....
۲۰۲.....	۷- چوبازی (چوب بازی).....
۲۰۳.....	۸- بازی کدش کدش.....
۲۰۴.....	۹- بازی کریچو کریچو پندونه.....
۲۰۵.....	۱۰- بازی کلاچل چل.....
۲۰۵.....	۱۱- بازی کیج وزور.....
۲۰۶.....	۱۲- بازی گل گل.....
۲۰۷.....	۱۳- بازی کیج دومه (زیر دو مونیکه).....

۲۰۸.....	۱۴-محل بازی (سه محل).....
۲۰۹.....	۱۵-چوک بازی.....
۲۱۰.....	۱۶-بازی شیطو.....
۲۱۱.....	۱۷-بازی قلعه پوده.....
۲۱۲.....	۱۸-بازی آقاجان رنگ و رنگ.....
۲۱۲.....	۱۹-بازی گرک بازیکا.....
۲۱۳.....	۲۰-بازی چه زدی.....
۲۱۳.....	۲۱-گله بازی.....
۲۱۴.....	۲۲-بازی تغار تغار.....
۲۱۵.....	۲۳-بازی سمگول.....
۲۱۶.....	۲۴-بازی اره غنی.....
۲۱۶.....	۲۵-بازی ایرمه لو.....
۲۱۸.....	۲۶-بازی تورث.....
۲۱۹.....	۲۷-بازی بحث و بیت.....
۲۱۹.....	۲۸-بازی چل مشکه.....
۲۲۰.....	۲۹-بازی کلور کلور ایزه.....
۲۲۱.....	الف-پیشنهادهای اجرایی.....
۲۲۲.....	ب-پیشنهادهایی برای محققان.....
۲۲۳.....	مآخذ.....

۲۲۵ فصل پنجم

۲۲۵.....	ورزش در زبان و ادبیات فارسی.....
۲۲۵.....	مقایسه ویژگی های جسمانی، رزمی و عقلی پهلوانان در شاهنامه (دکتر رحیم رمضان نژاد و...)
۲۲۵.....	درآمد.....
۲۲۷.....	پیشینه تحقیق.....
۲۲۸.....	روش جمع آوری، طبقه بندی و تحلیل یافته های تحقیق.....



۲۲۹.....	دستاورد پژوهش.....
۲۳۵.....	پایان سخن.....
۲۳۸.....	مآخذ.....
۲۴۱.....	کشتی بستن و کشتی گرفتن (دکتر هایده صیرفی).....
۲۴۱.....	درآمد.....
۲۴۲.....	واژه کشتی.....
۲۴۶.....	پایان سخن.....
۲۴۶.....	مآخذ.....
۲۴۹.....	بلند آوازی ایرانیان در چوگان بازی (برات محمدی و مجید و صالی).....
۲۴۹.....	درآمد.....
۲۵۰.....	واژه چوگان.....
۲۵۰.....	سیر چوگان بازی.....
۲۵۴.....	شیوه بازی چوگان.....
۲۵۹.....	هدف از بازی چوگان.....
۲۶۰.....	بازتاب چوگان در ادب فارسی.....
۲۶۱.....	پایان سخن.....
۲۶۱.....	مآخذ.....
۲۶۳.....	ورزش و اثرات اجتماعی آن از دیدگاه ملک الشعرای بهار (برات محمدی و مجید و صالی).....
۲۶۳.....	درآمد.....
۲۶۴.....	بهار و ورزش.....
۲۶۸.....	اثرات اجتماعی ورزش از دیدگاه بهار.....
۲۷۰.....	پایان سخن.....
۲۷۱.....	مآخذ.....
۲۷۳.....	فصل ششم

۲۷۳	ورزش در ایران امروز.....
۲۷۳	بازآفرینی و گسترش ورزش باستانی در عرصه‌های داخلی و خارجی (سیدامیر حسینی).....
۲۷۳	درآمد.....
۲۷۵	ورزش باستانی و مروری بر تاریخچه آن.....
۲۷۵	اجرای ورزش باستانی در زورخانه‌ها.....
۲۷۶	نمایش ورزش باستانی در مراسم (ارویک باستانی).....
۲۷۶	مسابقات ورزش باستانی.....
۲۷۷	ریشه‌ها و بنیادهای تاریخی ورزش‌های زورخانه‌ای.....
۲۷۸	شباهت معماری زورخانه‌ها با معابد مهری.....
۲۸۵	سفارش کتاب مینوی خرد.....
۲۸۵	ورزش باستانی در دوران اسلامی.....
۲۸۷	فراز و فرودها در دوران اخیر.....
۲۹۳	فراملی شدن ورزش باستانی.....
۲۹۴	تبیین موضوع.....
۲۹۴	۱. چرا ورزش زورخانه‌ای باید توسعه یابد؟.....
۲۹۴	۲. با توسعه این ورزش چه مشکلی حل خواهد شد؟.....
۲۹۵	۳. این ورزش جای چه چیزی را می‌تواند بگیرد؟.....
۲۹۵	تبیین وضع موجود.....
۲۹۹	عوامل درونی.....
۲۹۹	نقاط قوت.....
۳۰۰	نقاط ضعف.....
۳۰۱	عوامل بیرونی.....
۳۰۱	تهدیدها.....
۳۰۲	فرصت‌ها.....
۳۰۳	معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی به سایر ملل.....
۳۰۳	گروه‌های اجتماعی هدف.....



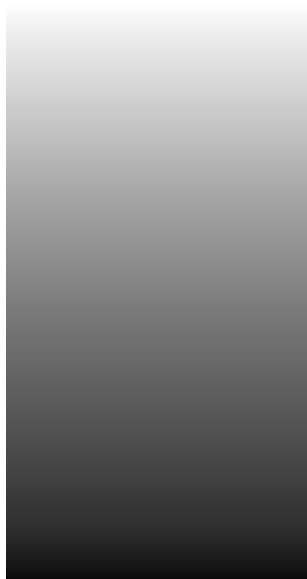
۳۰۴	مناطق جغرافیایی هدف
۳۰۴	رسالت طرح
۳۰۴	چشم انداز تا سال ۲۰۱۵
۳۰۵	اهداف راهبردی
۳۰۵	دوره زمانی
۳۰۶	استراتژی
۳۰۶	اهداف اجرایی
۳۰۸	برنامه های اجرایی اصلی
۳۰۹	برنامه رسانه ای
۳۰۹	برنامه آموزش
۳۱۰	برنامه قهرمانی
۳۱۱	برنامه های اجرایی فرعی
۳۱۱	برنامه های نظارت و ارزیابی
۳۱۲	مآخذ
۳۱۵	حضور ایران در صحنه های بین المللی ورزش (اسماعیل کدخدازاده)
۳۱۷	بازشناسی هویت فرهنگی و اجتماعی ورزش چوگان (بهزاد ایزدی و دکتر هاشم کوزه چیان)
۳۱۷	درآمد
۳۱۸	نام و نشان
۳۱۹	ریشه تاریخی چوگان در ایران باستان
۳۲۰	تداوم بازی چوگان در دوره اسلامی
۳۲۳	چوگان در ادبیات و متون تاریخی
۳۲۵	میدان و قوانین بازی
۳۲۷	مشخصه های زمین چوگان
۳۲۸	شیوه ورزش چوگان
۳۲۸	انواع جریمه های بازی چوگان

۳۳۰	وسائل ضروری سوارکار:.....
۳۳۰	مدیریت جدید و بازشناسی دوباره.....
۳۳۳	پایان سخن.....
۳۳۵	مآخذ.....
۳۳۷	روند تاریخی شکل‌گیری و تحول باشگاه‌های ورزشی در ایران (هدی صابر).....
۳۳۷	درآمد.....
۳۳۸	نخستین کلوب‌های ورزشی.....
۳۳۹	تشکیل نخستین باشگاه‌ها.....
۳۴۱	نخستین تجربه‌های باشگاه‌داری.....
۳۴۳	باشگاه و باشگاه‌داری پس از انقلاب اسلامی.....
۳۴۷	تاریخچه تکواندو در ایران و جهان (داریوش شیخ‌الاسلامی وطنی و...).....
۳۴۷	درآمد.....
۳۴۸	زمینه تاریخی.....
۳۵۴	جمع‌آوری اطلاعات.....
۳۵۴	پایان سخن.....
۳۵۵	مآخذ.....
۳۵۷	فدراسیون اسلامی ورزش زنان.....
۳۵۸	اهداف.....
۳۵۹	مجامع.....
۳۵۹	دوره‌های آموزشی.....
۳۶۱	مسابقات.....
۳۶۱	بازی‌های چهارسالانه.....
۳۶۴	جام همبستگی.....
۳۶۴	کنگره‌ها.....



۳۶۹	انتصابات و عضویت ها.....
۳۶۹	اعضای ناظر و افتخاری فدراسیون.....
۳۷۱	تاریخ ورزش نابینایان در ایران (بهرام جدیدی و زهرا شاهی).....
۳۸۴	مآخذ.....
۳۸۵	هاکی میراث ورزشی ایرانیان (معصومه تهرانچی).....
۳۸۵	درآمد.....
۳۹۰	هاکی روی یخ.....
۳۹۱	هاکی سآلنی.....
۳۹۲	هاکی چمنی.....
۳۹۲	تجهیزات.....
۳۹۳	وسایل مورد نیاز بازیکنان.....
۳۹۳	مسابقات بصورت رده های زیر برگزار می شود.....
۳۹۴	مآخذ.....
۳۹۵	فصل هفتم
۳۹۵	المپیک و تاریخ ورزش در جهان.....
۳۹۵	جنبش المپیک را چه مشکلاتی تهدید می کند؟ (دکتر سید نصرالله سجادی).....
۳۹۵	درآمد.....
۳۹۷	مشکلات ورزشکاران آماتور و حرفه ای.....
۳۹۹	دوپینگ.....
۴۰۰	رشد فوق العاده کشورهای شرکت کننده.....
۴۰۱	مسائل سیاسی.....
۴۰۲	چند پرسش.....
۴۰۳	نمونه ها.....
۴۰۳	برتری طلبی قدرت ها.....

۴۰۴	پیروزشدن و شرکت در بازی‌ها.....
۴۰۵	تعداد درویدادهای رشته‌های ورزشی.....
۴۰۵	پایان سخن.....
۴۰۷	ماخذ.....
۴۰۹	تاریخ ورزش جهان (پروفسور کارل دیم).....
۴۰۹	درآمد.....
۴۱۸	سرچشمه پرستش در ورزش.....
۴۲۸	نگرشی به ورزش در قلمرو طبیعت.....
۴۳۲	جشن‌های موسمی در طول سال.....
۴۳۳	چه نوع ورزشی در عید پاک برگزار می‌شد؟.....
۴۳۷	خصوصیات ورزش.....



پیشگفتار

با وجود پیدایی و گسترش رسانه‌های گوناگون در عرصه اطلاع‌رسانی، کتاب رسانه‌ای است که همچنان رسالت و اهمیت آن در فرایند آموزش و انتقال اطلاعات محسوس و محفوظ مانده است. علمی ساختن فعالیت‌ها، مطلوب همه تلاشگران ورزشی است و نشر کتاب‌های علمی و فنی در حوزه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی سهم بسزایی در روند علمی شدن ورزش کشور دارد.

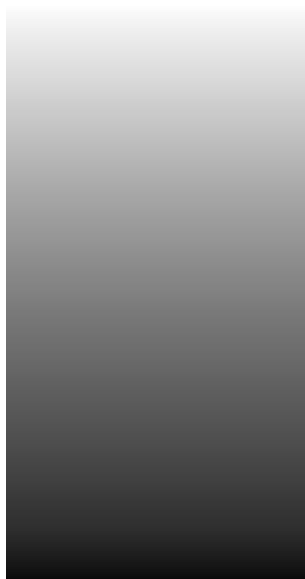
خوشبختانه، انتشار کتاب‌های ورزشی در ایران، در دو دهه اخیر، فزونی چشم‌گیری داشته است. امروزه، ناشران متعددی در بخش دولتی و خصوصی به نشر کتاب‌های ورزشی اقدام می‌کنند که این میزان نسبت به دو دهه گذشته قیاس‌پذیر نیست. از سویی، دانش و فن ورزشی نیز در طی این دوره گسترش بسیاری یافته و بر حیطه‌های تخصصی آن افزوده شده است؛ به گونه‌ای که حجم دانش کنونی در ورزش را نیز با میزان آن در دو دهه پیش نمی‌توان قیاس کرد. یافته‌های تازه تخصصی در حوزه علوم ورزشی هر روز به جهان عرضه می‌شود و این سیر به سرعت ادامه دارد.

کمیتۀ ملی المپیک همواره کوشیده است به منظور افزایش دانش مربیان، دانشجویان و علاقه‌مندان علوم ورزشی، از رهگذر نشر علوم ورزشی، به ویژه در بخش‌هایی که

نیاز بیشتری احساس می‌شود، گام بردارد.

تاریخ ورزش ایران زمین از مهم‌ترین موضوعات پژوهشی است که بایستی مورد تأمل و توجه پژوهشگران عرصه‌های گوناگون علمی به‌ویژه در حوزه‌های علوم ورزشی و علوم انسانی قرار گیرد. کتاب حاضر که در واقع مجموعه مقاله‌ها، گزارش‌ها و سخنرانی‌های نخستین هم‌اندیشی تاریخ ورزش ایران زمین در آبان‌ماه ۱۳۸۵ است، در واقع نخستین تلاش همه‌جانبه در این زمینه به شمار می‌رود و امید است در کنار دیگر پژوهش‌های تاریخی پیرامون تاریخ ورزش ایران مورد استفاده پژوهشگران، ورزشکاران، و همه علاقمندان قرار گیرد.

کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران



سخن نخست

ایران‌زمین گستره‌ای پهناور از میراث‌های مشترک جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و برخوردار از بنیان‌های استوار اجتماعی است که در تداوم تاریخی خود همواره رو به تکامل گذاشته و به گونه‌ها و روش‌های گوناگون، هویت خود را همچنان پاس داشته است. در این سرزمین که فراز و فرودهای سیاسی بسیار و افت و خیزهای بیشمار را تجربه کرده است، فرهنگ و جلوه‌های گوناگون آن همچنان بردوام مانده و مایه قوام و بقا و تکوین‌کننده تمدن درخشان آن در دوران‌های گوناگون تاریخی بوده است. از این‌رو تاریخ این کهن بوم‌وبر راز و رمزهای بسیار در خود نهفته دارد که بایستی با کوشش و تلاش، با قدم و قلم و با محک خرد و دانش به‌سان گذشته به پیشگاه جهانیان عرضه شود. همگان از اثرگذاری ایران در دوران باستان و دوران اسلامی در تکوین تمدن جهانی آگاهند و بر این نکته تأکید دارند که این مرز و بوم از مهم‌ترین خاستگاه‌های اعتلای تمدن در عرصه جهانی بوده است.

ورزش در ایران‌زمین از بارزترین جلوه‌هایی است که این اثرگذاری را نمایان می‌کند. بسا آموزه‌های آیینی و توانمندی‌های ورزشی که از این دیار دیرپای به میان دیگر ملت‌ها و کشورها راه‌یافته و امروز بی‌آنکه نام و نشان ایرانی همراه داشته باشد، با معیارهای کهن فرهنگی، اعم از اخلاقی و ادبی که ریشه در درخت تنور ایران‌زمین

دارد، همگان را بهره‌مند می‌سازد.

در راستای این امر مهم و پسندیده فرهنگی، برای بررسی تاریخ ورزش در ایران و دیگر ملت‌هایی که بر میراث‌های مشترک فرهنگی و تمدنی خود با ایران می‌بالند، آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک بر آن شد تا سلسله هم‌اندیشی‌های تاریخ ورزش را در ایران و در عرصه جهانی، برگزار کند که اکنون ثمره نخستین هم‌اندیشی در پیشگاه پژوهشگران رشته‌های گوناگون، پهلوانان و قهرمانان، و علاقه‌مندان است. مجموعه پیش‌رو دربردارنده مقاله‌های علمی، سخنرانی‌ها، گزارش‌ها و پیام‌های گوناگونی است که به دبیرخانه این هم‌اندیشی ارسال و در ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۸۵ ارائه شد. در تدوین نهایی این اثر سعی بر آن بود تا شیوه هماهنگ تألیف و ارائه در نظر گرفته شود و در این راه بیش‌ترین زحمت بر دوش کارکنان محترم آکادمی بوده و بایسته است مراتب سپاس‌گزاری از همه آن عزیزان و همکاران محترم ایشان در واحد انتشارات کمیته ملی المپیک که نام هریک در بخش‌های مربوطه آمده است، اعلام شود.

حسن باستانی راد

ویراستار و عضو هیئت علمی نخستین هم‌اندیشی

اعضاء هیئت علمی (به ترتیب حروف الفبا):

۱. حسن باستانی راد

(پژوهشگر گروه فرهنگ و تاریخ دفتر پژوهشهای فرهنگی، مدرس دانشگاه،
عضو هیئت علمی)

۲. دکتر ناصر تکمیل همایون

(استاد دانشگاه، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی)

۳. سیدامیر حسینی

(رئیس آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک، دبیر کل فدراسیون بین‌المللی ورزشهای
زورخانه‌ای)

۴. دکتر مهرزاد حمیدی

(استاد دانشگاه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

۵. دکتر محمد حسین رضوی

(استاد دانشگاه، عضو هیئت علمی دانشگاه شمال)

۶. محمد رضا ریاضی

(مدرس دانشگاه و پژوهشگر)

۷. دکتر زهره زرشناس

(استاد دانشگاه، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

۸. دکتر سید عبدالله سجادی

(استاد دانشگاه، رئیس کمیته فنی فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای)

۹. دکتر سید نصرالله سجادی

(استاد دانشگاه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

۱۰. دکترهایده صیرفی

(استاد دانشگاه، پژوهشگر و عضو کمیسیون فرهنگ و آموزش آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک)

۱۱. مهدی عباسی

(تاریخ‌نگار ورزشی و پژوهشگر)

۱۲. اسماعیل کدخدازاده

(تاریخ‌نگار ورزشی و پژوهشگر)

اعضای کمیته‌ها و ستاد اجرایی نخستین هم‌اندیشی:

۱. ریاست: سیدامیر حسینی

۲. دبیر همایش: دکترهایده صیرفی

۳. مدیر اجرایی: شهرزاد کردیچه

۴. امور بین‌الملل: مریم عابدینی، مریم جعفری، ماندانا آجودان گرکانی

۵. کمیته روابط عمومی: آزاده نجفی، محمدرضا ریاحی، بابک اسد، بابک

دهقان

۶. کمیته تشریفات و فوق‌برنامه: نادر حاجی‌عباسی

۷. کمیته مالی: محمود نورهان

۸. پشتیبانی و تدارکات: سیدعباس سعیدی، حمید پابرجا

۹. کمیته آموزش: محمدرضا اویسی

۱۰. کمیته پژوهش: سیدعلی‌رضا حسینی کاخکی

۱۱. دبیرخانه ستاد: مریم فریدار، مژگان جعفری، آرزو شایقان

۱۲. انتشارات: سید محمدصادق حسینی، عمید کماسی، سیدمحمد جمال

حسینی

۱۳. حروف‌نگار: سمیرا تبارکی‌فرد

برنامه نخستین هم‌اندیشی بین‌المللی تاریخ ورزش ایران

مراسم افتتاحیه

- پذیرش ۸:۰۰-۸:۳۰
- آغاز برنامه ۸:۳۰
- اعلام برنامه ۸:۳۰-۸:۳۵
- تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید ۸:۳۵-۸:۳۸
- سرود جمهوری اسلامی ایران ۸:۳۸-۸:۴۰
- خوش آمدگویی، مرشد حاج قاسم خوش هیکل ۸:۴۰-۸:۴۵
- گزارش دبیر همایش، سرکار خانم دکتر صیرفی ۸:۴۵-۸:۵۰
- خیر مقدم جناب آقای دکتر رضا قراخانلو، ریاست محترم کمیته ملی المپیک ۸:۵۰-۹:۰۰
- قرائت پیام‌های رییس و دبیر کل انجمن بین‌المللی تاریخ‌نگاران المپیک ۹:۰۰-۹:۰۵
- قرائت پیام آقای دکتر سید محمد خاتمی ریاست محترم موسسه بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها ۹:۰۵-۹:۱۰

● نكوداشت اساتید، جناب آقایان: داوود نصیری، كاظم كاظمینی و سرکار خانم طاهره لامعی ۹:۴۵-۹:۱۰

محور سخنرانی‌ها: مبانی باستان‌شناسی، تاریخ، ادبیات، مردم‌شناسی، دین، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، فرهنگ و مباحث ملی و بین‌المللی ورزش

نشست یکم:

هیئت ریسه نشست یکم: دکتر محمود بروجردی، محمدرضا ریاضی، سیدرضا سكاکی، دکتر محمد احسانی، دکترهایده صیرفی

سخنرانی‌ها:

- ۱- دکتر جواد کریمی (عضو هیئت علمی دانشگاه کرمانشاه)
۱۰:۲۰-۱۰:۰۵ / نقش ورزش در ایران باستان
- ۲- دکتر زهره زرشناس (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
۱۰:۳۵-۱۰:۲۰ / رستم پهلوان در سغد
- ۳- سلیمان عبدالواخیدف (رییس کمیته ورزش و رییس فدراسیون ورزش زورخانه‌ای تاجیکستان)
۱۰:۵۰-۱۰:۳۵ / از تاریخ ورزش تاجیکستان
- ۴- پروفیسور سیروس جاوید (پژوهشگر و تاریخ نگار ورزش از آلمان)
۱۱:۱۵-۱۰:۵۰ / ریشه‌های بازی‌های المپیک را باید در ایران جستجو کرد

۵- دکتر رحیم رمضانی‌نژاد (عضو هیئت علمی دانشکده تربیت‌بدنی دانشگاه گیلان)

۱۱:۳۰-۱۱:۱۵ بررسی و وضعیت کمی و کاربرد ابزارها و رشته‌های ورزشی در ایران باستان

۶- برات محمدی (دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه اورمیه)

۱۱:۳۰-۱۱:۴۰ / بلند آوازی ایرانیان در بازی چوگان

۷- کرم میرزایی (کارشناس موزه‌داری، موزه ایران باستان)
۱۱:۴۰-۱۱:۵۰ / بررسی نگاره‌های ورزشی در جام ارجان

نشست دوم:

هیئت ریسه نشست دوم: دکتر ناصر تکمیل‌همایون، دکتر سید نصرالله سجادی، استاد عطاءالله بهمنش، دکتر محمود شیخ، استاد علی اکبر محب

سخنرانی‌ها:

۱- دکتر حسن خلجی (عضو هیئت علمی دانشگاه اراک)

۱۴:۰۰-۱۴:۱۵ / تأثیر ایمان و معنویت بر عملکرد ورزشی در اسلام

۲- پروفیسور آنیتا گوش

۱۴:۳۰-۱۴:۱۵ / (استاد دانشگاه هند، پژوهشگر تربیت بدنی، مشاور IZSF، عضو هیئت مدیره ورزش همگانی آسیا) / ورزش در دوره اسلامی از نگاه هند

۳- سیدامیر حسینی (رئیس آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک)

۱۴:۳۰-۱۴:۴۵ / بازآفرینی و گسترش ورزش باستانی در عرصه‌های داخلی و

خارجی

۴- محمد انورخان جکدالک (وزیر مشاور و رئیس کمیته ملی المپیک

افغانستان)

۱۴:۴۵-۱۵:۰۰ / پیوستگی ریشه‌های فرهنگی و ورزشی دو کشور ایران و

افغانستان

۵- دکتر سید نصرالله سجادی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

۱۵:۰۰-۱۵:۱۵ / جنبش المپیک را چه مشکلاتی تهدید می‌کند؟

۶- یونس کرامتی (پژوهشگر در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی)

۱۵:۱۵-۱۵:۳۰ / دیدگاه‌های پزشکان ایرانی و مسلمان درباره نقش ورزش در

بهداشت تن و روان

۷- اسماعیل کدخدازاده (پژوهشگر، عضو دائمی جامعه بین‌المللی تاریخ‌نگاران

المپیک)

۱۵:۳۰-۱۵:۴۵ / حضور ایران در صحنه‌های بین‌المللی ورزش

پرسش و پاسخ / ۱۵:۴۵-۱۶:۰۰

نشست سوم:

هیئت رئیسه نشست سوم: دکتر زهره زرشناس، دکتر سیروس جاوید، سیدامیر

حسینی، دکتر مهرزاد حمیدی، بهرام افشارزاده

سخت‌نرانی‌ها:

۱- دکتر ناصر تکمیل همایون (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

۱۶:۳۰-۱۶:۱۵ جایگاه ورزش در فرهنگ ملی ایرانیان

۲- دکترهایده صیرفی (مدرس در دانشگاه، پژوهشگر و عضو کمیسیون فرهنگ و آموزش آکادمی ملی المپیک)

۱۶:۳۰-۱۶:۴۰ / کشتی بستن و کشتی گرفتن: گفتاری پیرامون واژه کشتی و راه‌یافتن آن در ورزش

۳- ام. تی. فرناندو (دبیر کل فدراسیون کبدی و زورخانه سریلانکا)

۱۶:۵۵-۱۶:۴۰ / ورزش و پیوندهای فرهنگی

۴- محمدرضا ریاضی (مدرس در دانشگاه، پژوهشگر)

۱۷:۱۰-۱۶:۵۵ / بررسی نگاره‌های ورزشی در جام حسنلو

۵- معصومه تهرانچی (پژوهشگر)

۱۷:۱۰-۱۷:۲۵ / تاریخچه ورزش زنان در ایران

۶- دکتر ابوالفضل فراهانی (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور)

۱۷:۴۰-۱۷:۲۵ / بررسی بازی‌های بومی و محلی استان سیستان و بلوچستان

۷- هدی صابر (پژوهشگر)

۱۷:۵۵-۱۷:۴۰ / روند تاریخی شکل‌گیری باشگاه‌های ورزشی در ایران

پرسش و پاسخ / ۱۸:۰۵-۱۷:۵۵

جمع‌بندی نهایی، هیئت ریسه نشست سوم / ۱۸:۱۵-۱۸:۰۵

مراسم اختتامیه، سپاس‌گزاری و اهداء لوح: ۱۸:۱۵

فهرست مقاله‌های پوستر (بر اساس حروف الفبا):

۱. آداب و آیین‌های ورزشی از دیدگاه مردم‌شناسی در فرهنگ ایران زمین
(سوزان شمس لاهیجانی، کارشناس ارشد مردم‌شناسی، مدرس دانشگاه)
۲. آشنایی با تمدن جیرفت به عنوان یکی از خاستگاه‌های بازی فکری در ایران
(فرزانه پوراسدی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا)
۳. امام علی الگوی ورزش ایران
(کامران شرفشاهی، موزه ایران باستان)
۴. اهمیت و ضرورت بازشناسی هویت فرهنگی و اجتماعی ورزش چوگان
(دکترهاشم کوزه‌چیان، هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و بهزاد ایزدی، کارشناس ارشد تربیت بدنی)
۵. بازی‌ها و ورزش‌های بومی محلی استان ایلام
(دکتر رامین بلوچی، عضو هیئت علمی دانشگاه)
۶. بررسی تحولات فرهنگی ورزش زورخانه‌ای در ایران
(دکتر رحیم رمضانی‌نژاد، سید محمد نیازی، جواد مهربانی دانشگاه گیلان)
۷. بررسی سیر تحول پژوهش‌های ورزشی در ایران
(اسماعیل شریفیان، دانشجوی دکترای تربیت بدنی دانشگاه تربیت مدرس)

۸. بررسی علمی و عملی پیشینه ورزش‌های رزمی در ایران باستان بنابر نگاره‌های ورزشی و آثار و اشیاء میراث فرهنگی

(مهدی امیدی جعفری، عضو انستیتو جهانی تحقیقات و پژوهش برای توسعه و احیاء ورزش رزمی پانکریشن)

۹. بررسی نقش حامیان مالی، کلوپ‌های ورزشی و گروه‌های داوطلب در حضور ایران در عرصه‌های بین‌المللی ورزشی

(دکتر مهرداد محرم زاده، عضو هیئت علمی تربیت‌بدنی دانشگاه ارومیه)

۱۰. پیشینه ورزش‌های کشتی، بوکس و غواصی

(لیلا دهباشی - زیر نظر استاد محمدرضا ریاضی)

۱۱. تاریخچه تکواندو در ایران و جهان

(داریوش شیخ‌الاسلامی وطنی دانشجوی دکترای فیزیولوژی ورزشی، عضو هیئت علمی و مسئول کمیته تحقیق و پژوهش فدراسیون تکواندو)

۱۲. تاریخچه حضور مربیان خارجی در فوتبال ایران

(دکتر محمد اسماعیل افضل پور، عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند)

۱۳. تاریخچه ورزش بانوان کشورهای اسلامی

(سهیلا قاسمی - فدراسیون بانوان کشورهای اسلامی)

۱۴. تاریخچه ورزش تیر و کمان

(کریم صفایی - فدراسیون تیر و کمان)

۱۵. تاریخ زورخانه‌های کاشان

(مهدی عباسی، پژوهشگر تاریخ)

۱۶. تاریخ ورزش نایبانیان در ایران

(بهرام جدیدی، زهرا شاهی)

۱۷. هاکی میراث ورزشی ایرانیان

(معصومه تهرانچی، نایب رئیس فدراسیون هاکی)

۱۸. جایگاه و نقش اخلاق در ورزش

(حسین اکبری‌یزدی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی در ورزش)

۱۹. جایگاه و نقش اخلاق در ورزش

(خداداد الله‌وردی، دبیر فدراسیون ورزش‌های بیماران خاص)

۲۰. فدراسیون کبده جمهوری اسلامی ایران

(محمدرضا مقصودلو، رئیس فدراسیون کبده جمهوری اسلامی ایران)

۲۱. کشتی میراث جاودان

(زهرا باصری - کارشناس ارشد بخش مهر و سکه موزه ملی)

۲۲. مطالعه تطبیقی تاریخ تربیت‌بدنی و ورزش ایران، قبل و پس از اسلام

(دکتر محمد رضا اسماعیلی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی)

۲۳. مقایسه ویژگی‌های جسمانی، رزمی و عقلی پهلوانان در شاهنامه

(دکتر رحیم رضائی‌نژاد، استادیار گروه تربیت‌بدنی دانشگاه گیلان)

۲۴. نظام‌های تربیت‌بدنی در ایران باستان

(تکتم نعمتی، دانشجوی دکترای تربیت‌بدنی)

۲۵. ورزش و اثرات اجتماعی آن از دیدگاه ملک‌الشعراى بهار

(برات محمدی / مجید وصالی، کارشناس ارشد ادبیات دانشگاه اورمیه)

فصل یکم

درآمدی بر تاریخ ورزش در ایران زمین

گزارش دبیر همایش

دکتر هایده صیرفی

از همان هنگام که نخستین انسان آفریده شد و سپس نخستین زوج بشری، یا همچون "مشی و مشیانه" از زمین روید و یا همچون "آدم و حوا" از خاک سرشته شدند و در پهنه‌ای به نام زمین زیستن را آغاز نهادند، آفرینش به کمال رسید.

دراساطیر ایرانی آمده که نخستین کنش مشی و مشیانه پس از آفرینش این بود شدند که بیندیشند (بندهش، ص ۸). در قرآن کریم آمده که: "خدا انسان را از صلصال خشک آفرید (سوره رحمن، آیه ۱۴) ... و سپس به او گفت: "باش، پس بود." (سوره آل عمران - آیه ۵۹) ... و انسان را خلق کرد و به او تعلیم نطق و بیان داد." (سوره رحمن، آیات ۳ و ۴).

انسان با اندیشه و نطق و بیان در دوران‌های گوناگون، چه به گونه اساطیری و چه به شکل تاریخی؛ ایرانی چه با روایت سینه به سینه و چه با نگاریدن، گذشته دور خود را بیان کرد.

تاریخ، علم کشف رخدادهای گذشته از نظر موضوعی، مکانی، زمانی، مادی و معنوی است و تاریخ ایران زمین سرگذشت مردمانی است که آن را کرانه‌مندی نیست و هدف از برگزاری چنین هم‌اندیشی‌هایی دستیابی به چگونگی زیستن و چرایی آداب و آیین‌های مردمان در دوره‌های گوناگون در درازنای زندگی بشری است. در گزارشی کلی از روند شکل‌گیری و اقدامات انجام شده توسط گروه‌های علمی و اجرایی این هم‌اندیشی از آغاز تا بدین جا باید گفت که:

خرسندیم که توانستیم توجه اساتید و پژوهشگران را علاوه بر رشته تربیت‌بدنی در رشته‌های گوناگون مانند: تاریخ و فرهنگ، باستان‌شناسی، ادبیات و هنر، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، دین و فلسفه و مباحث بین‌المللی که مبانی سخنرانی‌ها و پوستره‌های این هم‌اندیشی را تشکیل می‌دهند جلب کنیم و نقش و جایگاه عظیم ورزش را در حد توان در همه حیطه‌ها مورد بررسی قرار دهیم.

- گام نخست قبول دعوت ۱۵ نفر از اساتید در حوزه‌های گوناگون علمی و فرهنگی و نیز صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران ورزشی کشور از گروه‌های مختلف ورزشی بود که بسیاری از آنان پیش‌کسوتان این حوزه هستند. حضور شایان و روی‌گشاده‌ی این متخصصان و اساتید در فرایند برگزاری پنج جلسه کمیسیون نخستین هم‌اندیشی تاریخ ورزش در محل آکادمی و بنا نهاده شدن اهداف و محورهای آن ارزش خاصی به این هم‌اندیشی بخشید.

پس از اعلام فراخوان حدود ۸۰ مقاله به دبیرخانه ارسال شد که تعداد ۷۳ مقاله داخلی و ۷ مقاله خارجی بود. در کل ۹۸ درصد چکیده مقالات ارائه شده بر اساس محورهای پژوهشی بود. همچنین حضور اعضای هیات علمی و دانشجویان در ارائه مقاله در این هم‌اندیشی درخور توجه است.

● گام بعدی ارزیابی چکیده مقالات توسط کمیته علمی بود که در این مرحله چکیده مقالات که بر حسب موضوعی دسته‌بندی شده بودند (بدون نام)، در اختیار اعضای کمیته علمی قرار گرفتند و داوران محترم برای هر چکیده بر اساس ملاک‌های مورد نظر هم‌اندیشی نمره‌ای از ۱ تا ۱۰ در نظر گرفته و چکیده‌ها را مورد بررسی قرار دادند که در نهایت تعداد ۴۹ چکیده مقاله از میان ۸۰ مقاله به مرحله‌ی بعدی راه یافتند.

● گام آخر گزینش نهایی مقالات توسط کمیته علمی بود که در این مرحله طی دو نشست ویژه مقاله‌های دریافت شده مورد ارزیابی نهایی داوران محترم قرار گرفتند و با توجه به یک روزه بودن همایش تعداد ۲۱ مقاله که از آن میان ۵ مقاله خارجی (از کشورهای تاجیکستان، افغانستان، هندوستان، آلمان و سریلانکا) است به صورت سخنرانی و تعداد ۲۵ مقاله به صورت پوستر برای ارائه در همایش در نظر گرفته شد.

البته شرکت کنندگان در سمینارهای علمی به خوبی واقف‌اند که ارزش علمی ارائه شفاهی و پوستر، یکسان است.

در پایان لازم می‌داند تا مراتب سپاس خود را از همه کسانی که در این راه یاری کردند اعلام دارد؛ ریاست محترم کمیته ملی المپیک، ریاست محترم آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک، پژوهشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان تربیت‌بدنی و همکاری‌های صمیمانه فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای، پژوهشکده مردم‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، کمیته ملی المپیک تاجیکستان، کمیته ملی المپیک افغانستان، و همه اساتادان، متخصصان، پیشکسوتان و قهرمانان عرصه‌های گوناگون و تاریخ‌نگاران ورزشی و پژوهشگرانی که با ارائه مقاله و حضور

خود بر بار علمی و فرهنگی این هم‌اندیشی افزوده‌اند و نیز اعضای محترم کمیته‌های علمی و اجرایی که حضورشان سبب برپایی این حرکت ارزنده گردید، به‌ویژه مدیران و مسئولان محترم اجرایی و مسئولان محترم روابط عمومی، دبیرخانه، امور پژوهش، آموزش و امور بین‌الملل آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک و... که ذکر نام همه آن عزیزان در این فرصت کوتاه نمی‌گنجد، تشکر و قدردانی می‌نمائیم.

امید می‌رود برگزاری نخستین هم‌اندیشی بین‌المللی تاریخ ورزش ایران و در پی آن دومین که در آینده نه چندان دور برگزار خواهد شد، گامی بلند در راستای شناخت بیش‌تر ریشه‌های تاریخی و علمی‌تر شدن ورزش کشور باشد.

پیام سید محمد خاتمی

رئیس مؤسسه بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها

از ساده‌ترین دوره‌های تمدن بشری تا پیچیده‌ترین آنها، «ورزش» همواره مقوله‌ای مهم و تأثیرگذار در ارتباطات میان فرهنگی بوده و هست. هر وجهی از حیات جمعی که ظرفیت آفرینش، انتقاد و دریافت فرهنگی را داشته باشد زمینه و وسیله‌ای برای تعامل و تبادل میان فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست و چه زمینه و وسیله‌ای توانمندتر از «ورزش» که عهده‌دار این مهم باشد.

خوشحالم که آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک جمهوری اسلامی با برگزاری نخستین هم‌اندیشی بین‌المللی تاریخ ورزش در گستره فرهنگی ایران زمین بابتی به روی پژوهش درباره نسبت میان تمدن، فرهنگ و ورزش گشوده است. تردیدی نیست که ورزش هم به صورت همگانی و هم در پهنه قهرمانی آن، در حوزه فرهنگ ایرانی و اسلامی امکان شکوفایی و بالندگی فراوان داشته و متقابلاً امکانی نیز برای گسترش و ارتقای فرهنگ دینی و ملی بوده است. در آیین ما «خرد ورزی مطلوب، محصول سلامت تن» و در فرهنگ ملی ما «راستی و درستی، نتیجه نیرومندی» است، پس برای دوری از کژری و کاستی باید به ورزش که کاهنده سستی است، روی آورد؛ همچنین سرآغاز پیوندهای وثیق و عمیق ورزش و فرهنگ است.

از یاد نبریم که انعکاس گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در گستره ورزش، نه مقوله‌ای صرفاً تاریخی و نه محدود به حوزه‌های تمدنی و فرهنگی گذشته است. ورزش در زمره زنده‌ترین و روزآمدترین حوزه‌های گفت و گوی تمدن‌های زنده و فرهنگ‌های روز آمد است.

امروز حتی بخش‌های نخبه‌گرا و سرآمدان هر فرهنگی همان‌قدر به ورزش وابسته و دلبسته‌اند، که بخش‌های عمومی و سازندگان فرهنگ عامه؛ به همین سبب است که اخلاق و ورزش، دین و ورزش، فرهنگ و ورزش، سیاست و ورزش، هنر و ورزش، اقتصاد و ورزش و جامعه و ورزش، موضوع‌های ملموس و اجزای زندگی جدید همه شهروندان و جوامع توسعه‌یافته و در حال گذارند. پس اگر در پی تبیین و تدوین اندیشه‌ها و راهبردهای نو برای زیستن مؤثر در دنیای معاصر هستیم باید در افق گفت و گو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها که چاره‌ای اساسی برای این نیاز است، نقشی ویژه برای «ورزش» بیابیم. امید آنکه این مهم با تلاش‌های ویژه نهادهای مدنی، مراکز علمی و مؤسسات فرهنگی در سطوح ملی و بین‌المللی سامان و سازمانی مناسب یابد. هرچه بیش‌تر رویم، بیش‌تر به «گفت و گو» نیازمند می‌شویم و «گفت و گو» در عالم واقع به طرفینی توانا وابسته است که هم گوشی برای شنیدن و هم زبانی برای گفتن داشته باشند. بکشیم این گوش و زبان را در عرصه گفت و گو و ورزش توانا‌تر کنیم و افقی تازه در این عرصه هم به روی «خویش» و هم به سوی «دیگری» بگشاییم.

ان شاء الله

پیام دکتر رضا قراخانلو

رئیس کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران

ایران زمین از دیرباز خاستگاه تمدن و فرهنگ غنی و ریشه‌دار بوده که نقش مؤثر و مهم آن بر جریان علم و فرهنگ گستره عالم بر کسی پوشیده نیست.

ایرانیان که از دیرباز (بنا به قول مورخان یونان قدیم) به راستی، دوستی، قدرت، شهامت، چابک‌سواری و تیراندازی مشهور بوده‌اند، پس از پذیرش تشنه‌گونه اسلام عزیز نیز نقش تأثیرگذار خود را بر علوم مختلف بیش از گذشته ایفا نموده و دانشمندان بزرگی را تحویل جامعه بشریت دادند، اندیشمندانی که همگی جزء پیشگامان و مشاهیر علوم چون ریاضیات، شیمی، فیزیک، نجوم، طب و... به شمار می‌روند.

امروزه نیز ملت ایران به مدد همین پشتوانه عظیم تاریخی و فرهنگی گام در مسیر پیشرفت‌های علمی گذاشته و عزم خود را جهت فتح قله‌های رفیع علمی جزم کرده است. یکی از علوم که با وجود نوپا بودن به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته، علوم ورزشی است، به طوری که با توجه به تعامل و ارتباط تنگاتنگ ورزش با علوم تجربی، شاهد اثرگذاری ورزش بر این علوم و همچنین اثربخشی این علوم از ورزش هستیم. کسب مدال‌های مختلف از مسابقات آسیایی، جهانی و المپیک در سالیان اخیر

خود گویای این مدعاست که سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی و سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به عمل آمده در این بخش از حیث ورزش قهرمانی قابل توجه بوده و به نتایج نسبتاً خوبی منجر شده است. اما آنچه که به نظر می‌رسد کمتر مورد اهتمام و توجه قرار گرفته، بخش علوم انسانی ورزش به طور اعم و تاریخ ورزش به طور اخص است. به طوری که علی‌رغم پشتوانه عظیم تاریخی ایران در زمینه ورزش و فعالیت بدنی، آثار مکتوب، تحقیقات و مطالعات ناچیزی در این زمینه انجام شده است. حال آنکه شواهد مستند و مستدل قابل توجهی از کتب و منابع تاریخی گرفته تا سنگ نبشته‌ها و لوح‌های باستانی در دست است که به روشنی گویای ریشه‌های تاریخی ورزش در ایران به شمار می‌روند. امید است با برگزاری چنین همایش‌هایی گامی مؤثر در جهت تقویت بنیه‌های علوم انسانی ورزش برداشته شود و پرچم‌داری ایرانیان در گذشته ورزش، تمام دست اندرکاران را برای پیشتازی در آینده ترغیب و امیدوار کند.

پیام دکتر کارل لنارتز و آنتونی بیکرک

رییس و دبیر کل جامعه بین‌المللی تاریخ‌نگاران المپیک

کمیته ملی المپیک ایران در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد؛ یک سال بعد ایران برای نخستین بار در بازی‌های المپیک ۱۹۴۸ لندن شرکت کرد و موفق به اخذ اولین مدال خود در رشته وزنه‌برداری توسط جعفر سلماسی شد. در طی چند دهه گذشته به دعوت آکادمی بین‌المللی المپیک، چندین نفر از جوانان و دانشجویان ایران در دوره‌های آموزشی جوانان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی آکادمی بین‌المللی المپیک در آتن شرکت کردند.

کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران از اعضای انجمن بین‌المللی تاریخ‌نگاران المپیک به شمار آمده و سال‌هاست که رابطه بسیار شایسته‌ای میان این دو مرکز برقرار می‌باشد.

در چنین روزی، ۲۰ نوامبر ۲۰۰۶، آکادمی ملی المپیک ایران نخستین هم‌اندیشی تاریخ ورزش ایران را برگزار خواهد کرد.

ضمن قدردانی از دعوت آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک برای حضور در این همایش به اطلاع می‌رسانیم متأسفانه به دلیل همزمانی با برنامه‌های دیگر، نمی‌توانیم در

این همایش شرکت کنیم. اما در این لحظه، آرزو می‌کنیم که این نخستین هم‌اندیشی، شروع خوبی باشد و مباحث ثمربخشی ارائه گردد و در آینده، همایش‌های موفقیت‌آمیز بیشتری در این زمینه برگزار شود.

پیام سیدامیر حسینی

رئیس آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک

آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک جمهوری اسلامی ایران در خردادماه ۱۳۸۱ با حضور رئیس کمیته بین‌المللی المپیک، جناب آقای دکتر ژاگروگ، افتتاح شد. آکادمی مرکزی فرهنگی، علمی و پژوهشی است که برای آماده‌سازی قهرمانان ورزشی در بازی‌های آسیایی، المپیک، و رویدادهای ورزشی جهانی اقدامات علمی و فرهنگی را سامان می‌دهد.

از مأموریت‌های مهم آکادمی مستندسازی تاریخ ورزش در ایران است که برگزاری همایش‌های گوناگون فرهنگی، علمی و هنری را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده تا از این نظر به بازشناسی هویت تاریخی و مستندسازی توانمندی‌های ایرانیان در گذشته و حال همت گمارد.

از آنجا که درباره تاریخ ورزش و المپیک، به‌ویژه یونان، پژوهش‌های گوناگون انجام شده است، اما درباره تاریخ ورزش ایران تحقیقات علمی و در خور پیشینه تاریخی و فرهنگی این دیار به انجام نرسیده است، همواره انجام این موضوع دغدغه این آکادمی بوده است. برگزاری همایش‌های تاریخ ورزش در گستره فرهنگی ایران‌زمین نیز در همین راستا انجام گرفته است. اکنون نخستین همایش پیرامون بازشناسی و

مستندسازی تاریخ ورزش در ایران، با ارائه مقالات و پژوهش‌های محققان ارجمند در عرصه بین‌المللی در واقع نخستین تجربه پیش‌رو است. امید است این همایش مقدمه‌ای باشد برای همایش‌های بعدی در حوزه تاریخ ورزش ایران زمین.

فصل دوم

ورزش در ایران باستان

شناسایی نگاره‌های ورزشی در جام ارجان

کرم میرزایی^۱

درآمد

ورزیدگی بدنی و ورزش در گذشته و حال زمینه سلامت جسمانی و روانی بشر را به دنبال داشته و عاملی برای بهره‌گیری از زندگی بهتر و لذت از زندگی بوده است.

آنچه مسلم است مفاهیم و برداشت امروزه از ورزش و حرکات ورزشی، با درک بشر باستانی از این مفاهیم تفاوت کرده است. اما هدف مشترک، همان تقویت قوای جسمانی و نشاط روحی است. ورزش در گذشته جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشری به‌شمار می‌آمد. به‌طوری که با زندگی روزمره، عجین و همراه بوده است. آنچه از یافته‌های بشر نخستین به‌دست آمده نشانگر آن است که، انسان برای بقا به بهره‌گیری از طبیعت پرداخته و در صورت نیاز به مقابله با قهر طبیعت، محتاج به انجام حرکات و رفتارهایی بوده

۱. کارشناس موزه‌داری در موزه ایران باستان

است تا تواناییهای خود را افزایش دهد. شکار حیوانات وحشی، تیراندازی، جابجایی، کشاورزی، نبردهای تن به تن و... نمونههایی از کارهای انسان اولیه است.

جشنها و آیینهای ملی و مذهبی که در زمانهای آرامش، مواقع پیروزی بر دشمن، برگزاری مناسک مذهبی و برای رفع نیاز برپا می‌شدند، همیشه با انجام حرکات نشاط‌آور و تفریحی افرادی همراه بود و کسانی که، بیشتر از دیگران به تواناییهای جسمی و روحی خود پیبرده بودند و با تقویت آن سعی در بهره‌برداری و اجراء آنها میکردند.

شاید آنها بر این باور بودند که، برگزاری رقابتهایی میان افراد و علاقه‌مندان، تقویت قوای بدنی، ایجاد انگیزه برتری جویی، والا طلبی، حس قدرت و اعتماد به نفس و انتقال شادی و توانایی به دیگران مؤثر است.

نگارهای بهدست آمده از آثار گوناگون، گویای اهمیت برگزاری این مراسم در میان تمدنهای پیشین است. نگارهای به جا مانده از دورانهای گذشته ایران که نمونههای قدیمتر آن نقاشی‌هایی بر دیواره غارهای باستانی (دوشه، هومیان و میرملاس) در لرستان، نگارهای صخره‌ی، مهرها، لوحها، نگارهای منقوش بر روی سفالینه‌های یافت شده مربوط به پیش از تاریخ در شوش، سیلک، شهر سوخته زابل، شهداد و... پویایی و تحرک انسان را به نمایش میگذارند. همچنین در دورانهای متاخرتر در برنزهای یافت شده از لرستان، حجاریهای هخامنشیان، نقاشی‌های بهجا مانده از اشکانیان و نگارهای فراوانی که بر روی آثار دوره ساسانیان در موزهها دیده می‌شود، همه گویای این واقعیت هستند که ورزش و آمادگی بدنی از موضوعات مهم زندگی بشری در دوران باستان است.

از یادگارهای ارزنده بهجا مانده از فرهنگ بشری، که گوشه تاریکی از زندگی گذشتگان را برای ما روشن می‌سازد، نگارهای جام ارّجان است. در این مقاله تلاش

شده است تا با بررسی و مطالعه بیشتر، زمینه آشنایی با ارّجان را فراهم آورد.

پیشینه تاریخی ارّجان

این منطقه در زمان حکومت ایلامیان از مراکز قدرت و با اهمیت بهشمار میرفت، به گونه‌ای که بیافتن آثار گوناگون و نیز آرامگاه منسوب به کیدین هوتران^۱ فرمانروای عیلامی این امر بیشتر آشکار شده‌است.

ارّجان Arrjan یا ارگان Argan شهر قدیم فارس، بر حاشیه رود مارون نزدیک شهر بهبهان واقع است. در زمان ساسانیان استان پارس به پنج کوره یا خره (ناحیه) بخش می‌شد. کوره استخر، اردشیرخوره، دارابگرد، بیشاپور و ارّجان. کوره ارگان یا ارّجان سمت مغرب فارس یعنی بهبهان تا گناوه را شامل می‌شده است.

در هر حال نام ارّجان از شهر قدیمیتری گرفته شده است. به قول جغرافیدانان اسلامی ارّجان تا پایان قرن هفتم قمری مرکز ایالتی بههمین نام در غربترین ایالات پنجگانه فارس بوده‌است. و شهر ارّجان را شهری وسیع، آباد و دارای بازارهای عالی گفته‌اند. شهر در قرن هفتم مورد حملات و تاراج اسماعیلیان واقع شد و سرانجام بدست آنان افتاد و دیگر رونق نگرفت و مردم آن به شهر مجاور یعنی بهبهان کوچیدند.

در سال ۱۳۶۱ خورشیدی، در هنگام خاکبرداری از این محل و در ده کیلومتری شمال بهبهان دخمه‌هایی پیدا شد که مربوط به آرامگاهی از تمدن عیلام بود. یافته‌های تازه و اشیاء نفیس و گرانبهائی که از داخل آن بهدست آمد، شور و هیجانی در میان محافل علمی بهجود آورد. باستانشناسان در این آرامگاه به تابوت برنزی U شکلی برخوردند، که درون و بیرون آن اشیاء مختلفی قرار داشت. اشیائی که علاوه بر اسکلت درون تابوت، عبارت بودند از: یک حلقه طلایی، نود و هشت دکمه طلایی، یک خنجر،

^۱ Kitin Hutran

تکه‌های پارچه و یک میله نقره‌ای. دیگر یافته‌ها از بیرون تابوت بدست آمد و شامل: یک پایه برنزی، یک چراغ برنزی، یک تنگ نقره‌ای، یک تنگ برنزی، یک ساغر برنزی و ده ظرف استوانه‌ای شکل برنزی بود.

جام ارّجان

اندازه قطر دهانه این جام بزرگ که به جام زندگی نیز معروف است. ۴۳/۵ سانتیمتر و عمق آن ۸/۵ سانتیمتر است. درون ظرف با ظرافت و استادی از نگاره‌های گوناگون منقوش شده است به‌طوری که تمام ظرف را دربرگرفته است.

بررسی و شناخت این نگاره‌ها نیاز به مطالعات وسیع در زمینه‌های مختلف دارد، متأسفانه قسمتی از این نقوش از بین رفته و پاک شده و نامشخص است و این امر شناسایی بهتر نگاره‌ها و ارتباط آنها به همدیگر را دشوار می‌کند. اما با تلاش کارشناسان بیشتر این نگاره‌ها شناسایی شده‌اند.

تحلیل نگاره‌های جام ارّجان

همان گونه که در تصویر (۱) آمده، نگاره‌های این ظرف در پنج نوار و یک بخش میانی نقش شده‌است، که هر نوار توسط زنجیرهای از نوار دیگر جدا شده است. پهنای نوارها از لبه ظرف به مرکز آن پیوسته کمتر می‌شود. و در مرکز ظرف نقش گل ۱۶ برگی دیده می‌شود. نگاره‌هایی زنجیرهای نیز به‌صورت گیسبافت و قیطانی سه‌گانه در هم تابیده در میان نوارها نقش شده‌اند.

نگاره‌های نوار اول: این نوار بیرونی‌ترین نوار جام است که بیشترین نگاره‌ها در آن قرار دارند. به طور کلی این نوار دارای دو صحنه است. نگاره‌های صحنه یکم؛ شامل:

– نگاره‌های طبیعی، درختان، صخره‌های پولکی شکل

- صحنه‌های میهمانی آئینی با نقش دو زن و دو مرد در طرفین میز با دو کوزه بر روی آن.

- حالت نوشیدن احتمالی شاه از ساغر

- صحنه نوازندگان در پرتو نور خورشید.

صحنه دوم:

تصویر مرد، احتمالاً شاه، به همراه اسب و گل لوتوس در آن

ارابه دو اسب با دو سوار همراه دو حیوان

هفت مرد در حال حمل حیوانات گوناگون از جمله غزال، شیر،

قوچ، بزکوهی و آهو

نوار دوم: این نوار شامل دو صحنه اصلی است که در طرفین نقش قلعه‌های قرار گرفته‌اند و هر دو صحنه به نیزاری ختم میشوند. قلعه از یک برج اصلی به دروازه ورودی و چهار برج فرعی در طرفین آن تشکیل شده است. برج و بالای قلعه با روزنه‌های محل پرتاب تیر تزئین شده‌اند.

- در سمت راست قلعه، صحنه‌ای که از نیزار و با نقش دو حیوان چهار پا، احتمالاً اسب، آغاز می‌شود.

- مرد کماندار با وسیله‌های گرز مانند در پی ارباهای حامل سه نفر

- به آب انداختن قایق

صحنه دوم:

صحنه به تخت نشستن قاضی (مجلس قضاوت؟)

تنبیه و گوشمالی اسرای دست بسته

صحنه نخلستان و جمع‌آوری خرما و حصیربافی

صحنه رقص ویا نوعی زورآزمایی دو مرد که هریک بایک دست پای خود را گرفته‌اند.

صحنه شکار و صید پرندگان

نوار سوم: نقوش این نوار که تماماً بیان‌کننده یک ماجرا می‌باشند، مراسم آوردن هدایا به حضور شاه را نشان می‌دهد.

نوار چهارم: نقوش این نوار عمدتاً چهار صحنه گوناگون را که در ارتباط بایکدیگرند نشان می‌دهد. (تصویر ۲)

به تخت نشستن پادشاه

میهمانی پادشاه

انجام حرکات ورزشی توسط ۱۲ نفر

(بالانس زدن، پل زدن، و سه صحنه آکروباتیک)

صحنه نوازندگان در حال نواختن چنگ

صحنه پخت و پز و خبازی

نوار پنجم: نگاره‌های این نوار حرکت به سمت چپ شیر و گاو را به دنبال هم نشان می‌دهد که در سرتاسر نوار تکرار شده‌اند.

بخش میانی جام با نگاره گل لوتوس با ۱۶ برگ، آراسته شده‌است (تصویر ۳).

نگاره‌های ورزشی جام ارّجان

شماری از این نگاره‌ها به برگزاری مراسم‌های آیینی و اجرای حرکات ورزشی اختصاص دارد. این نگاره‌ها در نوار چهارم جام ارّجان قرار دارند. اکنون برای مطالعه بیشتر به آنها اشاره می‌شود (تصویر ۴).

تصویر (۵) یک گروه ورزشی متشکل از سه نفر که دو نفر در حالی که شیبای تخته مانند (ریسمان) را در دست گرفته‌اند و نفر سوم در حال راه رفتن و انجام حرکات ورزشی بر روی آن است بدیهی است انجام دادن این حرکات نیاز به حفظ تعادل، تمرکز و قدرت بدنی در سطح بالایی دارد.

در تصویر (۶) این نگاره نیز به‌صورت گروهی (سه نفره) و ترکیبی اجرا می‌شود؛ یکی از افراد گروه پاهای خود را بر روی دو تکه چوب گذاشته (متصل کرده) در حال راه رفتن است. به‌نظر می‌رسد دو نفر دیگر در حفظ تعادل به او کمک می‌کنند، شاید هم بخشی از بازی گرفتن و یا دادن چوبها به‌دست او باشد.

در تصویر (۷) این نگاره در نوار دوم جام نقش شده است و دو مرد را نشان می‌دهد در حالی که، هریک از آنها یکی از پاهای خود را گرفته و با حالت لیلی با رقیب مقابل در حال زورآزمایی است. امروزه این گونه مسابقات زورآزمایی در میان جوامع روستایی به اشکال گوناگون دیده می‌شود. با توجه به نوع پوشاک به کار رفته در این نگاره، با آنچه در میان ورزشکاران ورزشهای باستانی مرسوم است، شباهت دارد. این ورزش ترکیبی از قدرت بدنی، تمرکز ذهنی و حفظ تعادل است. بدیهی است که، ورزشکاران برای برنده شدن باید واجد این ویژگیها باشند.

تصویر (۸) حالت مردی را نشان می‌دهد که شیبای را پرتاب می‌کند. این نگاره چگونگی پرتاب یک نیزه را نمایش می‌دهد.

در تصویر (۹) این نگاره در نوار سوم جای دارد و مردی را نشان می‌دهد که افسار

اسب را میکشد. این نگاره یادآور سنت پرورش اسب در هزاره اول پیش از میلاد، در ایران است و همچنان که می‌دانیم یاریگر انسان در زندگی روزمره، جنگها، سوارکاری و... است.

تصویر (۱۰) به آب انداختن قایق را نشان می‌دهد، این نگاره به‌طور ناقص به‌جا مانده است. ولی گروهی از افراد را نشان می‌دهد در حالی که به همدیگر کمک میکنند تا قایقی را به آب اندازند.

تصویر (۱۱)، این نگاره در اولین نوار جام ارجان منقوش شده و تصویر یک ارابه با دو اسب را نشان می‌دهد. اربهرانان دو نفر هستند که یکی از آنها سکان هدایت ارابه را بر عهده دارد و دیگری حیوانات شکارشده را نگهداشته است. این نگاره، شاید نشان‌دهنده بخشی از یک مسابقه باشد که طی آن افراد ضمن شکار حیوانات باید به سرعت خود را به خط پایان برسانند. بدیهی است که این رقابت هیجانانگیز دو نفره علاوه بر چیره دستی در شکار، تیراندازی و تمرکز، نیاز به مهارت در اربهرانی دارد.

پایان سخن

امروزه ورزش یک ضرورت اجتماعی است که پرداختن به آن، در میان جوامع بشری روز به روز افزایش می‌یابد. گوناگونی ورزشها، شیوههای پرداختن به ورزش و پیچیدگیهای آن، ما را با پرسشهای اساسی مواجه می‌کند که؛ آیا ورزش پدیده‌ای نو در میان فرهنگهاست؟ پیشیه آن به چه زمانی برمیگردد؟ نخستین مردمانی که به اهمیت ورزش پی بردند چه کسانی بودند؟ و همچنین در گذشته چه کسانی برای اولین بار به برگزاری مسابقات ورزشی روی آوردند؟ یافتن پاسخ این پرسشها نیاز به پژوهشهای گسترده دارد. واقعیت این است که ورزش و آمادگی جسمانی در طول



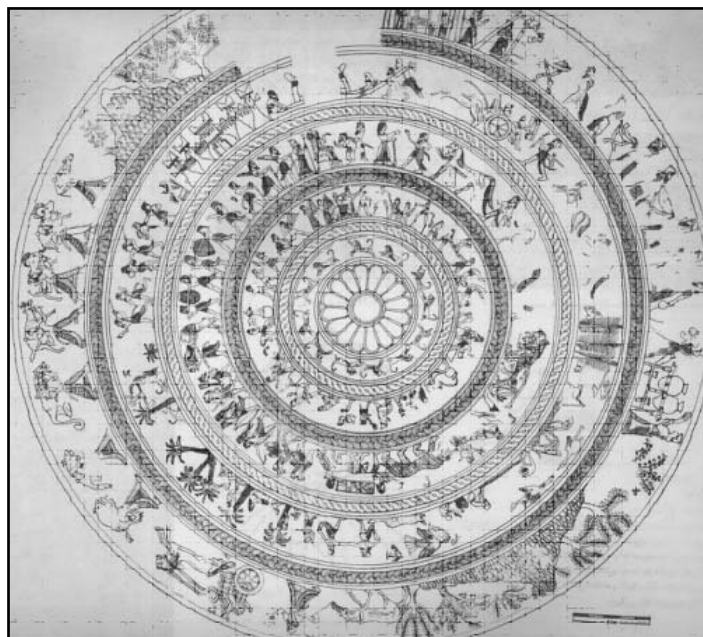
تاریخ تمدن انسان حائز اهمیت بوده و جایگاه ویژه‌ای داشته‌است؛ چرا که انسان برای رفع احتیاجهای روزانه، حفظ بقاء، و کیفیت زندگی خود، به داشتن بدنی سالم و آماده نیاز داشته است. انسان به تنهایی ضمن اندیشه و به کمک نیروی جسمی به رویارویی با ناملایمات محیطی و طبیعی برخاست. با پژوهش دریادگارهای بهجا مانده از گذشتگان، و دقت نظر در آنها، به نشانهایی از وجود ورزش نزد نیاکانمان پی می‌بریم.

ریشه‌های ورزش، اهمیت سلامت جسمانی و برگزاری مسابقات ورزشی در ایران باستان، را با مطالعه در آثار موزهای بهویژه جام ارّجان قابل فهم است. جام ارّجان با نگاره‌های ببیدیل، چشم و ذهن هر بینندهای را معطوف خود می‌سازد. با کنکاش‌هایی که در نگاره‌های این جام بهویژه نگاره‌های ورزشی آن شده‌است، به‌نظر می‌رسد که، هنرمند قصد نشان دادن یک رویداد مهم (ورزشی) آیینی را داشته‌است. رویدادی که در میان مردمان آن روزگار رواج داشته و برپایی آن حائز اهمیت بوده‌است. این دیدگاه برگزاری مسابقات ورزشی را به هزاره سوم پیش از میلاد در جنوب غرب ایران منسوب می‌کند. و نظریه‌های دیگر در پیشینه برگزاری جشنهای ورزشی (المپیک) به ادوار و فرهنگهای دیگر را به چالش میکشد. امید است با انجام پژوهشهای بیشتر و حمایت از این دست از مطالعات، زمینه‌های پاسخ به پرسش‌های بشمارفراهم آید. در ضمن آشنایی با فرهنگ پرمایه و ریشه‌دار، گامهای استوار در پیشبرد دانش بشری میسر شود.

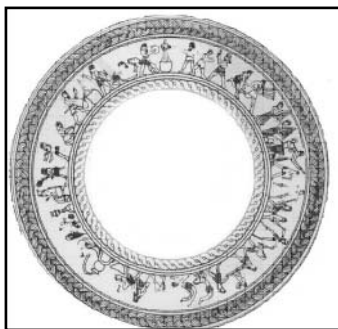
مآخذ

- سامی، علی، «ویرانه‌های شهر باستانی استخر»، مجله هنر و مردم، دوره ۱۴، شماره ۱۵۸، ص ۱۲-۲.

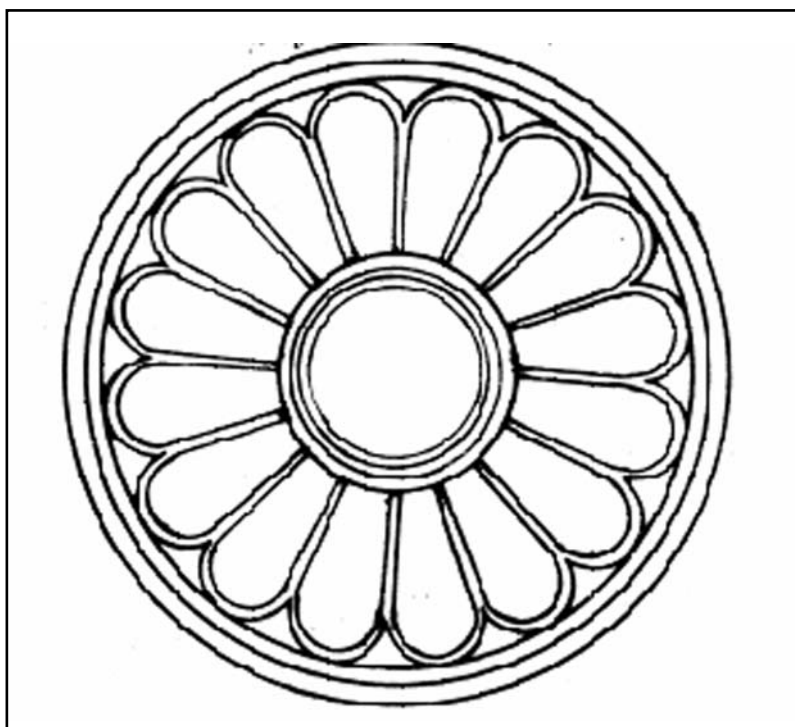
- صراف، محمد رحیم (۱۳۶۹). «جام برنزی کیدن هوتران مکشوفه از ارجان»،
مجله اثر. شماره ۱۷، تهران: انتشارات میراث فرهنگی، بهار. ص ۶۱-۴.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۹). «جام ارجان»، مجله باستانشناسی و تاریخ، شماره
پیاپی ۸ و ۹، تهران: اسفند. ص ۲۶-۱۱.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱). دایره‌المعارف فارسی، جلد اول، تهران:
امیرکبیر ۱۳۸۱.
- وطن‌دوست، رسول (۱۳۶۷). «مرمت، حفاظت و مطالعه فنی تعدادی از
اشیاء فلزی گنجینه ارجان»، مجله اثر شماره ۱۶-۱۵، تهران: سازمان میراث
فرهنگی. زمستان. ص ۱۱۶-۷۲.



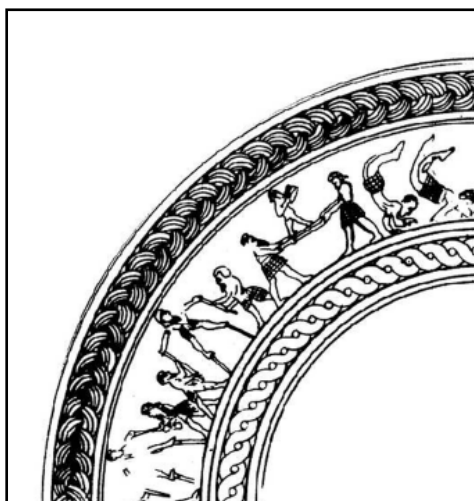
۱. نمای کلی از نگاره‌های جام ارجان



۲. نگاره‌های گوناگون در نوار چهارم



۳. نگاره‌های تزئینی در نوار میانی جام



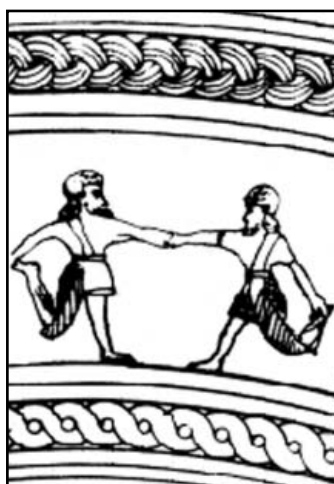
۴. نگاره‌های ورزشی در نوار چهارم



۵. نگاره ورزشی در نوار چهارم



۶. نگاره ورزشی در نوار چهارم



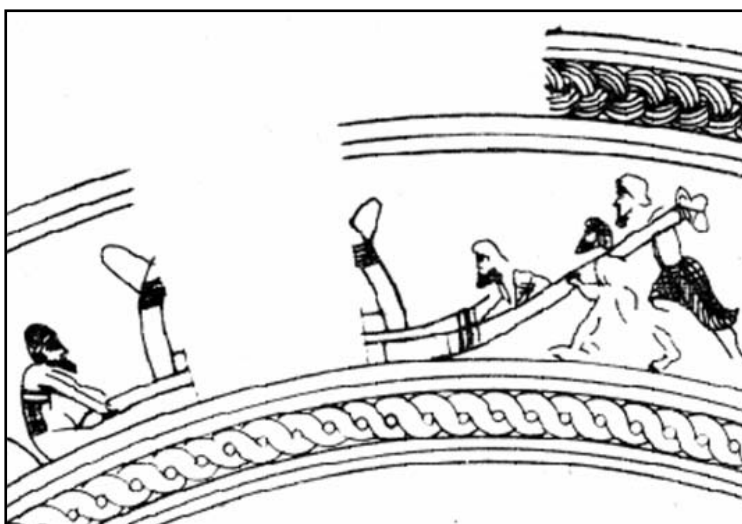
۷. نگاره در نوار دوم



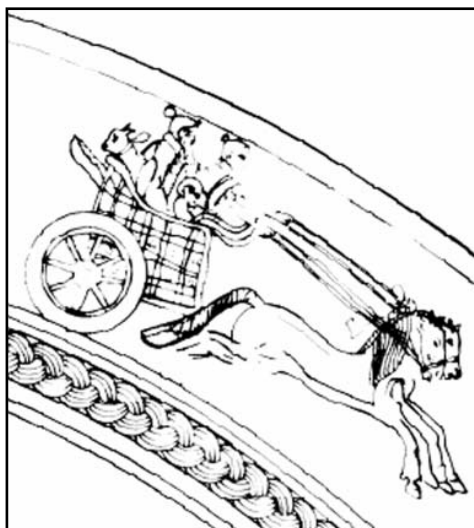
۸. نگاره در حال پرتاب نیزه



۹. نگاره هدایت اسب



۱۰. به آب انداختن قایق



۱۱. نگاره ارابه‌رانی



۱۲. نمایش آکروبات

مشت‌زنی در جام حسنلو

محمدرضا ریاضی

درآمد

این مقاله به اجمال به توصیف صحنه مشت‌زنی یک پهلوان در جام حسنلو می‌پردازد. جام حسنلو یکی از آثار بی‌نظیر در جهان باستان است که در حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد و توسط اقوام آریایی ساخته شده است. این جام در کاوش‌های باستانشناسی دره سولدوز در جنوب دریاچه اورمیه و در محوطه باستانی حسنلو به دست آمده است. جام حسنلو صحنه‌های مختلفی از اعتقادات مردم آریایی را بازنمایی می‌کند. یکی از صحنه‌های باشکوه این جام مبارزه خیر و شر است که در قالب نقش یک پهلوان که نماد خدای هوا است و علیه خدای کوه که نماد شر است در حال مبارزه است. این مبارزه به شکل یک مسابقه مشت‌زنی بازنمایی شده است.

مبارزه مشت‌زنی در جام حسنلو

انجام حرکات و رفتارهای ورزشی چه بعنوان تفنن و سرگرمی و چه برای نشان دادن توانایی‌های فردی و جمعی در تاریخ از سابقه‌ای طولانی برخوردار است و آغاز آن به سپیده دم تاریخ می‌رسد. باید گفت بازی، حرکات فردی و جمعی و انجام

کارهای نمایشی جزیی از غرایز انسان محسوب می‌شود. همان‌گونه که رقص و موسیقی را می‌توان جزیی از مدنیت انسان دانست، باید گفت که برخی از رفتارهای ورزشی در اجتماعات قبیله‌ای پیش از تاریخ بروز کرده است. افراد یک قبیله بعد از اتمام کارهای روزانه در هنگام غروب گرداگرد آتشی که آنرا برای گرما ویا ترساندن جانوران وحشی برپا می‌کردند جمع می‌شدند و به رقص، حرکات موزون، تقلید رفتارهای جانوران و ایجاد صداهای ترس آور می‌پرداختند. در روی سفال‌های پیش از تاریخ نقش‌هایی از حرکات موزون و دسته جمعی به دست آمده است. این مجالس برای ایجاد روحیه در قبیله، خاصه روحیه جنگاوری در مردان بود. این رفتارها گاهی به نمایشی از جنگ و شکار تبدیل می‌شد. در مواردی چند نفر با صورتک‌های جانوری در نقش جانور و عده‌ای نیز نقش شکارچی را ایفا می‌کردند و در طی آن نمایشی از تعقیب و مبارزه انسان و جانور را به تماشا می‌گذاشتند و سرانجام بر جانور غلبه می‌یافتند.

این نمایش در دوره روستانشینی نیز تداوم یافت. جوامع روستایی، محلی را به عنوان میدان روستا در نظر می‌گرفتند. این میدان عملکردهای مختلفی داشت. در این میدان‌ها مراسم مذهبی، جشن‌ها، خرید و فروش و غیره انجام می‌شد. البته این میدان محل بازی بچه‌ها و کارهای نمایشی مردان روستا نیز بود. تعداد و اندازه این میدان‌ها برحسب وسعت، جمعیت و تعداد محلات تفاوت می‌کرد و ممکن بود در یک روستا چند میدان وجود داشته باشد. افزایش جمعیت و گسترش نظام‌های قبیله‌ای و فامیلی خود به خود سبب شکل‌گیری مسابقات ورزشی گردید و باعث شد در بین محلات یک روستا و روستاهای مختلف مسابقات ورزشی برقرار شود. این سنت قدیمی تا به امروز در برخی روستاهای ایران حفظ شده است. اکثر روستاها میدانی برای انجام کارهای خود و همچنین مسابقات ورزشی دارند.

با شروع عصر شهرنشینی میدان بعنوان محل تمرکز فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی شکل مشخص‌تری به خود گرفت و به تدریج ساختمان‌های اداری و مذهبی در مجاورت میدان شهر برپا شدند. قدیمی‌ترین متن درباره محل مبارزه دو کشتی‌گیر در حماسه گیل گمش آمده است؛ در این متن اشاره شده که مبارزه در صحن مقابل دروازه معبد انجام شده است. میدان‌های شهر مدور و یا مربع مستطیل بودند؛ به‌طور مثال میدان شهر فیروزآباد متعلق به اوایل دوره ساسانی مدور بود و میدان‌های دوره اسلامی چون میدان‌های نیشابور مربع بودند. شاید قدیمی‌ترین میدان باقی‌مانده، میدان نقش جهان اصفهان متعلق به اوایل دوره صفوی باشد که می‌توان بر اساس آن به چگونگی شکل و اندازه میدان‌ها پی‌برد. در میدان نقش جهان انواع ورزش‌ها انجام می‌شد.

در جام حسنلو یکی از قدیمی‌ترین صحنه‌های ورزشی مشت‌زنی بازنمایی شده است. این جام طلایی در حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد ساخته شده و ۲۰ سانت ارتفاع و ۲۸ سانت پهنا دارد. این جام در کاوش‌های باستانشناسی محوطه باستانی حسنلو در جنوب دریاچه اورمیه به دست آمده است. محوطه باستانی حسنلو مهم‌ترین شهر شمال غرب ایران در فاصله ۱۵۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد بود و در حفاری‌هایی که در این محل انجام شد آثار با شکوهی شامل برج و بارو، تالارهای ستوندار، حیاط‌های متعدد، خیابان و اشیای گوناگونی از جنس طلا، نقره، مفرغ، آهن، سفال، جنگ افزار و زیور آلات به دست آمد. محققان این شهر را به قوم مانناها نسبت می‌دهند. مانناها از اقوام مهاجر آریایی بودند که طی هزاره دوم قبل از میلاد در نواحی جنوب دریاچه اورمیه مستقر شدند و مقدمات تشکیل دولت‌های ماننا و ماد را فراهم کردند. ماننا در فاصله ۱۲۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد دولت کوچک ولی قدرتمندی بود و برای استقلال خود مبارزات متعددی را با دولت‌های آشور و اورارتوها انجام داد

و سرانجام در حدود ۷۰۰ قبل از میلاد به بخشی از دولت ماد تبدیل شدند. (پرادا، ۱۳۸۳، ص ۱۵۲-۱۴۸).

نفیس‌ترین اثر این قوم که تا کنون به ما رسیده است جام زرین معروف به جام حسنلو است. بر روی این جام صحنه‌های مختلفی از اساطیر و اعتقادات مردم ماننا قلمزنی شده است. مدارک نشان می‌دهد که این جام برای مردم ماننا فوق‌العاده ارزشمند بوده است. زیرا عده‌ای در زمان حمله شدیدی که همراه با آتش سوزی بوده است در صدد نجات آن بوده‌اند. در کنار جام اسکلت سه نفر که در حال خارج کردن جام از محل بوده‌اند بدست آمد و آنها در حین تلاش بر اثر فرو ریختن دیوار جان خود را از دست داده‌اند. یکی از این افراد که حامل جام بوده به سمت جلو و بر شانه راست به زمین می‌افتد و دستکش آهنی دست چپ وی به دیوار مقابل پرتاب می‌شود و جام در زیر بدن وی محفوظ می‌ماند. این دستکش قدیمی‌ترین دستکشی است که به ما رسیده و قطعا از آن برای دفاع و یا حمله استفاده می‌شده است (پرادا، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰). کسانی که این جام را مطالعه کرده‌اند معتقدند که این اثر بسیار خیره کننده است و نه تنها یک کار بزرگ هنری است بلکه بیش از حد پرکار بوده و گیرایی آن در نیروی حیات نقشهای آن است. نقش‌ها به وسیله یک نوار دو تسمه‌ای در بالا و یک تسمه‌ای در پایین محدود می‌شود. صحنه‌ها بنا بر اهمیتشان در یک یا دو ردیف که تنها با خط فرضی تقسیم شده‌اند؛ ترکیب یافته‌اند.

در بالاترین ردیف سه خدا هر یک سوار بر یک ارابه هستند. زیر پای یکی از خدایان نبرد نیرومندان‌ای در حال وقوع است. در این نبرد پهلوانی دیده می‌شود که با دستکش در حال مشت زدن به یک انسان- هیولا است. این پهلوان دامن کوتاهی به تن دارد که برای چنین مبارزه‌ای مناسب است و سبب آزادی حرکات اوست. پهلوان سینه خود را به عقب کشیده تا خود را برای زدن ضربه بعدی آماده کند. بدن این پهلوان

بسیار قوی و نشان از آمادگی وی در چنین مبارزه‌ای دارد. این تصویر قدیمی‌ترین سندی است که در آن انسان با دستکش با انسان-هیولایی در حال مبارزه است. قطعا این مبارزه جنبه تفریح یا سرگرمی‌ندارد بلکه جنبه سمبلیک دارد. در واقع این پهلوان نماد نیروهای خیر است که علیه نیروهای شر در حال مبارزه است. این هیولا دارای سر و بالا تنه انسان است و پایین تنه اش در کوهی محاط شده است. کوهی که پشت آن در عقب به شکل ماری با سر سه سگ یا گرگ به سوی بالا انحنا می‌یابد. اسطوره شناسان پهلوان را نماد خدای هوا می‌دانند که بر علیه خدای کوه در حال مبارزه است (پرادا، ص ۱۳۴). نکته جالب در این جام نوع البسه پهلوان و دستکش‌های اوست که بی اختیار ورزش بکس و مشت‌زنی را به ذهن انسان متبادر می‌کند. مدارک متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد انسان از مشت‌های خود برای دفاع و حمله استفاده می‌کرده است. بر روی آثار مفرغی و نقوش مهرهای متعلق به هزاره سوم و دوم قبل از میلاد همواره انسانی دیده می‌شود که با دستهای خود در حال مبارزه با حیواناتی چون شیر و گاو است. در دنیای باستان مبارزه با شیر و گاو اختصاص به پهلوانان و پادشاهان داشت. پهلوانان و شاهان برای نشان دادن بعد دنیوی قدرت خود می‌بایست با شیر و یا گاو مبارزه کنند و در صورت پیروزی حقانیت آنها برای پادشاهی و یا پهلوانی اثبات می‌شد. همانگونه که بهرام ساسانی برای به دست آوردن پادشاهی با دو شیر مبارزه کرد.

بر روی یک قطعه پلاک عاج که از زیویه کردستان به دست آمده و به سده هشتم قبل از میلاد تعلق دارد، نبرد یک پهلوان را با شیر نشان می‌دهد. در این نقش پهلوان از محافظی برای جلوگیری از گاز گرفتن شیر برای دست خود استفاده کرده است (پرادا، ص ۱۷۹). بعدها استفاده از دستکش برای حمله و یا دفاع در جنگها و مبارزات تن به تن اهمیت فراوان یافت و سلحشوران از انواع دستکش‌های چرمی و فلزی برای حمله

ویا محافظت از دست خود استفاده کردند. در دوره اسلامی سواران و جنگجویان از انواع این دستکش‌ها استفاده می‌کردند و سرانجام این نوع دستکش‌ها و جنگیدن با مشت به اروپا رسید و مقدمات مسابقات مشت زنی در اروپا را فراهم کرد.

مآخذ

- پرادا ادیت (۱۳۸۳). هنر ایران باستان، ترجمه مجیدزاده یوسف. تهران: دانشگاه تهران.

- Pop. A. U. (1997). A survey of Persian art. Vol 14, Tehran: Soroush press.

جستجوی ریشه‌های بازی‌های المپیک در ایران

پروفسور سیروس جاوید^۱

ایران و یونان قرن‌ها پیش از میلاد مسیح دارای فرهنگ درخشانی بوده‌اند ولی مقایسه این دو کشور به خوبی نشان می‌دهد که ایران دارای قدمت دیرینه‌تری از یونان در فرهنگ و ورزش است. گرچه بسیاری از آثار فرهنگی و ورزشی ایران بر اثر حملات و تجاوزات کشورهای مختلف از بین رفته‌اند، اما آثار فرهنگی و ورزشی ارزشمند که تاکنون در نقاط گوناگون ایران به دست آمده‌اند، نشان‌دهنده عظمت فرهنگ و ورزش در ایران باستان هستند. با این همه، هنوز بسیاری از آثار ورزشی ایران باستان در دل خاک نهفته‌اند که به کشف و پژوهش جدی درباره آنها نیاز است.

با توجه به نوشته‌های مورخان و آثاری که تاکنون از ورزش‌های ایرانی در دوره باستان به دست آمده، مسلم شده است که ورزش‌های اسب‌سواری، ارابه‌رانی، تیراندازی، شمشیر بازی، کشتی، پرتاب نیزه، ژیمناستیک، مُشت زنی و به‌ویژه چوگان و هاکی در ایران تاریخی بیش از سه هزار سال دارند.

کهن‌ترین نوشته‌هایی که درباره ورزش ایران باستان موجود است، از دو مورخ یونانی هردوت و گزنفون است که در آثار خود به آموزش و مسابقات ورزشی مختلف

^۱. متن سخنرانی در هم‌اندیشی تاریخ ورزش ایران

در ایران از جمله اسب‌سواری، تیراندازی و به‌ویژه محتوای اخلاقی و تربیتی ورزش در ایران باستان اشاره کرده‌اند.

بزرگ‌ترین مورخ تاریخ ورزش جهان، مرحوم پرفسور دیم، بنیان‌گذار و رییس دانشگاه ورزش آلمان در کتب تاریخی مختلف خود از جمله تاریخ ورزش جهان و بازی‌های با اسب در آسیا، از ایرانیان به عنوان ملتی یاد می‌کند که اسب را برای انجام مسابقات اسب‌سواری، ارابه رانی، و چوگان، که ابتدا روی زمین بازی می‌شده (هاکی)، تربیت می‌کرده‌اند. او در کتاب تاریخ ورزش جهان به صراحت اشاره کرده است که ایرانیان نخستین ملتی هستند که سنگ بنای چوگان را به عنوان قدیمی‌ترین بازی گروهی (تیمی) گذاشته‌اند و پس از انتقال آن به اروپا نمونه‌ای بوده که بر اساس آن سایر بازی‌های گروهی شکل گرفته‌اند. او در کتاب خود می‌نویسد «گرچه چوگان در ایران ورزش سلاطین و خاندان آنها بوده ولی می‌توان آن را «سلطان بازی‌ها نامید».

طبری مورخ بزرگ و نام‌دار ایرانی در کتاب تاریخ خود، درباره ورزش در ایران باستان اشاره کرده و آن را یک رویداد تاریخی مهمی دانسته است. او می‌نویسد که: پس از آنکه اسکندر در یونان به قدرت رسید از کشورهای مختلفی که تابع ایران بودند خواست تا از پرداخت خراج به دولت مرکزی ایران خودداری کنند. دارا (داریوش سوم) پس از شنیدن این خبر دستور داد که یک توپ و یک چوب بازی چوگان (راکت) از استخوان بسازند و سپس آنها را با پیام زیر برای اسکندر فرستاد:

«گرچه از بازی با این راکت و توپ اطلاعی نداری ولی بهتر می‌توانی با آنها بازی کنی تا در اجرای فرمانی که داده‌ای».

طبری به مانند دیگر مورخان اضافه می‌کند که اسکندر این هدیه را پذیرفت اما به

کنایه گفت: «من خودم چوگان هستم و کره زمین گوی (توپ) من».

ارسال چوگان و توپ از طرف پادشاه ایران، نشان‌دهنده این واقعیت است که در ایران باستان برای بازی با توپ (چوگان و هاکی) ارزش و اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند.

در منابع تاریخی اروپائیان درباره این دو بازی چوگان و هاکی آمده که بازی چوگان به وسیله افسران فرانسوی در طول جنگ‌های صلیبی از قسطنطنیه به اروپا منتقل شده و بازی‌هاکی بعد از حمله اعراب به ایران به وسیله مهاجران زردشتی به هندوستان به این کشور منتقل و از این کشور توسط اروپائیان به اروپا منتقل شده و در کشورهای اروپایی عمومیت پیدا کرده است.

یک جهانگرد فرانسوی بنام تاورنیه در سفر خود در سده ۱۶ میلادی به ایران در آثار خود اشاره کرده است که در ایران مسابقات دو برای انتخاب بهترین دونده به عنوان پیک انجام می‌شده است. او درباره آموزش و تمرین انواع دو از سنین نوجوانی برای مسافت ۳ تا ۱ مایل و از سن ۱۸ سالگی با سرعت و مسافت بیشتر نوشته است. او اضافه می‌کند که مسابقات‌هاکی و چوگان در محلی به نام میدان انجام می‌شده؛ او همچنین به مسابقه دوی صحرانوردی در ایران که از طلوع تا غروب آفتاب بوده، اشاره می‌کند.

دیگر سیاح فرانسوی در سده ۱۶ میلادی، به نام ژان شارکلن درباره انجام مسابقات دو به مسافت ۱۰۰۰ متر و ۲۷۰۰ متر نوشته است. جهانگردان دیگری که در سده ۱۹ میلادی به ایران سفر کرده‌اند نیز به انجام مسابقات دو ۱۰۰۰ متر و ۲۷۰۰ متر اشاره کرده و بیان می‌کنند که، در یک نوع مسابقه اسب‌سواری، اسب سواران در طول مسابقه سعی می‌کردند سایر حریفان شرکت کننده را از اسب پایین بکشند و آخرین نفری که روی اسب می‌ماند برنده مسابقه محسوب می‌شده است.

درباره ورزش باستانی ایران، زورخانه، که قدمتی بیش از سه هزار سال دارد نیاز به توضیح زیاد نیست؛ زیرا ایرانیان با این ورزش و مسابقه تاریخی آن آشنایی دارند ولی به طور مختصر اشاره می‌شود که ورزش زورخانه یکی از کهن‌ترین ورزش‌های جهان است که با نام، نشان، آداب، رسوم، زبان و خصلت‌های ایرانیان به دیگر کشورهای جهان راه یافته است. شاعران نامی ایران چون فردوسی و سعدی در آثار ارزنده خود به این ورزش و قهرمانان آن اشاره کرده‌اند. در کتابخانه ملی فرانسه در پاریس دستخطی مربوط به سال ۱۸۷۵ میلادی از علی اکبر بن مهدی از کاشان همراه با ۸۳ تصویر موجود است، که در آن ورزش زورخانه به طور معمول و پیوسته، نوشته شده و علاوه بر تمرینات مختلف از مُشت‌مال دادن ورزشکاران (ماساژ) با روغن بادام، استراحت بین تمرینات، آواز مرشد و نواختن ضرب و ساز یاد شده است. این نویسنده به‌ویژه اشاره کرده که در پایان ورزش زورخانه مسابقه کشتی و مُشت زنی انجام می‌شده است.

اثر دیگری درباره ورزش زورخانه در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود که قطعه‌ای از مثنوی مربوط به سال ۱۷۳۴ میلادی است. نویسنده این اثر میر عبدالعلی نجات از کاشان است که وی نیز ضمن شرح حرکات و تمرینات ورزش زورخانه از مُشت‌مال ورزشکاران با روغن بادام و یاسمن، ضرب و آواز مرشدیاد کرده است.

اولین فردی که پس از جنگ جهانی دوم برای آشنا ساختن ورزش باستانی زورخانه در بیش از ۴۰ کشور جهان تلاشی خستگی ناپذیر و مداوم داشت، کاظم کاظمینی، مدیر باشگاه ورزشی بانک ملی ایران، است. وی با زحمات و تلاش‌های زیادی ورزشکاران زورخانه را به کشورهای خارجی برد و شخصیت‌های ورزشی و

ملل مختلف را با ورزش باستانی زورخانه آشنا ساخت و حتی در حضور بسیاری از شخصیت‌های سیاسی که از ایران دیدن کردند، این ورزش نشان داده شد. خدمات ارزنده و پرارزش وی در شناساندن ورزش زورخانه به جهانیان بخش مهمی از تاریخ این ورزش است.

مرحوم پرفسور کارل دیم مورخ بزرگ تاریخ ورزش در کتاب تاریخ ورزش خود بخش مهمی از آن را به معرفی ورزش زورخانه اختصاص داده‌اند. با پشتیبانی و اقدامات ایشان نیمی از ورزشکاران زورخانه به آلمان دعوت شدند. این گروه در شهرهای کلن، فرانکفورت و هامبورگ برای اولین بار علاقه‌مندان به ورزش در آلمان را با ورزش زورخانه آشنا ساختند.

برای اولین بار در تاریخ ورزش زورخانه، این ورزش در یک کنگره بین‌المللی در مرداد ماه ۱۳۵۲ مطرح شد. در این کنگره نمایندگان بیش از ۷۶ کشور جهان شرکت داشتند.

یکی از ویژگی‌های برجسته ورزش در ایران باستان که از لحاظ قدمت تاریخی در نوع خود بی‌نظیر است، همراهی کردن حرکات ورزشی با موسیقی است. نواختن ضرب و آواز مُرشد بخش مهمی از ورزش زورخانه بوده و خواهد بود و بدون آن انجام تمرینات ورزش باستانی غیر ممکن است. در ایران باستان تنها ورزش باستانی نبود که با موسیقی همراهی می‌شد بلکه همان گونه که در روی جام اَرْجان در بهبهان نشان داده شده و حدود بیش از ۱۰۰۰ سال قدمت تاریخی دارد نوازندگان چنگ و طبل (دَف) در هنگام انجام حرکات ورزشی به خوبی دیده می‌شوند. موسیقی ورزشی در دوره باستان و از آن میان در رشته‌هایی مانند زورخانه اهمیت فراوان داشته که البته با ساز رزمی نیز هم‌آوا بوده است. همچنین در جام اَرْجان بهبهان انجام حرکات مختلف ورزشی با روش بردن آتش به عنوان

سَمبل بازی‌های ورزشی به خوبی مشاهده می‌شود. این سنت ورزش ایران باستان هم بعدها به یونان منتقل شد و همراه با اجرای بازی‌های المپیک آتش هم روشن می‌کردند و تاکنون نیز در مراسم بازی‌های المپیک انجام می‌شود که به (آتش المپیک) معروف است.

یکی از آثار مستند و بی نظیر مربوط به ورزش در ایران باستان که توسط باستان شناسان اروپایی و ایرانی در محلی بنام حسنلو در نقده آذربایجان کشف شده است، «جام طلایی حسنلو» است. این جام طلایی که دارای صحنه‌های مختلف ورزشی است، طبق نظریه باستان شناسان دارای قدمتی حدود ۳۵۰۰ ساله و به عبارت دیگر مربوط به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است. بر روی این جام مسابقه ارا به رانی و به‌ویژه صحنه‌ای از یک مسابقه مشت زنی که مشت زنان دستکش مخصوص مشت زنی به دست دارند به خوبی مشاهده می‌شود. این صحنه مسابقه مشت زنی قدیمی‌ترین و مهم‌ترین اثر از تاریخ ورزش مشت زنی در جهان است.

در این جام دو حریف در حالی که روبروی یکدیگر ایستاده‌اند و دستکش مخصوص مشت زنی به دست دارند به خوبی دیده می‌شوند. صحنه ورزشی دیگری که در این جام نشان داده شده تناسب و زیبایی اندام یک ورزشکار است که دارای شانه‌های پهن، سینه‌های ورزیده، کمر باریک و ران‌های عضلانی است. این صحنه ورزشی به خوبی گویای این واقعیت است که در ۳۵۰۰ سال پیش ورزش در ایران مورد توجه بوده است. تناسب اندامی که در این صحنه از بدن یک ورزشکار مشاهده می‌شود با داده‌های علمی پزشکی - ورزشی، به عنوان یک بدن ورزیده کاملاً مطابقت دارد.

تصویر جام حسنلو و شرح صحنه‌های ورزشی آن یکی از اسناد و مدارکی بودند که نگارنده در پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خود در رشته ورزش در

دانشگاه ورزشی کلن آلمان برای اثبات نظریه خود مبنی بر اینکه «ریشه‌های بازی‌های المپیک را باید در ایران جستجو کرد»، ارائه داد. این پایان نامه از طرف مرحوم پرفسور دیم، رئیس دانشگاه ورزشی کلن، با درجه عالی پذیرفته شد.

با توجه به واقعیت‌های ورزشی در ایران باستان که به اختصار به آن‌ها اشاره شد و که بین جشن‌های ورزشی در ایران باستان و بازی‌های المپیک یونان وجوه مشترکی وجود دارد در خاتمه یکبار دیگر اشاره می‌شود که تربیت اسب، مسابقات اسب‌سواری، ارابه رانی، چوگان، هاکی، مشت زنی، کشتی، پرتاب نیزه، تیراندازی، دو، حرکات ژیمناستیک روی زمین، انتخاب آتش به عنوان سمبل بازی‌های ورزشی و نواختن موسیقی هنگام انجام تمرینات و مسابقات ورزشی حداقل ۴۰۰ سال قبل از اولین جشن بازی‌های المپیک یونان، در ایران زمین انجام می‌شدند. این گونه مراسم‌های ورزشی در طول ۴ قرن به تدریج به یونان منتقل شده‌اند. بنابراین به جرأت می‌توان گفت که: «ریشه‌های بازی‌های المپیک را باید در ایران جستجو کرد».

نگارنده یقین دارد که با توجه به فرهنگ و تمدن غنی و شکوفای ایرانیان، باستان‌شناسان ایرانی چون گذشته موفق خواهند شد آثار جدیدی را از دل خاک بیرون بیاورند که بیش از گذشته اثرگذاری ایرانیان در تکوین ورزش جهان را نشان دهند و صفحات تازه‌ای به تاریخ، فرهنگ و ورزش در ایران باستان اضافه و باعث افتخارات بیشتری برای فرهنگ کهن ایران خواهند شد.

جایگاه ورزش در آموزش‌های ایرانیان دوره باستان

دکتر جواد کریمی^۱

درآمد

در دوران باستان و در میان کشورهای مشرق‌زمین بی‌گمان ایران مهم‌ترین کشوری بود که در نظام تعلیم و تربیت خود بیش‌ترین اولویت را به ورزش و تربیت‌بدنی می‌داد. چه در حالی که چینیان به امر ورزش و تربیت‌بدنی توجه چندانی نداشتند، هندوان نیز پرورش تن و فعالیت‌های بدنی را گاه حتی مذموم هم می‌دانستند، ایرانیان به اهمیت توانایی و سلامت بدن به عنوان وسیله بسیار مهمی برای فراهم آوردن ارتش سلحشور و پیروزمند پی‌برده بودند.

به طور کلی هدف‌های آموزش‌های ایران باستان را به پنج مورد تقسیم کرده‌اند. دینی؛ نیرومندی و بهداشت؛ جنگی و نظامی؛ اقتصادی؛ سیاسی.

متأسفانه درباره برنامه آموزش و روش تدریس و سوادآموزی در ایران باستان سندومدرک لازم در دست نیست و باید با توجه و دقت به اظهار نظر مورخان و حکمای قدیم، ادبیات روایی و کاوش‌های باستان‌شناسان، به سیر و

^۱. متن سخنرانی در هم‌اندیشی تاریخ ورزش ایران

تطور و تحول آموزش در ایران پی‌برد. ایرانیان در طی تحصیل از پنج سالگی تا بیست سالگی سه چیز را می‌آموختند: سوارکاری؛ تیروکمان؛ راستگویی. آنان برای آموزش و پرورش جوانان علاوه بر آموزش‌های نظری به فراگیری انواع مختلف ورزش‌ها می‌پرداختند چنان‌که حکیم توس در داستان سیاوش بیان می‌کند:

تهمتن بردش به زابلستان	نشستنگهی ساخت در گلستان
سواری و تیر و کمان و کمند	عنان و رکیب چه و چون و چند
نشستنگه و مجلس و میگسار	همان باز و شاهین و یوز و شکار
زبیداد و داد و زتخت و کلاه	سخن گفتن و رزم و راندن سپاه
هنرها بیاموختن سر به سر	بسی رنج برداشت کآمد به بر

در این ابیات می‌توان این مفاهیم را دریافت: سواری، تیروکمان، کمند منطق و طبیعات، چند(حساب)، آیین بزم و کنترل و اندازه نگه‌داشتن، نگهداری باز و شاهین و یوزپلنگ از این مشخص است که در تاریخ اساطیری ایرانیان و بدان گونه، در تاریخ ایران باستان، یادگیری فنون رزمی‌همراه با فراگیری علوم و دانش‌ها توأم بوده و جایگاه ارزنده‌ای در تعلیم و تربیت افراد داشته است (فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸۶).

آموزش در ایران باستان

پژوهش‌های جدیدی که بر اساس معدود اسناد به جای مانده از سپیده دم تاریخ ایران انجام گرفته‌اند گواه از اعتلای تمدن ایرانی در میان تمدن‌های دنیای قدیم دارند. کم‌تر ایران‌شناس یا باستان‌شناس یا پژوهشگر دوره‌های باستانی است که از شکوه تمدن ایرانی در هزاره‌های گذشته یاد نکرده باشد. از این‌رو، پرسش

این است که چنان تمدنی از چه آموزش‌هایی برای پروراندن نو آموزان خود بهره می‌برده است.

بی‌گمان، فنون کشاورزی، فلزکاری، علم نوشتن و محاسبه اعداد و ریاضیات، نجوم، هندسه، طراحی، معماری و... پیشرفت شایان توجه داشته‌اند. پیش از آمدن آریایی‌ها به این مرز و بوم (حدود سال ۱۰۰۰ پیش از میلاد)، ساکنان ایران‌زمین دستاوردهای تمدن درخشانی ارائه کردند. شواهد باستان‌شناسی از پایگاه‌های تمدن مانند کُناَر صندل جیرفت، شهر سوخته زابل، شهداد، تپه‌های یحیی و ابلیس کرمان، سیلک کاشان، اَرْجان، حسنلو نقده، حصار دامغان، مارلیک رودبار، گیان نهاوند و از همه مهم‌تر گستره تمدن عیلامیان در غرب و جنوب غربی رشته کوه عظیم زاگرس، همگی گواه از آن دارند که ایرانیان دست کم از شش هزار سال پیش تا زمان ورود آریاییان، بنیان‌های آموزشی را پی‌نهاده بودند تا بتوانند در دوران مدها و هخامنشیان به اعتلای تمدن نائل آیند.

از این زمان تا سال ۶۵۱ میلادی که ساسانیان با ورود اسلام به ایران از اریکه شاهنشاهی فرود آمدند، ایرانیان در بیش‌تر صنایع و فنون صاحب سبک و مبدع شدند و تأثیری شگرف بر دیگر جوامع ایران باستان به‌ویژه بر مغرب زمین باقی گذاشتند (گیرشمن، ۱۳۷۴، ص ۳۸۴).

بدین سان نهادهای آموزشی در ایران باستان، دربردارنده تمامی جنبه‌های آموزشی بوده‌اند و به تدریج با توسعه و تکامل، اندیشمندان رومی را به سوی خود کشاندند (تکمیل همایون، ۱۳۸۲).

اهداف آموزش

ایرانیان باستان همانند دیگر مردم مشرق زمین به حفظ و استحکام جامعه و نظام اجتماعی خویش می‌اندیشیدند. اگر چنینها با تربیت گروه ممتاز جامعه برای نگهداری از اندیشه و سنت‌های کهن خود تلاش می‌کردند، اگر هندوان با تربیت برهمنها برای ترویج معتقدات مذهبی و حفظ نظام قبیله‌ای خویش می‌کوشیدند، ایرانیان هم حفظ اقتدار و توسعه کشور خود را وجهه همت خویش قرار می‌دادند و بنابراین نخستین و بهترین هدف‌های آموزشی آنان در تربیت خدمت‌گزارانی لایق و شایسته برای کشور خلاصه می‌شد.

به‌طور کلی هدف‌های آموزشی ایران باستان را به پنج بخش تقسیم کرده‌اند:
هدف دینی و اخلاقی که در دوران چهارصد ساله ساسانیان بر اساس تعالیم زرتشت (گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک) بود.

هدف نیرومندی و بهداشت که جوان‌مردی، راستی، پاکدلی و پاک‌تنی، نیرومندی، چابکی و چالاکی را تعلیم می‌داد. در دیانت زرتشتی پاکیزگی تن از وظایف دینی است و ناپاکی تن و بیماری و ضعف جسمانی منسوب به اهریمن است. از آنجا که خاستگاه این دین دست‌کم در ۳۰۰۰ سال پیش بوده است می‌توان پنداشت که این امور در ادوار تاریخی ایرانیان باستان عمومیت داشته‌اند.

هدف نظامی که به منظور نگهداری مرز و بوم، حفظ آرامش، غلبه بر دشمنان اساس آن بر تعلیمات نظامی بود.

هدف اقتصادی که تعلیم حرفه، صنایع، کشاورزی، دامداری، بازرگانی، و... را دربر می‌گرفت.

هدف سیاسی که عبارت از تعلیم کشور دارای چه از نظر تأمین امنیت داخلی و چه از نظر روابط با دیگر کشورها بود.

با این همه باید دانست که در ایران باستان سازمانی عمومی برای تعلیم و تربیت که نام مدرسه بر آن توان نهاد وجود نداشته است و همچون دیگر کشورهای مشرق زمین کار تعلیم و تربیت را بیشتر خانواده‌ها به عهده داشتند و فرزندان اعیان و اشراف در میدان‌های اختصاصی پادشاه یا حکام با برنامه‌های منظمی که به وسیله مردان طبقات بالای اجتماع اجرا می‌گردید تعلیمات بدنی و نظامی می‌دیدند. معابد، آتشکده یا آتشگاه از مکان‌هایی بود که ایرانیان از آن برای پرورش اطفال استفاده می‌کردند.

ورزش در آموزش‌های ایرانیان

جوانان تمرینات روزانه خود را پیش از طلوع آفتاب با دویدن و پرتاب سنگ و نیزه آغاز می‌کردند و از جمله تمرینات معمولشان ساختن با جیره غذایی اندک، تحمل گرمای طاقت فرسا، پیاده روی‌های طولانی، عبور از رودخانه بدون خیس شدن سلاح، خواب در فضای باز و هوای آزاد و تحمل تشنگی و سختی‌های دیگر بود. سواری و شکار دو فعالیت معمول و رایج بود. جستن روی اسب و فرو پریدن از آن در حال دویدن، به طور کلی سرعت، چالاکی و مهارت از ویژگی‌های سوار کاران سواره نظام ایران بود. نهاد ورزشکاران حرفه‌ای به حساب می‌آمدند.

مسلم است که ایرانیان برای آن‌که بتوانند از ورا رود (کرانه‌های سیحون و جیحون) را تا یونان بگشایند و اقوام گوناگون را در قلمرو خود قرار دهند، قوای جسمانی قابل تأملی داشتند. آنان که شاهکارهایی چون تخت جمشید را برآوردند درایت هنری و بازوان قوی خود را در آفرینش این بارگاه به کار بستند، بنابراین چنین قوم یا اقوامی نمی‌توانستند فارغ از مهارت‌های فکری و رزمی باشند. در کتاب‌های تاریخی مورخان یونانی چون گزنفون، هرودوت، کتزیاس و منابع روایی ایرانیان شواهدی از چگونگی

آموزش‌های جسمانی بیان شده است. آموزش‌هایی که در میدان‌های باز، اما در بدنه شهرها و در هر گروه سنی خاص انجام می‌گرفت.

ایرانیان عهد باستان دلبستگی زیادی به اسب داشتند و او را همانند عضو خانواده خود می‌پنداشتند و به هنگام نیایش برای آن نیز مانند سایر اعضای خانواده خود دعا می‌کردند. اهمیت اسب در زندگی مردم ایران باستان چنان بوده است که نام بسیاری از نامداران ایران با اسب ترکیب یافته است، مانند لهراسب (اسب تندرو) تهماسب (دارنده اسب زورمند)، ارجاسب (دارنده اسب با ارج)، پورشاسب (پسر اسب). که نام پدر زرتشت بوده و ...

اختراع دهنه، نعل و زین و رکاب به ایرانیان نسبت داده شده است. ارباب‌رانی در ایران باستان قسمت مهمی از برنامه جشن مهرگان (که به افتخار مهر فرشته روشنائی برگزار می‌شده) بوده است. یونانیان این مسابقه را از ایران و رومیان از یونان اقتباس کرده‌اند.

یکی دیگر از برنامه‌های تربیت بدنی ایران باستان چوگان بازی است که ایرانیان را مبدع آن دانسته‌اند. کودکان پیاده و جوانان سوار بر اسب به بازی چوگان می‌پرداختند و بدان عشق می‌ورزیدند سن آغاز بازی چوگان را حکیم طوس هفده سالگی بیان کرده است. تیراندازی، شکار و شنا نیز از مهارت‌هایی است که در برنامه‌های تعلیمات جوانان ایران باستان گنجانده شده و از ارزش و اهمیت فوق‌العاده برخوردار بوده است. مقام پهلوانی در ایران باستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. برای رسیدن به مقام پهلوانی یک جوان علاوه بر تسلط کامل وی در رشته‌های مختلف ورزشی از قبیل اسب‌سواری، تیراندازی، شکار و شنا، برخورداری از مهارت‌های فنون و رموز کشتی و سجایای اخلاقی، جوان‌مردی، شجاعت، بزرگواری و عدالت نیز ضروری بود. پهلوانان و یلان در هنگام صلح پهلوان کشور بودند و هنگام جنگ سرداران سپاه. اهمیت عنوان

پهلوانی در ایران باستان تا بدان جاست که گاه نتیجه جنگ دو طرف به فتح و پیروزی یا شکست یکی از پهلوانان دو طرف که سرداران سپاه بودند، بستگی داشته است. ایرانیان باستان برای دستیابی به جامعه سالم و تندرست و ورزیده، رنج بسیار کشیده و برنامه‌ریزی‌های مفصل داشته‌اند.

مآخذ

- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۲). نظام و نهادهای آموزشی در ایران باستان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۷۴). شاهنامه. تصحیح ژول مول. تهران: علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۴). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین: تهران. علمی و فرهنگی.

نظام‌های تربیت‌بدنی در ایران باستان

تکتم نعمتی^۱

درآمد

بدیهی است که ایرانیان در دوران باستان، با آن همه پیشرفت‌های فرهنگی و تمدنی، برخوردار از نظام‌های آموزشی دقیق و منسجم بوده‌اند. وضع طبیعی و موقعیت ایران‌زمین، (کوهستانی و در برخی نواحی خشک و بی آب و علف) باعث شد که ساکنان این سرزمین برای رفع مشکلات، تأمین و تهیه وسایل روزمره و مقابله با فشارهای بیگانگان، کوشش‌های فراوان در پیش بگیرند. این سرزمین به طور مداوم، در معرض هجوم اقوام گوناگون قرار داشته و می‌باید که ایرانیان، همواره نیرومند و آماده نبرد باشند. نکته‌ای که در تاریخ ایران بسیار جالب توجه‌است و روح معنوی ایرانیان را در زندگی اجتماعی آنان مجسم می‌سازد، شیوه تعلیم و تربیت آن‌ها بوده است. این تعلیم و تربیت از کودکی در روح جوانان، منشأ احساسات نیکی شده و ایشان را در هر کاری به شاهراه درستی و ترقی راهنمایی می‌کرده است. آن‌ها در ابتدا قوای روحانی و جسمانی خود را مهیای کار و تلاش می‌کردند

۱. دانشجوی دوره دکتری تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

و جامعه صحیح و سالمی را تحت تعلیم و تربیت قرار می‌دادند، که افراد آن در آینده به آسانی می‌توانستند با خدمات شایان، وظایف خود را به وطن و ملت خود انجام دهند.

نخستین دوره‌های تاریخی

دستاوردهای باستان شناسان گواه از آن دارد که در پایگاه‌های فرهنگی و تمدنی ایران زمین، پیش از ورود آریاییان، ساکنان بومی این گستره فرهنگی با شرایط سخت طبیعی دست و پنجه نرم کرده و یادمان‌هایی شکوهمند از خود بر جای گذاشته‌اند. در بیش‌تر سفالینه‌ها و جام‌های زرین که در مناطقی چون تپه حسنلو در نقده، ارجان (نزدیک بهبهان)، سیلک کاشان، مارلیک در رودبار منجیل، شهر سوخته زابل و ... و آثار تازه از دل خاک بیرون آمده جیرفت، تصویرهایی گویا از رزم‌آوری مردم این مناطق وجود دارد که پیش از هر چیز پرورش روحی و جسمی آن مردمان را بازگو می‌کنند. بدون تردید در میان ساکنان پیش آریایی این گستره تمدنی، عیلامیان در خوزستان، از آن جا که در همسایگی تمدن‌های درخشان بین‌النهرین و برخوردار از شرایط جغرافیایی خاص دشت سوزیانا (شوش) بوده‌اند، در امر آموزش و پرورش آگاهانه‌تر اقدام می‌کردند.

تشکیل سلسله ماد که مهم‌ترین اقدام آریایی‌ها برای پی‌نهادن حکومت جهانی بود تا در عصر هخامنشیان با اقتدار به جهان ایرانی مبدل شود، باعث شد تا امر تربیت جسمانی همپایه تربیت روحانی گسترش یابد و جنگ‌هایی که در روزگار هوخشتره (کیاکسار) به وقوع پیوست، ایرانیان را آزموده کرد تا ضمن برچیدن بساط حکومتی آشوریان (۶۱۲ ق. م)، با شاهان لیدی (آناتولی =

آسیای صغیر) نیز وارد کارزار شوند. گویا دو هدف عمده مورد توجه مآدها بوده است: نخست، تلاش و تکاپو برای تکوین تمدن ایرانی و غلبه بر مصائب طبیعی؛ دوم، مقابله با بیگانگان و حفظ قلمرو فرهنگی و حکومتی. پیداست که مآدها در این دو امر موفقیت چشمگیر داشتند؛ هم توانستند حکومت گسترده‌ای پی‌ریزی کنند که در دوره هخامنشیان به شکوهمندی رسید و هم توانستند بر بیگانگان فائق آیند.

نظام عالی تربیتی در دوره باستان

در دوران هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق. م)، نظام‌های تربیتی و به‌ویژه تربیت جسمانی بسیار پیشرفته‌ای در ایران وجود داشته که ایرانیان در قالب آن نظام‌ها، به مراحل رشد و شکوفایی می‌رسیدند. آموزش ابتدایی جنبه عمومی داشته و تمامی اطفال، از هر طبقه، خواندن و نوشتن حساب را می‌آموختند و آموزش درختکاری و کشاورزی می‌دیدند. بین ۴ تا ۷ سالگی برای تحصیل به آموزشگاه فرستاده می‌شدند؛ طول مدت آموزش، بستگی به قوای جسمی و روحی طفل و نیازهای اجتماعی وی داشت. دانش‌آموزان در سه گروه تقسیم‌بندی می‌شدند:

- فرزندان درباریان، شهربانان، مرزبانان و افسران که آموزش خاص جنگی و کشورداری می‌دیدند.

- گروهی که آموزش حرفه‌ای می‌دیدند، شامل فرزندان، پیشه‌وران، صنعتگران، و کشاورزان.

- فرزندان آموزگاران، کارمندان و بازرگانان که علوم اداری و اقتصادی را فرا می‌گرفتند.

گزنفون در کتاب سیرت کوروش در باره چگونگی تربیت در میان پارسیان معتقد

است: ایرانیان برای تربیت جوانان جای مخصوصی بنام جایگاه آزادی در کنار کاخ شاهی می‌ساختند که ۴ قسمت داشت: مخصوص کودکان؛ ویژه نوجوانان؛ ویژه مردان کامل؛ ویژه سالمندان.

هرودوت مورخ یونانی سده پنجم قبل از میلاد نیز درباره چگونگی تربیت کودکان پارسی اشاره می‌کند: پارسی‌ها، در تربیت اطفال، بسیار کوشش می‌کردند. کودکان تا ۵ سالگی نزد مادران و سپس نزد معلمان، به تحصیل می‌پرداختند، آنها به فرزندان خود از ۵ سالگی آداب نیکوی زرتشتی، سواری، تیراندازی و راستگویی می‌آموزند، فرزندان خود را از کودکی به دویدن، تحمل سرما و گرما، بکاربردن سلاحهای گوناگون، سواری و ارباب‌رانی عادت می‌دهند و بزرگ‌ترین صفات ایشان مردانگی، رشادت و دلاوری است.

کنزیاس، پزشک یونانی درباره اردشیر دوم هخامنشی، در کتاب خود بیان کرده است که پارسیان جوانان را برای شکار، سحرخیزی در سرما و گرما، بردباری و پیاده روی، دوندگی و تیراندازی تربیت می‌کردند. جوانان با صدای شیپور حاضر باش، قبل از طلوع آفتاب از خواب برمی‌خاستند؛ در جای معینی جمع و در گروه‌های ۵۰ نفری تقسیم و هریک از این گروه‌ها، به دست یکی از بزرگان، سپرده می‌شدند. در این گروه‌ها می‌بایست، بلند و محکم صحبت کنند تا ریه‌هایشان تقویت شود. به آنها طرز عبور از رودخانه را، بدون تر شدن جامه و سلاح تعلیم می‌دادند. شکار به وسیله زوبین، تیر و کمان یا فلاخن و آموختن شنا از برنامه‌های روزانه شان بود. کودکان از خردسالگی کمان کشیدن و نیزه‌انداختن را می‌آموختند و این ورزش تا ۱۶ - ۱۷ سالگی ادامه می‌یافت. بعد از آن تا ۲۶ سالگی، به محافظت از شهرها گماشته می‌شدند و بعد، وارد گروه مردان کامل و نیرومند شده و در جنگها مشارکت می‌کردند. کوروش به دفعات متعدد، قبایل

مختلف را در یک جا، جمع کرد و آن‌ها را با فنون جنگی آشنا ساخت. (گزنفون، ۱۳۵۰، ص ۸).

پارتیان (اشکانیان ۲۵۰ ق.م - ۲۲۶ م) نیز توجه زیادی به آموزش نظامی و تربیت‌بدنی و اطلاع جوانان از فنون جنگ و حمله و دفاع کردند. با وجود این، توجه اشکانیان به امر تربیت بدنی، در مقایسه با هخامنشیان، بسیار کم تر به نظر می‌رسد. تفاوت دوره ساسانیان، با دوره‌های قبل در تاریخ ایران باستان، توجه و تأکید بیش از حد، بر اختلافات طبقاتی بود، به گونه‌ای که در این دوره فراگرفتن علوم ویژه نجیب‌زادگان و موبدزادگان بود و سایر اطفال از تعلیم و تربیت رسمی محروم بودند. بیشتر شاهان ساسانی علاقه‌مند به شرکت در امور نظامی بودند و این امر را توأم با کشورداری انجام می‌دادند. به همین دلیل، آموزگاران را از میان ماموران بلند پایه نظامی انتخاب و به شهرها و روستاها برای آشنایی جنگجویان، با تکالیف و وظایف جنگی و فنون نظامی گسیل می‌کردند. زیرا پرورش و تأمین سلامتی و ایجاد روحیه سلحشوری برای ایشان، از اهمیت فراوانی برخوردار بود و تعالیم زرتشت نیز، که نفوذ کاملی بر جامعه ایرانی و به‌ویژه خاندان سلطنتی داشت، بر تقویت جسم و روح تأکید می‌کرد. با توجه به اهمیت زیادی که در این دوره برای ورزش قائل بودند، برنامه تعلیم و تربیت شامل سه قسمت عمده بود:

۱- دینی و اخلاقی

۲- بدنی

۳- خواندن و نوشتن حساب

بخشی از تأکید پادشاهان ساسانی بر اهمیت تقویت قوای جسمانی، با پایبندی هر چند صوری آن‌ها، به دین زرتشتی مرتبط است، چرا که در متون مقدس زرتشتی،

تأکید بسیار، بر قابلیت‌های جسمانی شده و حتی آمده است که: «ای سروش مقدس به مرکب‌های ما قوت و به بدن‌های ما صحت بخش، تا بتوانیم دشمنان خود را کشف نماییم».

به همین دلیل در این دوره، معابد و آتشکده‌ها، مهم‌ترین، موسسات آموزشی و تربیتی بودند و علاوه بر آن‌ها، شاهان ساسانی، آموزشگاه‌هایی، را برای تربیت خاندان شاهی و اشراف زادگان در نزدیکی کاخ‌های شاهی تأسیس کرده بودند که اشخاص کار آموزده‌ای به نام اندرزبذاسپورگان در آن‌ها به تعلیم فنون سواری و تیراندازی و چوگان بازی می‌پرداختند. خواندن و نوشتن، شطرنج، زوبین‌اندازی، شکار و شنا نیز در این مدارس تدریس می‌شد.

در ۱۵ سالگی تربیت‌بدنی و آموزش‌های اخلاقی پایان می‌یافت و این شروعی برای آموزش دیانت بود. در تمامی این دوران، دختران طبقات بالا و زنان درباری اجازه فراگیری علوم و مشارکت در ورزش‌هایی نظیر، سوارکاری و چوگان را می‌یافتند. به گواه مورخان دوران باستان، کودکان اشراف و نجبا صبح زود از خواب برمی‌خاستند و در دسته‌های ۳۰ نفری تقسیم می‌شدند، می‌دویدند و عصرها به کارهای عملی نظیر کاشت درخت، آماده کردن سلاح و تیراندازی می‌پرداختند. اسب‌سواری، تیراندازی، چوگان بازی، نیزه افکنی و شطرنج از ورزش‌هایی بود که در این دوران آموزش داده می‌شد و جوانان به آنان می‌پرداختند. نخستین دانشگاه‌های بزرگ ایران، در این دوران تأسیس شد. پادشاهان ساسانی فرزندان خویش را به دست‌یکی از سرداران بزرگ می‌سپردند، تا آموزش‌های رزم آوری و پهلوانی ببینند؛ از جمله افرادی که تحت این نوع آموزش‌ها قرار گرفتند می‌توان به پیروز پسر یزدگرد سوم اشاره کرد که، این دوره آموزش را زیر نظر رهام مربی خود که از خاندان پهلوان

مهران بود، سپری کرد. هنگامی که پادشاهان ساسانی نیاز به یاری داشتند، چه در هنگام صلح و چه در جنگ با دشمنان داخلی و خارجی، مریبان آن‌ها به همراه خاندانشان، به یاری شاگردان می‌شتافتند.

به طور کلی، نظام‌های تربیت‌بدنی ایرانیان از دوره‌ی ماقبل تاریخ تا پایان حکومت ساسانیان، دچار تحولات و پیشرفت‌های عمده‌ای شد که، بسیاری از آن‌ها مرتبط با، نظام‌های حکومتی و سیاسی حاکم بر ایران بوده است.

تا پایان حکومت مادها و شروع پادشاهی هخامنشیان، تأکید نظام‌های تربیت بدنی، بر تربیت مبارزان کارآمد برای دفاع در هجوم بیگانگان و تلاش برای چیرگی بر آن‌ها بود، اما در دوران هخامنشیان، تربیت‌بدنی سربازان مد نظر این نظام نبود بلکه، تربیت یک انسان ورزیده بدنی و اخلاقی را مد نظر داشتند و گروه‌های گوناگون، اجتماعی، اجازه بهره‌مندی از این نظام تربیتی را دارا بوده‌اند. با یورش یونانیان گویی بسیار از صفات پسندیده اخلاقی از میان رفت چنان که در دوره اشکانیان، این نظام مجدداً انسجام خود را از دست داد و کارکرد عمده آن همان تربیت سرباز خوب در سطحی پایین‌تر از دوره‌های قبل بود. در دوره حکومت ساسانیان، تربیت‌بدنی توسعه و رشد فراوانی چه از نظر کیفیت (استفاده از مریبان ویژه تربیت بدنی) و چه از نظر کمیت (گسترش رشته‌های مختلف ورزشی) داشت، اما نکته منفی عمده نظام تربیت‌بدنی دوره ساسانی، محروم ساختن فرزندان طبقات متوسط و پایین جامعه از تعلیم و تربیت رسمی و اختصاص آن به طبقات بالای اجتماعی بود.

نگاهی به رشته‌ها و فنون ورزشی در دوره هخامنشیان

اعتقاد به اینکه، علل بسیاری از ناراحتی‌های روانی متأثر از علت‌های جسمانی باشد

و مشارکت در تحرکات سخت و مداوم، سبب شد تا در دوره هخامنشی، تلاش گسترده‌ای برای توسعه آمادگی‌های جسمانی همه مردم و به‌ویژه لشکریان ایران انجام شود. این در حالی است که مقدر بود ایران آن روز، بر گستره وسیعی از قلمرو تمدن‌های باستان حکمروایی داشته باشد.

اهمیت ورزش و توانایی‌های بدنی در دوره هخامنشی به حدی بود که، بیش‌تر کسانی که قدرت را به دست می‌گرفتند، به اذعان مورخان ایرانی و غیر ایرانی، خود جزء دلاوران بودند و این مساله مایه افتخارشان بود. ایشان در آثاری که از خود به جای گذاشتند، به هنگام معرفی خود، از این قابلیت‌ها نام برده‌اند، از آن جمله می‌توان به کوروش کبیر، داریوش بزرگ و اردشیر اول اشاره کرد. هرودوت در معرفی کوروش می‌گوید که، وی شهریاری ساده، بسیار بلند نظر، دلیر و در فنون نبرد بسیار ماهر بود و داریوش نیز، در کتیبه نقش رستم، در خصوص سواری و مهارتش در تیراندازی، چنین می‌گوید: هنگام سواری خوب اسب می‌تازم، نیک کمان می‌کشم و به هنگام نیزه افکنی، چه پیاده و چه سوار، خوب نیزه می‌افکنم.

در بیش‌تر آثار به دست آمده از دوره هخامنشی که، تصویری از پادشاهان در آن دیده می‌شود، ایشان‌یا در حال مبارزه با حیوانی افسانه‌ای یا در حال کمانداری و نیزه افکنی و شکار دیده می‌شوند. از آن میان می‌توان به آثار کاخ اردشیر دوم در شوش، سکه‌های دریک داریوش اول و سکه‌های خشایارشا و فرش ایرانی پازیریک اشاره کرد. از آن گذشته، در تخت جمشید نمادهای گوناگون رزم آوری و پهلوانی دیده می‌شود که بارزترین آنها، از پای در آوردن حیوان افسانه‌ای به نام گریفون توسط داریوش است. ایرانیان مهر(میترا) را در جوانی زیبا و قوی هیکل که کمانی به دست داشت تصویر می‌کردند و این نشانه توجه به نمادهای ورزشی در میان آنها است.

ایرانیان در هنگام مبارزه و رویایی با سایر ملل و به‌ویژه یونانی‌ها، از نقاط قوت جسمانی و تدبیرشان، فواید بسیاری کسب کردند؛ از جمله آن‌ها این که، کوروش به هنگام فتح لیدی، پیاده نظام خویش را سوار بر شتر کرد و این سبب شد تا، سواره نظام رقیب، به دلیل فرار اسب‌ها از هم بپاشد و به این ترتیب، بر آن‌ها چیره شد. هم چنین، هنگام فتح سارد با سرزمینی مواجه شد که، همه قسمت‌های آن حصار داشت به جز، قسمتی از شهر که به کوهی با شیب تند منتهی می‌شد و در زیر آن پرتگاهی خطرناک بود. لشکر ایران با عبور از آن شیب سنگی، موفق به تسخیر سارد شد.

در دوران حکمرانی هخامنشیان، لحظاتی پیش آمد که، انتخاب پادشاه کشور با توجه به برخورداری وی، از قابلیت‌های جسمانی باشد. این مساله در زمان داریوش سوم اتفاق افتاد که وی به دلیل دلاوری بیش‌تر نسبت به رقبایش، در زمانی که هخامنشیان دچار ضعف شده بودند، به مقام پادشاهی ایران رسید.

برگزاری مسابقات ورزشی نیز، امری مورد علاقه عموم جامعه بود. در بسیاری از رشته‌ها نظیر دویدن، که قدیمی‌ترین ورزش باستانی ایران به شمار می‌آید. مسابقاتی در حضور پادشاه برگزار و به بهترین دونده جوایزی اهدا می‌شد و از دوندگان ممتاز، برای ارسال فرمان‌ها و نامه‌ها استفاده می‌شد. در اسب‌دوانی نیز، مسابقات خاصی زیر نظر کوروش برگزار می‌شد.

گزنفون در کوروش نامه آورده است که چون کوروش محل مناسبی می‌یافت، ۵ استاد (تقریباً ۱ کیلومتر) را نشانه گذاری می‌کرد و به سواران که بر اساس ملیت به گروه‌هایی تقسیم شده بودند، دستور اسب‌دوانی می‌داد. خود وی نیز اسب‌دوانی ماهر بود و به برنده، اسب پادشاه می‌داد. (گزنفون، ۱۳۵۰، ص ۶۸-۷۶).

هرودوت نیز در کتابش آورده است که: هنگام عبور خشایارشا از تسالی، وی

مسابقه‌ای بین اسب‌های پارسی و تسالی ترتیب داد تا، اسب‌های پارسی را بیازماید، چون شنیده بود که سواره نظام تسالی دریونان معروف بودند، در این مسابقه برتری با اسب‌های پارسی شد (پیرنیا، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۶۵).

در دوره هخامنشیان، رشته‌های ورزشی دیگری نیز در ایران متداول بود، که از آن جمله می‌توان به، چوگان اشاره کرد. چوگان از رشته‌های ورزشی بوده که ایرانیان در آن استاد بوده‌اند و این بازی جزء اختراعات آنها به شمار می‌رفته و گاهی به نام چوگان و گاهی به گوی معروف بوده است. در سرگذشت اسکندر نیز آمده است که داریوش سوم، گوی و چوگان مرصعی برای وی فرستاد، تا با آن بازی کند.

از آن جایی که اشکانیان (پارتیان)، حد فاصل پادشاهی دو سلسله پرشکوه هخامنشی و ساسانی قدرت را در دست داشتند، اعمال و کارهایی که در ایران انجام دادند، همواره در سایه آن دو، کم‌رنگ به نظر می‌رسد و از آنجایی که آگاهی دقیقی از آن دوره در دست نیست پژوهش پیرامون ورزش در آن دوره نیازمند تأمل و کاوش بسیار خواهد بود.

در این دوره علاقه فراوانی به جنگ و شکار و تیراندازی در میان ایرانیان وجود داشت و انواع ورزش‌ها و بازی‌ها، میان ایشان رایج بود. مهارت و قدرت سربازان ایرانی در تیراندازی به اندازه‌ای مورد ستایش رومیان بود که، در اشعار ویرژیل شاعر روم باستان بعنوان ضرب المثل آمده است. آثار باقی مانده از دوره اشکانی نیز، اهمیتی را که این سلسله برای توانایی‌های جسمانی قائل بودند، آشکارا نشان می‌دهد. برخی نقش برجسته‌ها پادشاهان اشکانی را در حال سوارکاری و نیزه‌افکنی و کمان داری نشان می‌دهد.

تکامل رشته‌ها و فنون در دوره ساسانیان

دوره ساسانیان، دوره نگاه به ورزش و فعالیت‌های بدنی از زاویه ورزشی و جسم و آرمیدگی روح و نه از زاویه آمادگی برای جنگ و مبارزه محسوب می‌شود. از این رو، اهمیت خاصی در تاریخ ورزش در ایران باستان دارد. پادشاهان ساسانی، علاقه‌مند به ورزش بودند و در فعالیت‌های متعدد ورزشی، شرکت می‌جستند و ورزشکاران را مورد تشویق قرار می‌دادند. لقب بسیاری از آنها، از جمله، هرمز اول و شاپور دوم، دلیر بود. در این دوره اهمیت داشتن قابلیت‌های جسمانی برای پادشاه، به حدی بود که، وی در صورتی می‌توانست به این مقام نایل شود که نیرومند و برنده در رقابت‌های ورزشی باشد. چنان که، بهرام پنجم (بهرام گور) برای تصاحب تاج و تخت، موفق شد در رقابت با خسرو، تاج را که بزرگان قوم، میان دو شیر قرار داده بودند با شجاعت و جسارت به دست‌آورد و روی تخت پادشاهی ایران بنشیند، وی، در یکی از جنگ‌هایی که با رومیان داشت، اعلام کرد که به جای نبرد ۲ سپاه، فقط ۲ پهلوان از ۲ سپاه با هم رقابت کنند و نبرد ۲ پهلوان، تعیین کننده نتیجه جنگ باشد. در این رقابت پهلوان ایرانی شکست خورد و پادشاه ایران، شکست را پذیرفت.

در بسیاری از آثار باستانی برجای مانده از دوران ساسانی، تصاویر متعددی از صحنه‌های شکار، سوارکاری، تیراندازی، با کمان و نیزه افکنی دیده می‌شود، البته نکته حائز اهمیت در تفاوت آثار دوره ساسانی با دوره‌های قبل، کشف بیشتر آثاری است که روی آنها مجالس بزم و موسیقی و حرکات موزون دیده می‌شود. در این دوره شنا نیز، مورد توجه بوده است و ایرانیان به هنگام استحمام در اطراف رودخانه‌ها، به فرزندان‌شان شنا می‌آموختند. پرداختن به کشتی نیز مورد توجه ایرانیان در این دوره بوده است، برگزیدگان و استادان، به مقام پهلوانی می‌رسیدند و پهلوانان، سالی یک بار،

در حضور شاه و درباریان برای احراز مقام قهرمانی، کشتی می‌گرفتند. فرد قهرمان از مزایای بسیاری برخوردار می‌شد.

در دوره ساسانی، اسب عضوی از خانواده ایرانی به شمار می‌آمد و هر جوان ایرانی می‌کوشید، از خردسالی، سواری را بیاموزد و سوارکار خوبی شود. جوانان در ملازمت شاه، به تیراندازی و شکار می‌پرداختند و از نشان خانوادگی‌شان، روی اسب‌های مسابقه، استفاده می‌کردند.

در شاهنامه و سایر کتب تاریخی به بازی چوگان در دوره ساسانی مکرر اشاره شده است. گاهی زنان نیز در این بازی، با موفقیت شرکت می‌جستند. چوگان مدتها، یکی از مواد برنامه تعلیم و تربیت نجیب زادگان ایرانی بوده است. مورخان از یک کتاب قدیمی ایرانی بنام دستور چوگان برای پادشاهان، یاد کرده‌اند که فصلی در آن برای بیان مقررات و تشریفات بازی و دستورهایی هم برای خود بازی، داشته است که چگونه ورزشکاران چوگان بدست گیرند و اسب برانند.

فندق پراکنی یا گلوله‌اندازی نیز، از بازی‌های کهن ایرانی بود که، پس از اسلام در میان اعراب نشر پیدا کرد. فندق یا فندق، گلوله‌های کوچکی بود که، از گل یا سنگ یا سرب و مانند آن می‌ساختند. گاهی به این بازی ایرانی کلاهک نیز می‌گفتند. ایرانیان، این گلوله‌ها را مانند تیر، با کمان می‌پرانند. همچنین، استفاده از حیوانات شکاری دونده و پرنده برای شکار کردن در میان ایرانیان، بسیار رایج بوده است.

ایرانیان، شطرنج (چترنگ) را که از عوامل تقویت قوای ذهنی می‌پنداشتند، از هندیان فرا گرفتند و در شاهنشاهی ساسانیان استفاده از آن رایج بود. در کارنامه اردشیر بابکان آمده است که اردشیر به یاری یزدان، در چوگان و سواری و چترنگ و... و دیگر توانایی‌های رزمی مهارت داشته است. در رساله مازیکان چترنگ که، به زبان

پهلوی به رشته تحریر درآمده است، تعداد مهره‌ها در شطرنج ۱۶ عدد در هر طرف و در مجموع ۳۲، آمده است.

مآخذ

- پیرنیا، حسن (۱۳۷۳). ایران باستان. تهران: دنیای کتاب.
- تاج بخش، احمد (۱۳۸۱). تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ در ایران قبل از اسلام. تهران: نشر یادواره کتاب.
- گزنفون (۱۳۵۰). سیرت کوروش کبیر. ترجمه ع. وحید مازندرانی. تهران: کتاب‌های جیبی.
- محمود آبادی، سید اصغر (۱۳۷۸). پژوهش‌هایی در تاریخ، فرهنگ و سیاست ایران باستان. تهران: نشر آبتین.
- مدنی، محمد سعید (۱۳۷۲). ورزش و ابزارهای ورزشی در شاهنامه و جایگاه فرهنگی و مردمی آن. پایان نامه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- موسوی، سید مهدی (۱۳۷۲). بررسی اهمیت مذهبی، معیشتی، تفننی شکار در دوران تاریخی ایران بر اساس مدارک باستان‌شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- نیرنوری، حمید (۱۳۷۹). سهم ایران در تمدن جهان. تهران: فردوس.
- نیکو بخت، محمد (۱۳۸۰). تربیت‌بدنی در آینه فرهنگ و ادبیات ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.

فصل سوم

ورزش در ایران اسلامی

ورزش در دوره اسلامی از دیدگاه هندی^۱

آنیتا گوش^۲

ورزش، بازی و تفریح، زندگی اجتماعی را کامل می‌کند. نه فقط انسان‌ها، بلکه همه موجودات زنده علاقه‌ای به زندگی بی‌تحرک و عاری از سرزندگی ندارند و حتی اگر اوضاع و احوال حاکم بر سرزمینشان آشفته باشد، میل دارند به تفریح و سرگرمی بپردازند. ورزش می‌تواند نه فقط بخشی از دین، بلکه بخشی از میراث و فرهنگ باشد.

طبق گفته بریت^۳ در شرح مبسوطی از ورزش، تجمع درونی همه انواع، مراسم، و آیین‌های پایان‌ناپذیری که ورزش را در بر می‌گیرد با هدف پرورش، آزمایش و تحسین شدن هیجانات درونی ما همخوانی دارد و این همه را در راستای یافتن لحظه آزادی برمی‌انگیزد. آزادی‌ی یعنی جایگاهی که انرژی و نظم ظهور

۱. ارائه سخنرانی در نخستین همایش بین‌المللی تاریخ ورزش ایران زمین. ترجمه و تدوین: دکترهایده صیرفی

۲. Anita Ghosh. هند، استاد دانشگاه دهلی، پژوهشگر و

۳. Beritett

کرده و همه پیچیدگی‌ها درون یک واحد منسجم قرار می‌یابد. آمادگی اجزا و هدف و هیجانی که زودتر از موقع آشکار شده و فقط خودش را هدف در نظر می‌گیرد از طریق خصلت‌های ورزشی بازتاب می‌یابند.

نواک می‌گوید: «ورزش از یک ضربان طبیعی و عمیق‌تر به بیرون فوران می‌کند، ضربانی که از جنس دین است. ضربان آزادی، احترام به حدود آیینی، چشیدن معنای نمادین و جاودانگی در کمال».

ممکن است که ورزشکار آیین‌مند نباشد (کافر باشد)، اما ورزش را آیین خود برشمرد. عبارت انتقادی نواک توجه ما را به این نکته جلب می‌کند که ورزش را می‌توان در مقام دین برشمرد. دینی که شکل دهنده و تقویت کننده ارزش‌هاست. شاید انتقاد برانگیز باشد اما می‌تواند خصوصیتی مانند عادت به سختکوشی، تداوم در نظم فردی، برخورداری از روح رقابت طلبی، اشتیاق به انجام کار گروهی را برانگیخته و با فواید اجتماعی همراه شود. از آنجا که فرهنگ اسلامی ترکیبی از وحدت و تنوع، پویایی و زندگی است و جایگاه ویژه‌ای در بین ادیان و فرهنگ‌ها دارد ورزش نیز در این دین الهی جایگاهی برازنده دارد.

بخش‌های وسیعی از شبه جزیره عربستان در دوران باستان به‌ویژه در دوره هخامنشیان (قرن ۶ پیش از میلاد) جزو قلمرو ایران بوده و حتی در قرن ششم میلادی بخشی از جنوب شبه جزیره عربستان (یمن) جزو قلمرو شاهنشاهی ایران (خسرو انوشیروان) بود. پس از اسلام نیز مسلمانان با تکیه به توانمندی‌های ایرانیان، فرهنگ و تمدن غنی اسلام را به وجود آوردند. چنان‌که همواره ایرانیان نقش مهمی در این رابطه داشتند.

بسیاری از ورزش‌های موجود در اسلام ریشه در ایران دارند که نشانه‌ای از تلاقی فرهنگی و تمدنی اسلام و ایران است. در دوران پادشاهی حکومت‌های



ایرانی یا بیگانگانی که بر ایران حکومت می‌کردند، زمینه این تلاقی بیشتر شد و به همین صورت اسلام و فرهنگ ایرانی - اسلامی از طریق ایران به هند وارد شد. گذشته از روابط بسیار قدیمی که میان ایران و شبه قاره هند از دوران باستان و در دوره‌های تاریخی پس از اسلام وجود داشته است، به‌ویژه از دوره مغولان کبیر (گورکانیان = تیموریان هند) فرهنگ، زبان، شیوه زندگی، جشن‌ها و دیگر جنبه‌های فرهنگی و تمدنی ایران به‌ویژه همراه با اسلام بیشتر و به صورت سازماندهی شده در هند نفوذ کرد که تا به امروز هنوز هم نشانه‌های بسیار دارد. از آن میان بازی‌های ایرانی در هند رواج بیشتریافت و انواع سرگرمی و تفریح مخصوص نخبگان و اشراف‌زادگان، مردم و بومیان هندی گسترش یافتند. شکار، نبرد با حیوانات، پرواز کبوتران (عشق‌بازی)، تیراندازی با تیر و کمان، شطرنج و... در هند رواج داشتند اما، از این زمان خصلت‌های ایرانی - اسلامی رواج بیشتری یافتند. این همه، در میان شاهان و شاهزادگان تیموری رواج بسیار داشتند. فیل سواری و اسب‌سواری نیز از جمله سرگرمی‌های آنان به شمار می‌آمد. نفوذ اسلام سبب تحول در بازی‌های هندی شد. اسلام موجب حمایت از بازی‌های نظامی و رزمی شد ولی از انجام انواع بازی‌های قمار و شرط‌بندی ممانعت کرد. استانداردهای اخلاقی، پیچیده و سنتی بود و اسلام به مسائلی پرداخت که اهمیت بسیار داشتند، که آزادی زنان از آن میان بود.

در قرآن مجید، اصطلاح ورزش به عنوان گنجینه حیات مورد حمایت قرار گرفته است و بیان شده که زندگی در این دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست بلکه بهترین سرا از آن پرهیزکاران در جهان آخرت است (قرآن مجید، ۳۲/۶). بنابر این اسلام با آراستگی رشته‌های ورزشی در هند به هندها در عرصه‌های



مبارزه و دفاع حس آزادگی اعطا کرد و البته این احساس در شیوه و شئون زندگی مردم شبه قاره نیز وارد شد. امروزه بخش وسیعی از مردم شبه قاره مسلمان هستند و نگاه آنها به جنبه‌های فرهنگی مانند ورزش، نگاه اسلامی است. همچنین این موضوع در میان دیگر هندیها با آیین‌های گوناگون به چشم می‌خورد.

تأثیر ایمان و معنویت بر عملکرد ورزشی در اسلام

دکتر حسن خلجی^۱

درآمد

بشر برای عبور از محدودیت‌های مسیر خود همواره می‌اندیشد تا بتواند محدودیت‌های موجود را طی و هدف‌های جدیدی طراحی کند. این مسیر را پیوسته ورزشکاران طی می‌کنند. از آن جا که انسان یک وجود مادی و معنوی دارد، بدیهی است که کمک‌های نیروبخشی و توانایی‌ها می‌تواند منشأ مادی و معنوی داشته باشد. یعنی برای شکوفایی کامل استعدادهای بشری می‌توان از کمک‌های مادی و معنوی بهره جست. هدف این مقاله معرفی راهبرد کمک‌های نیروزایی ایمان مذهبی از دیدگاه قرآن کریم است. در پیشینه بحث، کمک‌های نیروزایی مکانیکی، تغذیه ای، فیزیولوژیکی، داروشناختی و روان‌شناختی معرفی شده است. سپس برای بهینه کردن عملکرد انسان از طریق دیگر، راهبرد کمک‌های نیروزایی ایمان مذهبی معرفی شده است. این راهبرد در تاریخ اقوام و ملل مختلف چون یونان، ایران باستان و نهضت المپیک، ایران پس از اسلام، دیدگاه فیلسوفانی چون بوعلی سینا، ویلیام جیمز و امام خمینی (ره) مورد ملاحظه قرار گرفته است. سپس در تبیین موضوع، مؤلف در حالی که از قرآن کریم و نظرات مفسرین

۱. استادیار دانشگاه اراک

بزرگی چون علامه طباطبایی (ره)، و... بهره جسته است، مطالب را در قالب ایمان، مؤمن و ویژگی‌های مؤمن (آرامش، استقامت، عزت، توکل) از دیدگاه قرآن مورد توجه قرار داده است. همانطور که می‌دانیم این ویژگی‌ها برای حضور در موقعیت‌های بحرانی و سخت از جمله موقعیت‌های ورزشی بسیار مؤثر هستند که مؤلف آن‌ها را کمک‌های نیروزایی ایمان و معنویت نام نهاده است. آخرین ویژگی مورد بحث نیرومندی در مبارزه است که این ویژگی قابلیت مبارزه فرد را برابر دو نفر (البته در جنگ) با توجه به مرتبه ایمان و شرایط جسمی افزایش می‌دهد. در این خصوص سؤال‌هایی مطرح شده است که آیا می‌توان این قابلیت را به حوزه‌های فرهنگی چون ورزش انتقال داد؟

یکی از اموری که مسابقات و رقابت‌های ورزشی را مورد علاقه همگان قرار داده است شکستن رکوردهای قبلی و بجا گذاشتن رکورد (امتیاز) جدید و بهبود در فرایند حرکت است. سرمایه اصلی این بهبودها و پیشرفت‌های ورزشی، توانایی بشر است که از ابعاد جسمانی و روان‌شناختی و... بدست می‌آید. بدیهی است که بشر با دانش و فنون موجود خود، تلاش‌هایی را برای غلبه بر حریف و موانع خود انجام می‌دهد. این تلاش‌ها در دوره‌ای به حد نهایی نزدیک می‌شوند که به صورت سقف (حد نهایی) فیزیولوژیکی، روان‌شناختی، فرایندی و... مطرح شده است (shmidt, 1999, p. 268) با پیشرفت دانش، تکنولوژی و تمرین این سقف‌ها و هدف‌هایی از پس دیگری پیموده می‌شود و هدف‌های جدیدی طراحی می‌شود. این مسیر ناهموار، پیوسته از سوی ورزشکاران دوره‌های مختلف طی شده و خواهد شد. از آنجاکه انسان یک وجود مادی و معنوی دارد، بدیهی است که منبع پدیدایی نیرو و توانایی‌ها برای این پیشرفت و بهبود باید زیست‌شناختی، روان‌شناختی و... باشد. یعنی برای شکوفایی کامل استعدادهای بشری در هر دوره‌ای، باید متناسب با ابعاد وجودی فرد، وضع فرد و اقتضای زمانی، از دانش و دانش فنی موجود بهره برد.

در این مقاله، در نظر است مروری خیلی مختصر بر رویه‌های مختلف کمک‌های نیروزایی انجام شود. سپس کمک‌های نیروزایی متفاوتی که برخاسته از اندیشه و ایده‌های اسلامی (به‌ویژه قرآن) است معرفی شود. در نهایت از اندیشمندان اسلامی درخواست شده است که به برخی پرسش‌هایی که در این قلمرو طرح شده، پاسخ دهند.

انواع کمک‌های نیروزایی

موضوع پالایش و افزایش عملکرد مهارت در تربیت‌بدنی و ورزش (به مانند برخی حرفه‌های دیگر) مورد علاقه همگان بوده است. در دسته‌های دیگر اوج مهارت اهمیت پیدا می‌کند (مانند ژیمناستیک). تلاش کلیه مربیان، مؤسسات و مسئولان ورزشی برای به اوج رساندن حرکت (عملکرد و پالایش حرکت) انفرادی و گروهی است. شیوه‌هایی که تاکنون بشر برای افزایش و پالایش رفتار حرکتی خود اندیشیده به شکل‌های گوناگون بوده است که مساعدت‌ها و «کمک‌های نیروزایی» نام گرفته‌اند.

راستی این کمک‌ها کدامند؟ برابر نظر ملوین ویلیامز^۱ پنج نوع مساعدت نیروزایی وجود دارد: کمک‌های دارو شناختی، مکانیکی، فیزیولوژیکی، تغذیه‌ای و روان‌شناختی (ویلیام، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴).

ورزشکاران با توجه به سطوح رفتار ورزشی و امکانات خود از یک یا ترکیبی از این کمک‌های نیروزایی استفاده کرده‌اند. مثلاً ورزشکاران در سطح بالا، آگاهی فراوانی از کمک‌های نیروزایی دارویی (داروهایی مانند استروئید آنابولیک، هورمون رشد و آمفتامین‌ها) دارند (Andrew HOLLOW Chak, 2002, p. 75). در اینجا کمک‌های نیروزایی پنجگانه تشریح می‌شود:

۱ - Williams

کمک نیروزایی مکانیکی^۱: شامل تجهیزات و وسایلی که برای افزایش عملکرد استفاده می‌شوند. برای نمونه، استفاده از راکت‌های مرغوب تنیس و بدمینتون که هم سبک‌تر هستند و هم با کمترین میزان اصطکاک سرعت توپ را افزایش می‌دهند از نوع کمک‌های خدمات مکانیکی هستند. همچنین میچ بندها، زانو بندها، لباس‌های کتان‌ی تنگ و کمربند چرمی که برای محکم نگه داشتن اندام‌ها در وزنه‌برداری استفاده می‌شود، به عنوان خدمات مکانیکی معروف هستند.

کمک‌های نیروزایی مهارتی^۲: شامل حلقه‌های حرکتی و بدنی هستند که ورزشکاران عالی رتبه آن‌ها را به مهارت ورزشی اضافه می‌کنند، تا عملکرد بهتری را نشان دهند، مانند حرکت متضاد دو دست در عمل جمبال بسکتبال که یکی از قوانین فیزیکی حاکم بر پرتابه‌ها است که باعث می‌شود مرکز ثقل بدن تغییر کند و افزایش موقعیت کل بدن به سمت بالا رود. در نهایت موفقیت بیشتری به نوبه خود ایجاد می‌کند (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰). این نوع کمک‌های نیروزایی یکی از گونه‌های کمک‌های نیروزایی مهارتی به شمار می‌روند.

کمک‌های نیروزایی فیزیولوژیکی^۳: به طور مستقیم عملکرد بدنی را افزایش می‌دهند. برای مثال، برای رسیدن به آمادگی هوازی علاوه بر داشتن قلبی قوی و شش‌هایی با ظرفیت بالا، باید تغییراتی در خون در سطح سلولی صورت گیرد. بالا رفتن هورمون اریتروپویتین، یکی از مواردی است که می‌تواند تولید سلول‌های قرمز خون را تحریک کند. تمرین‌های هیپوکسی‌اینتروال یکی از عواملی است که بدن را با کمبود اکسیژن مواجه می‌کند که به تبع آن هورمون مذکور افزایش می‌یابد. در نتیجه آمادگی هوازی بالا می‌رود. (رواسی و ... ،

۱ - M. Mechanical Ergogenic Aids

۳ - physiological Ergogenic Aids

۲ - skill Ergogenic Aids

کمک‌های نیروزایی تغذیه‌ای^۱: شامل برنامه غذایی حاوی پروتئین، مکمل‌های کربوهیدراتی، ویتامین‌ها و مواد کانی، کافئین و جوش شیرین. حتی آب که عاری از کالری است می‌تواند به عنوان نیروزایی غذایی مورد ملاحظه قرار گیرد. به خصوص در روزهای گرم.

کمک‌های نیروزایی داروشناختی^۲: شامل داروهایی از قبیل استروئیدهای آنابولیک و هورمون رشد و آمفتامین‌ها است. برای مثال هورمون رشد ماده‌ای است که در بدن هر فرد ایجاد می‌شود، که واکنش‌پذیری بافت‌ها را توسعه می‌دهد. البته استفاده از هورمون رشد نیروزایی غیرطبیعی حجم توده عضلانی را به طور ناعادلانه (از نظر اخلاقی) افزایش می‌دهد (Coakley, 2001, p. 467).

کمک‌های نیروزایی روان‌شناختی^۳: روان‌شناختی‌این مساعدت‌ها نظیر تصویرسازی ذهنی، پیام‌های انگیزشی و برانگیختن فنون ذهنی هستند که به طور مؤثری عملکرد را بهبود می‌بخشد (Coakley, 2001, p. 473). همچنین توصیه‌های روان‌شناسی ورزشی که افزایش عملکرد را به دنبال دارد (Newburg, 1992, p. 10). عموماً آن‌ها هم برای به حداکثر رساندن انرژی مثبت روانی و هم به حداقل رساندن انرژی منفی مورد استفاده قرار می‌گیرند (ویلیام، ۱۳۷۶، ص ۲۵۲). کمک‌های نیروزایی را در شکل‌های مختلفی می‌توان دسته‌بندی کرد. در مقابل آندروهاالوچاک^۴ که در مقاله خود آن‌ها را به کمک‌های نیروزایی طبیعی (مانند فیزیولوژیکی) و غیر طبیعی (مانند دارویی) دسته‌بندی کرده، نگارنده آن‌ها را به کمک‌های زیست‌شناختی (مانند فیزیولوژیکی و...) و غیر زیست‌شناختی (مانند روان‌شناختی) طبقه‌بندی می‌کند. زیرا این طبقه‌بندی با ابعاد وجودی انسان که علامه طباطبایی (ره) طبقه‌بندی کرده، سازگارتر است. وی ابعاد

^۱ - Nutritional ergogenic Aids

^۳ - psychological Cryogenics aids

^۲ - pharmacological ergogenic aids

^۴ - Adnrew Halowchak

وجودی انسان را به بعد خلقی (مانند جسم) و بعد امری (مانند روحی و روانی) طبقه‌بندی کرده است (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۴۴۰).

آیا بشر برای عبور از سقف‌های (هدف) فیزیولوژیک و روان‌شناختی که امروز در رقابت‌های ورزشی مواجه است، صرفاً به کمک‌های نیروزایی پنجگانه مذکور محدود است؟ آیا کمک‌های نیروزایی زیست‌شناختی و غیر زیست‌شناختی دیگری وجود دارد که تاکنون بشر به آن دست نیافته است؟ آیا تاریخ ملل قدیم راه گشاست؟ اگر در میان آداب، عادات و سنن تأمل شود رویه‌های دیگری نیز به دست خواهد آمد؟ کتب آسمانی و دین کمک‌هایی در این خصوص می‌تواند به بشر ارائه دهد؟ از این رو، آنچه مطرح است، این که آیا ایمان مذهبی کمک نیروزا به شمار می‌آید؟ ایمان مذهبی از دیدگاه اسلام و به‌ویژه قرآن چیست؟ و چگونه عملکرد ورزشی را ارتقاء می‌دهد؟

کمک نیروزایی ایمان مذهبی با مطالعه تاریخ اقوام و ملل مختلف ملاحظه می‌شود که آنان به تربیت روحانی و جسمانی توجه داشته‌اند در اینجا به اختصار، برخی از آن‌ها بیان می‌شود.

رودلف براش^۱ تأکید می‌کند که ورزش به عنوان آیین‌های دینی آغاز شده است. او علت این امر را ترس انسان از نیروهای طبیعت که او را در میان گرفته و به وی گزند می‌رساند تفسیر می‌کند (انورالخولی، ۱۳۸۱، ص ۵۵).

مسابقه‌های ورزشی از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد بخشی از جشنواره‌های دینی بوده‌اند: بعدها در قرن پنجم پیش از میلاد، فرهنگ یونانی رقابت را با شهروندی و زندگی مذهبی یکپارچه کرده بود (cashmove، 2002. p. 214). در عصر پریکلس تربیتی-آموزشی حکمای یونانی درآمد (قنبری نیاکی، ۱۳۶۷، ص ۶۴). در آموزشگاه‌های

۱ -Ruddolph Brash

آتن پرورش روحی و معنوی بدون اینکه از تمرین‌های بدنی غفلت شود، مقام اول را داشت (دولاندلن، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳). تا ۱۵۰ سال پیش، در کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده و کانادا، حوزه دین و ورزش یکپارچه بوده و راه‌های حمایتی دو سویه‌ای در زندگی بشر داشته است. افراد با باورهای مذهبی معین ورزش‌ها را برای پیشرفت اهداف مذهبی استفاده می‌کرده‌اند. یا افراد در شکل‌های متفاوتی باورهای دینی را برای پیشرفت اهداف ورزشی به‌کار می‌گرفته‌اند تربیت‌بدنی در ایران باستان (دوره حکومت‌های ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی) بدون غرایز و احساسات، نامناسب قلمداد می‌شده است (مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۷۷).

در مبحث المپیزم، میان مذهب و ورزش از آن رو که مخاطب آن‌ها انسان است و هدف، تعالی اوست، وجه اشتراک وجود دارد. ورزشکار در اوج تلاش خستگی ناپذیرش خدا را در باطن خویش جستجو می‌کند (عزیزی، ۱۳۷۵، ص ۱۴). کشتی در عصر فردوسی جنبه‌های معنوی و روحانی داشته و با صفات پهلوانی توأم بوده است. دکتر مظلومی در کتاب ورزش در مسیر تاریخ درباره غلبه ایمان بر نیرو می‌نویسد: «وجه‌الدین مسعود پهلوان- زاهدی بود که... پیوسته جوشن می‌پوشید و... او با عده کمی از تربیت شدگان خود به جنگ مغولان^۱ رفت و فاتح بازآمد. همچنین پهلوان محمد ابوسعید، کشتی گیر و دارای جمیع فضایل و کمالات انسانی و نیز در همه فنون زمان منحصر به فرد بود». در فتوت نامه سلطانی، نوشته ملاحسین واعظ کاشفی، خصوصیتی که برای پهلوانان آمده همان صفات مومنان است. بیشتر دانشمندان اسلامی و دیگران نیز به فواید تربیت روحانی در تقویت جسم و بدن دخاله دارد» (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰ ص ۲۰۶). ویلیام جیمز^۱ از محققان عرصه دین، باورهای دینی را دارای چنین آثار مشهودی می‌داند: «اتصال با روح عالم خلقت خدا... نتیجه آن

۱. منظور جنگ با بقایای مغولان در نیمه قرن هشتم است که پس از برچیده شدن حکومت ایلخانان در خراسان حکومت داشتند.

ایجاد یک جریان قدرت نیروزایی است که به طور محسوس دارای آثار مادی و معنوی است. زندگی دارای مزه و طعمی می‌گردد که گویا رحمت محض می‌شود و به شکل... سرور و بهجت دلیرانه در می‌آید (آذربایجانی، ۱۳۸۳، ص ۳). الکسیس کارل^۲ می‌گوید: «آیا ضروری نیست که کلیه توانایی‌هایی را که قادر به انجام آن هستیم تشخیص دهیم؟ اگر توانایی‌ها برای ما خطری ندارد، نمی‌توانیم آن‌ها را عاطل بگذاریم. ضعف احساس عرفانی و اخلاقی به اندازه ضعف نیروی دماغی زیان‌آور است. شک نیست که توفیق در زندگی به رشد کامل همه توانایی‌های فیزیولوژیکی، عقلی، روانی و معنوی بستگی دارد» (کارل، ۱۳۸۷، ص ۳۰). همچنین امام خمینی (ره) نیز در جمع ورزشکاران بیان کرده بودند: «اسلام است که می‌تواند روح ما را قوی کند و به تبع آن جسم ما هم قوی می‌شود» (۱۳۶۱، ص ۲۷۲).

بنابراین ملاحظه می‌شود، دریونان، ایران باستان و پس از اسلام و در اندیشه‌های دانشمندان اسلامی و غربی برای تعالی جسم به تربیت روحی و ایمانی جوانان نیز توجه می‌شده است. همواره آنان همپای هم مورد تربیت قرار می‌گرفته‌اند، حتی ابتدا فعالیت‌های ورزشی یک رفتار دینی بوده است. یادآوری می‌شود، مجموعه‌ای از اوامر و نواهی است که برای تزکیه، تربیت، و سعادت انسان آمده است، در این راستا آثاری، از جمله بر عملکرد حرکتی، تدوین شده که بایستی مورد توجه جدی قرار گیرد.

تأثیر ایمان در عملکرد ورزشی در قرآن

برای ورود به مبحث اصلی یعنی تأثیر ایمان مذهبی در عملکرد ورزشی در قرآن لازم است که دو مفهوم مهم و اصلی این بحث یعنی ایمان و مؤمن و آثار آن توضیح داده شوند.

۱ - william jims

۲ - Alexis carrel

از نظر لغوی، ایمان از ماده ا-م-ن است و در اصل آرامش خاطر و نفس و از بین رفتن بیم و هراس را تداعی می‌کند (بهشتی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۲). در باره تعریف اصطلاحی آن خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید «ایمان فقط تصدیق قلبی است به معرفت خداوند و... می‌گوییم که هر کس خدا و پیامبر (ص) را بشناسد و به همه کارهایی که باید انجام دهد، دانا باشد و آن‌ها را راست بداند، او را دارای ایمان می‌دانیم (ص ۶۴۰).

اعتقاد به یک صورت فکری اسناد می‌شود، که انسان به آن تصدیق دارد، مانند این که گفته شود: «آفریدگاریکی است، و هرچه هستی و آثار هستی است، از اوست» و نظایر این‌ها (طباطبایی، معنویت، ص ۱۶۱) خداوند ذاتی است که «همه کس به او نیازمند است» (قرآن کریم - فاطر - ۱۵) ویاری کردن مؤمنان بر او (ما) فرض است (قرآن کریم، روم/ ۴۷)... کسانی را که گرویدند می‌رهانیم زیرا بر ما فرضیه است که مؤمنان را نجات دهیم (قرآن کریم، یونس/ ۱۰۳). شخصی که به موضوع‌های فوق و سایر ارکان، اصول و فروع دین باور قلبی (نه تقلیدی و ظاهری یا برای تقویت صرف) پیدا کند، و به تمامی آن‌ها را به نحو نیکو و پسندیده و با قلبی مطمئن انجام دهد (قرآن کریم، والعصر) آثاری پایدار در او ایجاد می‌شود، حالتی دایم و بالاخره صفاتی به وجود می‌آید که به آن فرد مؤمن گفته می‌شود. کسی که دارای ایمان به خدای تعالی است، تکیه بر پایگاهی دارد که هیچ حادثه و گرفتاری تکانش نمی‌دهد، و به رکنی وابسته است که انهدام نمی‌پذیرد، و چنین کسی (همه) امور خود بر پایه معارفی بنا نهاده که شک و اضطراب قبول نمی‌کند، در اعمالش با روحیه‌ای اقدام می‌کند که از تکلیف الهی منشأ گرفته است (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۰ - ۴۳۱). بالاخره پذیرش چنین بینشی آثاری در فرد مؤمن به وجود می‌آورد که آن‌ها زمینه بسیار مطلوبی برای حضور فعال در موقعیت‌های بحرانی زندگی از جمله رقابت‌های ورزشی فراهم می‌کنند.

آثار ایمان

آرامش روح: قرآن شریف می‌فرماید: اوست (خدا) که آرامش را در قلوب مؤمنان نازل کرد، برای آن که ایمانی برایمانشان بیفزاید (فتح/۴). این آرامش به علت ایمان به خداست که در دل مؤمن ایجاد شده است. در این باره میرزا جواد ملکی تبریزی می‌گوید «معرفت خدا مایه آرامش دل از هرگونه وحشت، یار دلنواز برای هر تنهایی و روشنائی برای هر تاریکی است. و قوه و نیرو در برابر هر ناتوانی و شفای هر دردی است» (ملکی تبریزی، ۱۳۵۹، ص ۲۸).

استقامت در برابر مشکلات: قرآن کریم درایات بسیاری راه و روش استقامت و پایداری در برابر دشمن یا مشکلات را معرفی کرده است. از آن میان: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا رایاری کنید، یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد» (محمد/۷)؛ چون با گروهی برخورد کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید (انفال/۴۴). ملاحظه می‌شود، ایمان مذهبی و ذکر خداوند در انسان نیروی مقاومت می‌آفریند و تلخی‌ها را شیرین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۴۴). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید «نفس مؤمن از سنگ سخت، سخت‌تر است».

بنابراین روح مؤمن با ظرفیت است در برابر مشکلاتی که برای خیلی‌ها تحمل‌ناپذیر است، مقاومت می‌کند. روح مؤمن به قدری با کرامت است که بسیاری از مشکلات و امور را نادیده می‌گیرد (رشاد، ۱۳۷۷، ص ۲۷).

احساس عزت و غلبه: عزت، حالتی است که فرد خویش را غالب می‌بیند (ملکی تبریزی، ۱۳۵۹، ص ۳۲). قرآن کریم این صفت را خاص خدا و مومنان می‌داند (منافقین/۸). و شرط برتری هر فردی را ایمان و پایداری قلمداد می‌کند: (اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، که شما برترید) (آل عمران/۱۳۹). از نظر اسلام، ایمان می‌تواند این

احساس را ایجاد کند. هر چه مراتب ایمان بالاتر باشد، صلابت، مهابت و عزت او بیشتر است. آیا کسی که دلش با حق تعالی پیوند خورده است، ممکن است که ترس و بیم داشته باشد؟ خوف از چه چیز؟ او با همه کاره عالم ارتباط دارد پس از چه بترسد؟ از این رو، مؤمن همیشه خود را غالب می‌داند (ملکی تبریزی، ۱۳۵۹، ص ۴۷).

توکل: قرآن کریم می‌فرماید: «اگر خدا شما رایاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند». آل عمران/۶۰ و در جای دیگر آورده است: مؤمنان همان کسانی اند که... بر پروردگار خود توکل می‌کنند (انفال/۲). حضرت امام رضا(ع) فرموده است: «... جز از خدا نترس هر که اطاعت خدای سبحان کند، عزیز و نیرومند خواهد شد» (حکیمی، ۱۳۶۳، ص ۵۱۳).

نیرومندی در مبارزه: قرآن کریم، کلید نیرومندی و برتری مومن را ایمان مذهبی می‌داند. هر چه مرتبه ایمان بالاتر باشد، قدرت بدنی و روحی مبارزه فرد افزون‌تر است. خداوند در سوره انفال آیه‌های ۶۴ تا ۶۶ می‌فرماید: «ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز، ... اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست. پس اگر از (میان) شما یکصد تن شکبیا باشد بر دویست تن پیروز گردند، ... و خدا با شکبیاان است». هر چند این آیه‌ها درباره جنگ میان ایمان و کفر هستند، اما نشان می‌دهند که ایمان مذهبی سهم بسیار زیادی در نیروزایی کلی (بدنی و روحی) در جنگ دارد. هر چه ایمان برتر و بیش‌تر می‌شود، این نسبت از یک نفر در مقابل دو نفر آغاز می‌شود و تا یک نفر در مقابل ده نفر قابل افزایش است. همچنین در سوره بقره آیه ۲۴۹ خداوند از زبان مؤمنان سپاه طالوت می‌فرماید: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکبیاان است». علامه طباطبایی مردم را از نظر ایمان به سه دسته تقسیم می‌کند (۱۳۶۰، ص ۴۴):

(۱) مقربین: استعداد فرد در این مرحله به فعلیت تام رسیده است. مانند پیامبران الهی؛

(۲) محسنون: ین افراد به درجه‌یقین رسیده‌اند اما در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار دارند؛

(۳) مردم مسلمان عادی: علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره مؤمنان می‌فرماید: بدانند که حاکمیت و غلبه همواره از آن‌ایمان و تقواست، هرچند که دارندگان آن کم باشند (۱۳۸۴، ص ۴۳۰). ویژگی‌هایی که مؤمنان تحصیل می‌کنند، مرهون دو عامل زیر است:

علم یا آگاهی علم به معارف اسلامی و الهی به تقویت باورهای مومن کمک می‌کند. از آن‌جا که نیروی ایمان مبتنی بر فهم صحیح است، همین فهم صحیح صاحبش را به هر خلق و خوی پسندیده‌ای متصف می‌سازد. از این رو، او را شجاع، با شهامت، پر جرأت و دارای استقامت، وقار، آرامش قلب و مطمئن به خدا بار می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۰).

انجام عمل صالح؛ عمل صالح؛ عبارت است از عمل طبق وحی، وظیفه و تکلیف (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۵). علامه طباطبایی اطمینان قلبی پیدا را برخاسته از علم و یقین... و التزام علمی به آن می‌داند (۱۳۸۴، ج ۱۸، ص ۱۷۸). او معرفت، علم و عمل را با هم ملازم می‌داند و بیان می‌کند که، ایمان حالت آرامش قلبی است... تا با عمل صالح قرین نشود مؤثر نخواهد بود (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۴۴). قرآن کریم درباره آثار عمل و عبادت می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا داشته باشید برای شما [نیروی] تشخیص قرار می‌دهد» (انفال / ۲۹).

و در جای دیگری آورده است، کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را به آنان می‌نماییم (عنکبوت / ۶۹). ملاحظه می‌شود، برخورداری از ایمان آثار بسیار مؤثری برای مومن به همراه می‌آورد که آن‌ها برای موقعیت‌های بسیار دشوار زندگی از جمله موقعیت‌های رقابتی سنگین می‌توانند بسیار سودمند باشند.

آرامش روح، استقامت در برابر مشکلات، احساس عزت و غلبه، توکل (نهراسیدن از کسی) و نیرومندی در مبارزه شرایطی را برای فرد مؤمن فراهم می‌کند که او بتواند به گونه‌ای مطلوب، با اصرار بر رسیدن به هدف، بدون حقارت و ترس از عوامل بیرونی و اتکای بر خدا و توانایی‌های شخصی با به کارگیری استعدادهای خود بدون کمترین عامل مزاحمی در حل مشکل خود اقدام کند و تمامی انرژی خود را در رسیدن به اهداف هزینه کند. این حالت‌ها، درست همان نیازهای روحی است که یک ورزشکار برای حضور در صحنه‌های رقابتی بالا به آن نیاز دارد. قدر مسلم آن که در پیروز شدن یک گروه یا یک ورزشکار می‌تواند بسیار مؤثر باشند؛ مؤلف اثر چنین ایمانی را کمک‌های نیروزایی ایمان و معنویت نام نهاده شده است.

پرسش‌هایی درباره نیروزایی ایمان مذهبی

پرسش درباره اثر پنجم ایمان، نیرومندی در مبارزه، است. آیا نیرومندی مومن که در جنگ در برابر کافر تا ۲ نفر (قرآن کریم، انفال ۶۴-۶۶) قابل افزایش است، همان نیرومندی جسمانی است؟ آیا این نوع نیرومندی برای رقابت یا مبارزه‌های انسانی و فرهنگی چون ورزش قابل تعمیم است؟ وقتی رقابت‌های میان یک مسلمان با فردی کافریا اهل کتاب، یا حتی رقابتی میان ورزشکاری مسلمان با مسلمانی دیگر برگزار می‌شود از این نیرومندی می‌توان بهره مند شد یا این که، نیرومندی تنها در موقعیت‌های جنگ بین کافر و مسلمان است؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه از این نیرومندی می‌توان استفاده کرد و ساز و کار بهره‌مندی از آن چگونه است؟

اگر بتوان، به این پرسش‌ها به روشنی جواب داد، راه جدیدی برای حضور فعال تر و کارآمدتر در مجامع فرهنگی و سیاسی شناخته می‌شود. این راه می‌تواند ملت

ما را در حوزه‌های نظامی، صنعتی و ورزشی به اوج خود برساند. به‌ویژه آن که در شکستن رکوردهای ورزشی، آثار آن از ظاهر آیه‌های قرآن کریم، درک می‌شود که ایمان، نیروزاست یعنی ایمان نه فقط راه را برای بروز انرژی تسهیل می‌کند بلکه انرژی را چندین برابر می‌کند.

پایان سخن

برای گذر از محدودیت‌ها در موقعیت‌های مختلف زندگی از جمله ورزش، روش‌ها و یا کمک‌های نیروزایی که بشر در اختیار دارد، ممکن است متنوع باشد. چنان‌که محدود به روش‌های پنج‌گانه ویلیام. ام. وهالوچاک نشوند. این مقاله به کمک‌های نیروزایی ایمان مذهبی تأکید کرده است. همان‌گونه که بیان شد طرح، نه غیر طبیعی (مانند نظر آندرو وهالوچاک) و نه زیست‌شناختی (مانند دسته‌بندی‌هایی که در آغاز مقاله ارائه شد)، بلکه طبیعی، درونی و معنوی است که اثرات کاملاً پایدار، فراگیر، عمیق و انسانی دارد. از این رو نسبت به سایر کمک‌ها و عوامل در تعامل با حریفان، انسانی تر و فراخور موقعیت‌های ورزشی - فرهنگی است. بلکه خلاف برخی رویه‌های کمک‌های نیروزایی هیچگونه آسیب فردی و اجتماعی ندارد، از آن گذشته در مقابل سازنده، حیات بخش و اخلاقی است. همانطور که بیان شد، ایمان مذهبی باور قلبی به خدا یا اعتقاد به یک صورت فکری و... فردی نیست که به آن مجموعه شناخت‌ها و آگاهی‌ها ایمان آورده باشد و همچنین در زندگی طبق آن شناخت‌ها (وحی - وظیفه) به طور پسندیده و همه جانبه عمل کرده باشد، مومن نامیده می‌شود. برابر با دیدگاه قرآن این فرد مشمول رحمت و عنایت خداوند قرار می‌گیرد، قدرت تشخیص پیدا می‌کند (انفال / ۲۹) و مورد هدایت ویژه خداوند خواهد بود (عنکبوت / ۶۹) ویژگی‌هایی که فرد مؤمن پیدا می‌کند همانطور که گفته شد: آرامش، استقامت، احساس غلبه و در نتیجه عزت، توکل

و نیرومندی در مبارزه است.

این‌ها مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که هر فردی برای زندگی برتر نیاز دارد، به‌ویژه آن‌که، ورزشکاران، نظامیان و سایر افرادی که در مقابل موقعیت‌های پرتنش و هیجان شدید قرار دارند. فردی که دارای این صفات است، در مقابل حریف بدون استرس، با پشتکار فراوان (استقامت) و داشتن احساس غلبه، بدون انفعال ضمن توکل و با نیرومندی فوق‌العاده ظاهر می‌شود.

این صفات با ویژگی‌های هشتگانه گاروفیلد که برای موفقیت در عملکرد ورزشی معرفی می‌کند سازگاری دارند. آنها عبارتند از: آرامش روانی، آرامش جسمانی، احساس اطمینان، تمرکز بر زمان حال، انرژی بالا، آگاهی بالا، کنترل موقعیت و احساس دوری از عوامل بیرونی. به علاوه اکثر روش‌های مداخله‌ای روان‌شناسی درصدد ایجاد آرمیدگی، تمرکز و استقامت در برابر ناتوانی هستند. روان‌شناسان موفق‌ترین ورزشکار را کسی می‌دانند که در مقابل نگرانی، تنش، خستگی و ناتوانی بتواند استقامت ورزد (هول اوتهفیلد، ۱۳۷۲، ص ۴۵۱). همچنین استیون اورمن^۱ در کتاب خود به نام تأثیر اخلاق پروتستان روی ورزش و تفریح ترکیبی از اخلاق دینی و ورزشی چون زهدگرایی، فردگرایی و اخلاق را مورد تاکید قرار می‌دهد. به علاوه نقل شده است که مربیان و ورزشکاران مذهب را به چند دلیل در ورزش‌ها توصیه می‌کنند:

(۱) سازگاری با شرایط معین

(۲) تحمل سختی

(۳) معنی بخشیدن به ورزش‌ها

(۴) وحدت و یکپارچگی تیم

¹ Steven overman

۵) حفظ استقلال و کنترل عوامل اجتماعی روی تیم

۶) دستیابی به موفقیت و... (Coakley, 2001, p. 473).

همچنین، در تاریخ اسلام و ایران نمونه‌های فراوانی از ثمره چنین ایمانی قابل بررسی است. علی (ع) نمونه عینی و کامل چنین تربیتی بود. او انسان کامل و پرورش‌یافته مکتب اسلام است. ایمان او در درجه اعلی، قدرت جسمانی و روحانی او مافوق تصور، در حالی که تغذیه او در حداقل بوده. بنابراین، آن چیزی که به علی (ع) قدرت می‌داد جز ایمان چه می‌توانست باشد؟ (اداره کل تربیت بدنی، ۱۳۶۰، ص ۲۲).

امام علی (ع) درباره مالک اشتر می‌فرماید: چه بود مالک؟ به خدا اگر کوه بود، کوهی استوار و متمایز از کوه‌های دیگر و اگر سنگ بود، سنگی سخت بود (بهشتی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۲). به علاوه در تاریخ فرهنگ و ورزش ایران آن جا که تربیت جسمانی و ایمانی همراه و توأم شده‌اند، قهرمانان نامی و مؤمن ظهور کرده‌اند که مانند ابومسلم از حامیان اولیای خدا، زاهد، اهل قناعت، جوان مرد، متین، صبور و عالم بوده‌اند.

تاریخ ایران زمین خود گواه از آن دارد که چنین نام آورانی را تجربه کرده و پس از سده‌های دراز، هنوز هم نام آنان بر تارک این مرز و بوم طنین انداز است. از این گذشته در میان دیگر ملت‌ها نیز چنین کسانی زیسته و بالیده‌اند.

رابرت هیگز^۱ در کتاب خدا در استادیوم (۱۹۹۵) اثبات می‌کند که باورهای دینی مسیحیت موجب الگوهایی می‌شود که با الگوهای اخلاقی جسمانی متناسب با ورزش‌های امروزه تناسب دارد.

1. Robert Higgs

مآخذ

- قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه محمد مهدی فولادوند. قم: جامعه مدرسین.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۳). «توجیه ایمان از دیدگاه ویلیام جیمز». فصلنامه دانشگاه. سال ششم. شماره یکم.
- آکلسیس، کارل (۱۳۸۷). «نیایش». ترجمه علی شریعتی، تهران: انتشارات الهام.
- امین انور الخولی (۱۳۸۱). ورزش و جامعه ترجمه: حمیدرضا شیخی. تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۰). ورزش و تربیت بدنی در جمهوری اسلامی. اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش.
- اسوآهولا و براد هتفیلد (۱۳۷۲). روان شناسی ورزشی با رویکرد روانی-اجتماعی، ترجمه رضا فلاحی؛ محسن حاجیلو، تهران: دفتر تحقیقات و آموزش سازمان تربیت بدنی.
- اصفهانی راغب (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن، به تحقیق صفوان عدنان داوودی. دمشق: دارالقلم؛ بیروت: دارالشامیه.
- بهشتی احمد، (۱۳۶۲) مبانی تربیت بدنی در اسلام. تهران: اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش.
- حاج عظیمی نصرت اله؛ ایزد پناه (بی تا). تاریخ ورزشی ایران. بی نا.

- حکیمی محمدرضا و همکاران، (۱۳۶۳). الحیاء. ج ۱. قم. سازمان تبلیغات اسلامی.
- خلجی حسن. (۱۳۷۸). اصول و مبانی تربیت‌بدنی و ورزش. دانشگاه پیام‌نور.
- خواجه نصرالدین طوسی (بی‌تا). تمهیدالاصول، ترجمه مشکوره‌الدینی. انجمن حکمت.
- رشاد علی اکبر (۱۳۷۷). کیش پارسیان (سخنرانی آیت الله مجتبی تهران). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌های اسلامی.
- رواسی، علی اصغر؛ گایینی، عباسعلی؛ علمیه علیرضا (۱۳۸۳). تأثیر تمرینات هیپوکسی اینتروال بر هموگلوبین، هماتوکریت، رتیکولوسیت و سلول‌های قرمز خون در هنجریان پسر تربیت بدنی، حرکت، شماره ۲۲.
- دولاندلن (۱۳۷۵). تاریخ جهان ج ۱. ترجمه احمد بهمنش. تهران: دانشگاه تهران.
- صادقی، حیدر (۱۳۸۴). مقدمات بیومکانیک ورزشی. تهران: سمت.
- صحیفه نور (۱۳۶۱). مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره) ج ۹. تهران: وزارت ارشاد.
- طباطبایی، محمد حسین (؟). بی تا تفسیر المیزان ج ۹. ترجمه سید محمد باقر همدانی. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه طباطبایی (بی‌تا). المیزان فی تفسیر قرآن، ج ۱۸. بیروت: الاعلمی، بیروت.
- علامه طباطبایی (۱۳۶۰). رساله الولایه، اهل البیت.

- عزیزی، محمد (۱۳۷۵). «بنیان فلسفی المپیسم». فصلنامه المپیک. شماره ۱ و ۲. کمیته ملی المپیک.
- قمی، حاج عباس (۱۳۷۶). مفاتیح الجنان. ترجمه الهی قمشه‌ای. بی نا.
- قنبری نیاکی، عباس (۱۳۷۶). تربیت بدنی از دیدگاه اندیشمندان اسلام. تهران: سازمان تربیت بدنی.
- مظلومی رجبعلی ۱۳۶۶، ورزش در مسیر تاریخ، اداره کل تربیت بدنی آموزش و پرورش، دفتر هشتم، ص ۷۷ و ۱۰۵.
- مکارم شیرازی، آیت الله و همکاران (۱۳۵۷). تفسیر نمونه. ج ۷. دارالکتب الاسلامیه.
- ملاصدرای شیرازی (۱۳۶۰). به تصحیح حسین نصر، تهران: ملی.
- ملکی تبریزی، میرزا جواد (۱۳۵۹). رساله لقاءالله. ترجمه سید احمد فهری. تهران: فیض کاشانی.
- واعظ کاشفی، مولانا حسین (۱۳۵۰). فتوت نامه سلطانی. تصحیح محمد جعفر محبوب.
- ویلیام، اچ، ملوین (۱۳۷۶). گامی نو در فراسوی تمرین‌های ورزشی، روش‌های نیروزایی ترجمه مهدی سهرابی، مؤسسه فرهنگی آینه.
- Andrew holowchak, m. (2002). Ergogenic aide and the limist of human performance in sport: Ethical Issues, Aesthetic considerations. Journal of the philosophy of sport. P75- 86.
- coakley jay. 2001; sport in society, seventh Edition, McGrow Hill, . P. 437.

- Ellis cashmore, 2002, sport psychology, Humankinetics, p. 214217-
Lexington: the 37- Higgs, R. J. 1995. GOD in the stadium: sport and
religion in AMERICA. University of Kentucky press.
- ladd, T. and j. A. mathisen, 1999. muscular Christianity: Evangelical
protestans and the development of American sport. Grand Rupids MI:
Baker BOOKS
- Garfield. c. A and Bennett, H. Z, 1984. Peak performance: Mental training
Techniques of the World, s greatest atheletes. Boston: Houghton Mifflin.
Pp. 75.
- Newburg, D. (1992), Performance Enhancement: Toward a working definition
contemporary- Thought- on- performance- enhancement 1(1), oct, pp. 10-
25.
- Overman, S. j. 1997. theprotestant Ethic on sport and recreation. Brookfield,
VT:Ashgate
- Schmidt, r& lee, (1999), motor control and learing – A Behavior Emphasis.
Human kinetics.
- Williams, M. (1994). THE use of Nutritional Ergogenics Aids in sport: Is it
an Ethicsl issue? International journal of sport Nutrition. 4:120- 131.

امام علی(ع) الگوی ورزش ایرانیان

کامران شرفشاهی

چه کسی قهرمان ملی ماست؟ آنکه مولای او علی(ع) باشد
پهلوانی که در همه احوال راه و رسمش، ره ولی باشد

... امام علی بن ابیطالب(ع) به گواه دوست و دشمن «مظهرالعجائب» است. چنانکه پس از گذشت قرن‌های متمادی «جرج جرداق» مورخ نامدار مسیحی آرزو می‌کند که ای کاش دنیا می‌توانست تمام امکانات و قوای خود را جمع کند و در هر عصری یک نفر مانند امام علی پدید آورد تا اوضاع بشر را سرو سامان بخشد. فضائل و کرامات امام علی آنقدر عظیم و گسترده است که قابل توصیف نیست چنان‌که «خطیب خوارزمی» در روایتی از «ابن عباس» فضائل آن حضرت را بیش از سی هزار برمی‌شمارد.

پیامبر عالیقدر اسلام(ص) در احادیث فراوانی مقام و مرتبه والای امام علی را ستوده است. تا آن جاکه در حدیثی چنین بیان می‌کند:

«لَوْ أَنَّ بَحْرَ مَدَادٍ وَ الشَّجَرَانِ أَقْلَامُ وَ الْآنِيسُ كِتَابُ وَ الْجَنُّ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ».

یعنی: اگر دریا مرکب شود و درختان قلم گردد و بنی آدم و طایفه جن حساب کنند، نمی‌توانند فضائل تو را بشمارش در آورند ای ابا الحسن (کنیه امام علی (ع)).

تکریم ائمه اطهار از منزلت والای آن حضرت جلوه‌هایی از زندگانی پربار آن ابر مرد همه دوران‌ها را بر ما آشکار می‌سازد، و به راستی چه انتخاب زیبا و عمیقی است برگزیدن مولای متقیان، حضرت حیدر کرار (ع) را به عنوان اسوه پهلوانی و ورزش.

پس از ظهور اسلام، ایرانیان بنا به فرمایش گهربار رسول گرامی اسلام (ص) که عقل سالم را در بدن سالم می‌دانستند، نسبت به ورزش اهتمام فراوانی داشتند. خصوصاً آن‌که اماکن ورزشی میعادگاه و انجمنی بود برای دوستداران امام علی (ع) و خاندان پاک او.

از این رو زورخانه‌ها و اماکن ورزشی غالباً در کنار بناهای متبرکه مانند امامزاده‌ها، مساجد، و حسینیه‌ها ساخته می‌شد و اشخاص خیر با ساختن و وقف ورزشگاه‌ها و کمک‌های نقد و غیر نقدی می‌کوشیدند تا بر رونق این اماکن بیفزایند.

در این ورزشگاه‌ها فعالیت‌های جسمی و تربیتی و نیرومند ساختن بدن همراه با صلوات و ذکر و نیایش بود و اشعاری که در مدح و منقبت امام علی (ع) قرائت می‌شد در زیر طاق و گنبد ورزشگاه می‌پیچید و دل و روح ورزشکاران را صفا و جلا می‌بخشید. به عبارت دیگر در این مکان‌ها ورزش با مذهب و معنویت کاملاً همراه بوده و به این لحاظ ورزشکاران با اقتدار به امام علی به عنوان مراد و پیشوا می‌کوشیدند تا راه و رسم پهلوانی و جوان مردی را از آن حضرت بیاموزند و به همین اعتبار پهلوانان همواره محبوب و مورد احترام مردم بودند و تلاش می‌کردند تا در کنار بالاتر بردن سطح توان جسمانی، خود را به فضائل معنوی نیز بیارایند و به حال خویش سودمند باشند.

در قرون جدید، خصوصاً قرن بیستم میلادی، ورزش‌های تازه‌ای از سرزمین‌های

دیگر جهان به ایران وارد شدند. این ورزش‌ها گرچه به عنوان ورزش و وسیله‌ای برای تربیت جسمانی و تندرستی دارای اهمیت و فایده هستند، اما اگر این ورزش‌ها با فرهنگ و تعالیم دینی ایرانیان همراه نشوند بی‌تردید نتیجه مطلوبی که مورد انتظار جامعه ماست از آن کسب نخواهد شد. از این‌رو شناخت فرهنگ، هویت و پیشینه پر افتخار ایرانی برای هر ورزشکاری امری بسیار مهم و قابل تأمل است. خصوصاً در زمینه «الگو» یا «اسوه» می‌بایست سازمان‌هایی که متولی امور تربیت‌بدنی و ورزش هستند، زمینه آشنایی و بهره‌گیری افزون‌تر ورزشکاران کشور را از شخصیت‌های بزرگ و برجسته، به‌ویژه امام علی بن ابیطالب(ع) که همواره مقتدا و او بزرگ پیشوای قهرمانان است، فراهم آوردند.

بی‌گمان دریای فضایل امام علی(ع) بسیار عمیق و گسترده است و آنان که شوق بهره‌گرفتن از این مکتب انسان‌ساز را دارند، باید در نظر داشته باشند که فضایل آن حضرت تنها به کلمات گهربار و ملکوتی ایشان ختم نمی‌شود، بلکه در رفتار سنجیده و منش عالی آن امام همام، جلوه‌های قابل تأمل و آموزه‌های گران‌بهایی وجود دارد که نسل امروز و نسل‌های آینده ایران، نیازمند به درک و شناخت آن هستند. پس در این مجال اندک، صفات و ویژگی‌های قهرمانان از منظر حضرت اسدالله‌غالب(ع) بیان خواهد شد و ذکر این توضیح لازم است که احادیث و روایات در این باره آن قدر فراوان است که خود به تنهایی کتابی می‌شود و ناگفته نیز نماند که احادیث و روایاتی که در این زمینه از حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار علیه السلام به ما رسیده است، گنجینه بزرگ دیگریست که نمی‌بایست نسبت به آن غفلت شود و گردآوری و انتشار مجموعه‌ای از سفارش‌های آن پیشوایان بزرگ امری است که امید است به انجام برسد تا این آثار گرانقدر در اختیار ورزشکاران میهن قرار گیرد.

حضرت حیدر کرار(ع) انسان را موجودی شگفت و پیچیده می‌داند که در درون او استعدادها و توانایی‌های فراوانی به صورت بالقوه وجود دارد و آن کس به مفهوم واقعی کلمه «قهرمان» است که بتواند این استعدادها را به ظهور و شکوفایی برساند. آنچه در پی می‌آید خصوصیتی است برگرفته از کلام آسمانی و منش والای آن‌یگانه اسوه همه دوران‌ها:

پرهیز از خودرأیی: امام علی(ع): «کسی که خودرای شد، نابود می‌شود، و کسی که با دیگران مشورت نمود در عقل‌های ایشان شریک شده است(نهج البلاغه، ۱۶۱)».

پرهیز از خود رأیی را امروزه می‌توان تلاش برای مشارکت گروهی و هماهنگی تیمی برشمرد. قهرمان می‌بایست از تک روی خودداری کرده و منافع تیم و به تبع آن منافع ملی را بر منافع شخصی خود ترجیح دهد و به آرای گروه احترام بگذارد.

جدیت در تمرین‌ها: عَلَیْکِ بِادِمَانِ الْعَمَلِ فِی النَّشَاطِ وَالْکَسَلِ (غررالحکم، ج ۲، ص ۴۸۰).

یعنی: «بر تو باد همیشه انجام دادن کاری که به آن مشغول هستی، چون اگر فاصله افتاد طبع آدمی از آن رمیده می‌شود و آدمی کسل می‌گردد».

ممارست و تمرین موجب ورزیده شدن ورزشکار و افزایش توان جسمی و روحی او می‌شود. پس شرط قهرمانی تمرین‌های مداوم است و عدم فاصله در پیگیری این امر.

صبوری در شکست‌ها: «اِشْتَغَلِ بِالصَّبْرِ عَلَی الرَّزِیْهِ عَنِ الْجَزَعِ لَهَا» (غررالحکم، ص ۱۹۱)».

یعنی: «صبر را پیشه خود قرار ده در شکست‌ها و ناملایمات، پیش از ناراحتی کردن».

شکست‌ها و ناملایمات نباید انگیزه و روحیه قهرمانان را از بین ببرد، بلکه صبر و شکیبایی در چنین مواقعی می‌بایست موجب شود تا قهرمان وقار و هیبت خود را همچنان حفظ نماید.

پرهیز از بی برنامه‌گی: «مَنْ أَوْ مَا إِلَى مُتَفَاوِتٍ خَذَ لَتْهُ الْحِيلُ.
«(غررالحکم، ص ۱۹۱)

یعنی: «کسی که بخواهد چند کار متفاوت و دور از هم را اداره کند از چاره کار درمانده می‌شود».

قهرمان می‌بایست دارای هدف و برنامه مشخصی باشد و از تاکتیک خاصی پیروی کند و بیهوده نیروی فکری و جسمانی خود را در کارهای مختلف، پراکنده نسازد.

پرهیز از ستیز با حق: «مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعَهُ» (نهج البلاغه، سخن ۴۰۸).

یعنی: «کسی که با حق کشتی بگیرد، حق او را بر زمین می‌کوبد».
در اینجا برای بیان مفهوم، امام علی (ع)، از ورزش کشتی گرفتن یاد کرده و بر لزوم حق جویی و احترام به حق در تمامی صحنه‌ها تاکید فرموده است.

غنیمت شمردن فرصت‌ها: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَاتَّهَازُوا فَرَصَ الْخَيْرِ» (نهج البلاغه، سخن ۲۱).

یعنی: «فرصت‌ها مانند ابر در گذر است. پس فرصت‌های خوب را غنیمت شمرد».

فرصت شناسی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک قهرمان است. زیرا فرصت‌ها به آسانی به دست نمی‌آید. پس آمادگی در جهت بهره برداری از موقعیت فراهم شده سهم بزرگی می‌تواند داشته باشد در پیروزی و کسب نتیجه مطلوب.

پیروزی شرافتمندانه: «ما ظَفَر من ظَفَرِ الاثمِ به، وَالْغالبُ بالشرِّ مغْلُوبٌ» (نهج البلاغه، ۳۲۷)

یعنی: «کسی که به خاطر پیروزی مرتکب گناه شده پیروز محسوب نمی‌شود، و هرکس که از راه شر و بدی غالب گردد در واقع مغلوب است». قهرمان نباید برای رسیدن به پیروزی هر وسیله‌ای را مجاز بداند. در سال‌های اخیر برخی از ورزشکاران با استفاده از موارد نیروزا (دوپینگ) به مقام قهرمانی رسیده‌اند اما این پیروزی ارزشی ندارد، همچنان‌که پیروزی‌های دیگری که بر اصولی غیر اخلاقی استوار باشد فاقد ارزش است.

پرهیز از غرور و افتخار زدگی: «ضَعْفَ فَخْرَکَ، وَاحْطُ کِبْرَکَ، وَادُّکِرَ قَبْرَکَ» (نهج البلاغه، سخن ۳۹۸).

یعنی: «افتخار خود را واگذار، و از غرور و تکبر خویش دست بردارد گور خود را به یاد آور». غرور بی‌جا و فریب افتخارات را خوردن، یکی از عوامل مهمی است که بسیار موجب شکست قهرمانان بزرگ شده است. زیرا تکبر ناشی از افتخار زدگی باعث می‌شود تا قهرمانان حریف خود را ناچیز انگارند و از تلاش لازم برای پیروزی کوتاهی کنند.

اهمیت شناخت ارزش خود: «هَلَاکَ امرو لم یعرف قدره»، (نهج البلاغه، سخن ۱۴۹).

یعنی: «کسی که قدر و مرتبه خود را نشناخت هلاک گردید». یک قهرمان باید شأن و مرتبه و مقام خود را به خوبی بشناسد تا مرتکب هر عمل ناشایستی نشود. خود شناسی امری واجب است که باعث می‌شود آدمی در رفتار و کردار و گفتار خود بیش از پیش دقت نماید.

مجهز شدن به دانش روز: «عن علی علیه السلام قَالَ يَا كَمِيلُ: مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ» (تحف العقول، ص ۱۷۱).

یعنی: «علی (ع) به کمیل بن زیاد فرمود: هیچ حرکت و فعالیتی نیست مگر آن که تو در انجام آن به علم و معرفت نیاز داری».

جهان امروز، جهان پیشرفت‌های شگفت علمی است و در چنین جهانی کسی می‌تواند موفق و پیروز باشد که خود را به جدیدترین دستاوردها و شیوه‌های علمی مجهز کرده باشد، به عبارت دیگر قهرمان می‌بایست به تکنیک و علم روز آگاهی داشته باشد و همواره درصدد دستیابی به آخرین اطلاعات در این زمینه باشد.

اجتناب از هواهای نفسانی: «غلبت الشَّهَوَاتُ تُبْطِلُ الْعِصْمَتَ وَ تُورِدُ الْهَلَكَ» (غرورالحکم، ص ۵۰۷).

یعنی: «غلبه و فرمان روایی شهوت، مصونیت اخلاقی را از میان می‌برد و آدمی را به هلاکت و تباهی می‌کشاند».

قهرمان می‌بایست از مبارزه بزرگ (جهاد اکبر) که همانا مبارزه در میدان هواهای نفسانی است غافل نشود. و کوشش کند تا بر شهوات و امیال ناپسندی که عزت و احترام و محبوبیت او را در بین مردم از بین می‌برد، فائق‌آید.

دوری گزیدن از اشخاص نا اهل: «إِيَّاكَ وَ صُحْبَتَ مَنْ الْهَاكَ وَ اغْرَاكَ فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ وَيُوبِقُكَ» (غرورالحکم، ص ۱۵۲).

یعنی: «بپرهیز از رفاقت با شخصی که اغفال می‌کند تو را و فریب می‌دهد که سرانجام مایه خواری و هلاکت خواهد شد».

قهرمان می‌بایست در انتخاب دوستان خود نهایت دقت را به کار بندد و از اشخاص فاسد و نا اهل دوری گزیند. زیرا دوستی با چنین افرادی به حیثیت و آبروی او لطمه می‌زند. همچنین امام علی (ع) سفارش فرموده‌اند که باید از مواضع تهمت و حضور

در مکان‌هایی که ممکن است موجب بدگمانی مردم شود، پرهیز نمود.

یاوری مظلومان و دشمنی با ظالمان: «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَلِلْمَظْلُومِ عَوْناً» (نهج البلاغه، ص ۹۶۸).

وصیت امام علی (ع) در بستر شهادت به فرزندان: «همواره دشمن ستمگران و یاور ستمدیدگان باشید».

قهرمان کسی است که در صحنه مبارزه حق و باطل بی تفاوت نباشد. او همان گونه که موظف به حمایت از ضعفا و ستمدیدگان و مبارزه با ظالمان و زورگویان است، خود نیز نباید خدای ناکرده از قدرت خود برای زورگویی سوء استفاده نماید. در زندگانی امام علی (ع) و یارانش این نکته به شکل تمام عیاری جلوه گر است که هرگز از قدرت خود برای زورگویی بهره نبردند و تا می‌توانستند در جهت احقاق حق ضعفا و ستمدیدگان مبارزه می‌فرمودند.

تواضع و فروتنی: «سَهْلُ الْخَلِيفَةِ لَيْنُ الْعَرِيكِتِ، نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنْ أَصْلَدٍ وَ هُوَ أَذْلُ مِنَ الْعَبْدِ» (نهج البلاغه، ص ۱۲۳۴).

یعنی: «اینان اخلاقی هموار و ملایم و طبیعتی نرم و متواضع دارند، روانشان از سنگ سخت محکم‌تر است و در رفتار با مردم از بندگان زرخیر افتاده‌تر و خاضع‌تر هستند».

امام علی (ع) این صفات را برای مردمان با ایمان و قهرمانان واقعی برشمرده‌اند و ایمان را با فروتنی و تواضع همراه و ملازم دانسته‌اند. تواضع موجب افزایش محبوبیت قهرمان در نزد مردم می‌شود و مقبولیت او را بالاتر می‌برد.

غلبه بر خشم و تند خویی: «أَعْدَا عَدُوٍّ لِلْمَرْءِ غَضَبُهُ وَ شَهْوَتُهُ فَمَنْ مَلَكَهُمَا عَظُمَتْ دَرَجَتُهُ وَ بَلَغَ غَايَتَهُ» (غررالحکم، ص ۴۹۸).

یعنی: «دشمن‌ترین دشمنان آدمی غضب و شهوت اوست. هر کس که بتواند این

دو غریزه سرکش را مهار و مغلوب کند و آن‌ها را مطیع خود نماید، به مقام و بزرگی دست پیدا می‌کند و می‌تواند به اوج انسانیت برسد». از نظر امام علی (ع) خشم و تند خوئی موجب فساد و تباهی عقل است و آدمی را از راه صلاح و صواب باز می‌دارد. خشم، چگونگی گفتار را تغییر می‌دهد، اساس استدلال را به هم می‌ریزد، تمرکز فکر را از میان بر می‌برد و فهم آدمی، را پراکنده می‌سازد و چون فروغ عقل از دست برود، شکست آشکار می‌شود.

بسیار دیده شده است که قهرمان یا قهرمانانی تیمی دستخوش احساسات شده و به این واسطه نتوانسته‌اند بازی را در اداره خود در آورند. همچنین یکی از تاکتیک‌های ورزشی، به راه‌انداختن جنگ روانی است که حریف می‌کوشد با عصبی کردن بازیکنان تیم مقابل و برانگیختن خشم آنان، کنترل بازی را از چنگ حریف خارج سازند و آنان را به اشتباهات مکرر وادار نمایند.

از این رو غلبه بر خشم و رعایت اعتدال نقش بسیار مهمی پیدا می‌کند.

تجربه‌اندوزی: «مَنْ قَلَّتْ تَجْرِبَتُهُ خُدَعَ» (غررالحکم، ص ۴۲).

یعنی: «کسی که تجربه‌اش کم و ناچیز است، زود و فریب می‌خورد».

تجربه‌اندوزی یکی از نکات مهمی است که می‌بایست مورد توجه قهرمانان قرار گیرد. برای رسیدن به پیروزی و موفقیت عوامل متعددی دست به دست یکدیگر می‌دهد که در این میان تجربه نقش تعیین کننده‌ای می‌تواند داشته باشد و به همین سبب است که قهرمانان می‌بایست با دیده عبرت‌بین و با هدف کسب تجربه با وقایع میدان‌ها برخورد کنند و از تجارب دیگران نیز بهره‌مند شوند. از دیگر سو پیشرفت‌های تکنولوژی و گسترش وسایل ارتباط جمعی موجبات بهره‌مندی افزون‌تری را در این زمینه فراهم کرده است که می‌باید به آن نگاه جدی‌تری داشت.

شجاعت و شهامت: «مَنْ هَابَ خَابَ» (غرر الحکم، ص ۶۱۳).

یعنی: «کسی که می‌ترسد به مقصد نمی‌رسد و زیان می‌بیند».

شجاعت و شهامت یکی از صفاتی است که قهرمانان حتماً می‌بایست از آن برخوردار باشند. زیرا پیروزی‌ها در سایه جسارت و شجاعت شکل می‌گیرد. از نظر امام علی (ع) ترس، آسایش خاطر را برهم می‌زند و حقارت و پستی را که مقدمه ذلت است در روح آدمی شکل می‌دهد و موجب عدم ثبات و سستی در عمل می‌شود.

شجاعت و شهامت یکی از صفات برجسته مولا علی (ع) است که دوست و دشمن به آن معترفند. آن حضرت هیچ گاه در میدان نبرد به دشمن پشت نکرد و معروف است که زره آن حضرت پشت او را نمی‌پوشیده است.

مردم دوستی: «التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ» (نهج البلاغه، سخن ۱۴۲).

یعنی: «دوست داشتن مردم و مهربانی نسبت به آنان نیمی از خرد است».

مردم دوستی و رعایت ادب و احترام نسبت به آنان و پاسخ محبت آنان را با مهربانی و حق شناسی دادن، از خصوصیات قهرمانان است چنان‌که امام علی (ع) در سخن دیگری در کتاب شریف نهج البلاغه، سفارش می‌فرماید که با مردم چنان رفتار کنید که اگر به آن رفتار بمیرید بر شما گریه کنند و اگر زنده باشید هر لحظه مشتاق دیدار شما باشند.

حوصله و شکیبایی: امام در بیانات خود می‌فرماید: «لَا يَعْدُمُ الصَّبُورُ

الصَّبُورُ الظَّفَرُ وَ انْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ».

یعنی: «آن کس که با حوصله و شکیبایی باشد، هر اندازه سختی و گرفتاریش به طول انجامد، سرانجام پیروز خواهد شد».

بی تردید شکیبایی عاملی است که قلب را قوی نگه می‌دارد و پیروزی ارمغان حفظ خونسردی و حوصله به خرج دادن است. قهرمان کسی است که در طوفان‌های

سهمگین میدان مبارزه آرامش همیشگی خود را از دست ندهد و دچار اضطراب و التهاب و بی‌قراری نشود تا شاهد مقصود را در آغوش گیرد.

دوراندیشی و راز داری: «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِاجَالَتِ الرَّأْيِ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ» (نهج البلاغه، سخن ۴۸).

یعنی: «پیروزی در دوراندیشی و احتیاط، و دوراندیشی در تفکر صحیح، و تفکر صحیح در نگهداری رازها است».

دوراندیشی و رعایت جوانب احتیاط و حفظ اسرار یکی دیگر از صفاتی است که لازمه قهرمانان است و در پیروزی‌ها نقش مهم و ارزنده‌ای ایفا می‌کند. «بی‌گدار به آب زدن» و نسنجیده خود را به مخاطره افکندن از صفات برازنده قهرمانان نمی‌تواند باشد.

پرهیز از شتاب زدگی و سهل انگاری: «مِنَ الْخُرْقِ الْمَعَاجَلَتُ قَبْلَ الْإِمْكَانِ، وَالْإِنَاثُ بَعْدَ الْفُرْصَةِ» (نهج البلاغه، سخن ۳۶۳).

یعنی: «عجله در کار پیش از امکان عمل، و مسامحه در هنگام فرصت، از بی‌خردی است».

شتابزدگی و سهل انگاری دو آفت بزرگ است که ضرر و زیان‌های فراوانی به دنبال داشته است. زیرکی و وقت شناسی از صفات مورد انتظار درباره قهرمانان است که به عنوان نماینده ملتی بزرگ در میدان‌ها و استادیوم‌ها ظاهر می‌شوند و جهانیان به آنان چشم می‌دوزند و درباره آنان به قضاوت می‌نشینند.

تلاش در جهت اصلاح مداوم خود: امام در بیانات خود می‌فرماید «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ النَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَادِيَةِ بَلْسَانِهِ، وَ مُعَلِّمِ نَفْسِهِ وَ مُوَدِّ بِهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُوَدِّ بِهِمْ».

یعنی: «کسی که خود را الگوی مردم می‌شمارد باید پیش از آموزش دیگران نخست

به تعلیم خود پردازد و پیش از تربیت کردن به زبان، به وسیله رفتار خود، به آنان ادب آموزد و کسی که خود را تعلیم کند و ادب آموزد، تعظیم و احترامش از کسی که فقط تعلیم و تادیب مردم را به عهده گرفته شایسته‌تر است.

قهرمانان مورد احترام و محبت مردم هستند. خصوصاً جوانان و نوجوانان آنان را الگوی خویش قرار می‌دهند که دارای حقیقت و پاک از آلودگیها باشند تا به درجات بالاتری صعود کنند و افتخار الگو بودن را برای جامعه داشته باشند.

اجتناب از تشخیص طلبی و شهرت کاذب: «طَلَبُ الثَّنَا لَغَيْرِ اسْتِحْقَاقِ خُرُقٍ» (غررالحکم ص ۴۷۰).

یعنی: «تمنای تمجید نابجا از مردم داشتن نشانه ابلهی و حماقت است». قهرمان کسی است که در پی جلب ثناگویی مردم نباشد و هم و غم خود را مصروف شهرت طلبی‌های کاذب نکند. تمنای تمجید او را از چشم مردم می‌اندازد و مستی از تمجیدها و دغدغه شهرت طلبی موجب می‌شود که ذهن او به مسایل جانبی مشغول شده و از هدف اصلی بازماند.

احترام به مربیان و پیشکسوتان: «عَلَيْكَ بِمُجَالَسَةِ أَصْحَابِ التَّجَارِبِ فَإِنَّهَا تَقْوُمُ عَلَيْهِمُ بَاغِلَى الْغَلَا وَتَأْخُذُهَا مِنْهُمْ بَارْخَصٍ» (شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۵، ک ۸۴۶).

یعنی: «با مردان آزموده و صاحب تجارت همنشین باش، زیرا اینان متاع پردازش تجربه‌های خود را به گران‌ترین قیمت یعنی فداکردن عمر خود تهیه کرده‌اند و تو آن متاع گرانقدر را با ارزان‌ترین قیمت یعنی با صرف لحظاتی وقت به دست می‌آوری». حفظ حرمت مربیان و پیشکسوتان و لزوم بهره‌گیری از دانش و تجارب ارزنده آنان از واجبات و از اهم وظایف قهرمانان است. اهمیت این امر تا به آنجاست که امام علی (ع) در سخن دیگری می‌فرمایند «هرکس حرفی به من بیاموزد مرا یک عمر

بنده خود ساخته است». قهرمانان با رعایت احترام مربیان و پیشکسوتان علاوه بر آنکه باعث دلگرمی آنان می‌شوند، فوت و فن مبارزه و شگردهای پیروزی را از آنان می‌آموزند.

همچنین قهرمانان باید در نظر داشته باشند که عاقبت روزی آنان نیز به این مرتبه می‌رسند و از هم اکنون خود را برای فردا و تربیت نسل‌های آینده آماده کنند.

پذیرفتن نتیجه عادلانه و اطاعت از داور: «اختر آن تکنون مغلوباً و

انت منصف» (شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۵۸، ک ۳۷).

یعنی: «به شکست و مغلوبیتی که بر وفق انصاف و عدالت است تن بده و آن را برای خود برگزین».

احترام به قضاوت داور و پذیرفتن نتیجه عادلانه مسابقه هرچند که ممکن است ناخوشایند و برخلاف میل باشد، اما از آنجاکه منصفانه است نباید از آن روی برگرداند.

مآخذ

- مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۵). روابط شایسته در ورزش تربیتی. تهران: کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران.
- فتحی، هوشنگ (۱۳۷۱). ورزشها. تهران: انتشارات مدرسه (وزارت آموزش و پرورش).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). جاذبه و دافعه علی (ع). تهران: صدرا.
- قائمی‌امیری، علی (؟). امام شاهد و شهید، تالیف: تهران: دفتر تبلیغات مسجدالرسول (ص).

- صدر، سید رضا(؟) راه علی(ع). قم: در راه حق.
- حکیم، سید محمد تقی(۱۳۷۷). الهام از گفتار علی(ع). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طه حسین(۱۳۵۴). علی(ع) و فرزندان. ترجمه: محمد علی شیرازی. تهران: گنجینه.
- نهج البلاغه(۱۳۷۴). ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- غُرُّ الحکم و دُرُّ الکلم(؟). ترجمه: محمد علی انصاری- قم: موسسه خلیج فارس.
- ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی(۱۳۵۶). الغارات. ترجمه: محمد باقر کمره‌ای. تهران: فرهنگ اسلام.
- فرید، مرتضی(۱۳۷۳). الحدیث. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صادقی اردستانی، احمد(۱۳۷۱). پانصد حدیث. قم: حوزه علمیه.
- ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی رازی(؟). اصول کافی. ترجمه سیدهاشم رسولی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
- ابن اعثم کوفی(۱۳۷۲). الفتوح. ترجمه: محمد بن احمد مستوفی هروی. تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

فصل چهارم

ورزش در فرهنگ ایرانی

ورزش در نزد ایرانیان

دکتر ناصر تکمیل همایون^۱

ورزش به عنوان یک پدیده حیات اجتماعی انسان، از کهن‌ترین روزگاران در گذشته جامعه‌های مختلف دیده شده است و در هر منطقه جهان با فرهنگ مدنیت آن دیار و شرایط گوناگون جغرافیایی و تاریخی، شکل و شیوه خاصی پیدا کرده است.

ایرانیان در تعریف ورزش برای این باور بوده‌اند که ورزش یعنی:

«اجرای مرتب تمرین‌های بدنی به منظور تکمیل قوای جسمی و

روحي» (معین، ۱۳۶۴، ذیل «ورزش»).

از آنجاکه تمرین‌های ورزش هم در خانه و هم در اماکن خاص اجرا می‌شود به آن مکان ورزشی خانه نام داده‌اند و در سال‌های اخیر زورخانه و در دوره‌های جدیدتر واژه ورزشگاه به کار رفته است. واژه ورزش‌خانه در ادبیات فارسی هم آمده است:

۱. استاد جامعه‌شناسی و تاریخ معاصر ایران در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

باز در نرگس آن خوش نگه مستانه می‌کند ورزش به ورزش خانه
در زبان‌های اروپایی sport بیش و کم همین معنای فارسی را به ذهن متبادر
می‌کند چنانکه: دیکسیونز فرانسوی لاروس ریشه این واژه را انگلیسی نوشته و در
معنای آن آورده است:

«اسپورت یا ورزش انجام روشمند تمرین‌های بدنی به قصد کمال
بخشی نه تنها بدنی، بلکه روح و معنویت است».
بدین‌سان ملاحظه می‌شود ممارست و تمرین‌های مداوم در خانه یا ورزش
خانه، برای نیرومندی در تزکیه اخلاق، و تلطیف روحیات است و به زبان اوحدی
مراغه‌ای:

با بلاهای عشق ورزش کن خویشان را بلند ارزش کن
نیرومندی موجب درست کرداری و حقیقت‌گویی عاری از کژی‌ها
و نا راستی‌هاست. حکیم بلند پایه توس، ابوالقاسم فردوسی، که در تربیت
ورزشکاران ایران‌زمین و آموزندگی‌های تاریخی و ملی آنان سهم به سزایی
دارد، گفته است:

ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی کژی زاید و کاستی
جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان تاریخ ورزش و تمرین‌های ورزشی را در آنها
پدیده‌ای برخاسته از سر زندگی و ورزیده بودن انسان می‌دانند نه اینکه سر زندگی
و ورزیده بودن زاده ورزش به شمار آید. انسان‌های نخستین برای حفظ حیات
خود با حیوانات در جدال بودند، برای تهیه خوراک زمین را بیل می‌زدند، آبیاری
می‌کردند، از درختان بالا می‌رفتند، میوه می‌چیدند، هیزم می‌شکستند کلبه‌های
خود را بر پا می‌داشتند اگر در کوهستان بودند از کوه بالا می‌رفتند و اگر در کنار
دریا بودند شناوری می‌کردند و آذوقه خود را از دل دریا بدست می‌آوردند. این

کردارها نه تنها معیشت اولیه آنها را برآورده می‌کرد، بلکه آنها را قوی و نیرومند می‌ساخت و اگر ضعیف بودند در (نظام طبیعت پایمال) می‌شدند. بی‌تردید آنان فرزندان خود را نیز به کارهای یاد شده فرا می‌خواندند و از کارهای آسان و کوچک شروع می‌کردند تا به کارهای سخت و بزرگ توانا شوند (= آموزش تقلیدی).

اگر آسیای غربی، یکی از مراکز اولیه تمدن به شمار آید در زبانهای آرامی و عبری که زبان منطقه بود، ورزش را «هیتحمل» و در جمع «هیتملوت» می‌گفتند که ریشه آن عمل است (حییم، ۱۳۴۰) و این واژه در زبان عربی با معنای جدیدی بکار رفته و به مرور در زبان فارسی هم کاربرد پیدا کرده است و واژه الرياضه به معنای ورزش (راض؛ یرضوا) از پرورش تن و آماده سازی برای کارهای مشکل حکایت دارد (المنجد، ذیل «راض؛ رياضه»).

جوامعی که به عصر مدنیت رسیدند و اندک اندک رموز زندگانی را با همه سختی‌های آن فرا گرفتند به گونه‌یک سلسله عملیات بدنی برای نیرومند شدن و دشمن را گریزانیدن و در برابر سختی‌های طبیعت مقاوم بودن، روی آورده‌اند.

بیان شد که اوضاع جغرافیایی و اجتماعی هر منطقه نوع خاصی از ورزش را پدید آورده است. ورزش انسان‌های کوه‌نشین با ورزش انسان‌های کنار دریا تفاوت دارد به همان سان که اسطوره‌های کوه‌نشینان با اسطوره‌های ساکنان دریاها فرق می‌کند و تمامی باورها و هنجارهای گروه‌های یادشده با انسان‌های دشت‌ها و جلگه‌ها و بیابان‌ها متفاوت است.

در ایران باستان ورزش‌هایی چون کشتی‌گیری، چوگان بازی، اسب‌سواری، تیراندازی، زوبین‌اندازی، چابک سواری، شمشیر بازی و شکار حیوانات وحشی بیش‌تر مقبولیت

داشته و رواج پیدا کرد. در آثار بازمانده از آن روزگاران (نوشتاری و تصویری) این امر مشاهده می‌شود و حکیم ابوالقاسم فردوسی بر پایه‌های آثار (خدای‌نامک‌ها) کتاب بلند منزلت مشهور به شاهنامه را پدید آورده است و گاه در همین آثار بازمانده معلوم می‌شود چه ورزشی متعلق به کدام منطقه ایران زمین بوده است.

کوتاه سخن، از بطن و متن حیات اجتماعی و شیوه‌های تولید و برخورداری از طبیعت، ورزش اقوام مختلف پدید آمده است و به همان‌سان که جوامع بشری در حال تطور و تحول بودند، ورزش‌های متعلق به جامعه‌ها دگرگونی یافتند و گاه ویژگی خود را حفظ کردند. برای نمونه در ایران که جامعه یکپارچه و یگانه‌ای بود، بدان‌سان که اشاره شد، در جای جای آن ورزش‌های مختلفی انجام می‌شد و حتی در کشتی که یک ورزش ملی و سراسری ایران است، انواع گوناگونی چون کشتی گردی، کشتی ترکمنی، کشتی مازندرانی و گیلانی، کشتی ایللیاتی، کشتی باستانی و جز این دیده می‌شود و البته در زمان کنونی کشتی فرنگی هم بر آنها اضافه شده است.

در تاریخ هرودت آمده است که ایرانیان قوای روحانی و جسمانی کودکان را با هم تربیت صحیح می‌دادند و آنان را برای خدمت به وطن و ملت آماده می‌ساختند و دریک جمله ماندنی چنین آورده است «ایرانیان فرزندان خود را می‌آموختند که راست بنشینند و راست بگویند و راست تیراندازند» (۱۳۶۸، ص ۷۵).

گزنفون که تاریخ خود را در تربیت کوروش کبیر نوشته، در باب آموزش‌های ورزشی همواره از تمرین‌های نظامی، سوارکاری و شکار گری یاد می‌کند و از چگونگی دلیری معلمان و آموزش آنها سخن می‌گوید (۱۳۴۲، ص ۹ و ۶۸).

ایرانیان هیچگاه فراموش نمی‌کردند که فرزندان‌شان باید دارای خصال پسندیده و شکوهمند، باشند و در دعا‌های خود چنین آرزو می‌کردند:

«ای اهورا مزدا: فرزندی به من ارزانی فرما که با تربیت و دانا باشد و در

هیئت اجتماعی داخل شده و به وظیفه خود رفتار نماید... فرزند دلیری که نیاز دیگری را برآورد، فرزندی که بتواند در ترقی و سعادت خانواده، شهر و کشور خود بکوشد (خرده اوستا، ۱۳۸۰، ص ۱۳۶).

در دوره اسلامی همان گونه که بسیاری از نهادهای اجتماعی دگرگونی یافتند، ورزش هم که هنوز جنبه معنوی و دلیری خود را حفظ کرده بود، در این دوره با همان کیفیت ایرانی به دوره جدیدی از تمدن، به عنوان تمدن اسلامی گام نهاد. بدین سان بسیاری از نهادهای فیزیکی و متافیزیکی خود را تا عصر صفویه زنده نگاه داشت، با ورزش دیگر اقوام مسلمان هم آشنایی حاصل شده است و در پهنه فتوت و عیاری منزلت یافت و پهلوانان بی هراس و دلیری پرورش داد که جلوه های معنوی آنان در ادبیات فارسی جایگاه پیدا کرد.

زان طره پر پیچ و خم سهل است اگر بینم ستم
از بند و زنجیرش چه غم آن کس که عیاری کند

یا این بیت حافظ شیرازی:

کدام آهن دلش آموخت این آیین عیاری

که اول چون برون آمد ره شب زنده داران زد

در این مدت که در حدود هشت قرن ادامه داشت با سکونت گزیدن ترکان و تیره هایی از مغولان، ورزشکاران ایرانی با انواع دیگری از ورزش های آسیایی هم آشنا شدند و از روزگاران حاکمیت قزل باش ها با محوریت تشیع بر پایه اعتقادات بارز یا مستورایرانیان عهد باستان نظام زورخانه رونق پیدا کرد که تاکنون به حیات ورزشی و اجتماعی خود ادامه می دهد و همواره خود را آموزنده امام همام علی علیه السلام می دانند و در هنگام عملیات ورزشی دل بسته بودند به «شاه ولایت، میر شجاعت، حیدر کرار، شیریزدان، شاه مردان، امیر مومنان، مولی الموالی، اسدالله غالب، غالب کل

غالب، علی بن ابیطالب» سلام‌الله علیه.

یکی از معاندان و مخالفان سلسله صفویه به نام فضل‌الله روزبهان خنجی اصفهانی درباره شیخ حیدر صفوی نوشته است:

«نخست در مکتب بایست نشست بر مرکب سوار شد، لوح هجا در دامن بایست نهاد، از لوح کنار گرفت، به جای درس مقامات معنوی داستان طامات پهلوی خواندنی و به عوض قلم بر کتاب جلیل شمشیر بر کلاب اردبیل راندی، در خانه‌ای جز کمان چله‌گیر نبود. و در خلوتش سالکی به قطع صفا مشغول نشد، در اسحار که مشایخ ابرار جان سوزی و سینه خراشی کنند، او سپردوزی و تیرتراشی می‌کرد و در عشایا که سالکان سر مراقبت پیش افکنند او به تیغ جفا سر مردم برمی‌داشت... شیخ هم دین اباحت را برای ایشان ترویج داده، قواعد شریعت خرّمیان بابکی در میانشان نهاده... فی‌الواقع در حد ذات خویش مرد جلد و شجاع بود و انواع دلیری و فنون جنگ از شمشیرزنی و تیرافکنی و نیزه‌بازی و کمند اندازی مهارتی تمام داشت. اسفندیار آسا چون در جامه آهن رفتی، رستم دستان را زال ساختی و بیژن صفت چون بر توسن پهلوانی نشست افراسیاب را برخاک انداختی:

جهان پهلوان بود در کارزار جهان پهلوان را از و کار، زار

تمامت زندگانی را در ورزش طریق پهلوانی صرف کردی. در ساختن اسباب حرب و تهیه آلات طعن و ضرب‌یگانه زمانه بود. شنیدم که چند هزار سر نیزه و جوشن و شمشیر مهیا کرده بود... مریدان به حس ارشاد و تعلیم فرمودی... هریک فرهادی که به یک سخن شیرینش بیستون را از جای برداشتی و هر فرد مجنونی را اگر هی زدی در جهان یک حی

نگذاشتی. جملگی هژیران کار و شیران کارزار و جوانان جلد جنگی و

شمشیر زنان و مصاف فرهنگی...» بودند(روزبهان خنجی، ص ۳۵)

این گروه و گروه‌های دیگر از ورزشکاران و پهلوانانی که گاه حکومت گرفته‌اند، چون یعقوب لیث و گاه در دل دشمنان وحشت انداخته‌اند، چون سربداران و گاهی یکی از خوشنام‌ترین سلسله‌های پادشاهی را در ایران پدید آورند، چون قزلباشان و دیگر دلاوران صفوی، بی‌تردید در مکتب پهلوانی اخلاق و فضیلت و شجاعت و شمشیرزنی را با هم می‌آموختند. ورزش‌های ایرانی چنانکه گفته شد بسیارند اما مشهورترین آنها کشتی است. در اینجا به نقل از فتوٰت نامه سلطانی چند جمله در باب این ورزش آورده می‌شود تا پیوند معنویت و قوت روح با قوت بدن روشن شود.

«بدان که کشتی گرفتن هنری است مقبول و پسندیده ملوک و سلاطین، و هرکه بدین کار مشغول می‌باشد اغلب آن است که به پاکی و راستی می‌گذراند. اگر پرسند که این هنر از که مانده؟ بگوی از اولاد یعقوب پیغمبر علیه السلام، که حضرت یعقوب(علیه السلام) این علم را می‌دانست و فرزندان خود را تعلیم می‌داد و می‌گفت بدانید(که) این علم(شما را) به جهت دفع دشمن به کار آید و گفته‌اند آدم(ع) از جمله چهارصد و چهل هنر که می‌دانست یکی این بود. و در نقل آمده است که حضرت رسول(ص) با ابو جهل کشتی گرفتی و این نقل موثوق نیست. اما نقل صحیح هست که سیدالشهداء حمزه که با کافران جنگ کردی، اکثر را به صنعت کشتی گرفتی و دیگر نقل است که شاه زادگان(امام) حسن(ع) و(امام) حسین(ع) بایکدیگر کشتی گرفتند و میان ایشان قائم شد؛ از اولیاء این امت سالک مجرد، عارف موحد، قدوه ابرار، پهلوان محمد پوکیار با

حضرت شیخ صدرالدین ابراهیم حموی قدس سره کشتی گرفته‌اند و آن قصه طوطی دارد. حاصل سخن آن است که این علم را به انبیاء و اولیاء نسبت می‌دهند و اگر در صورت نبود البته در معنی خود ثابت است... اگر پرسند که معنی کشتی چیست؟ بگوی آن که آدمی تبدیل اخلاق کند و حقیقت این سخن آن است که پیوسته میان صفات حمیده و اخلاق ذمیمه کشتی واقع است. یعنی هریک می‌خواهند که ضد خود را دفع کنند: بلکه چون به حقیقت بنگری توحید و شرک و کرم و بخل و تقوی و فسق و یقین و شک و صلاح و فساد و حسن و قبح و تواضع و تکبر و حب و بغض، [و حیا و وقاحت]، و حضور و غفلت و رحمت و قساوت و حکمت و ملامت و مانند [این]، همیشه در کشتی است که مدد صفات پسندیده باشد تا به قوت ریاضت خوی‌های بد را زیر کند.

اگر پرسند که قوت چگونه است؟ بگوی قوت اعتبار ندارد به واسطه آن که حیوانات (باشند که ایشان را) قوت باشد و چون دانش ندارند [هیچ] حرمت ندارند.

(اگر پرسند) که علم با قوت چگونه است؟ (بگوی) در غایت نیکویی، به واسطه آن که بزرگان گفته‌اند قوت بی‌دانش چون پادشاه بی‌عدل است و دانش بی‌قوت چون پادشاه عادل و بی‌لشگر؛ و چون دانش و قوت یار باشند بایکدیگر کارها به مراد گردد.

اگر پرسند که کشتی‌گیری علم است یا عمل بگوی علمی است مقترن به عمل؛ و هرکه چیزی آموزد ممکن که بدان عمل نکند و در این هنر تا علم نبود عمل نمی‌توان کرد؛ پس علم و عمل به هم آراسته است.

اگر پرسند که آداب استادان کشتی چند است؟ بگوی دوازده: اول آن که خود پاک و بی علت بود. دوم شاگردان را (به) پاکی ارشاد کند. سیم بخیل نباشد و چیزی از شاگردان دریغ ندارد. چهارم مشفق باشد بر شاگردان. پنجم طامع نبود به مال ایشان. ششم هریک را به قدر قابلیت ایشان تعلیم دهد. هفتم روی و ریا نکند. هشتم به شاگردان (خود) بد نخواهد. نهم اگر کسی کشتی بد گیرد نگوید بد گرفت، بلکه به نرمی سخن گوید. دهم اگر تعلیم گوید در معرکه، پوشیده گوید که خصم واقف نگردد. یازدهم باید که از علم کشتی با خبر باشد. دوازدهم در هیچ معرکه ذکر پیرو استاد خود (را) فراموش نکند.

اگر پرسند که آداب شاگردان چند است؟ بگوی آن هم دوازده. اول آن که راست باشد. دوم آن که پارسا بود نیک معاش. سیم نیکو سیرت و پاکیزه اخلاق بود. چهارم نیک نیت باشد. پنجم در طاعت الهی تقصیر نکند».

ناگفته نماند که ورزشکاران بایکدیگر مسابقه می دادند برای دانستن فنون مختلف و یادگرفتن شیوه های سبقت و پیشی گرفتن و نه برای تفاخر و خودنمایی، حتی در سبق و ریا نه که در احکام مذهبی شروع دانسته شده، هدف اصلی فراگیری جهت ارزش های دیگری است و در این محضر پهلوانان نه دوپینگ و داروهایی از این نوع استعمال می کنند و نه به فن و شیوه ای به روی می آیند که در قواعد ورزش ناموجه است کوتاه سخن پهلوان را چنین تعریف کرده اند:

اگر پرسند که پهلوان که را توان گفت؟ بگوی آن کس را که دوازده صفت داشته باشد: اول ترس خدا. دوم متابعت شرع. سیم تن قوی. چهارم زبان خوش. پنجم دل دلیر. ششم خرد کامل. هفتم صبری تمام.

هشتم علمی به کمال. نهم جهد دایم. دهم خلق پسندیده. یازدهم
مستوری از حرام. دوازدهم نعمتی بر دوام» (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، ص
۳۰۶ - ۳۱۰).

بدین سان روشن است که ورزش و پهلوانی در فرهنگ ایران جدای از معنویت و
عرفان و جوان مردی و فتوت نیست. در ایران باستان پهلوانی و موبدی هم سان بوده
چنانکه فردوسی می‌فرماید.

نه موبد بود شاد و نه پهلوان نه او در جهان شاد و روشن روان
پهلوان خردمند است. فردوسی در چند جا به این امر نیز اشاره دارد:
یکی پهلوان داشتی نام جوی خردمند و بیدار و آرام جوی
یکی پهلوان بود و دهقان نژاد دلیر و بزرگ و خردمند و راد
پهلوانان ورزشکار ایران اعتقاد داشتند:

شکرانه بازوی توانا برگرفتن دست ناتوان است
دل به دست آوردن حج اکبر است از هزاران کعبه یک دل بهتر است
گر برسر نفس خود امیری مردی و بر دگری خرده نگیری مردی
مردی نبود فتاده را پای زدن گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

این اشعار آموزنده، ترنمات اخلاقی مرشدی است که در زمان ورزش کردن
ورزشکاران فضای ورزش خانه را معطر می‌سازند. این تعلیمات بوده که پهلوان
محمود خوارزمی معروف به پوریای ولی را به قول رضا قلی خان هدایت در آن کشتی
مشهور «از پهلوی به پشت» درآورد و در «همان لحظه ابواب فیوضات لایزالی بر دلش
مفتوح گشت و از اهل کشف و مشهود و توحید گردید» (هدایت، ۱۳۵۶، ص ۹۰).

زمانی که من در خوارزم به زیارت مرقد آن پهلوان بلند منزلت که نماد پهلوانی ایران
و الگوی والای ورزشکاران ایران است رفتم روی کاشی‌های زیبای سبک خراسان و

ماوراء النهر این رباعی را خواندم و بر این باور رسیدم که داستان ورزش در فرهنگ ایران به راستی معنایی دیگری دارد.

سه صد کوه قاف را به هاون بودن نه طاق فلک به خون دل اندودن
صد سال اسیر بند زندان بودن به زانکه دمی همدم نادان بودن
در عصر حاضر جهان پهلوان غلام رضا تختی، آن جوان مرد مبارز میهن دوست
و آزادیخواه صمیمانه ریشه در گوهر فتوت و مردانگی و عیاری و از خود گذشتگی
داشت و بارها این خصلت فرهنگی ورزش ایرانی را نشان داده بود.

در روزگار ما با ایجاد روابط فرهنگی گاه مثبت و گاه منفی، ورزش به سان
بسیاری از امرهای اجتماعی دگرگونی یافته است به طوری که آنچه امروز ورزش
مدرن می‌گویند با ورزش دوره باستان و ادوار تاریخی متفاوت است و به نظر
می‌رسد در این امر اجتماعی نیز می‌توان بخش‌های مثبت و ورزش‌های باستانی
و تاریخی خود را نگاه داشت و از ورزش‌های جدید با دقت نظر و بدون تعصب
طرف بست و کوشید مسابقات ورزشی بر پایه فرهنگ ایران و آموزش‌های اسلامی
انسانی‌تر و اخلاقی‌تر گردد و چه بسا این رسالت جهانی ورزشکاران ایرانی به شمار
آید.

مآخذ

- معین، محمد، (۱۳۶۴). فرهنگ معین. تهران: امیر کبیر.
- حمیم، سلیمان (۱۳۵۵). فرهنگ عبری - فارسی. تهران: القانیا.
- هرودت (۱۳۶۸). تواریخ، ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: دنیای کتاب.
- گزنفون (۱۳۴۲). کوروش‌نامه، ترجمه رضا مشایخی، تهران، بنگاه ترجمه و

نشر کتاب، ۱۳۴۲.

- خرده اوستا (۱۳۸۰). به کوشش ابراهیم‌پور داود. تهران: اساطیر.
- روزبهان خنجی، قاضی فضل‌الله عالم‌آرای امینی. (بی‌تا)
- واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰). فتوت‌نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محبوب. تهران: طهوری.
- هدایت رضاقلی‌خان (۱۳۵۶)، سفارت‌نامه خوارزم، به کوشش علی‌حضور، تهران، طهوری.

رستم پهلوان در سغد

دکتر زهره زرشناس^۱

سغدیانه، از شهرب نشین (= ساتراپی) های شاهنشاهی هخامنشی، سغدیان مردمانی ایرانی، نیاکان قدیمی تاجیک های امروزی، و زبان سغدی زبان مردم نواحی سمرقند و دره زرافشان (در تاجیکستان امروزی) بوده است.

این زبان از مهم ترین زبان های ایرانی میانه شرقی، زبان میانگان^۲ جاده ابریشم در سده های ششم تا دهم میلادی (چهارم هجری) و زبان اداری، تجاری و فرهنگی در نواحی مانند واحه های تورفان در ترکستان شرقی بوده است (برای آگاهی بیشتر ← زرشناس ۱۳۸۰؛ مقدمه، ص دو - پنج). پیکره ادبی این زبان از سنگ نوشته، متن های ادبی و داستان، متن های دینی (مانوی، بودایی و مسیحی) و اسناد و مدارک اجتماعی - اقتصادی تشکیل شده است.

در میان آثار بر جای مانده از این زبان داستان رستم، پهلوان افسانه ای اقوام ایرانی نژاد، دیده می شود که به یمن وجود شاهنامه، این شاهکار ادبیات جهان، نزد همگان شناخته است. داستان رستم که در خرده نوشتاری مکشوف در دون

۱. استاد و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. Lingua franca

هوانگ به زبان سغدی ثبت شده (Sims – Williams 1976; pp. 54-61): برای ترجمه فارسی ← قریب ۲۵۳۷ / ۱۳۵۷: ص ۴۴-۵۳) و با حلقه داستان‌های رستم که فردوسی در شاهنامه نقل کرده است، تفاوت‌هایی دارد. این تفاوت‌ها نشان دهنده آن است که در ایران شرقی حلقه جداگانه‌ای از افسانه‌های مربوط به این پهلوان در دوران پیش از اسلام وجود داشته است (Azarpay, 1981: p. 95). گروهی از ایران‌شناسان افسانه رستم را سکایی (Gersheitch, 1968: §4) و گروهی دیگر آن را متعلق به سنت ادبی بومی پیش - سکایی زرنگ (سیستان) می‌دانند (Nöldeke 1920: 10).

رستم شاهنامه، همانند قهرمان حلقه داستانی سکایی، چهارمان^۱ پهلوانی است که در گونه‌های خاصی از مضمون‌های داستانی ادبیات شفاهی غیر دینی و سرگرم کننده ظاهر می‌شود و از دوران پیش - مسیحی سینه به سینه منتقل شده است. این پهلوان چهارمان جنگجوی حماسی هند و اروپایی است که با عمری دراز محافظ سلسه‌های فرمانروا است. و خویشکاری^۲ اصلیش تاج بخشی است (skjaervø 1998: p. 159).

داستان رستم فارسی منظوم است و خرده نوشتار سغدی رستم به نثر نوشته شده است. متن سغدی داستان که بیش از داستان‌های شاهنامه صورت افسانه‌ای دارد، جزئی از داستانی طولانی‌تر بوده است که آغاز و انجام آن در دست نیست. آنچه در پی می‌آید، برداشتی امروزی و نزدیک به متن سغدی از صحنه نبرد رستم با دیوان است:

... رستم تا دروازه شهر از پی دیوان تاخت و بسیاری از آنان را بر خاک هلاک انداخت. دیوان چون به شهر رسیدند، دروازه‌ها را از بیم رستم بستند. رستم با

۱. Type

۲. function

پیروزی و سرافرازی بازگشت و به چمنزاری خرم رفت. زین را از رخس(اسب رستم) برداشت و او را به چرا رها نمود. خود نیز جامه جنگ را از تن بیرون کرد و خوردنی بخورد و آرام گرفت و به خواب رفت. دیوان گردهم آمدند و انجمن کردند و گفتند شرم بر ما باد که یکه سواری ما را چنین در هم شکست و در شهر زندانی کرد. چاره‌ای باید ساخت. یا باید همه جان بسپاریم و نابود شویم و یا کین خدایان بستانیم. پس از آن دیوان ساز و برگ گران فراهم ساختند. آنگاه دروازه‌های شهر را به ضربت‌های گران گشودند و به سوی رستم روی آوردند. از دیوان بسیاری سوار بر گردونه و بسیاری سوار بر فیل و بسیاری سوار بر خوک و بسیاری سوار بر روباه و بسیاری سوار بر سگ و بسیاری سوار بر مار و بسیاری سوار بر سوسمار و بسیاری پیاده بودند. بسیاری نیز پَران بودند و چون کرکس تیز می‌رفتند. بسیاری هم سر بر زمین و پا به بالا داشتند و واژگون می‌رفتند. زمانی دراز راه پیمودند و به شعبده و جادو باران و برف و تگرگ برانگیختند و آتش و شعله و دود بپا ساختند و غوغا کردند و به جست و جوی رستم دلاور شتافتند. رخس از نیرنگ دیوان آگاه شد. دمان خود را به رستم رسانید و او را بیدار کرد و از نیرنگ دیوان آگاه ساخت. رستم برخاست و جامه جنگ پوشید و پوست پلنگ بتن کرد و تیر و کمان برداشت و بر رخس سوار شد و به جانب دیوان تاخت. چون سپاه دیوان را از دور دید تدبیری اندیشید. رو به رخس کرد و تدبیر خود را با وی در میان گذاشت. رخس پذیرفت ناگاه بازگشت و رستم را به شتاب از برابر دیوان دور کرد.

دیوان چون چنین دیدند گمان کردند رستم می‌گریزد. تیز در پی وی تاختند و با خود چنین گفتند: دلیری پهلوان شکسته شد و از ما گریخت. دیگرارای نبرد با ما نخواهد داشت. نباید او را رها کنیم. همچنین نباید او را ببلعیم، بلکه باید او را زنده

به چنگ آریم و سخت شکنجه کنیم: دیوان به یکدیگر دل دادند و نعره زنان در پی رستم تاختند.

چون خوب خسته و پراکنده شدند، رستم ناگهان بازگشت و بر دیوان حمله برد چون شیر بر نخجیر ویا کفتار بر رمه ویا شاهین بر خرگوش ویا خارپشت بر اژدها و کار آنان را ساخت» (زرشناس، ۱۳۸۴، ص ۹۴ - ۹۵).

داستان‌های این پهلوان افسانه ای ایران را در دیوارنگاره‌های سغدی نیز می‌توان یافت. این دیوار نگاره‌ها در ویرانه‌های کاخ‌های اشراف سغد در مکان‌هایی چون پنجکنت، ورخشه و افراسیاب به دست آمده است. نقاشی‌های دیواری سغدیان شاهدی گویا بر حیات و تداوم سنت‌های پهلوانی در فرارود است. همان سنت‌هایی که در دوران اشکانیان و ساسانیان به دست گوسان‌ها و هُنیان‌ها و با حمایت شاهان در ایران شکوفا گشت و از همان زمان در فرارود نیز زنده بود و تداوم‌یافت. بخش اعظم دیوارنگاره‌های غیر دینی سغد مضمون‌هایی پهلوانی و روایی را توصیف می‌کنند. برای نمونه از حلقه داستانی رستم ویا داستان ضحاک در دیوار نگاره‌های مکشوف در پنجکنت می‌توان نام برد.

پیشینه سنت مصوّر کردن داستان‌های محبوب عامه بر دیوار (دیوارنگاره) به دوران هخامنشی، یعنی سده‌های پیش از میلاد، باز می‌گردد. بر پایه یافته‌های باستان شناختی نخستین نقاشی‌های دیواری سغدی به اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم میلادی تعلق دارند. سنت نقاشی دیواری سغدی از هنریونانی - ایرانی رایج در دوره کوشان‌ها و دیگر سلسله‌های حاکم در منطقه در چهار سده نخست میلادی نشأت گرفته است. سپس سغدیان ذائقه و توانایی‌های هنری خویش را بدان افزودند و مضمون‌های بومی را با داستان‌های حماسی و پهلوانی درآمیختند.



بیشتر دیوار نگارهای سغدی زینت بخش اتاق‌های اشراف کاخ‌های سغد بوده است و داستان‌های پهلوانی و حماسی به صورت سلسله تصویرهای یک داستان مصور دنباله دار در میانه دیوارهای این اتاق‌ها توجه هر بیننده را به خود جلب می‌کرده است. شایان ذکر است که دیوار نگارهای دارای مضمون دینی همیشه در پایین‌ترین بخش دیوار هر اتاق و با رنگهایی بسیار ملایم‌تر از رنگهای تند و درخشان نقاشی‌های پهلوانی به تصویر در می‌آمده‌اند.

نخستین بار بلیتسکی داستان رستم پهلوان ایرانی را در خرده نوشتار سغدی مکشوف از دون هوانگ با داستان سلسله دیوار نگاره‌های پنجکنت، یعنی حلقه داستانی رستم، یکی دانست (Azarpay 1981: p. 108).

می‌دانیم که پهلوان در ایران، همانند «شوالیه»^۱ در فرانسه قرون وسطی و «هلد»^۲ در میان ژرمن‌های روزگار باستان، به گروهی برتر از مردان تعلق داشته که برای دفاع از شرف و حیثیت خود، خاندان، قبیله و کشور خویش جان خود را به خطر می‌اندازد و در چنین سنت‌هایی پهلوان به هنگام نبودن دشمن انسانی، با نیروهای طبیعت، اهریمنان، هیولاها و دیوان می‌جنگد که نمونه بارز آن نبرد رستم با دیوان است. برتری از همان آغاز با زادن غیر عادی پهلوان آغاز می‌شود.^۳ برای مثال: زادن رستم از پهلوی مادر به مدد پر سیمرغ:

بکافید بی رنج پهلوی ماه	بتابید مر بچه را سر ز راه
چنان بی گزندش برون آورید	که کس در جهان این شگفتی ندید
یکی بچه بُد چون گوی شیرفش	به بالا بلند و به دیدار کش
شگفت اندر و مانده بُد مرد و زن	که نشیند کس بچه پیل تن

۱. Chevalier

۲. Held

۳. انکیدو (Enkidu) به دست ایزد بانو ارورو (Aruru) از خاک بیابان پدید می‌آید و یا گیل گمش که دو سوم وجودش از خدایان است.

برستم بگفتا غم آمد به سر نهادند رستمش نام پسر
(فردوسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۳۹)
دو دیگر آنکه نشانه‌هایی هم در شعر و هم در نقاشی، پهلوان را از سایر شخصیت‌ها
متمایز می‌کند و پهلوان را حتی در لحظه مرگ یا شکست، خارق العاده و با شکوه و
دارای نشانه‌های الهی می‌نمایاند.

در دیوار نگاره‌های سغدی نیز، پهلوان همواره با نشانه ویژه ای به تصویر در می‌آید
تا متمایز از دیگران باشد. برای مثال در نقاشی‌های دیواری حلقه رستم گاه یک پرنده
کوچک و گاه موجود بالدار کوچکی مرکب از چند حیوان (مثلاً پرنده‌ای با سر شیر و دم
ماهی) در حال پرواز یا جنب و جوش به دور سر پهلوان دیده می‌شود (← تصویر ۱)
در بیشتر دیوار نگاره‌های سغدی مکشوف در ورخشه^۱، سمرقند و پنجکنت همین
موجودات کوچک مرکب از پرنده و حیوان مشاهده می‌شوند. این موجودات به رغم
شکل‌های گوناگون دارای نقشی واحدند: نقش متمایز کردن پهلوان از دیگران خواه
در رزم یا در بزم.

افزون بر این در دیوار نگاره‌های سغدی گاه خدایان و ایزدان بر کردار پهلوان
نظارت داشته و در نبردها جانب او را می‌گیرند. برای نمونه در نقاشی‌های دیواری
حلقه رستم در پنجکنت (← تصویرهای ۲ و ۳) موجود مونث نیمه پنهانی در پشت
پرتگاه دیده می‌شود. در تصاویر دیگر (← تصویر ۴ و ۵) موجود کوچک مونثی را،
که گردنبندی برگردن دارد، دور سر همان موجود مونث، در حال پرواز، مشاهده
می‌کنیم که حکایت از نشانه دار بودن موجود مونث نخستین دارد. یعنی احتمالاً
ایزد بانویی است که برای حمایت از پهلوان در نقاشی‌های دیواری به صورتی
نیمه پنهان به تصویر درآمده و مانند خود پهلوان نشانه دار است. حتی برخی از

۱. Varakhsha

ایران‌شناسان این ایزد بانو را، که در یک دیوار نگاره دیگر سغدی (در صحنه کشتی) به تصویر در آمده است، با ایزد بانوی زمین در ادبیات بودایی، یعنی با «دردها پرتھوی»^۱ یکی دانسته‌اند.

رستم در شاهنامه نیز نشاندار است. هنگامی که می‌خواهند سام، پدر بزرگ رستم را از زادن نواده‌اش آگاه کنند، پیکر کودکی به‌اندازه رستم از جنس حریر می‌دوزند و از موی سمور پُر کرده و به بازویش نقشی از اژدها می‌بندند و برای سام می‌فرستند.

یکی در کودکی دوختند از حریر	به بالای آن شیر ناخورده شیر
درون وی آکنده موی سمور	به رخ برنگاریده ناهید و هور
به بازوش بر اژدهای دلیر	به چنگ اندرش داده چنگال شیر
... پس آن صورتِ رستم گرزدار	ببردند نزدیک سام سوار

(فردوسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰)

برای پرهیز از دراز گویی به توصیف اجمالی حلقه داستانی رستم در دیوار نگاره‌های پنج‌گانه می‌پردازم: داستان از نبرد با دشمنی انسانی آغاز می‌شود و سپس به نبرد پهلوان با حیوانی ماریا اژدها گونه می‌پردازد (← تصویرهای ۸ و ۹) آنگاه نبرد رستم با هیولایی که دارای سُم بُز مانند است، مشاهده می‌شود (← تصویر ۱۰) و در پایان رستم را در بزم پیروزی با همان نشانه پهلوانی می‌بینیم.

حاصل سخن آنکه همانند ادبیات پهلوانی، دیوارنگارهای سغدی به دست هنرمندانی حرفه‌ای شکوفا شد که در خدمت علایق و خواسته‌های جامعه‌ای اشرافی و جنگ جو بودند. بی‌تردید پشتیبانی بازرگانان سغد و رفاه مادی آنان ضامن اصلی بقا و شکوفایی سنت نقاشی دیواری سغدی بود.

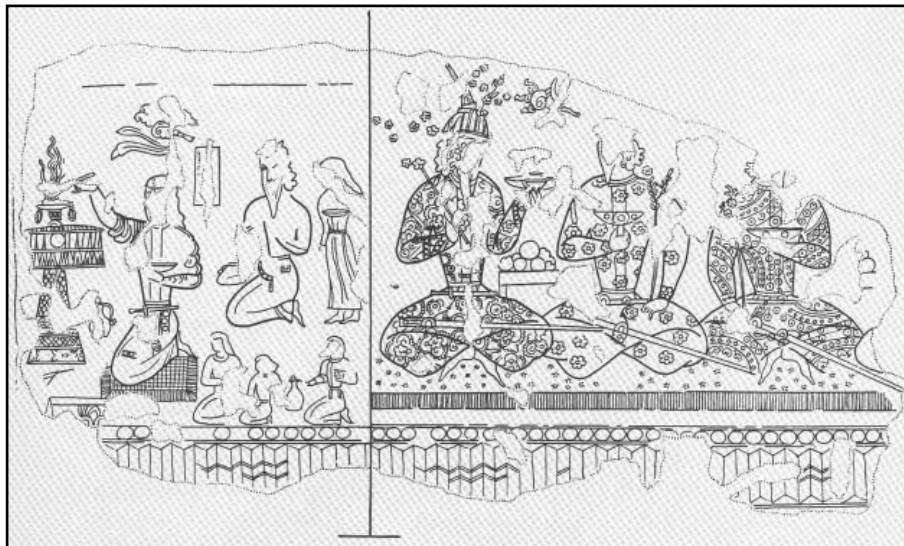
در هنر سغدی همانند ادبیات پهلوانی سغدی سنتی را می‌توان پی گرفت که از

^۱ . Drd*hā pr*thivī

عصر کیانی تا پایان دوره ساسانی در جهان ایرانی تداوم داشت و به ارزش‌های والای عصر پهلوانی ارج بسیار می‌نهاد.

مآخذ

- زرشناس، زهره (۱۳۸۵). میراث ادبی روایی در ایران باستان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۰). شش متن سغدی (بخش نخست). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۸۲). شاهنامه. تهران: هرمس.
- قریب بدرالزمان (۱۳۵۷/۲۵۳۷). «رستم در روایات سغدی». شاهنامه‌شناسی (مجموعه گفتارهای نخستین مجمع علمی بحث درباره شاهنامه). تهران: بنیاد شاهنامه فردوسی.
- Azarpay, G. (1981). Sogdian Painting. U. S. A.
- Gershevitch, I. (1968). "Old Iranian Literature". Handbuch der Orientalistik, Abt. 1, Bd. 4: Iranistik, Abs. 2: Literatur, Lief 1, Leiden.
- Nöldeke, Th. (1920). Das iranische Nationalepos. Heidelberg.
- Sims –Williams, N. (1976). "The Sogdian Fragments of the British Library". III 18.
- Skjaervø, P. O. (1998). "Eastern Iraian Epic Tradition II: Rostam and Bhis*ma". Acta Orientalia, Hung. vol. 51 (12-).



تصویر شماره یک



تصویر شماره دو



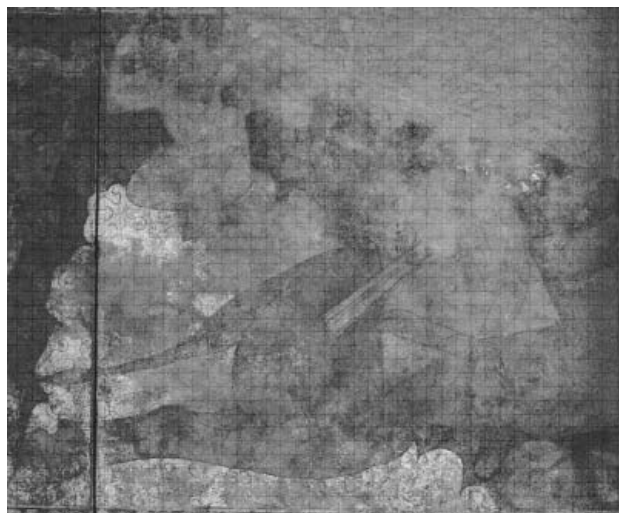
تصویر شماره سه



تصویر شماره چهار



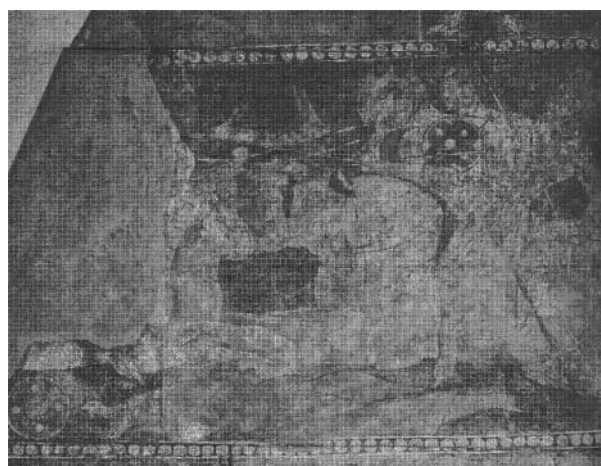
تصویر شماره پنج



تصویر شماره شش



تصویر شماره هفت



تصویر شماره هشت



تصویر شماره نه



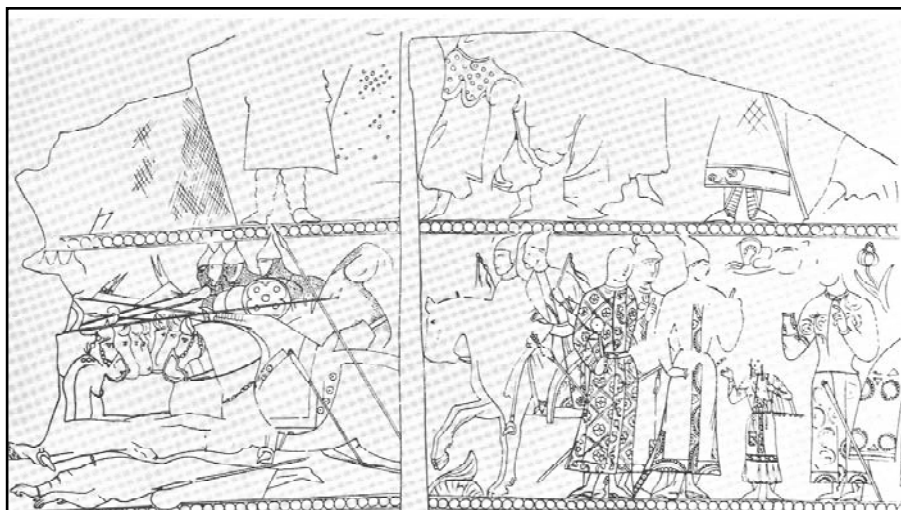
تصویر شماره ده



تصویر شماره یازده



تصویر شماره دوازده



تصویر شماره سیزده

درآمدی بر بازی منصفانه در ورزش

دکتر رحیم رمضانی نژاد^۱

درآمد

ورزش، پروراندن و ورزیدن روح و جسم و مسابقه و رقابت با خود و دیگران است. وقتی که ورزش به سمت رقابت و مسابقه جدی پیش می‌رود، نگرش‌ها و تأملات ذهنی و روانی خاصی نیز در آن اهمیت می‌یابد. ورزش و بازی باید با روح درستی و حقیقت همراه باشد و حاکمیت همه قوانین مکتوب یا نامکتوب در آن مشهود و آشکار باشد. بازی منصفانه^۲ نقطه پیوند نگرش‌های مثبت ذهنی به ورزش و با روح درستی و حقیقت آن و پیروی از قوانین است. از طریق تعمیق و گسترش مفهوم عملی بازی منصفانه می‌توان به توسعه ورزش و حمایت از آن در مقابل تهدیدکننده کمک کرد.

افتخار واقعی در ورزش با نمایش روح درستی و تلاش یا پیروزی با پیروی از اصول پذیرفته شده قانونی و اخلاقی به دست می‌آید. اگر چه بنابر نظر بلین کرت^۳، در جوامع سوداگر، موفقیت طلب و اقتصادی امروز، ورزش به عنوان یک تجارت از

۱. استادیار تربیت‌بدنی دانشگاه گیلان

۲. Fairplay

۳. Blin kert

سوء رفتارهای اخلاقی رنج می‌برد، اما تخلف و شکست قوانین ورزشی را نباید یک عارضه پاتولوژیک در نظر گرفت و شاید آن یک شکل و روشی برای حل تعارضات و تضادهای موجود در ورزش باشد، با این وجود ورزشکاران و دیگران باید بدانند که هزینه رفتار غیر منصفانه بیشتر از سود آن است (Christoph, 1995, p. 263).

در شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید توسل به تخلف، دوپینگ، تقلب و شکست قوانین چهره جدیدی از ورزش حرفه‌ای و نخبه گرایی را به نمایش گذاشته است که در آن رفتار غیر منصفانه تعجب‌آور نیست. برخی برآنند که اساس و بنیاد اجتماعی بازی منصفانه از دست رفته است و بدون تغییر ساختارهای اجتماعی ورزش، نمی‌توان رفتار غیر منصفانه را از بین برد. متأسفانه بسیاری از یافته‌های علمی، فنی و ابزارهای مصنوعی نیز در جهت برد و پیروزی قرار گرفته است؛ در صورتی که باید در خدمت تولید عالی‌ترین و زیباترین اجراهای ورزشی باشد. میل به پیروزی به هر قیمت نشان می‌دهد که شکست و پیروزی فقط به ورزش محدود نمی‌شود و شاید فرد، تیم و باشگاه بازنده در بسیاری از ابعاد فردی و اجتماعی بازنده محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد که یک سیستم غیررسمی از اصول‌ها و هنجارها در ورزش، جدا از قوانین رسمی رایج است.

با این وجود، ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی حامل پیام‌ها و ارزش‌های زیادی است که همیشه در دوره‌های مختلف زندگی بشری آشکار بوده است. ولی در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، تفکر پیروزی به هر قیمت، قدرت اقتصادی و تجاری در ورزش به تقلب، خشونت، دوپینگ و سایر رفتارهای غیر قانونی و غیر اخلاقی منجر شده است که می‌توان از آن به عنوان یک بحران اخلاقی یاد کرد نه بحران امکانات، برنامه و فن‌آوری. این فرآیند با بسیاری از قوانین ورزشی، هنجارها و ارزش‌های جامعه امروزی نیز سازگار نیست و از طرف دیگر قوانین و هنجارهای

اخلاق عمومی جامعه نیز توانسته است از مشکلات ورزش قهرمانی در این زمینه بکاهد. بنابراین اصلاح و تدوین مجموعه قوانین و استانداردهای اخلاقی برای حل این بحران ضرورت پیدا کرده و ایده بازی منصفانه نیز تلاشی برای سازگاری مجدد ورزش با اخلاق است (Gabriela, 1998).

بازی منصفانه در فرهنگ ایرانی

مفهوم بازی منصفانه در فرهنگ ملی و دینی ایران پیشینه‌ای طولانی و عمیق دارد، اعتقاد به پرورش مرد خرد و مرد عمل در ایران باستان موجب شد که هیچ‌گاه ریاضت یا ورزش‌گرایی محض بر زندگی فردی و اجتماعی ورزشکاران مستولی نشود. در حقیقت پهلوانان، مظهر واقعی شعار پندار نیک و کردار نیک یا بنا بر نظر هرودت، راست‌گویی (راست‌کرداری) بودند؛ کسانی که حتی حافظ جان و مال مردم نیز تلقی می‌شدند. آنان نه فقط در میدان ورزش، منصفانه رقابت می‌کردند بلکه در عرصه زندگی نیز جوان مرد بودند. جوان مردی در ایران، رابطه تنگاتنگی با اخلاق و مذهب دارد، در بسیاری از داستان‌ها و اشعار می‌توان پیوند میمون ورزش و اخلاق را در ایران مشاهده کرد. بنابراین اول، ورزش و دوم اخلاق وجود ندارد.

مرحوم شریعتی در کتاب امت و امامت بیان می‌کند که برای مجسم کردن و عینیت دادن به مفاهیمی مانند فداکاری، بزرگی، شرافت و غیره نیاز به الگویی و قهرمانی است و چه سرچشمه قهرمانی و شخصیت برجسته‌ای بهتر از علی (ع) که جهانیان او را قبول دارند. چنین قهرمانانی سرچشمه الهام معانی بزرگ انسانی در میان مردم هستند؛ این حس نیاز به وجود قهرمان، پهلوان و الگو در همه فرهنگ‌ها وجود دارد؛ همان‌طور که فرهنگ ملی نمی‌تواند بدون قهرمان و الگو باشد، فرهنگ ورزشی نیز نمی‌تواند بدون قهرمان و الگو باشد به‌ویژه این که امروزه در کشور

ما، قهرمان ورزشی از اولین الگوهای انتخابی برای نوجوانان و جوانان محسوب می‌شوند. بنابراین پسندیده است در کشور سرمایه‌گذاری بیشتری در جهت نه فقط گسترش بازی منصفانه بلکه اساساً گسترش جوان مردی در عرصه ورزش و زندگی ورزشی قهرمانان^۱ انجام گیرد، زیرا آنان مربیان غیر رسمی جامعه جوان ایرانی هستند (رمضانی نژاد، ۱۳۷۸).

حضرت علی (ع) سمبل و نمونه واقعی جوان مردی و پهلوانی در کل جهان است، همان طور که پیامبر اکرم (ص) درباره او می‌گوید: «جوان مردی جز علی نیست». از این رو اگر حضرت علی، مظهر حفظ مکتب وحدت و عدالت در عصر خودش در نظر گرفته شود؛ از عدالت او می‌توان در عرصه ورزش نیز سود جست و جوان مردی، درستی و دوستی در رقابت‌های ورزشی نیز می‌تواند نشانه‌هایی از عدالت جویی (رقابت برابر) ورزشکار باشد. شاگردان مکتب علی از پوریای ولی و سایر پهلوانان گمنام در طول تاریخ این کشور نیز چنین بودند. گفته‌های مرحوم غلام‌رضا تختی نیز مربوط به دوره‌ای است که ورزش حرفه‌ای در حال فرسایش اخلاقی و اعمال غیر عاقلانه بود؛ او پس از دریافت مدال طلای المپیک ۱۹۵۶ ملبورن گفت:

«پیروزی برای مدال نیست، مدال فقط وسیله است که پیروزی را به یاد می‌آورد و زنده می‌کند. با این قهرمانی چیزی بر مغزم و وزنم اضافه نشد، من همان رضا بودم که مثل حیوانات سیرک به باشگاه می‌رفتم، فقط دیگر احساس حقارت نداشتم» (رمضانی نژاد، ۱۳۷۸).

این گفته‌ها نشان می‌دهد که مدال و قهرمانی برای یک جوان مرد و پهلوان فقط بخشی از زندگی است، همان طور که دیگران گفته‌اند: در پیروزی، همه چیز نیست و آن فقط یک چیز است. بی‌دلیل نیست که در فرهنگ کشتی آمده است، اگر پرسند

۱. Fair- life

کشتی چیست؟ بگوی که آدمی تبدیل اخلاق کند و اگر پرسند کشتی علم (معرفت) است یا عمل، بگو علمی است نزدیک به عمل (رفتار) یا آن جا که سعدی می گوید:

جوان مرد باشی دو گیتی تو راست دو گیتی بود بر جوان مرد راست
ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی کژی آید و کاستی

در فرهنگ ما، قهرمان و پهلوان، فقط مظهر قدرت بدنی و ورزش نیست؛ از نظر فلسفی نیز پهلوان، سمبل وحدت و انسجام سه بعد جسم، ذهن و روان است، سه جنبه‌ای که در او باید به یک کل کامل ارتقاء یابد. در تمدن غرب نیز از زمان افلاطون و تاکنون افراد زیادی به یک فلسفه اخلاقی در تربیت بدنی و ورزش اعتقاد داشتند، به طوری که امروزه ورزش به عنوان یک نهاد شبه مذهبی تعریف شده است و قهرمانی^۱ در کنار ورزشکارانی^۲ با ارزش شمرده می شود. کوبرتن، کارل دیم، اوری براندریچ از شخصیت‌های برجسته حرکت المپیک نیز در این زمینه تلاش بسیاری کرده‌اند.

برداشت کوبرتن از فلسفه المپیزم یک ایده مذهبی بود؛ به معنای وحدت و تکامل بخشیدن به وجود آدمی ارتقاء کیفیت زندگی بشر از طریق سلامتی و ارزش‌های اخلاقی در ورزش و انتقال آن‌ها به زندگی. در فلسفه کاربردی و مدرن ورزش، فلسفه مربیگری و مدیریت ورزشی امروز نیز، «اول ورزشکار، دوم پیروزی» کاملاً پذیرفته شده است. این نگاه کلی و جامع به ورزش، بر خلاف تک بعدی چند بعد نگر برای ایفای نقش سازنده ورزش بسیار مفید است.

با این وجود در فرهنگ ایرانی، فرد به بهانه تربیت و برتری جسمانی نه فقط حق ندارد به دیگران آسیب برساند (حمایت و مراقبت از دیگران)؛ بلکه حتی حق ندارد

۱. Championship

۲. Sportsmanship

به خودش هم آسیب برساند (دوپینگ و افراط در تمرین). چنین رویکردی در تعمیق مفهوم بازی منصفانه بسیار سودمند و موضوعی فراتر از رفتار اجباری (پیروزی از قوانین) تلقی می‌شود.

تحلیل بازی منصفانه

بازی منصفانه با رعایت جدی همه قوانین ورزش شروع می‌شود. زمانی که یک ورزشکار در این جنبه هرگز کوتاهی نمی‌کند و دچار اشتباه نمی‌شود؛ اما در برخی موارد رعایت این قوانین به دلیل ماهیت ورزش (ورزش تماسی) بسیار مشکل است. آیا در این ورزش‌ها عدم رعایت ناخواسته برخی قوانین، خارج از اصول بازی منصفانه است؟ به نظر می‌رسد که رعایت همه قوانین بازی و ورزش، فقط بخشی از بازی منصفانه است و بازی منصفانه فراتر از رعایت قوانین مدون و مکتوب ورزشی می‌باشد.

بازی منصفانه یک مفهوم اخلاقی است و شاید در موارد زیادی بازی منصفانه با عدم رعایت برخی اصول قانونی بازی همراه باشد. بازی منصفانه احترام به حریف و احترام به خود است. بدون وجود حریف یا رقیب اصلاً مسابقه یا رقابتی وجود نخواهد داشت، بدون حریف، و بازنده حتی نمی‌توان لذت پیروزی را درک کرد؛ حریف خوب با رقابت جدی یا شکست، این لذت را ایجاد می‌کند. احترام به حریف و خود را نمی‌توان صرفاً از طریق استانداردهای قانونی اندازه‌گیری کرد، از این رو استانداردهای اخلاقی غیر مکتوب نیز در شناسایی بازی منصفانه نقش دارند. بازی منصفانه یک نوع خواست یا تمایل خالصانه برای حریف مقابل است تا بتواند در شرایطی برابر با خود (تیم خود) رقابت کند. بنابراین در یک بازی منصفانه ورزشکار می‌کوشد از ایجاد شرایط ویژه‌ای که موجب کسب امتیاز غیرمنصفانه از حریف می‌شود، پرهیز

کند. همچنین باید از هرگونه حادثه جسمانی و غیره که تأثیر جدی بر نتیجه رقابت دارد، پرهیز کند. همچنین بازی منصفانه تلاش برای کاهش اثرات عواملی است که ناعدالانه سرنوشت بازی را تغییر می‌دهد (French committee..., 1992). بازی منصفانه یک نوع وسواس شدید در مورد راه‌های طریق کسب پیروزی است. در چنین وضعیتی از طرقي که حتی ممنوعیت قانونی ندارند، استفاده نمی‌شود یا حتی فرد عمداً بر اجرا و به کارگیری بسیار شدید قوانین بازی به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به موقعیت‌های بهتر تأکید نمی‌کند. پذیرش همه تصمیمات درست و نادرست داور حتی اگر به نفع فرد نباشد و همچنین آمادگی مستمر برای همکاری با داور و فریب ندادن مستقیم یا غیر مستقیم او از نشانه‌های وجود بازی منصفانه در رقابت است. بنابراین بازی منصفانه خودداری همیشگی و دائمی از ایده پیروزی به هر قیمت است. بازی منصفانه نگرشی است که پیروی از استانداردهای اخلاقی درست را برای فرد الزامی می‌سازد و بر اساس آن نگرش پیروزی با فریفتن، پیروزی بر اثر اشتباه داور یا بروز هر عمل ناشایسته برای تغییر سرنوشت بازی یک پیروزی واقعی نیست، نهایتاً می‌توان گفت که بازی منصفانه نه فقط رعایت دقیق قوانین مکتوب ورزشی است بلکه قوانین غیر مکتوب و اخلاقی ورزش را نیز در برمی‌گیرد.

به‌طورکلی بازی منصفانه را از چند جنبه می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار دارد:

بازی منصفانه چیست (تعریف بازی منصفانه)؟

چرا باید بازی، منصفانه باشد (ضرورت بازی منصفانه)؟

بازی منصفانه در کجا و چه وقتی باید انجام بگیرد (زمان و مکان بازی

منصفانه)؟

چه کسانی باید بازی منصفانه داشته باشند (بازی منصفانه برای همه)؟

بازی منصفانه، چگونه باید اجرا شود (شکل‌های بازی منصفانه)؟

۱. تعریف بازی منصفانه

اخلاق بخشی از فرهنگ است و ورزش نیز به عنوان بخشی از فرهنگ نمی‌تواند از اخلاق جدا باشد، از طرف دیگر چون ورزش بخشی از یک فرهنگ جهانی و بین‌المللی محسوب می‌شود بنابراین باید اصول و مفاهیم اخلاقی آن با فرهنگ‌های مختلف دنیا سازگاری داشته باشد. بازی منصفانه یکی از کدهای عملی اخلاق در ورزش است که می‌تواند در هر نوع برنامه و فعالیت ورزشی در جهان، مبنای خوبی برای تربیت اجتماعی و اخلاقی ورزشکار باشد، به‌ویژه اگر بتوان مفهوم نظری و کاربردی بازی منصفانه را در ساختار ورزش، فرآیندهای مختلف آن و مهمتر از همه به سایر ابعاد زندگی ورزشی گسترش داد، همان‌طور که در فرهنگ ملی و دینی ما چنین پتانسیل و انتظاری از جامعه ورزشی وجود دارد.

بازی منصفانه یا اصطلاحاً بازی جوانمردانه، یک هنجار اخلاقی در ورزش است، اما این هنجار تا چه اندازه‌ای واقعیت دارد؟ انصاف به ورزش محدود نمی‌شود، اگر چه این مفهوم در ورزش معانی زیادی را در بر می‌گیرد. بازی منصفانه، بنیادی‌ترین ویژگی یا خصلت اخلاقی ورزش است که بر اساس آن: ورزشکار حتی در شرایط سخت، حریف را یار یا شریک خود در بازی به حساب می‌آورد و همچنین:

ورزشکار با استفاده از توانایی‌های فردی و گروهی به رقابت می‌پردازد.

در مسابقه و رقابت برای حفظ حس و فضای بازی تلاش می‌شود.

نگرش درستی در مورد شکست و پیروزی وجود دارد و ورزشکار هر دو را می‌پذیرد.

به حفظ و رعایت قوانین و موقعیت‌های برابر و یکسان توجه می‌شود.

از بی‌عدالتی و کسب برتری در شرایط نابرابر پرهیز می‌شود.

پیروزی بالاترین ارزش تلقی نمی‌شود.

در همه شرایط و لحظات بازی، انضباط، فروتنی، عدالت، اجرای عالی و صبر وجود دارد.

بازی منصفانه به معنی تلاش برای قرارگرفتن به جای دیگران در رقابت و تلاش متقابل در کنار آنهاست، بازی مفهوم، در درجه اول تعهد گرفتن از خود است.

هرینگر^۱، بازی منصفانه را در چهار گام سلسله مراتبی چنین توضیح می‌دهد:

انصاف^۲، آن چیزی است که بی‌انصافی^۳، نباشد

بی‌انصافی، چیزی است که لطافت بازی را خراب کند

لطافت بازی، هدف مشترک همه ورزشکاران است

هدف مشترک نیز بازی کردن است و برد یا پیروزی نیز با بازی کردن به دست

بیاید.

بر اساس این تعریف کسانی که نمی‌خواهند، پیروز شوند یک رفتار غیر منصفانه دارند. این تعریف از اشکالاتی برخوردار است، مثلاً شوت بلند یا پرتاب بلند توپ برای به تأخیر و وقت‌کشی لطافت بازی را بر هم می‌زند و بازی کردن برای پیروزی

۱. Heringer

۳. Unfair

۲. Fair

است، در صورتی که شاید از نظر بازیکنان و برخی این عمل غیرمنصفانه نباشد و به‌ویژه از نظر ورزشکاران حتی لطافت بازی را از بین نبرد (Gibbons and...., 1995. p. 247)

برخی نیز شرایط بازی منصفانه را در فعالیت‌ها و رقابت‌های ورزشی مشخص کرده‌اند، بنابراین اگر شرایط ذیل بر فضای مسابقه حاکم باشد، بازی منصفانه نیز در جریان است (Gabriela, 1998)

شرکت برابر و یکسان در رقابت

مراقبت و حمایت از خود و دیگران

تلاش برای پیروزی با استانداردهای پذیرفته شده

پذیرش قانون و تصمیمات داوری

کنترل خود در شکست و پیروزی

آگاهی و پذیرش علائق و نگرش سایر شرکت کنندگان (رقیب و تماشاچی)

تماس بدنی و روانی مناسب با حریف

۲. ضرورت بازی منصفانه

اگرچه تعداد الگوهای نادرست تربیتی و اخلاقی در ورزش اندک است، اما گسترش الگوهای غیراخلاقی و غیرمنصفانه در ورزش موجب تخریب عناصر تربیتی و ارائه تصویری منفی از ورزش در جامعه خواهد شد، کنترل و تغییر کلیه عوامل دربرگیرنده رفتار منصفانه در داخل و خارج ورزش یا گسترش رفتار منصفانه برای توجه دولت‌ها، نهادهای تربیتی، سازمان‌های ورزشی، مطبوعات، مدیران و مربیان ورزش، تماشاگران و ورزشکاران به این مفهوم مورد شناسایی و بسترسازی قرار دارد. مفهوم بازی

منصفانه جزء ذاتی ورزش است و شاید بدون آن ورزش رقابتی تبدیل به میدان جنگ شود، از سوی دیگر در بسیاری از کشورها، زمینه و بستر تاریخی- فرهنگی لازم برای تربیت روحیه ورزشکاری و پهلوانی وجود دارد. دولت و نهادهای ورزشی باید بدانند توجه بیش از حد به ورزش حرفه‌ای و نادیده گرفتن جنبه‌های تربیتی ورزش‌های همگانی و تفریحی پیامدهای مطلوبی نخواهد داشت. در سازمان‌های ورزشی همه رشته‌ها و فعالیت‌های ورزشی باید از اهمیت و توجه کافی برخوردار گردند، روند تربیت ورزشی نه فقط برای شرکت کنندگان در ورزش با اهمیت است، بلکه شامل تماشاچیان نیز می‌شود. در تمام دوره‌های تحصیلی از کودکان تا دانشگاه و باشگاه‌های ورزشی شرایط بازی، تمرین و مسابقه باید به گونه‌ای باشد که در جهت تربیت و رشد اجتماعی- عاطفی قرار گیرد.

لازمه ورزش این نیست که به هر قیمتی در طلب پیروزی بود. بنابراین باید توقع موفقیت و پیروزی از مردان و زنان ورزشکار و مربیان را کاهش داد. هم چنین تماشاچیان و توده مردم نباید به افزایش این فشار دامن بزنند. الگوهای غیر اخلاقی (ناجوانمردانه)، با توجه و رفتار کودکان و نوجوانان را به خود جلب می‌کند و تصویری منفی از ورزش برایشان ارائه می‌کند. حتی اگر تعداد الگوهای بد در ورزش اندک باشد. اثرات منفی آن در فرآیند اجتماعی شدن جوانان آشکار می‌شود. در سطوح ملی و حتی بین‌المللی توقع موفقیت از ورزشکاران به طور معنی داری بالا رفته است. به طوری که برای دست‌یافتن به پیروزی، ورزشکاران به پیشنهاد مربیان، به دوپینگ متوسل می‌شوند و در معرض آسیب‌های مختلفی ناشی از آن قرار می‌گیرند. بنابراین بسیار مهم است که از ورزشکاران در برابر تحمیل فشار تمرین و مسابقه برای رسیدن، پیروزی به هر قیمتی حمایت گردد (Wigmone&tuxill, 1995, p. 73).

تقریباً سه دهه از تشکیل کمیته بین‌المللی بازی منصفانه^۱ می‌گذرد. این کمیته، در ابتکار عملی نخستین بیانیه بین‌المللی، بازی جوانمردانه را با همکاری شورای بین‌المللی ورزش، انتشار داد. به نظر می‌رسد که این کمیته ملزم به ارائه خط‌مشی‌های اساسی در سطح بین‌المللی است. بازی منصفانه از سؤالات اساسی برای بقاء ورزش و حضور یا حفظ اصول اخلاقی در ورزش است. امروزه بازی منصفانه جایگزین تعهد اخلاقی ورزش آماتور شده است. بازی منصفانه یک نیاز اساسی و یا شاهد کلیدی برای حل مشکل جفاهایی است که بر ورزش تحمیل شده است.

متأسفانه بازی منصفانه به عنوان مقدمه‌ای برای پیوند اخلاق و ورزش یا سایر جاذبه‌های اخلاقی در بحران اخلاقی ورزش قهرمانی و حرفه‌ای با موفقیت زیادی همراه نبوده است. به طور کلی در گذشته، هنجارهای رقابت ورزشی با ارزش و مهم بودند. مسئله اخلاق در ورزش از زمانی شروع شد که این پدیده اجتماعی به‌طور منفک و جدا از سایر مسائل اجتماعی، روی ارزش‌های تربیتی و اخلاقی ورزش تأکید کرد. پیشینه اجتماعی - فرهنگی به‌ویژه در کشور ما این تصور و فرض را از ورزش اثبات کرده است. به طور سنتی و عرفی یک ساختار هنجاری یا بایدی در ورزش ایجاد شده است. امروزه اخلاقیات ورزشی با دو رویکرد مختلف خود را در ورزش نشان می‌دهد. در رویکرد اول به شعار و جاذبه‌های اخلاقی مانند: منصف یا جوانمرد باشید - آماده باشید با تمرین باشید - از داروها استفاده نکنید و غیره تأکید می‌شود. فرض غلط رویکرد اول این است که شعار و جاذبه‌های اخلاقی موجب بروز رفتار مناسب و هدایت یا تغییر رفتار می‌شود.

در رویکرد دوم اخلاق ورزشی، چنین فرض شده است که ارزش‌های عمومی مانند سلامتی، انسانیت و مسئولیت‌پذیری در اعمال حوزه یا قلمروی ورزش تأثیر می‌گذارد.

۱. International committee for fair play (ICFP)

ولی هنجارهای عمومی الزاماً به اعمال درست منجر نمی‌شود. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، سریعاً در حال تغییر و پیچیدگی روزافزون است، هنجارهای اخلاقی نیز تغییر می‌کنند، شرایط و ساختار ورزش نیز تغییر پیدا کرده است. بنابراین مشارکت در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای به تنهایی و الزاماً نمی‌تواند به رشد اخلاقی کمک کند، زیرا در این سطح از ورزش بر اصل پیروزی و موفقیت بیشتر از رشد جسمانی، اجتماعی و روانی سرمایه‌گذاری می‌شود (Bonnie, 1991, 365-377).

ورزشکاران نیز شاید بر اساس تجربه دریافته‌اند که اعمال و رفتارهای ورزش حرفه‌ای به سادگی با شعار و جاذبه‌های اخلاقی تغییر نمی‌یابد حتی کسانی که تنبیه شده‌اند؛ مجدداً به میدان ورزش برگشته و اعمال خود را تکرار می‌کنند، زیرا اصل پیروزی به هر قیمت بر همه اعمال ورزش قهرمانی و حرفه‌ای حاکم است. دنیای ورزشی خردمندیا عاقل در ورزش حرفه‌ای وجود ندارد. اصل پیروزی، ترس و عدم اطمینان تولید می‌کند و برای مبارزه با این هیجانات، عقل و احساس باعث فریب می‌شوند و اعمال غیراخلاقی و ضد اخلاقی از خشونت و پرخاشگری حیوانی تا دوپینگ بروز پیدا می‌کنند. بنابراین در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، شعارهای اخلاقی و مردمی‌جایی ندارد و منطق دیگری بر آن حکمفرماست. در چنین شرایطی، بازی منصفانه و سایر جاذبه‌های اخلاقی در مبارزه با بحران‌های اخلاقی در ورزش هنوز راهاندازی در پیش دارد.

۳. زمان و مکان بازی منصفانه

حرکت جدیدی که ناشی از علاقه عمومی نسبت به سلامتی است، محرکی قوی برای توجه به ورزش شده است؛ اما گاهی اوقات به طور غیر منصفانه انتظاراتی بیش از ظرفیت جسمانی شرکت کنندگان به وجود می‌آید که هدف اصلی آن‌ها

اغلب ارتقاء عملکرد ورزشکار است و به سلامت جسمی یا روحی ورزشکار توجهی نمی‌شود.

رفتار منصفانه فقط مخصوص ورزش حرفه‌ای، میدان مسابقه نیست، بلکه در طول اردو، تمرینات، بازی‌های تدارکاتی و روابط ورزشی باید به آن التزام داشت، زیرا آن یکی از اصول اساسی همزیستی بشر و همکاری در هر فعالیت اجتماعی است. هر انسانی باید به طور منصفانه فرصتی برای شرکت در ورزش داشته باشد. با توجه به فرهنگ، سن و جنس شرکت کنندگان لازم است که تغییراتی در رشته‌های مختلف ورزشی مطابق با نیازها، قابلیت‌های فردی و زمینه فرهنگی ایجاد می‌شود. توجه کمتر به استانداردهای عملکرد و اجرا نهادن به ورزش همگانی در اماکن عمومی و تفریحی به خاطر سلامت جسم و روح از تغییرات مورد نیاز در این زمینه لازم است. برای آموزش و تربیت رفتار جوانمردانه باید مکان‌های مختلف ورزشی فراهم شود تا در آن مردم بتوانند توانایی همکاری بایکدیگر و تعاون و دوستی را مورد ارزیابی قرار دهند. هر چند که موفقیت و عملکرد بالا جزء ذاتی ورزش است اما باید در این تعامل، فرصت‌هایی برای دیگران فراهم شود تا ورزش بر اساس رفتار جوانمردانه شکل گیرد. بنابراین در مکان‌های مختلف آموزشی از مدرسه تا دانشگاه، اماکن عمومی و تفریحی، سالن‌های بدنسازی، آمادگی جسمانی و غیره باید فرصت‌های زیادی برای تمرین ابتدایی رفتار منصفانه فراهم شود، مانند:

تمرین همکاری و رقابت

تمرین موفقیت شخصی و تجربه

تمرین آگاهی از بدن

تمرین آزادی و استقلال فردی

تمرین لذت و سرگرمی

تمرین مبارزه با هوای نفس

ورزش باید سرگرم کننده باشد و در نهایت منجر به پیروزی شود اما نه به هر قیمتی و نه با هر چیزی. شرکت کنندگان باید یاد بگیرند که نیاز افراطی در خود ایجاد نکنند تا مجبور به فریب دادن و حتی آسیب رساندن به خود و دیگران نشوند (wigmoe&tuxill, 1995, p. 67-73).

رویای تربیت رفتار منصفانه نمی‌تواند به طور کامل تحقق یابد و لازم است که مربیان، معلمان و سازمان‌های ورزشی برای این کار داوطلب و آماده شوند. آن‌ها نباید به سادگی اعمال و رفتار گذشته را که بر اساس رفتار غیرمنصفانه طرح ریزی شده است، ادامه دهند. بلکه باید موقعیت‌های جدید را در ورزش برای ایجاد تغییرات مطلوب فراهم نمایند، خصوصاً کسانی که در رأس هرم مدیریت ورزشی بوده و ایجاد قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی در سازمان‌های ورزشی به عهده آنهاست. برای این که بازی منصفانه جایگاه مناسب خود را پیدا کند، باید در برنامه مدارس، باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها گنجانده شود و لازم است که برنامه‌ای در این زمینه طراحی شود و با کمک امکانات سمعی و بصری به ترویج آن پردازند.

۴. بازی منصفانه برای همه

هدف بازی منصفانه باید در تمام سنین شناسانده شود و لازم است که در تربیت ورزشی کودکان و نوجوانان به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. مدارس از کودکان و نوجوانان تا کالج و دانشگاه‌ها مسئولیت خاصی در گسترش بازی منصفانه دارند، همچنین لازم است باشگاه‌های ورزشی نیز بر بازی منصفانه در بازی‌ها، مسابقات و تمرینات

و حتی در زندگی اجتماعی ورزشکاران تأکید کنند. اگر گسترش این مفهوم به عنوان یک هدف تلقی شود باید وظایف مختلفی با توجه به نوع ورزش، سطح عملکرد و زمینه فرهنگی بر عهده گرفت. مفهوم بازی منصفانه جزء ذاتی ورزش است و حتی ممکن است ادعا شود که بدون آن ورزش وجود نخواهد داشت. سرچشمه اصلی بازی منصفانه حتی در آرمان و اهداف مورد نظر بارون پیردوکوبرتن بنیان‌گذار بازی‌های المپیک نوین وجود داشت. بازی منصفانه فقط به معنی طرفداری از قوانین مکتوب نیست، بلکه نشانگر علاقه و توجه واقعی مردان و زنان ورزشکار به جوهر هدایت‌گر آن و نشان‌دهنده احترام به دیگران و توجه به آزادی فردی و مراقبت از صدمات روحی و جسمی می‌باشد (French committee..., 1992). فدراسیون‌های ورزشی در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی با تدوین قوانین و مقررات و داوران با نحوه قضاوت و همچنین مربیان، پزشک و سایر کارکنان نقش فعالی در توسعه بازی منصفانه بر عهده دارند. مؤسسات تربیتی خصوصی و عمومی، مسئول تربیت و ایجاد شرایطی نزدیک به آن هستند. روند تربیت ورزشی نه فقط شامل شرکت کنندگان فعال در ورزش است بلکه شامل مدیران، مربیان و تماشاچیان نیز می‌شود. این مفهوم جامع باید در تمام مراحل تربیت ورزشی در نظر گرفته شود.

اداره کنندگان ورزش باید به ترغیب لزوم انصاف و درستی در ورزش بپردازند، هدف این نیست که ورزشکاران از نظر اخلاقی مورد اعتراض قرار گیرند، بلکه قبل از همه لازم است که شرایط اجرای بازی منصفانه در ورزش امروزی فراهم شود و چنانچه لازم باشد، اصلاحاتی در آن صورت پذیرد. امروز باید میلیون‌ها نفر از مردان و زنان ورزشکار، مربیان و دست‌اندرکاران ورزش را متقاعد کرد که به اوج رساندن در ورزش با مهارت و نیروی واقعی و بدون تجاوز از اصول بازی منصفانه امکان‌پذیر

است (255-Gibbons and..., 1995, p. 247).

۵. اجرای بازی منصفانه

در اجرای بازی منصفانه، تدوین یک سیستم رفتاری با کدهای اخلاقی به عنوان پیشنهاد دستورالعمل، ایجاد قوانین و مقررات ویژه برای رشته‌های ورزشی و به‌ویژه آموزش مداوم و مستمر ضروری است. اجرای بازی منصفانه در سطوح مختلف ورزش تربیتی تا ورزش حرفه‌ای به عوامل و شرایط بسیاری وابسته است؛ با این وجود بهتر است این موضوع در سطوح اولیه ورزش به شدت مورد تأکید و توجه قرار گیرد تا کودکان، نوجوانان و جوانان در زندگی ورزشی خود، این مفهوم را به صورت عملی و مستمر تجربه کنند. مربیان، مدیران و سازمان‌های ورزشی نیز در این سطح باید بر جنبه‌های مشارکت فعال، رشد اجتماعی و تربیت ورزشی توجه کنند. در سطح ورزشی قهرمانی و حرفه‌ای نیز باید با آموزش تماشاگران و رسانه‌های گروهی، تنظیم قوانین و مقررات شدید؛ شکل‌ها و انواع جدیدی از بازی منصفانه را تعیین و در مورد آن از اهرم آموزش و تبلیغات استفاده کنند. بازی منصفانه شکل‌های مختلفی دارد که برخی از آن‌ها بشرح زیر است:

انضباط فردی^۱: بدون دیسیپلین و نظم فردی نمی‌توان بازی منصفانه داشت.

رقابت روان و با نشاط^۲: وقتی فضای رقابت و مسابقه، سالم، آرام و عاری از هرگونه تشنج باشد، همه چیز به خوبی جریان خواهد داشت و مسابقه حالت بازی به خود می‌گیرد. در این رقابت، صرفاً پیروزی بالاترین ارزش ممکن به حساب نمی‌آید.

قبول و پذیرش حریف یا نتیجه مسابقه: وجود این نگرش بنیادی اخلاقی موجب بروز رفتار منصفانه در رقابت می‌شود.

۱- self- confidence

۲- play fullness

تلاش برای رقابت در شرایط مساوی^۱: در شکل چهارم بازی منصفانه، ورزشکار از ایجاد هرگونه موقعیت نابرابر پرهیز و درستکاری را پیشه می‌کند؛ در چنین وضعیتی، حتی داشتن شانس بیشتر و بهتر ارزش زیادی ندارد.

بازی منصفانه رسمی^۲: حفظ و پیروی از مقررات یا قوانین رسمی مسابقه (بازی قانونی)، حتی در زمانی که داور نتواند نقض قانون را تشخیص دهد؛ نشانگر بازی منصفانه رسمی است.

بخشش و گذشت: بازی منصفانه در شکل بخشش، نه فقط گذشتن از خطا و اشتباه دیگران یا عدم مقابله و تلاقی است، بلکه حتی کمک و رعایت وضعیت حریف را نیز شامل می‌شود. البته بخشش تا جایی خواهد بود که باعث از بین رفتن رقابت و مسابقه نشود. تواضع، درستکاری و عدالت نیز در این قسمت قرار دارند.

دو شکل اول بازی منصفانه یک گام مقدماتی و با ارزش برای بازی منصفانه و اخلاقیات مربوط هستند، ولی نمی‌توان آنها را از شکل‌های بازی منصفانه تلقی کرد. شکل اول، یک موضوع کاملاً فردی و فرعی است و شکل دوم نیز به غلو نکردن درباره پیروزی و نادیده شمردن سایر جنبه‌های بازی مربوط می‌شود. وجود این دو شکل بهتر از نبود آن است ولی در غیر این صورت هیچ‌گونه تنبیهی نمی‌توان اعمال کرد، به طور کلی غالباً هنجارهای اخلاقی تلقی شده‌اند. پذیرش و قبول کردن حریف (شکل سوم) در حقیقت احترام به شخصیت، تمایلات و فردیت اوست. در این شکل حریف یک دوست و شریک در رقابت تلقی می‌شود که یک هنجار اخلاقی مورد قبول است. این شیوه، یک هنجار اخلاقی جامع و همگانی است و یک نگرش یا اصل عمومی (این نگرش همیشه روشن نیست). برای اشخاص سایر هنجارهاست نه این که فقط خودش هنجارهای تلقی شود که بر اعمال معینی تأکید دارد پس این ویژگی از بازی منصفانه را می‌توان یک نگرش

۱- Equal chances

۲- Formal fair play

اخلاقی بنیادی نامید (bonnie, 1991, p. 365-377)

سه ویژگی دیگر بازی منصفانه از هنجارهای اخلاقی بسیار مهم هستند. داشتن شانس و شرایط برابر، شکل چندان روشنی نیست. زیرا شرایط برابر مانند پیوستاری است که در طول رفتارهای زیادی وجود دارد. موضوع اول، اصل نتیجه^۱ است. بر اساس این اصل، هر کس که در رقابت شرکت می‌کند اگر با رعایت قوانین، بهترین عملکرد را داشته باشد، پیروز می‌شود و جایزه می‌گیرد. ولی شاید در این پیروزی، شرایط و محیط به نفع ورزشکار یا تیم باشد، مثلاً وقتی فرد و تیم پشت به آفتاب قرار دارد یا در زمین خود بازی می‌کند. مطابق این اصل، چنین شرایطی نیز برابر و یکسان تلقی می‌شود، هر چند فرصت‌ها و احتمال پیروزی بسیار متفاوت است. موضوع دوم، اصل جبران^۲ است و بر طبق آن همه عوامل مؤثر در ایجاد شانس‌های مختلف باید متعادل شوند، به طوری که احتمال پیروزی واقعاً برابر باشد. ارفاق و درستکاری شرایط و محیط نوعی جبران تلقی می‌شود. اصل اول و دوم در دو منتهی الیه این پیوستار قرار دارند و بین آن‌ها نیز اصل موفقیت^۳ یا پیشرفت است. مطابق این اصل شرایط دلخواه و غیردلخواه باید متعادل باشد و فقط توانایی‌های فردی باید برنده را تعیین کند. این اصل زیاد روشن نیست چون تفکیک مشخصی بین توانایی‌ها و شرایط یا محیط وجود ندارد؛ توانایی‌های خوب یا عدم توانایی در تحلیل نهایی همیشه تقریباً حاصل شرایط مطلوب یا نامطلوب است؛ مانند شرایط میزبانی، داوری، تماشاگری، آسیب ندیدن یا اصلی، نداشتن کارت زرد و غیره. بنابراین در هر زمان و در هر رویداد ورزشی باید دقیقاً تعیین کرد که چه چیزهایی شرایط و محیط در نظر گرفته شده‌اند و چه چیزهایی توانایی محسوب شده‌اند (Gabriela, Bonnie, 1991-1998).

۱- Result- principle

۳- Achievement principle

۲- compensation principle

شاید شرایط برابر و یکسان برای بازی منصفانه (ویژگی چهارم) کاملاً روشن باشد، ولی در حقیقت چنین نیست. زیرا تفسیر هریک از اصول آن متفاوت و متغیر است، مثلاً، در اصل نتیجه عوامل منع کننده در نظر گرفته نشده‌اند، در اصل جبران نیز به تلاش‌های ذهنی و موفقیت توجه نشده است. هر اصل دیگری نیز در بین آن دو منصفانه و مناسب به نظر نمی‌رسد. با استفاده از قوانین و شرایط بازی می‌توان اشکال مختلف و شانس برابر را بررسی کرد. بازی‌های مبتنی بر اصل نتیجه غالباً برای ورزشکاران و تماشاچیان مدال آور است، چون در بسیاری از رقابت‌ها، برنده قبل از شروع مسابقه مشخص است، دلهره‌ای در رقابت وجود ندارد، برای بازنده و برنده بازی حالت سرخوردگی و بیهودگی پیدا می‌کند. بازی‌های مبتنی بر اصل جبران، کمتر مشکل ساز ولی مدال آور است. زیرا شانس مطلق، برنده را تعیین می‌کند. از طرف دیگر ممکن است این بازی‌ها موجب آشفته‌گی ورزشکار خوب شود، چون به توانایی‌اش پاداش کافی داده نمی‌شود و وقتی پیشرفت و موفقیت با ارفاق و درستکاری به دست می‌آید، چالش لازم را برای ورزشکار ایجاد نمی‌کند. به طور کلی، قوانین بیشتر ورزش‌ها در بین منتهی الیه این پیوستار و اصول قرار دارند. در ورزش‌های حرفه‌ای شرایط زیادی مانند لوازم مجاز (راکت، کفش، توپ، لباس و غیره)، داروهای مصرفی، نحوه برنده شدن و غیره استاندارد شده‌اند و برخی شرایط مانند مسائلی مالی و روانی استاندارد نشده‌اند. در ورزش حرفه‌ای به جای ارفاق، جوائز مختلفی برای طبقات ورزشی (بر حسب جنس، سن، وزن، ناتوانی و غیره) در نظر گرفته شده است و نتیجه با درجه‌بندی مختلف تعدیل می‌شود. به طور کلی، هیچ هنجار اخلاقی برای ورزشکاران وجود ندارد تا برای رسیدن به شکل معینی از شرایط برابر و یکسان تلاش کنند.

بازی منصفانه رسمی (ویژگی پنجم) به معنی حفظ قوانین و نه حفظ هنجارهای

اخلاقی است. بر اساس بازی منصفانه رسمی، ورزشکاران باید از قوانین پیروی کنند. بنابراین تلاش برای حفظ این قوانین، شکل مشخصی از ایجاد شرایط و شانس برابر است. اول ورزشکاران و دوم تماشاچیان با رعایت اصول و قوانین بازی یا تماشای آن، سودمندی اجتماعی و فرهنگی رقابت را افزایش می‌دهند.

چون یکی از عوامل اصلی در تولید بازی خوب رعایت قوانین است و بازی خوب نیز برای ورزشکاران و تماشاچیان مفید و قابل استفاده خواهد بود. هنجارهای اخلاقی نیز به حفظ قوانین مورد نظر کمک می‌کنند. البته قوانین مورد توافق، جزء قوانین رسمی نیستند. ولی فقط آن‌ها به شکل ارادی، فواید متقابل دارد و عدم حفظ توافق نباید با فریب همراه باشد. اگر تیم و ورزشکاران در مورد شرایط معینی توافق کردند، بنابراین هر نوع خطا که احتمال پیروزی را افزایش می‌دهد، نوعی فریب و دغل بازی محسوب می‌شود. پیروی از قانون دوپینگ، یک هنجار قانونی و هم چنین هنجار اخلاقی است و به ایجاد شرایط برابر کمک می‌کنند.

هنجار بازی منصفانه رسمی در حفظ ارتباط وابستگی متقابل ورزشکار-تماشاچی مؤثر است؛ زیرا توافق تلویحی موجود بین آنها موجب می‌شود که ورزشکاران بیشترین و بهترین تلاش را برای پیروزی و نمایش یک رقابت هیجانی داشته باشند، تماشاچیان نیز با صرف هزینه و وقت، انتظار تماشای بازی خوب را دارند و با تصدیق و تشویق ورزشکاران، خواهان پیروزی شرافتمندانه است.

۶. گذشت و بخشش

شکلی از بازی منصفانه که دربرگیرنده رفتار سخاوتمند و عالی است. وقتی به بازیکن مصدوم که روی زمین افتاده است، کمک می‌شود. به خاطر او بازی را از جریان می‌اندازد، منتظر آماده شدن حریف می‌شوند؛ یا خودداری از شوت‌های آسیب‌رسان و

خطرناک، همه نوعی گذشت و بخشش هستند. هسته اصلی این شکل از بازی منصفانه، عدم استفاده از فرصت‌ها و برتری‌های موقتی یا لحظه‌ای در رقابت است. این هنجارها در زندگی روزمره نیز یک وظیفه اخلاقی می‌باشد. سخاوتمند بودن و گذشتن از نفع شخصی در هر جامعه‌ای ارزش محسوب می‌شود؛ در غیر این صورت فرد با تنبیه غیررسمی از طرف گروه و اجتماع روبه‌رو می‌شود. در ورزش نیز صرف نظر کردن از برخی اعمال یک وظیفه اخلاقی است، در غیر این صورت فرد یا تیم از طرف ورزشکاران و جامعه (تنبیه غیررسمی) حمایت نمی‌شود. بدون تردید این شکل بازی منصفانه فواید فردی و اجتماعی فراوانی دارد. رفتارهای اخلاقی و منصفانه را می‌توان مانند پیوستاری در نظر گرفت که افراد باید بکوشند در این طیف به سمت رفتارهای عالی‌تر بهتر حرکت کنند و حتی رفتارهای قانونی و درست را که تنبیهی هم در بر ندارد، پشت سر گذاشته و رفتارهای وجدانی و اخلاقی تری را برگزینند. رعایت این هنجارها بدان معنی نیست که حریف امکان برنده شدن پیدا کند، این کار به فرد و گروه آسیب‌روانی می‌رساند، از طرف دیگر، تماشاچیان نیز شاهد رقابت جدی نخواهند بود و خود را یک تماشاچی فریب خورده تلقی می‌کنند. همچنین افتخار و غروری نصیب برنده نمی‌شود. از نظر بریویک^۱، بازی منصفانه را در یک رقابت می‌توان به چهار حالت تقسیم کرد و آموزش داد: (Bonnie, 1991, p. 365-377).

بازی منصفانه دو طرفه (همکاری متقابل):

این حالت، بهترین وضعیت در رقابت است که در ورزش آماتور و به‌ویژه در ورزش تفریحی مشهود است. شانس پیروزی، برابر است، آسیب و صدمه‌ای مشاهده نمی‌شود.

۱. Brevik

بازی منصفانه یک طرفه (همکاری در مقابل عدم همکاری):

در این حالت، حریف از بازی منصفانه پیروی نمی‌کند و به خطا مبادرت می‌ورزد؛ در صورتی که ورزشکاریا تیم مقابل می‌کوشد علی‌رغم مشاهده بازی غیرمنصفانه و دیدن خطا، منصفانه بازی می‌کند و از خطا می‌پرهیزد شاید در این حالت، شانس پیروزی برای ورزشکاریا تیم همکاری کننده کم باشد.

بازی غیر منصفانه دو طرفه (عدم همکاری متقابل):

در این حالت، هر دو حریف از بازی منصفانه خودداری می‌کنند و می‌کوشند تا با استفاده از دوپینگ، خطا، فریب داور و غیره پیروز شوند. در این وضعیت، تنبیه بیشتر می‌شود و شاید شانس پیروزی هم برابر باشد؛ اما میزان آسیب و صدمه در آن فراوان است.

بازی منصفانه یک طرفه (عدم همکاری در مقابل همکاری):

بر خلاف حالت دوم، در این شرایط ورزشکاریا تیم در برابر بازی منصفانه و همکاری، از همکاری و بازی منصفانه اجتناب می‌کند. بهترین حالت، بازی منصفانه دو طرفه است. در این نوع بازی هر دو خردمندانه عمل می‌کنند و ضمن اجتناب از اعمال غیرقانونی و غیراخلاقی، بهترین فرآیند و پیامد را موجب خواهند شد. متأسفانه در ورزش حرفه‌ای، شرایط بسیار متفاوت و سنگینی نسبت به سایر ورزش‌ها حکمفرماست و دادن پاداش، افتخار و مباحات برای بازی منصفانه به سختی می‌تواند این شرایط را متعادل کند. از طرف دیگر سازمان‌های ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، نهادهای مدرن سرمایه‌داری هستند که با دیدگاه تجاری و اقتصادی یا تزریق پول اعمال حرفه‌ای گری را تقویت می‌کنند. چرخ اقتصاد و تجارت ورزش حرفه‌ای با ورزشکاران گران قیمت فن‌آوری، جذب تماشاچی و کسب موفقیت

بیشتر می‌چرخد. در چنین شرایطی التزام به ارزش‌های فردی، اجتماعی و اخلاقی ورزش کم رنگ خواهد شد.

آموزش بازی منصفانه

یکی از نقش‌های تربیتی و آموزشی نوجوانان و جوانان در ورزش، یادگیری و نمایش بازی منصفانه است. پیلز به تحقیق روی بازیکنان فوتبال نشان داد که سن و تجربه عامل مهمی در تخلف از قوانین است. در این تحقیق، بازیکنان فوتبال نشان داد که سن و تجربه عامل مهمی در تخلف از قوانین است. در این تحقیق، بازیکنانی که ۶ سال بیشتر سابقه داشتند، نسبت به افراد با سابقه ۱-۳ سال، بیشتر پذیرای شکست قوانین هستند و کمتر آن رفتارها را غیرمنصفانه می‌دانند. این نتیجه نشان می‌دهد که وضعیت بازیکن و هدف از بازی در درک بازی منصفانه مهم نبود؛ اما چون با افزایش سن و تجربه، میزان اجتماعی شدن در ورزش بالا رفته است؛ اجتماعی شدن که با افزایش تخلف همراه بود (shirl, 1992: pilz, 1995).

به نظر می‌رسد که تیم‌های ورزشی، مدرسه بازی غیرمنصفانه باشد؛ چون در این تحقیق مشخص شد که نقش مربیان، بیشترین تأثیر را در بازی غیرمنصفانه دارد. وقتی از ورزشکاران خواسته شد که بازی منصفانه را تعریف کنند، آنها سه نوع بازی منصفانه را نام بردند:

بازی منصفانه غیر رسمی: در این بازی منصفانه فقط با توپ بازی می‌شود و ورزش و رقابت حالت بازی جدی به خود می‌گیرد.

بازی منصفانه رسمی: در این بازی اعمال و رفتارهایی انجام می‌گیرد که فقط قوانین آنها را مشخص کرده است.

بازی خطای منصفانه: در این بازی برای پیشرفت، پیروزی یا حفظ موقعیت، از

خطا به شیوه‌ای محدود و نه برای آسیب رساندن استفاده می‌شود. همچنین استفاده از رفتارهایی که طبق قوانین خطا محسوب نمی‌شود (بازی تأخیری) مجاز است. البته ممکن است بسیاری از ورزشکاران این نوع خطاها را نیز بازی منصفانه قلمداد کنند.

توجه به آموزش بازی در سه سطح فردی و خرد، سطح میانی و سطح کلانی ضروری است. در سطح خرد، خانواده و مدرسه نقش اساسی دارند و در سطح میانی، باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی با تدوین قوانین و مقررات ورزشی می‌توانند در این زمینه گام بردارند.

مدیریت سطح کلان ورزش کشور با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی، سطوح مختلف ورزش را می‌تواند در جهت خاصی هدایت و رهبری نماید.

بائومن و شویند^۱ در آموزش بازی منصفانه، فعالیت‌های ذیل را ضروری می‌دانند:

تأکید مداوم بر بازی منصفانه

ضمانت اجرایی قوی برای قوانین

آموزش بهتر داوران

تغییر قوانین برای کاهش خطاهای مجاز

مآخذ

- رمضانی نژاد رحیم (۱۳۷۸). «بازی جوانمردانه و فرهنگ ایرانیان، ششمین گردهمایی آشنایی با حرکت المپیک». یونان: المپیا.

۱. Baumann&schwind, 1991

- cheffers, j(1996). "sport versus education, "International Journal of physics Education, v. 33.
- French committee for fair play(1992). Fair play.
- Gibbons, Sandra L and et al(1995). Fair play for kids, Effects on the moral development of children in physics education, Research quarterly for exercise and sport, vol. 66, No. 3.
- Hoffmanb, shir1 j(1992). "sport and religion ": Is Running a Religious experience. Hall Higdon.
- Krawczyk, zbigniew(1996). "sport as symbol", International Review for the sociology of sport. V. 31, No.
- Kretehar, scott R(1994). Practical philosophy of sport, Human kinetics.
- Loland, Sigmund(20020. fair play in sport(a moral norm system), Routledge pub.
- christoph Lumar, (1995). "Rules and moral norms in sport". International review for sociology of sport: vol. 30, no. 34/.
- Bonnie parkhous(1991). The management of sport. Mosby book.
- pilz, Gunter A(1995). " Performance sport: Education in fair play some Empirical and theoretical remarks", International review for the sociology of sport, v. 30, No. 34-.
- tymowski, Gabriela(1998). " Rights and wrongs: A philosophical consideration of children and yong athletes in elite sport" 6th postgraduate seminar of olympism, Olympia, Greece, 1998.
- volkwein, karin A. E(1995). " Ethics and Top- level sport- a paradox?" International review for the sociology of sport, vol. 30, No. 34/.

بررسی بازی‌های بومی محلی سیستان

دکتر ابوالفضل فراهانی^۱، منصوره شهرکی^۲

درآمد

بازی‌های بومی - محلی بازی‌هایی هستند که از یک طرف با فرهنگ اصیل و سنتی ایران و ایرانی عجین بوده و از طرف دیگر بازی‌هایی هستند که برای انجام دادنشان نیازی به امکانات فراوان نبوده، در هر فصل و مکانی قابل اجرا بوده و همچنین قابلیت پاسخ دادن به هر سلیقه و استعدادی را دارند. لذا می‌توان آنها را با شعار ورزش برای ورزش در سطح جامعه عمومیت داد. پرداختن به اینگونه بازی‌ها در مرحله اول مستلزم آن است که ابتدا اینگونه بازی‌ها شناسایی، جمع‌آوری و احیا شده و سپس به ترویج و اشاعه آنها اقدام گردد. در نتیجه ترویج و اشاعه این بازی‌ها می‌تواند هم به حفظ اصالت فرهنگ اصیل ایران کمک نموده و هم در پر کردن اوقات فراغت افراد جامعه نقش مهم و موثری را ایفاء نمایند. همچنین با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران بر بنیاد ارزشهای الهی و تکیه بر فرهنگ اسلام و با شعار بازگشت به خویشتن خویش پا گرفته است و یکی از اهداف آن بازشناسی هویت فرهنگ اصیل جامعه

۱. استادیار دانشگاه پیام نور تهران.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه زابل

و شناخت ارزشهای نهفته در فرهنگ بومی و سنتی مناطق مختلف سرزمین ایران می‌باشد، شناخت و شناساندن بازی‌های بومی محلی هر منطقه می‌تواند نقش مهمی را در جهت رسیدن به این هدف ایفاء نماید. در این مقاله سعی شده است با شناسایی و بررسی بازی‌های بومی محلی سیستان، پیشنهاداتی جهت احیاء و ترویج آنها در میان اقشار مختلف جامعه ارایه گردد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که تعداد زیادی از بازی‌های بومی محلی این استان در حال فراموش شدن و نابودی می‌باشند و تعدادی دیگر نیز در حال حاضر فقط در جشنواره‌ها ویا مراسمات ویژه انجام شده و اگر توجه بیشتری از طرف مسئولین مربوطه مبذول نگردد در آینده ای نه چندان دور شاهد حذف و نابودی این بازی‌ها در استان خواهیم بود.

فرهنگ میراث کهنی است که در طول قرن‌ها و عصرها از گذشتگان به آیندگان و از نسلی به نسل دیگر می‌رسد و توسعه و تحول می‌یابد، کامل تر می‌شود و توسط والدین به فرزندان سپرده می‌شود. شخصیت و هویت هر نسل مایه استقلال خویش را از فرهنگ دریافت می‌کند و اگر فرهنگ را از یک ملت جدا کنند در واقع آن نسل را از خویشتن خویش جدا نموده‌اند.

تاریخ یکصد ساله اخیر کشور اسلامی ایران شاهد یک هجوم گسترده و همه جانبه فرهنگی بر تاروپود خویش است. از زمانی که فرهنگ غربی و تجدد همراه آن در ایران رواج یافت بدون آنکه به درستی مورد نقد و بررسی دقیق قرار گیرد رو به فراگیری و گسترش نهاد و تمام جنبه‌های فرهنگی مردم را تحت تأثیر خود قرار داد و حتی بازی‌ها و ورزشهای بومی محلی که یکی از وجوه پهنه فولکلوریک هر قوم است نیز تحت تأثیر قرار گرفته و همچون سایر جنبه‌های فرهنگ مردم رو به فراموشی نهاد. بازی‌هایی که پدران و نیاکان ما از برکت فرهنگ دیرپای خود و به پیروی از فهم و ادراک فطری، موافق آداب و رسوم و بافت شهر و دیار خود و منطبق بر الگوهای حرکتی روزمره

زندگی خویش خیلی راحت و سنجیده ابداع نموده بودند، اکثر آنها در سایه اشاعه و گسترش ورزشهای نوین و بازی‌های سرزمین‌های دیگر به دست فراموشی سپرده شد و مطمئناً اگر به معرفی و احیاء بازی‌های بومی محلی اقدام نگردد همانند برخی دیگر از جنبه‌های فرهنگ اصیل ایرانی کلاً به فراموشی سپرده خواهد شد. در کنار ورزش‌های نوین که در تمام کشورها به یک صورت انجام شده و دارای قوانین معینی نیز می‌باشند، بازی‌های بومی محلی که ریشه در فرهنگ و تمدن مناطق مختلف ایران داشته نیز می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. بازی‌های بومی محلی علاوه بر آثاری که از لحاظ ورزش دارد دارای اثرات و فواید دیگری نیز می‌باشد. این بازی‌ها به جهت تمایلات، گرایش‌ها و علایق فرهنگی، هنری مردم مناطق مختلف کشور بهترین وسیله تفریح و سرگرمی مفرح، سالم و سازنده بوده و بسیار هم آموزشی هستند.

معرفی سیستان

منطقه سیستان به مرکزیت زابل در بخش شمالی استان سیستان و بلوچستان واقع شده است و مرکز آن، زابل، دارای جمعیتی حدود ۳۵۰ هزار نفر بوده که بیشتر آنها در روستاها ساکن می‌باشند. این منطقه با داشتن حدود ۹۰۰ روستا و آبادی بیشترین روستا را در سطح کشور دارا می‌باشد. سیستان یکی از نواحی باستانی و بسیار کهن ایران زمین می‌باشد. از نامهای قدیمی سیستان که در تمام جهان نیز مشهور است می‌توان به نامهایی چون زرنگ، سکستان، سیوستان (سرزمین مردان مرد)، نیمروز و زابلستان اشاره نمود. سیستان زادگاه بزرگانی چون رستم، پهلوان ایران باستان، یعقوب لیث صفاری نخستین شهریار پس از اسلام و هزاران عالم و دانشمند دیگر بوده که همگی از سرآمدان روزگار خود بوده‌اند. اختراع و ابداع نخستین آسیاب‌های بادی در جهان و ساخت نخستین رصد خانه را به سیستان نسبت داده‌اند. همچنین آثار باستانی فراوان موجود در منطقه از قبیل

شهر سوخته با قدمتی ۳۰۰۰ ساله، کوه خواجه، دهانه غلامان و... و آثار مکشوفه در آنها نشان می‌دهد که این سرزمین از گذشته‌های دور دارای تمدن فرهنگی بسیار غنی بوده و بر اثر موقعیت خاص اقلیمی، سیاسی و فرهنگی، مرکز ارتباطات تمدن‌های بزرگ ماوراءالنهرین، بین‌النهرین و هندوچین بشمار می‌رفته است.

این منطقه بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۲ شهر به نامهای زابل و زهک، ۵ بخش به نامهای شیب آب به مرکزیت محمد آباد، پشت آب به مرکزیت ادیمی، شهرکی و نارویی به مرکزیت زهک، میانکنگی به مرکزیت دوست محمد، مرکزی به مرکزیت زابل و ۱۷ دهستان و ۹۳۳ آبادی و روستا می‌باشد.

مواد و روشها

با عنایت به اینکه رمز موفقیت افراد یک جامعه وجود افراد خلاق و تندرست در آن جامعه است و این امکان‌پذیر نیست مگر اینکه افراد آن جامعه روی به ورزش بیاورند و از آنجاییکه انجام دادن ورزش‌ها و بازی‌های جدید و وارداتی نیازمند امکانات فراوان می‌باشد، لذا ضروری است با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب، توجه بیشتری به فرهنگ و عناصر فرهنگی کشور از جمله بازی‌های بومی محلی شده و به اینگونه بازی‌ها اهمیت بیشتری داده شود.

بازی‌های بومی محلی و سنتی بازی‌هایی هستند که در ارتباط با فرهنگ یک تیره خاص بوده و دقیقاً از فرهنگ قومی گرفته شده‌اند و رابطه تنگاتنگی با شیوه زندگی، گفتار، کردار و مناسبات هر قوم دارند. این بازی‌ها ریشه‌های تاریخی طولانی داشته و از جمله مراسم ملی محسوب می‌گردند. اینگونه بازی‌ها علاوه بر آثار ورزشی، به جهت تمایلات، گرایش‌ات و علایق فرهنگی، ذوقی و هنری مردم مناطق مختلف کشور بهترین وسیله تفریح و سرگرمی بوده و بسیار سالم و سازنده نیز هستند.

بازی‌های سنتی و بومی محلی کشور را عمدتاً به دو دسته کشتی‌های محلی و بازی‌های محلی تقسیم‌بندی می‌کنند که هر کدام از این دو دسته نیز دارای حالت‌های متفاوتی می‌باشند. کشتی‌های محلی خود به دو گروه تقسیم می‌گردند:

۱- کشتی‌هایی که از جا کردن حریف به گونه‌ای که هیچ نقطه‌ای از بدن او در تماس با زمین نباشد موجب برنده شدن است و ۲- کشتی‌هایی که باید حریف را به زمین زد تا برنده شد. همچنین بازی‌های محلی دارای تقسیماتی چون بازی‌های بدون وسیله، بازی‌های با وسیله، بازی‌های فردی، بازی‌های جمعی، بازی‌های شبانه و... می‌باشند.

هدف اصلی از انجام این تحقیق و مطالعه، بررسی و جمع‌آوری بازی‌های بومی و محلی استان سیستان و ارایه پیشنهاداتی جهت احیاء و ترویج این بازی‌ها در میان اقشار مختلف مردم استان و همچنین مطالعه در مورد بخشی از بازی‌های بومی محلی یک منطقه و استان از کشور و توسعه آن می‌باشد.

از جمله کاربردهای متصور شده از این تحقیق و مطالعه می‌توان به استفاده از بازی‌های جمع‌آوری شده در مدارس سطح استان با توجه به کمبود امکانات ورزشی و تنوع بخشیدن به ورزشهای مورد استفاده در این استان و جلوگیری از حذف و نابودی بازی‌های بومی محلی اشاره نمود.

پس از جمع‌آوری، شناسایی و بررسی بازی‌های بومی محلی استان، سازمانهای مختلفی از جمله سازمان تربیت‌بدنی کشور، فدراسیون ورزشهای بومی محلی کشور، پژوهشکده تربیت‌بدنی، سازمان تربیت‌بدنی استان سیستان و بلوچستان، اداره کل تربیت‌بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و... می‌توانند از نتایج این مطالعه و تحقیق استفاده نمایند.

علی‌رغم اهمیت و نقش مهمی که اینگونه بازی‌ها می‌توانند داشته باشند، در

زمینه شناسایی، بررسی و جمع آوری آنها تحقیقات زیادی صورت نگرفته است. از جمله مطالعات و تحقیقات انجام شده در این زمینه عبارتند از: پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای حمیدی با عنوان "باز شناسی بازی‌ها و ورزش‌های بومی محلی استان گیلان و مازندران"، طرح پژوهشی "گرد آوری و طبقه‌بندی بازی‌های سنتی استان کرمان" انجام شده توسط مدیریت میراث فرهنگی استان کرمان در سال ۱۳۷۳، طرح پژوهشی "بازیابی و شناخت کاربردی بازی‌های بومی محلی کشور" انجام شده توسط دفتر تحقیقات و آموزش سازمان تربیت‌بدنی کشور در سال ۱۳۷۴ که در این طرح حدود ۶۷۱ بازی از بازی‌های بومی محلی کشور فهرست‌بندی شده‌اند که در نهایت این طرح با همین عنوان به صورت یک کتاب به چاپ رسید، کتاب "ورزش‌های سنتی بومی ایران" آقای ملک محمدی، کتاب "کندو" تالیف آقای رییس‌الذاکرین که در این کتاب علاوه بر معرفی خصوصیات فرهنگی منطقه سیستان تعداد کمی از بازی‌های بومی محلی این منطقه نیز بصورت مختصر شرح داده شده است؛ طرح پژوهشی "بررسی بازی‌های بومی محلی این منطقه نیز به صورت مختصر شرح داده شده است؛ طرح پژوهشی "بررسی بازی‌های بومی محلی استان گیلان" توسط آقای ولیانی در دانشگاه گیلان به سال ۱۳۷۶.

برای انجام این مطالعه و تحقیق از روش تحقیق توصیفی استفاده شده است. در تحقیق توصیفی محقق سعی می‌نماید تا آنچه را که هست بدون هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد. همچنین برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از دو روش مصاحبه آزاد و جمع آوری کتابخانه‌ای استفاده شده است. پاره‌ای از اطلاعات در خصوص استان سیستان و بلوچستان، آثار و تحقیقات انجام شده در خصوص بازی‌های بومی محلی کشور و... از طریق مطالعه کتابخانه‌ای امکان‌پذیر شده است. در روش مصاحبه آزاد، رفتار و گفتار مصاحبه‌شونده بیشتر طبیعی بوده و اطلاعات

واقعی‌تری را نیز در اختیار محقق قرار می‌دهد و به هر صورتی که مایل است و به دلخواه خود به سوال مطرح شده پاسخ می‌دهد. به این لحاظ محقق در این مطالعه و تحقیق با انجام روش مصاحبه آزاد و مراجعه مستقیم به مکانهایی که مصاحبه شوندگان قرار داشته‌اند و با طرح پرسش‌هایی همچون:

۱- آیا درمورد بازی‌های بومی محلی و قدیمی منطقه خود اطلاعاتی دارید یا خیر؟-۲ نحوه اجرای بازی‌هایی را که می‌شناسید. -۳ از بازی‌های نام برده شده کدامیک توسط پسرها و یا مردان انجام می‌شود؟ -۴ به عقیده شما علت فراموش شدن بعضی از بازی‌ها و یا درحال فراموش شدن تعدادی دیگری از بازی‌ها چه می‌باشد؟

نسبت به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز اقدام نمود که پس از بررسی پاسخهای داده شده توسط نمونه‌ها نتایجی نیز به دست آمد که این نتایج در دنباله توضیح داده شده‌اند. برای انتخاب نمونه‌های مورد نظر جهت مصاحبه در این مطالعه نیز ابتدا کلیه افراد واجدالشرايطی که دارای اطلاعاتی در این زمینه هستند در کل استان با همکاری ادارات تربیت‌بدنی شهرستانها شناسایی شده و سپس تعدادی به صورت تصادفی انتخاب گردیده و مصاحبه انجام شده است.

از جمله محدودیت‌هایی که محقق در این مطالعه با آن مواجه شده می‌توان به:

۱-عدم حضور برخی از مصاحبه شوندگان و نمونه‌ها در هنگام مراجعه محقق که باعث حذف آن نمونه و جایگزینی نمونه دیگری شده است.

۲-برخی از مصاحبه شوندگان، بنا به دلایلی که برای محقق نیز مشخص نیست اطلاعات کامل خود را در خصوص بازی‌های بومی محلی منطقه‌شان در اختیار محقق قرار نمی‌دادند.

یافته‌های تحقیق:

۱- کودی

کودی یکی از بازی‌های محلی منطقه سیستان است و شاید تنها بازی منطقه باشد که اکثر مردم نام آن را شنیده و با آن آشنایی دارند. این بازی در حال حاضر نه تنها در سیستان انجام می‌شود بلکه در اکثر مناطق کشور از خراسان گرفته تا آذربایجان با نام‌های متفاوت در حال اجرا می‌باشد. این بازی در سطح بین‌المللی نیز دارای فدراسیون بوده و در برخی کشورها چون پاکستان و هندوستان نیز از رونق خاصی برخوردار است.

بازی کودی که در زمان‌های گذشته بیشتر برای افزودن نیروی تهاجم و دفاع در برابر دشمن استفاده می‌شده و تقویت کننده نیروی نفس نیز می‌باشد، در سیستان با قواعد و قوانین خاص خود برگزار می‌شود.

این بازی جزء بازی‌های دسته جمعی محسوب شده و بیشتر توسط مردان انجام می‌شود. برای شروع این بازی ابتدائیم‌ها (دو تیم یا بیشتر) با تعداد بازیکنان مساوی (حداقل تعداد بازیکنان در هر تیم ۶ نفر است) انتخاب می‌شوند. سپس محدوده زمین بازی را با آب و یا گچ، خط کشی می‌نمایند.

در این بازی تیم آغاز کننده با قرعه کشی توسط داور مشخص می‌شود. پس از استقرار تیم‌ها در زمین خود، یک نفر از تیم شروع کننده بازی با گفتن کلمه کودی از خط میانی که به گویش سیستانی اته (اصل این کلمه عربی بوده و از دوران نفوذ خوارج به سیستان در گویش سیستانی وارد شده است. صورت واقعی آن حطه بوده که به مفهوم جایگاه توبه و یا مامن پناهگاه گنهکاران به کار می‌رفته و در همه بازی‌های محلی سیستان چه در بازی‌های بزرگسالان و چه در بازی‌های خردسالان وجود دارد،

گاه در حکم خط پایان است و زمانی نیز جایگاه امنی از تعقیب رقیب) نامیده می‌شود، گذشته و وارد زمین تیم حریف می‌شود و به تعقیب بازیکنان تیم حریف می‌پردازد. این بازیکن باید توجه داشته باشد که به میزان مقدار نفس خود در زمین مقابل مانده و همچنین توسط بازیکن حریف گرفته نشود. در این زمان هر بازیکنی را که فرد حمله کننده با دست و یا سایر اعضا بدن زد پوچ (اخراج) شده و از زمین بازی اخراج می‌شود. اگر در حین اینکه بازیکن حمله کننده توسط بازیکنان تیم حریف گرفته شده‌اند، او خود را به آنطرف خط اته برساند و باز هم نفس داشته باشد، افرادی از تیم حریف که به او دست زده‌اند از زمین اخراج خواهند شد. تمام این موارد توسط داور زمین کنترل می‌شود. این روند در تیم مقابل نیز تکرار می‌گردد.

بازی تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که یکی از تیم‌ها تمام بازیکنان خود را از دست بدهد. در این زمان تیم بازنده باید تیم برنده را از محل بازی تا جای تعیین شده سواری بدهد و بازی باز هم ادامه پیدا می‌کند. اگر تعداد تیم‌ها بیش از دو تیم باشد، تیم بازنده از زمین خارج شده و تیم دیگری وارد زمین می‌شود.

۲- بازی چاپ

این بازی با سرنا و دهل در اجرا همراه بوده و تعداد بازیکنان از ۲ نفر شروع شده و گاهی به ۱۵ نفر نیز می‌رسد.

این بازی جزء بازی‌های دسته جمعی بوده که توسط مردان در منطقه سیستان اجرا می‌شود و بیشتر نیز به مناسبت‌های خاص از جمله مراسم عروسی و یا سایر اعیاد ملی و مذهبی به نمایش گذاشته می‌شود.

برای شروع بازی، بازیکنان به صورت دایره‌وار در کنار هم قرار می‌گیرند و به آهستگی با نواختن سرنا و دهل، گام برمی‌دارند و هر زمانی که ضربه بزرگی

بر دهل نواخته شود پا را محکم بر زمین می‌کوبند و آنگاه آرام آرام شروع به چرخیدن هم به دور خود و هم پیرامون دایره ای که تشکیل داده‌اند، می‌کنند. زمانی که دقایقی از این حرکات بگذرد، سرعت سرنا افزایش یافته و ضربه‌های نواخته شده بر دهل نیز تندتر می‌شود و چاپ کنندگان نیز به تبعیت از آن چرخش یک چهارم دور، نیم دور و تمام دور را پشت سر می‌گذارند و در این هنگام فاصله چاپ کنندگان افزایش یافته و دایره تشکیل شده بزرگتر می‌شود تا افراد از اصابت دست یکدیگر در امان باشند.

پیش از آنکه سرعت چاپ کنندگان افزایش یابد، چاپ کنندگان هماهنگ با هم و با نواختن دهل و سرنا می‌چرخند، می‌نشینند و برمی‌خیزند و پس از یک یا دو چرخش چپ و راست دوباره می‌نشینند و برمی‌خیزند، این کار چندین مرتبه تکرار می‌شود تا به چرخش دو دور برسند. در این هنگام به هدایت سرنا نواز و همراه با آهنگ ضربه دهل، سه چایی آغاز می‌شود که حرکتی موزون بوده و باکف زدن همراه است. بدین ترتیب که از پیرامون دایره تشکیل داده به طرف مرکز دایره سه گام منظم پیش می‌گذارند و قطردایره را کوچکتر می‌کنند و باز با سه گام به سوی پیرامون دایره بازمی‌گردند و در این پس و پیش رفتن‌ها، پاها را چپ و راست می‌گذارند. هنگامی که چاپ کنندگان با سه چایی مجدداً تجدید نیرو می‌یابند، دوباره ریتم و آهنگ سرنا تندتر می‌شود و چرخش ۲ دور به ۲/۵ دور چپ و راست آغاز می‌گردد.

هنگامی که چاپ کنندگان به اوج سرعت و حرکت خود برسند، ریتم دهل به حالت طبل زورخانه در می‌آید و از چاپ کنندگان، کسی که هنوز رمقی در بدن دارد به میان میدان و دایره آمده و چرخش تند زورخانه‌ای را آغاز می‌کند که ممکن است این چرخش را بر روی پای دیگر و بر خلاف جهت قبل انجام دهد تا چاپ به پایان

برسد. بازی چاپ بازی پر تحرکی بوده و نیازمند تمرین و داشتن نیروی استقامت جسمی زیادی می‌باشد.

۳- بازی کچ و کچ

این بازی که یک نوع ورزش بومی محلی نیز محسوب می‌گردد جزء بازی‌هایی است که در منطقه سیستان توسط مردان انجام می‌شده و در حال حاضر نیز به مناسبت‌ها و مراسم بخصوص در جشنواره‌های بازی‌های بومی محلی انجام می‌شود.

این بازی تقریباً شبیه کشتی بوده که توسط دو نفر و تحت نظارت یک داور انجام می‌شود. در این نوع کشتی، طرفین، دستها را در محل شالی که به کمر شان بسته شده است قرارداده و با وارد آوردن فشار و کشیدن حریف به جلو و عقب سعی در انداختن حریف دارند. هرکس حریف را زودتر به زمین زد برنده است.

در این نوع کشتی محلی می‌توان از پا نیز برای انداختن حریف استفاده نمود. همچنین اگر دستهای یکی از طرفین از شال حریف مقابل جدا شود بازنده است که این امر توسط داور میدان کنترل می‌شود. معمولاً برای تماشای این کشتی، تماشاچی زیادی جمع شده و به تشویق کشتی گیران می‌پردازند. جایزه این بازی بیشتر اوقات نقدی بوده و گاهی نیز غیر نقدی همانند گوسفند و... می‌باشد.

۴- کشتی محلی

این نوع کشتی یکی از بازی‌های معروف منطقه سیستان بوده که بیشتر در بین جوانان رایج می‌باشد. در این بازی نیز دو حریف وجود داشته که کار آنها توسط یک داور

کنترل می‌شود.

در این نوع کشتی، که تقریباً شبیه کشتی فرنگی می‌باشد دو حریف سعی می‌کنند پشت‌یکدیگر را به خاک بزنند. استفاده از پا ممنوع بوده و آسیب رساندن به حریف به هر نحوی نیز خطا محسوب می‌گردد. این نوع کشتی دارای امتیاز بندی خاصی نبوده و هر کس که پشت حریف خود را زودتر به خاک زد برنده محسوب می‌گردد. زمین بازی محدود نبوده ولی بیشتر در جاهایی انجام می‌شود که دارای خاک نرمی باشد.

۵- بازی الاسورکورا

این بازی هم توسط مردان و هم توسط زنان در گذشته انجام می‌شده که البته بیشتر بوسیله مردان در زمان اوقات فراغت و وقت استراحت انجام می‌گرفته است. در حال حاضر این بازی به‌ندرت انجام می‌شود

برای انجام این بازی نیاز به حداقل دو تیم می‌باشد که برای تعداد بازیکنان هر تیم محدودیت وجود ندارد. پس از مشخص شدن تیم‌ها، محلی محدود برای انجام بازی مشخص می‌شود و به عبارتی محدوده بازی معلوم می‌گردد که از آن محدوده نمی‌توانند خارج شوند. سپس با انجام قرعه کشی توسط داور یکی از تیم‌ها پت (چشم) گذاشته و تیم مقابل در محل‌های معین و در محدوده زمین بازی از قبیل روی درخت‌ها، دیوارها و حتی دست و بدن خود علامت گذاشته و جای خود را به تیم مقابل می‌دهد. تیم مقابل نیز این عمل را تکرار می‌نماید. پس از آن هر دو تیم شروع به پیدا کردن علامت‌هایی می‌کنند که تیم مقابل گذاشته است، بعد از پیدا کردن علامت روی آن خط می‌کشند. پس از پایان مدت زمان مشخصی که با موافقت دو تیم و کنترل داور گرفته می‌شود، هر کدام از تیم‌ها سراغ علامت‌های خود رفته و تعداد علامت‌هایی را

که توسط تیم حریف پیدا نشده، شمارش می‌کنند، هر کدام از تیمها که تعداد علامت کمتری را پیدا کرده بود به عنوان بازنده معرفی می‌گردد و باید تیم برنده را تا محل مشخصی سواری دهد. این بازی به شانس و اقبال نیز بستگی دارد.

۶- بازی خسوخسو(خ سو خ سو)

این بازی توسط مردان انجام می‌شده و جزء بازی‌های دسته جمعی به حساب می‌آید. برای انجام این بازی ابتدا تیم‌ها با تعداد بازیکنان ۶ الی ۸ نفر مشخص می‌شوند که ممکن است بیش از دو تیم نیز باشند. پس از آن محدوده زمین بازی را که تقریباً مثل زمین بازی کودی است با گچ و یا سایر وسایل علامت گذاری می‌نمایند. آنگاه اگر تیمها بیش از دو تیم باشند، با قرعه کشی که توسط داور انجام می‌شود، دو تیمی که ابتدا بازی را شروع می‌کنند مشخص شده و وارد زمین بازی می‌شوند. از این دو تیم یکی به عنوان مهاجم و دیگری به عنوان مدافع بازی نیز به وسیله قرعه‌کشی توسط داور معین می‌گردند. پس از آن بازی شروع می‌شود. برای شروع بازی یکی از افراد تیم مدافع در گوشه انتهایی میدان خود در درون یک دایره که ماده گو نام دارد استقرار می‌یابد. در گوشه انتهایی میدان مهاجمان جایی به نام اته قرار دارد. بازی زمانی پایان می‌یابد که ماده گو خود را به اته برساند و یا اینکه به وسیله یکی از مهاجمان ضربه شود. برای انجام این عمل، تمامی مهاجمان یک پای خود را از زانو به عقب خم کرده و شست پا را با دست دیگر محکم گرفته (شست پای چپ با دست پای راست و بالعکس) آنگاه همگان بر روی یک پای لی کنان به میدان مدافعان حمله می‌برند تا ماده گو را بزنند اما مدافعان با همان حالت لی لی کنان جلوی حرکت مهاجمان را می‌گیرند، بدین ترتیب که محکم به مهاجمان تنه زده تا تعادل یکی به هم بخورد و شست پایش رها شده و یا بر زمین بیفتد که این

فرد سوخته و از زمین خارج می‌شود. این عمل ادامه پیدا می‌کند تا در انتها یکی باقی بماند. اگر این فرد از مهاجمان باشد با ماده گو روبرو خواهد شد و ماده گو باید تلاش کند که لی لی کنان از چنگ مهاجم گریخته و خود را به اته برساند که در آنصورت مهاجمان بازنده هستند.

در هنگام انجام این بازی زمانی ممکن است ماده گو بتواند در ضمن بازی از غفلت مهاجمان استفاده کرده و خود را لی لی کنان به اته برساند و تیم مدافع را برنده نماید. در گذشته هر تیمی که بازنده می‌شد تیم برنده را تا محل مشخصی سواری می‌داد اما امروزه به دادن امتیاز کفایت کرده و به صورت قراردادی هر تیمی که امتیاز بیشتری کسب کند برنده محسوب می‌شود.

این بازی نوعی تمرین جهت بالا بردن نیروی دفاعی و مقاومت بدن است. به طوری که هرگاه در میدان جنگ یک پای فرد یا دست وی از کار افتاد بتواند از خود دفاع کرده و خود را از مهلکه نجات دهد.

۷- چوبازی (چوب بازی)

این بازی نیز یک بازی دسته جمعی بوده که توسط مردان انجام می‌شده و در حال حاضر نیز در مراسم عروسی و سایر عیدهای ملی و مذهبی و همچنین جشنواره‌های مختلف انجام می‌شود.

این بازی نیز همانند بازی چاب با سرنا و دهل همراه است. برای اجرای این بازی نیاز به چند چوب محکم و نه چندان بلند بوده که در دست شرکت کنندگان قرار گرفته و پیرامون دایره ای حرکت کنند.

شروع این بازی آهسته و آرام است و با هر ضربه اصلی و محکم دهل، هر دو نفر که مجاور یکدیگر هستند چوب‌های در دستشان را به هم می‌کوبند. اندک اندک

ریتم آهنگ و دهل تندتر شده و ضمن حرکت یا چرخش چپ و راست چوب بازان تندتر می‌شود و همچنین فواصل ضربه‌های چوب کمتر می‌گردد. در این بازی از فنون شمشیر زنی نیز استفاده می‌شود تا بدن‌ها برای جنگ آمادگی پیدا کنند به عبارت ساده‌تر چوبازی تمرین فن شمشیربازی در زمان صلح بوده که گاه به حالت چوبه(دو چوبه) نیز انجام می‌گردد.

در چاپ دو چوبه(دو چوبه) حرکت شرکت کنندگان بر روی خط و دایره نبود، تعداد شرکت کنندگان نیز کمتر است. در بسیاری از مواقع به هنگام چوبازی ساده(یک چوبه) دو، ۴ یا ۶ نفر از افراد مسلط و آگاه در داخل دایره چوبازی به چاپ نمایی و نسبتاً دشوار دو چوبه سرگرم می‌شوند. در زمان‌های گذشته به جای چوب از شمشیر استفاده می‌شد و بعدها شمشیرها مبدل به چوب گردید و به همان نام نیز باقی ماند.

۸- بازی کدش کدش

در جامعه روستایی ارتباط کودک با طبیعت به حدی بوده است که ابزار بازی خود را نیز از طبیعت انتخاب می‌کرده است. گل که امروزه جانشینی به نام خمیر بازی پیدا کرده است در زمان‌های قدیم بهترین و ارزانه‌ترین وسیله برای بازی کودکان سیستانی بوده است. یکی از بازی‌هایی که در قدیم توسط کودکان بوسیله گل انجام می‌شده است بازی کدش کدش می‌باشد.

وسیله اصلی بازی کدش کدش گل است. در این بازی گل را به شکل قابلمه کوچک در آورده و از بالای سر به زمین می‌زنند، اما قبل از اینکه به زمین بزنند، زننده گل با حریف خود چنین گفتگویی دارد.

زننده کدش: کدش کدش

حریف: بند کدش

زننده کدش: اگه ندهی

حریف: خون‌یو و گردن کدش

آنگاه زننده کدش را بر زمین می‌زند. آن کسی که کدش‌های پرسر و صداتری ساخته باشد به طوری که در هنگام برخورد کدش با زمین صدای بیشتری بدهد، برنده بازی است و بازنده باید سوراخی را که در ته کدش ایجاد شده با گل پر کند.

۹- بازی کریچو پندونه

کودکان خردسال سیستانی که قادر به انجام دادن بازی‌های خشن و پرتحرک بزرگترها نبوده، برای سرگرمی و ایجاد شوق و هم‌آوایی این شعر و سرود کودکانه را می‌خوانده‌اند:

کریچو کریچو پندونه	موش اومده بالی خونه
همسایه ره دوز برده	از چاخ سفر برده
کدش کدش ارومه	کتودی ناتمومه
جاچش مرغک حمومه	کلا چل‌چل کیچ دومه
کریچو کریچو پندونه	موش خوارده بالی خونه
و حق شای مـردا	دست بلنده، وردا

در هنگام خواندن این سرود، کودکان به کف زدن پرداخته و نام بازی‌هایی چون کدش کدش، کریچو کریچو پندونه، کلا چل‌چل را که توسط بزرگترها بازی می‌شده و آنها نمی‌توانستند انجام دهند، یاد می‌گرفتند.

۱۰- بازی کلا چل چل

این بازی جزء بازی‌های دسته جمعی به حساب می‌آید که بیشتر توسط مردان انجام می‌شده است.

این بازی با تشکیل دو تیم چهاریا پنج نفره آغاز شده و یک داور بر انجام بازی نظارت دارد. برای شروع بازی پس از انتخاب تیم‌ها و سراسناده (کاپیتان)، در وسط میدان بازی، دایره‌ای به قطر ۱/۵ متر کشیده و در مرکز دایره کلاهی قرار می‌دهند. سپس افراد هر تیم شماره گذاری می‌شوند و در دو طرف دایره در فاصله ۴ تا ۵ متری دایره رو به روی هم و در نتیجه رو به دایره می‌ایستند. داور در وسط میدان و در در مجاورت دایره به نظارت می‌پردازد. در این مرحله داور شماره‌ای از تیم اول و سپس شماره‌ای از تیم دوم را با صدای بلند می‌خواند. افراد به محض شنیدن شماره خود، رو به دایره برای ربودن کلاه سریعاً می‌دوند، هر کس که سریعتر به کلاه رسید آن را برداشته و قبل از آنکه دست بازیکن حریف بدن او را لمس کند بطرف تیم خود می‌دود که در آن صورت برنده و حریف به علت باخت از زمین اخراج می‌شود. مجدداً داور دو شماره دیگر را می‌خواند و همین‌طور بازی ادامه می‌یابد تا افرادی که تیم کاملاً سوخته و از میدان اخراج شوند. در آن صورت تیمی که تمام بازیکنان خود را از دست داده بازنده و تیم مقابل برنده اعلام می‌شود. اگر تعداد افراد زیاد باشد امکان تشکیل بیش از دو تیم نیز وجود دارد.

۱۱- بازی کیچ و زور

از بازی‌های بومی محلی منطقه سیستان بوده که به صورت دسته جمعی و توسط مردان اجراء می‌شده است.

برای انجام این بازی که معمولاً بیشتر در شب انجام می‌شود، دو نفر سر

استادک (کاپیتان)، هر کدام ۶ تا ۸ نفر را به عنوان تیم خود انتخاب می‌نمایند. سپس سر استادکها در کنار هم قرار گرفته، استخوان یا چوب ویا سنگی را که قبلاً به هم نشان داده‌اند و در اصطلاح محلی کیچ گفته می‌شود در اختیار می‌گیرند آنگاه بازیکنان دو تیم به فاصله ۸ تا ۱۰ متری محل ایستادن سر استادکها رفته و یکی از سراسادکها کیچ را در تاریکی شب به طرف بازیکنان پرتاب می‌نماید و بازیکنان سعی در پیدا کردن کیچ می‌کنند. یابنده کیچ سعی می‌کند بدون آنکه تیم مقابل بفهمد کیچ را به سر استادک خود تحویل دهد، در این حین اگر بازیکنان تیم مقابل متوجه شدند که کیچ در اختیار چه کسی است به او حمله کرده و سعی می‌نمایند که کیچ را از او بگیرند و اینکار تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که یکی از بازیکنان کیچ را به سراسادک تیم خود بدهد، در این ضمن بازیکنان می‌توانند کیچ را به هم نیز داده تا بازیکن قویتر آن را به سراسادک تیم خود بدهد. تیمی که کیچ را تحویل دهد، برنده بوده و جایزه خود را که سواری (یا به اصطلاح محلی کفتیکه است.) تحویل می‌گیرد.

۱۲- بازی گل گل

این بازی جزء بازی‌های دسته جمعی بوده که هم توسط مردان انجام می‌شده و هم توسط زنان و لازم بوده که بازیکنان با نام تعدادی از گلها آشنایی داشته باشند.

برای انجام این بازی، شرکت کنندگان به دو گروه تقسیم می‌شوند. آنگاه هر تیم نام یک گل مشخص را انتخاب کرده و به سرگروه (سراسادک) تیم مقابل آنرا می‌گوید. سپس با قرعه کشی یکی از سرگروه‌ها به هم تیمی خود می‌گوید:

رفیقو گل و گل (رفقا گل و گل)

ویکی از یاران او در جواب می‌گوید:

از کدوم گل (از گلا چه گلی)

آنگاه سرگروه با دست به یک طرف اشاره می‌کند و می‌گوید از گلهای فلان باغ و هم گروه‌های وی باید نام گل را بگویند (نام گل تیم مقابل را)، اگر نام گلی که گفته شد غلط بود تیم مقابل این کار را انجام می‌دهد و اینکار تا زمانی ادامه می‌یابد که یکی از تیم‌ها نام درست گل تیم مقابل را حدس بزند. تیمی که بتواند اینکار را بکند برنده اعلام می‌شود.

۱۳- بازی کیچ دومه (زیر دومونیکه)

از بازی‌های بومی محلی منطقه سیستان بوده که به صورت دسته جمعی انجام می‌شده و توسط زنان نیز بیشتر اجرا می‌شده است.

دو سراسناده (کاپیتان یا سرگروه) دو تیم ۵ یا ۶ نفره را انتخاب می‌کنند. سپس دو تیم در دو طرف میدان در فاصله مساوی از هم نشسته و سراسناده‌ها در وسط زمین برای آغاز بازی بیچه (قرعه کشی) می‌نمایند. سپس سراسناده‌ها که در قرعه کشی برنده شد، کیچ را که معمولاً یک استخوان است گرفته و به طرف بازیکنان تیم خود می‌برد و آنرا به یکی از آنها داده تا آن را زیر دامن خود پنهان نماید. در این ضمن به طرف سایر بازیکنان خود نیز رفته طوری وانمود می‌کند که گویی کیچ را به تمام آنها داده است و آنگاه به سرجای خود بازمی‌گردد. در این هنگام سراسناده تیم مقابل باید حدس بزند که کیچ را به تمام آنها داده است و آنگاه به سرجای خود باز می‌گردد. در این هنگام سراسناده تیم مقابل باید حدس بزند که کیچ در دست کدام یک از بازیکنان تیم حریف است، اگر حدس او درست بود کیچ را گرفته و به بازیکنان خود می‌دهد و بازی ادامه پیدا می‌کند اما اگر حدسی که زده بود اشتباه از آب درآمد، فردی که کیچ را پنهان کرده بایک پرش به سمت

جلو آمده و کیچ را به سراسنادهک تیم خود می‌دهد و سراسنادهک بازی را مجدداً ادامه می‌دهد. این روند تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که یکی از بازیکنان دو تیم خود را به خط وسط برساند، تیم برنده کف‌تیکه یا سواری خود را از تیم بازنده دریافت می‌نماید.

۱۴- محل بازی (سه محل)

محل، استخوان مچ دست گوسفند است. در این بازی، بازیکنان به صورت دوره نشسته و یکی از آنها محل‌ها را در دست گرفته می‌اندازد، برای محل ۴ حالت وجود دارد:

- اگر بپا بایستد به آن طرفی که دارای شیار است اسب گویند.

- اگر به طرف صاف بایستد به آن خر گویند.

- اگر به طرف سطح محدب بیافتد پوک (پک) است.

- اگر به طرف سطح مقعر بیافتد جیک است.

در این بازی اغلب از سه محلی استفاده می‌شده است ولی گاهی از ۴ محل نیز استفاده می‌شود.

نحوه امتیاز دادن در این بازی به صورت زیر بوده است:

- یک اسب و دو جیک = نقش = جریمه کم می‌گیرد.

- یک اسب و دو پک = بد = جریمه زیاد می‌دهد.

- دو خر و یک جیک بایک پک = بد است = جریمه دوبر می‌دهد.

- سه اسب یا سه خر = نقش کامل = جریمه سه برابر می‌گیرد.

- دو اسب و یک خر = بد = جریمه می‌دهد.

- دو خر و یک اسب = بد = جریمه می‌دهد.

مبلغ جریمه کم و قبلاً مشخص شده است. این بازی اغلب برای قمار کاربرد داشته است.

۱۵- چوک بازی

از بازی‌های بومی محلی منطقه سیستان بوده که به صورت گروهی و توسط مردان نیز اجرا می‌شده است. چوک چوب بلندی است به طول ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر که دو سر آن را به شکل دوک تراشیده‌اند و آن را به وسیله چوب بلندی از محلی که شیار نام دارد و گودی دراز و باریکی است به طرف جلو می‌زنند.

برای آغاز کننده بازی در کنار شیار قرار گرفته و تیم مقابل در فاصله‌ای دلخواه از شیار (گودک) قرار می‌دهد. یکی از افراد تیم شروع کننده بازی به پشت چوک که روی شیار قرار دارد رفته و سپس با گفتن کلمه آوی یا هاوی از آمادگی تیم مقابل سوال می‌کند و تیم مقابل در صورت آماده بودن چوب دستی‌های خود را به حالت برافراشته در می‌آورند و می‌گویند آوی یا خوش آوی و اگر آماده نباشند می‌گویند نه آوی. در صورت آماده بودن و تأیید آوی، فرد پشت شیار با چوب خود به زیر چوک زده و چوک را به طرف بالا پرتاب می‌کند، اگر بازیکنان تیم مقابل بتوانند به چوب دستی‌های خود قبل از آنکه چوک به زمین برسد آن را بزنند، بازیکنی که چوک را از محل شیار پرتاب کرده پوچ شده و از زمین بازی اخراج می‌شود و بازی ادامه پیدا می‌کند؛ اما اگر چوک به زمین بیفتد، بازیکنان تیم مقابل چوک را از محلی که به زمین افتاده به طرف شیار (گودک) که فرد زننده بالای آن قرار دارد پرتاب می‌نماید؛ در صورتی که چوک به چوب برخورد نماید یا در فاصله یک وجبی آن قرار گیرد، بازیکن آغاز کننده از بازی اخراج است

و گرنه مرحله دوم بازی به چک (چ ک) آغاز می‌گردد. در این مرحله بازیکنی که چوک را پرتاب کرده ضربه آرامی بر سرچوک می‌زند، چوک به هوا پرتاب شده و با چوب خود ضربه دیگری در زمین و هوا به چوک می‌زند تا چوک به طرف دیگر پرتاب شود، ضمن ضربه زدن بازیکن می‌گوید جی، اگر بازیکنان حریف در بین آسمان و زمین به چوک ضربه بزنند، بازیکنی که از تیم ضربه زننده قبلاً اخراج شده به زمین بازمی‌گردد. هر بازیکن می‌تواند تا ۳ بار به چوک ضربه بزند و تیم مقابل را به دنبال چوک بدواند. از محلی که چوک در مرتبه سوم بر زمین افتاد، دوباره آن را به طرف شیار پرتاب می‌کنند، باز اگر چوک به چوب برخورد کرد، این بازیکن پوچ است و گرنه چوک ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که بازیکن پوچ شود. زمانی که تمام بازیکنان یک تیم پوچ شدند، نوبت تیم حریف است تا بازی را ادامه دهد.

۱۶- بازی شیطو

از بازی‌های بومی محلی منطقه سیستان بوده که به صورت دسته جمعی انجام می‌شده است.

برای انجام این بازی ابتدا در داخل زمین بازی یک گودی کوچک به نام خانه شیطان (خونه شیطو) حفر می‌کنند، سپس به تعداد تمام بازیکنان حفره‌های متعددی در اطراف خانه شیطان ایجاد نموده و هر حفره را به نام یک بازیکن نام گذاری می‌کنند.

برای شروع بازی، با قرعه کشی بازیکن آغاز کننده بازی مشخص می‌گردد، آنگاه این فرد تویی را که در اختیار می‌گیرد به طرف گوی پرتاب می‌کند، اگر در خانه‌ای که به اسم اوست افتاد یک چشم خود را بسته و توپ را مجدداً پرتاب می‌کند، این بار

اگر در خانه فرد دیگری افتاد، آن فرد بر پشت این بازیکن سوار شده و در حالیکه این شخص بر پشت او سوار است اگر مجدداً داخل خانه فرد سواره افتاد، آن فرد می‌تواند چشم دیگر وی را نیز ببندد و یا گوش او را بکشد ولی اگر در تمام این مراحل توپ در داخل خانه شیطان بیفتد، فرد پرتاب کننده توپ را برداشته و به دنبال بازیکنان می‌افتد و توپ را به طرف آنها پرتاب می‌کند، در صورتی که توپ به بازیکنی برخورد کرد آن بازیکن پوچ است و از بازی اخراج می‌شود، بازیکنان فراری در این هنگام می‌توانند خود را به طرف خانه شیطان رسانده و آتیه نمایند و خود را خلاصی بخشند، در صورتیکه فردی مورد اصابت توپ قرار نگرفت، فرد مهاجم تکرار عمل پرتاب را انجام خواهد داد. زمانی که فردی بر پشت پرتاب کننده توپ سوار است، اگر توپ داخل خانه دیگران بیفتد هیچ تأثیری در روند بازی نخواهد داشت و فرد باید پرتاب دیگری را انجام دهد.

۱۷- بازی قلعه پوده

این بازی با تشکیل دو تیم که دارای نفرات مساوی هستند انجام می‌شود. با قرعه‌کشی افراد یک تیم به عنوان تشکیل دهنده قلعه و افراد تیم دیگر به عنوان مهاجم مشخص می‌شوند. افراد تشکیل دهنده قلعه به دور هم حلقه زده، دست‌ها را بر روی شانه یکدیگر قرار داده، سر به سر هم گذاشته و قرص و محکم می‌ایستند و یک سرشال یا طنابی را به دست یکی از بازیکنان خود که معمولاً از دیگران قوی تر است و به عنوان مدافع قلعه انتخاب می‌شود؛ می‌دهند آنگاه تیم مهاجم به قلعه حمله می‌برد و سعی می‌نماید بر قلعه سوار شود اما مدافع قلعه نباید اجازه چنین کاری را بدهد و باید سعی کند با دست و یا پای خود به بدن مهاجمان بزند که اگر بتواند این کار را انجام دهد بازیکن تیم مهاجم اخراج خواهد شد اما اگر از بازیکنان مهاجم کسی بتواند بر قلعه

سوار شده و بر بالای سر قلعه بایستد یا بنشیند، بازیکنان هم تیمی او نیز سعی خواهند کرد به او پیوسته و به بالای قلعه بروند اگر تعداد زیاد شود به طوری که قلعه در هم بشکند بازی تکرار خواهد شد ولی اگر قلعه نشکند تیم مهاجم قلعه جدیدی تشکیل داده و بازی ادامه پیدا خواهد کرد.

۱۸- بازی آقاجان رنگ و رنگ

برای انجام این بازی ابتدا ۲ سراستادک (سرگروه) انتخاب شده ولی تیم‌ها انتخاب نمی‌گردند. سپس دو سراستادک (کاپیتان) با همفکری هم، نام شخصی را که دارای اسب رنگی بوده انتخاب نموده (فعلاً نام شخص را) و آنگاه یکی از بازیکنان جلو آمده سرشلاقی که یکسر آن در دست سراستادک است می‌گیرد و می‌پرسد: آقاجان رنگ و رنگ و سراستادک می‌پرسد اسبو چه رنگ و بازیکن جواب می‌دهد اسب فلانی، اگر جواب درست نبود که او پوچ است و از بازی خارج می‌شود ولی اگر درست بود سراستادک سر شلاق را رها کرده تا او به طرف دیگر بازیکنان حمله نماید و آنها را با شلاق بزند. پس از مدتی تعقیب و گریزی که از سراستادک‌ها فریاد می‌زند سرجو، افراد به شخص دارای شلاق حمله می‌برند و شلاق را از او می‌گیرند و چشم‌های او را می‌بندند. سپس شلاق را نزدیک بازیکن دیگری پنهان می‌نمایند و چشم‌های او را باز می‌نمایند. اگر این شخص توانست شلاق را پیدا کند برنده است و دوباره بازی را انجام می‌دهد و گرنه باید بازی با شخص دیگری تکرار شود.

۱۹- بازی گرک بازیکا

این بازی همان بازی قایم موشکی است که کودکان در حال حاضر انجام می‌دهند و هیچ تفاوتی با آن ندارد.

۲۰- بازی چه زدی

نام دیگر این بازی جفت یا تاق است که برای انجام دادن این بازی نیاز به تعدادی هسته خرما یا زردآلو می‌باشد. تعداد بازیکنان در این بازی می‌تواند دوفریا بیشتر باشد. برای انجام بازی یکی از بازیکنان، مقداری هسته را داخل قوطی کبریت ریخته یا در دست گرفته و یا در پشت سر خود قرار می‌دهد و از دیگر بازیکنان می‌پرسد: چه زدی؟ و فرد یا افراد مقابل باید بگویند: جفت یا تاق، سپس هسته‌ها را می‌شمارند اگر تعدادشان را درست حدس زده باشند (جفت یا تاق) تمام هسته‌ها به او تعلق می‌گیرد و گرنه باید به تعداد آن‌ها به حریف هسته بدهد.

۲۱- گله بازی

گله بازی (تيله بازی) یکی از بازی‌های قدیمی سیستان است که در حال حاضر نیز بخصوص در بین کودکان و در فصل تابستان که با تعطیلی مدارس همراه است، رواج فراوانی داشته و انجام می‌شود. این بازی به اشکال مختلفی انجام می‌شود و می‌تواند دو نفره، سه نفره، چهارنفره و یا حتی شش نفره نیز انجام گیرد.

نحوه بازی در حالتی که تعداد بازیکنان دو نفر است به صورت زیر می‌باشد:

ابتدا در محلی که قرار است بازی انجام شود و حتماً باید زمین خاکی باشد، ۳ حفره کوچک به نام مائه حفر کرده و از محلی به نام اته بازی را شروع می‌نمایند. برای شروع یکی از بازیکنان با گله (تيله) خود اصطلاحاً شوند می‌دهد یعنی گله خود را در قسمت جلو مائه اولی قرار داده و شخص دیگر گله خود را با فرم خاصی با دست پرتاب می‌کند (گله را بین انگشت اشاره دست راست و شست دست راست و چپ قرار داده و با آوردن فشار از طریق انگشتان اشاره آن را پرتاب می‌کند)، هر برخورد گله با گله مجاور یک چک محسوب می‌شود. هر

بازیکن پس از هر چک موظف است یک حرکت دیگر نیز انجام دهد و البته نمی‌تواند چند چک پشت سرهم بزند چرا که اگر این کار را انجام دهد از بازی اخراج خواهد شد ولی اگر در نزدیکی مائه ای قرار دارد، می‌تواند پس از گرفتن یک مائه که به معنی انداختن گله در آن مائه است یک چک دیگر نیز بزند. پس از هر چک، بازیکن زننده می‌تواند یک حرکت جایزه انجام دهد و همچنین پس از گرفتن هر مائه نیز می‌تواند یک حرکت اضافی را انجام دهد. گرفتن هر سه مائه مساوی است با چک، در پایان بازی تعداد کل چک‌ها محاسبه می‌شود و معمولاً هر گیم بازی بیست و یک چک به همراه دارد.

۲۲- بازی تغار تغار

این بازی نیز یکی از بازی‌های بومی سیستان بوده که به صورت دسته جمعی انجام می‌شده و هم مردان آن را انجام می‌داده‌اند و هم زنان ولی بیشتر توسط جوانان و کودکان انجام می‌شده است.

ابتدا دو تیم به وسیله دو سر استادک (کاپیتان) انتخاب می‌شوند، سپس دو سر استادک به انتخاب هم تغارخانه یکی از همسایگان را مورد انتخاب قرار می‌دهند. آن گاه هریک به انتخاب از تیم مقابل سؤال می‌کند؛ گوچه گو تغار تغار (بچه‌ها تغار تغار)، سر استادک تیم مقابل می‌پرسد: کدام تغار و بازیکنان تیم او باید نام آن خانه را بگویند، اگر نامی که گفته شد درست باشد، تیم رقیب باید آن‌ها را تا در خانه برکول خود ببرد. در آن جا به صاحبخانه باصدای بلند اعلام می‌دارد که «ما مشغول بازی تغار تغاریم پاسخ بده که آیا سوار - سوار است یا پیاده سوار» به گفته صاحبخانه اگر سوار سوار شد باید تیم بازنده تیم برنده را تا محل بازی کولی دهد و گرنه تیم برنده باید تیم بازنده را کولی بدهد.

۲۳- بازی سمگول

این بازی همان بازی یک قل دو قل است که در اکثر مناطق ایران نیز انجام می‌شود و معمولاً در سیستان توسط دختران و بیشتر در فصل تابستان انجام می‌شده و در حال حاضر نیز انجام می‌شود.

تعداد بازیکنان این بازی می‌تواند از دو نفر بیشتر بوده و حداکثر پنج نفر باشد.

برای انجام بازی سمگول ابتدا ۵ سنگ کوچک که سعی می‌شود صاف نیز باشند انتخاب می‌کنند، سپس با قرعه کشی و یا با توافق یکی از بازیکنان به عنوان شروع کننده بازی معرفی می‌شود. بازیکن شروع کننده سنگ‌ها را در دست گرفته و سپس آن‌ها را در دست گرفته و سپس آن‌ها را بر زمین گذاشته، یکی را برداشته به هوا پرتاب می‌کند و در هر پرتاب یکی از سنگ‌های روی زمین را برمی‌دارد و در دست دیگر قرار می‌دهد تا تمام سنگ‌های روی زمین را بردارد. در مرحله دوم نیز این کار تکرار می‌شود اما این دفعه در هر پرتاب باید دو سنگ را از روی زمین برداشته و در دست دیگر خود قرار دهد. در مرحله سوم بار اول یک سنگ و بار دوم سه سنگ باقیمانده را بر می‌دارد و در مرحله چهارم یکبار تمامی سنگ‌ها را باید بردارد و در دست بگیرد. پس از انجام این چهار مرحله، سنگ‌ها را روی زمین گذاشته، یک سنگ را برداشته به هوا پرتاب می‌کند و با انگشت اشاره خطی بر زمین می‌کشد، در انتهای این مرحله تمام سنگ‌ها را به هوا پرتاب کرده و آن‌ها را با پشت دست خود می‌گیرد. به ازای هر سنگی که بر پشت دست او قرار گرفت ۱۰ امتیاز به آن شخص داده می‌شود و دوباره از ابتدا این کار را انجام می‌دهد در هر مرحله‌ای که باشد بازنده می‌شود و فرد دیگر این کار را شروع می‌کند. وقتی

دوباره نوبت بازی اول رسید از جایی که در مرحله قبل سوخته است بازی را ادامه می‌دهد. در پایان بازی امتیازها را شمرده و هر کسی که امتیاز بیشتری آورده باشد برنده است.

این بازی احتیاج به زیرکی و چالاکی و فرزی دست‌ها و هماهنگی خاص دست و چشم بازیکنان دارد.

۲۴- بازی اره غنی

این بازی که یک سرگرمی مخصوص کودکان بوده تقریباً شبیه بازی کنونی اتل متل توتوله می‌باشد. برای انجام این بازی، کودکان دور هم جمع می‌شدند و این شعر را می‌خواندند:

اره غنی، بره غنی، سیاغنی، جنگل بر، ائیمه بز، تل تل واتل تل، پنجه کشون شکر، هفتاد میخ آهنی، سلسله پای امدک، امدک در باغه، دولنگ‌یو و زغاله، اسبه اکجا بستی، درکل میدونه، میدانه چه، میدونه کلید.

سپس با هر کلید که گفته می‌شد دستی که به کلید ختم شده باید به وسیله شرکت‌کننده گرم شود و آن کس که نتواند در پایان بازی، دست خود را گرم کند بازنده است.

۲۵- بازی ایرمه لو

این بازی که به صورت گروهی و یا تیمی انجام می‌شده بیشتر مورد علاقه جوانان سیستانی بوده و در حال حاضر تقریباً از خاطره‌ها محو شده و فقط پیرمردان چگونگی انجام آن را بیاد دارند.

برای انجام این بازی، زمین نسبتاً بزرگ و وسیعی را انتخاب می‌کردند تا

دو تیم فرصت‌تلاش برای حمله و دفاع داشته باشند. تعداد بازیکنان هر تیم نباید کمتر از ۱۰ نفر بوده و از نظر تعداد بازیکنان نیز باید با هم برابر باشند. در این بازی معمولاً تیمی‌برنده است که اعضای آن از لحاظ قد و قامت یکسان باشند. برای شروع و انجام بازی پس از قرعه‌کشی و مشخص شدن تیم مدافع و مهاجم، بازیکنان تیم مدافع در فاصله ده تا پانزده متری جایگاهی به نام «اته» صف می‌کشند. افرادی که در صف تیم مدافع ایستاده‌اند هریک با دیگری حدود دو متر فاصله دارند. افراد تیم مهاجم باید از میان فواصل تیم مدافع به سرعت گذشته و خود را به اته برسانند تا برنده بازی باشند. نحوه عمل گروه مهاجم به این ترتیب است که در میان تاریکی شب در آن سوی میدان بازی و در فاصله قرار دارند. افراد تیم مهاجم باید از میان فواصل تیم مدافع به سرعت گذشته و خود را به اته برسانند تا برنده بازی باشند. نحوه عمل گروه مهاجم به این ترتیب است که در میان تاریکی شب در آن سوی میدان بازی که در فاصله پنجاه تا شصت متری روبروی صف مدافع واقع است در درون یک اتاق و یا پشت دیواری لباس‌های خود را مبادله کرده پوزه خود را می‌بندند تا به هنگام عبور از صف مدافعان، شناخته نشوند. پس از مبادله و تعویض لباسها، تمامی افراد تیم مهاجم به صورت یک صف منظم، روبروی صف مدافعان می‌ایستند و آهسته آهسته از همان فاصله پنجاه یا شصت متری به جانب مدافعان پیش می‌آیند و ضمن آن محاوره و یا گفتگویی بین سراستادک یا کاپیتان دو تیم به این صورت انجام می‌پذیرد.

سراستادک تیم مهاجم فریاد می‌زنند: ایرمه لو (ا ر م ل) شاخ تکه

سر استادک تیم مدافع پاسخ می‌دهم: ورم لکه (و ر ل که)

سر استادک تیم مهاجم می‌پرسد: اجل جون کد که

(یعنی چه کسی را ضمن عبور از صف خود می‌خواهید بگیرد)

سر استادک تیم مدافع می‌گوید: اجل جون... (اسم یکی از افراد تیم مهاجم را می‌گوید)

به محض آن‌که نام فردی برده شد، تیم مهاجم که در طول گفتگوی سراسر استادک چند متری به صف مدافعان نزدیک شده است با سرعت هر چه تمامتر عبور از میان صف مدافعان و رسیدن به اته را شروع می‌کند. اگر تیم مدافع ضمن عبور تیم مهاجم، فردی را که خود مشخص کرده است بگیرد، گروه مهاجم بازنده بوده و موظف است تا گروه مدافع را پشت خود سوار کرده، به جایگاه شروع بازی برساند و سپس جای دو تیم عوض می‌شود و مهاجمان بازنده مدافع و مدافعان برنده مهاجم می‌شوند و بازی تکرار می‌گردد. اما اگر فردی که اسمش مشخص شد توسط گروه مدافعان گرفته نشد و یا اشتباهی فرد دیگری اسیر گردید مدافعان بازنده و موظفند مهاجمان را تا جایگاه شروع بازی سوار می‌دهند.

این بازی علاوه بر آنکه نوعی ورزش و تفریح سالم بوده، نیروی درک و شناسایی افراد را برای تشخیص دوست و دشمن در تاریکی بالا می‌برده است.

۲۶- بازی تور

این بازی یکی از بازی‌های قدیمی سیستان است که معمولاً در هنگام شب اجرا می‌شده است. برای انجام این بازی دوسر استادک، دو تیم رایارگیری نموده و زمینه را برای شروع بازی فراهم می‌سازند.

نحوه انجام بازی به این ترتیب است که افرادی که گروه دور از چشم گروه دیگری قایم می‌شوند و سراسر استادک آن‌ها در میان تیم یا گروه دیگر می‌ماند تا به کارشان نظارت کند. وی وظیفه دارد مانع از حرکت افراد تیم رقیب قبل از موعد مقرر شود. این

سراستادک زمانی که مطمئن شد افراد تیمش مخفی شده‌اند آغاز تجسس توسط تیم رقیب را که خود در میان آنهاست با فریاد و بیان کلمه تورت خبر می‌دهد و خود نزدیک خط اته می‌ایستد تا افراد تیم جستجوگر در حوالی اته نمانند. تیم جستجوگر به کاوش و جستجو پرداخته و هر کجا که فردی از تیم پنهان شده را یافتند، آن فرد پنهان شده باید به فردیابنده سواری دهد از جایی که دیده شده تا خط اته، افراد تیم پنهان شونده می‌توانند دور از چشم افراد تیم جستجوگر خود را به اته رسانده و برنده شوند.

۲۷- بازی بحث و بیت

این بازی همان مشاعره است که معمولاً در شب‌های زمستانی در مهمانی‌ها انجام می‌شده و غزل‌ها و سروده‌های زابلی خوانده می‌شده است.

۲۸- بازی چل مشکه

در این بازی که یک بازی گروهی می‌باشد، ابتدا دویا چند تیم با تعداد بازیکنان مساوی و هر تیم حداکثر هشت بازیکن انتخاب می‌شوند که این کار توسط سراستادک‌ها (کاپیتان‌ها) صورت می‌گیرد. سپس با قرعه کشی یک تیم به عنوان مدافع و یک تیم به عنوان مهاجم تعیین می‌گردد. تمام بازیکنان تیم مدافع در ناحیه‌ای دور از اته که درست در قسمت مقابل اته قرار دارد و در آن سوی میدان بازی است روی پا می‌نشینند و با مچ پای خود به مچ پای مهاجمان که به قصد دست زدن به نشانه وسط میدان پیش می‌آیند ضربه می‌زنند. گاهی این ضربه بقدری محکم نواخته می‌شود که پای رقیب می‌شکند. افراد گروه مهاجم سعی دارند که با دست قسمت قراردادی را که معمولاً یک تپه کوچک و یا کلاه واقع در وسط میدان و یا سر مدافعان می‌باشد

لمس کرده به قصد اته فرار نمایند. هنگامیکه یکی از مهاجمان موفق به انجام این عمل شد، برای هشدار و ایجاد هماهنگی در کار فرار با صدای بلند فریاد می‌زند رو و مهاجمان سریعاً پا به فرار گذاشته و به سمت اته می‌گریزند، مدافعان باید آن‌ها را تعقیب کرده، قبل از رسیدن به اته یکی از آنها را لمس کنند. در صورتیکه مدافعان موفق به انجام این کار شدند برنده و مهاجمان بازنده می‌باشند و برای ادامه بازی جای مدافعان و مهاجمان تعویض می‌شود، اما چنانچه مدافعان نتوانند مهاجمی را بگیرند و یا لمس کنند، بازنده خواهند بود و باز به همان شکل و روال قبلی بازی ادامه می‌یابد. در گذشته رسم بر این بوده است که در پایان بازی تیم بازنده تیم برنده را تا جایی مشخص سواری دهد.

۲۹- بازی کلور ابیزه

این بازی بیشتر به کودکان تعلق داشته و به صورت گروهی نیز انجام می‌شده است. برای انجام این بازی جمعی از کودکان در کنار هم به صورت حلقه‌وار نشسته و دست‌های مشت کرده خود را بر روی یکدیگر نهاده، یکی از کودکان انگشت خود را به درون مشت نیمه بست دستی که بالاتر از همه قرار داشته فرو می‌برده و ضمن آنکه به آرامی انگشت خود را به شکل دورانی به حرکت در می‌آورده این اشعار را می‌خوانده:

کلور کلور ابیزه	آردی بی‌بی ره که مگیزه
مه مگیزو جومه مگیزوه	بی‌بی رفته ورقیزه
مرغک بریو نمیشو	دلم چریو نمیشو
و حق شاه مردا	دست بلند و مردا

در این هنگام مشت بالایی برداشته شده و صاحب این مشت آن را در زیر بغل

یا دامن قراردادده تا به اصطلاح گرم شود. مجدداً شعر فوق خوانده می‌شود تا همه مشت‌ها برداشته شده و به وسیله صاحب‌شان گرم گردد آنگاه سر استادک بازی یکی‌یکی با بچه‌های حاضر در بازی می‌گوید:

بی‌بی تندرو پختاتره چن نو

و بازیکن جواب می‌دهد: منه دو نو (یعنی دو مشت گرم)

سپس سراسادک صورتش را جلو می‌برد و می‌گوید: اگجا ته بینو تندرو تو گرمه؟ و بازیکن دست‌هایش را به گونه سراسادک می‌چسباند. به این ترتیب سراسادک گرمی دست‌های همه بازیکنان را بررسی کرده و آنکه دست‌هایش از همه گرمتر است به عنوان برنده اعلام می‌شود.

بر اساس نتایج حاصله می‌توان دو نوع پیشنهاد به شرح ذیل ارایه نمود:

الف- پیشنهادهای اجرایی:

۱- بازی‌های جمع آوری شده بصورت یک کتاب نفیس به چاپ رسیده تا در اختیار همگان قرار بگیرد.

۲- واحد بازی‌های بومی محلی در ادارات تربیت‌بدنی استانها تقویت و گسترش‌یافته و این واحدها در هر سال نسبت به برگزاری جشنواره بازی‌های بومی محلی اقدام نمایند.

۳- در فدراسیون ورزشهای همگانی کشور انجمن بازی‌های بومی محلی تشکیل شده، تقویت گشته و بودجه‌نهایی برای آن در نظر گرفته شود و این انجمن نسبت به اجرای جشنواره بازی‌های بومی محلی در کشور در هر سال اقدام نماید.

۴- سازمانهای ایرانگردی، جهانگردی و میراث فرهنگی کشور به این موضوع توجه جدی‌تری مبذول نمایند.

۵- به منظور مبادله اطلاعات در زمینه بازی‌های بومی محلی کشورهای مختلف زمینه اعزام نمایندگان ایران به جشنواره‌های بین‌المللی فراهم شود.

۶- دو واحد درسی اختیاری بصورت یک واحد عملی و یک واحد تئوری با عنوان بازی‌های بومی محلی برای دانشجویان دوره آموزش ابتدایی در دانشگاهها در نظر گرفته شده و در هر دانشگاه بازی‌های بومی محلی استانی که دانشگاه در آن قرار دارد تدریس شود. به عنوان مثال در دانشگاههای استان سیستان و بلوچستان از آنجائیکه تعداد زیادی دانشجوی بومی وجود دارد این واحد می‌تواند برای دانشجویان دوره آموزش ابتدایی موثر باشد.

۷- رسانه‌های گروهی به‌ویژه شبکه‌های استانی می‌توانند نقش بسیار مهمی را در زمینه شناسایی، احیاء و ترویج اینگونه بازی‌ها در هر استان داشته باشند و باید در این خصوص اقدامات بیشتری را مبذول دارند.

ب- پیشنهادهایی برای محققان:

۱- پژوهشگران علاقه‌مند به اینگونه زمینه‌ها، ارتباط بازی‌های بومی محلی این استان را با استان‌های مرزی دیگر ویا شهرهای مرزی کشورهای همسایه بررسی کنند.

- ۲- محققان در خصوص روند پیدایش و علل تاریخی شکل‌گیری بازی‌های بومی محلی سیستان و بلوچستان به تحقیق پردازند.
- ۳- محققان علاقه‌مند به این گونه طرح‌های تحقیقاتی، میزان گرایش مردم به ورزش‌ها و بازی‌های بومی محلی سیستان و بلوچستان را مورد تحقیق و بررسی قرار دهند.

مآخذ

- انوشه، حسن (۱۳۷۷). تاریخ سیستان. تهران: امیرکبیر.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۴۳). نگاهی به سیستان و بلوچستان. تهران: خضرای.
- رییس‌الذاکرین، غلامعلی (۱۳۷۰). کندو، فرهنگ مردم سیستان. مشهد: سعید.
- گروه مولفان (۱۳۸۱) سیستان بهشت باستان شناسان. زابل: روابط عمومی دانشگاه زابل
- ملک محمدی، غلامحسین (۱۳۶۴). ورزش‌های بومی. محلی و استانی کشور. تهران: کمیته ملی المپیک
- نادری، عزت‌الله؛ سیف‌نراقی، مریم (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: بدر.
- یغمایی، اقبال (۱۳۶۲). بلوچستان و سیستان. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

فصل پنجم

ورزش در زبان و ادبیات فارسی

مقایسه ویژگی‌های جسمانی، رزمی و عقلی پهلوانان در شاهنامه

دکتر رحیم رضائی‌نژاد^۱ - دکتر علیرضا نیکویی^۲

دکتر حسن دانشمندی^۳ - بهرام بهرامی‌پور^۴

درآمد

تربیت بدنی و ورزش در تاریخ ایران بخش مهمی از تعلیم و تربیت و میراث فرهنگی را تشکیل داده است که انتقال آن به نسل جدید نیز یک رسالت تربیتی محسوب می‌شود (برای نمونه، حکمت، ۱۳۵۰؛ صدیق ۱۳۴۹). قهرمان و پهلوان ورزشی به عنوان محور و مرکز همه فعالیت‌های ورزشی و هدف اصلی تربیت ورزشی از پذیرش و مقبولیت زیادی در بین کودکان، نوجوانان و جوانان برخوردار است. بنابراین بررسی ویژگی‌های مختلف ورزشکاران قهرمان و پهلوانان تأثیر تربیتی بیشتری روی این گروه سنی و پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی آنان می‌گذارد. از دیگر سو،

۱ - استادیار گروه تربیت بدنی دانشگاه گیلان

۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه

گیلان

۳ - استاد یار گروه تربیت بدنی دانشگاه گیلان

۴ - کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی

دانشگاه گیلان

اهمیت تربیت بدنی و جسمانی در شکل‌دهی خودپندارنده، ویژگی بارز جسمانی و رزمی قهرمانان و بیشتر مورد توجه نوجوانان و جوانان است. یکی از ویژگی‌های اساسی قهرمانان و پهلوانان، ویژگی‌های جسمانی و رزمی است که از چند جنبه اهمیت دارد. این ویژگی‌ها با روش‌شناسی علمی به صورت دقیق و کمی، قابل‌اندازه‌گیری هستند. در آثار ادبی و به‌ویژه آثار حماسی، ویژگی‌های جسمانی و رزمی پهلوانان بیشتر به نمایش گذاشته شده و مورد بازنمایی قرار گرفته است.

در بررسی ویژگی‌های جسمانی و رزمی، آثار حماسی به دلیل ارزش‌های قومی و ملی، بهترین منبع تحقیق هستند. زیرا در این آثار به دلاوری‌ها، پهلوانی‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌های قهرمانان اشاره می‌شود که جایگاه ویژه‌ای در تاریخ هر ملت داشته است (صفا، ۱۳۶۹). از بین آثار حماسی ایران، در شاهنامه فردوسی از اسامی، صفات و ویژگی‌های مختلف جسمانی و رزمی برای توصیف قهرمانان و به عبارت بهتر، توصیف ایرانیان استفاده شده است. این ویژگی‌ها را می‌توان در رویدادها، کردارها، نمادها و کنش‌های بسیاری از قهرمانان در داستان‌های شاهنامه مشاهده کرد. البته در کتاب‌های مربوط به تعلیم و تربیت، تاریخ و فرهنگ ایران باستان نیز ویژگی‌های جسمانی و رزمی قهرمانان توصیف شده است. اما هدف تحقیق حاضر این است که ویژگی‌های جسمانی، رزمی و عقلی در این منابع تا چه اندازه در شاهنامه حکیم فردوسی مورد توجه قرار گرفته است و پهلوانان در کدام ویژگی و ابعاد تربیتی بیشتر توصیف شده‌اند؟ معمولاً در بررسی وضعیت تعلیم و تربیت ایران باستان، دوران اوستایی، ماد، هخامنشی، سلوکیان، اشکانیان و به‌ویژه دوره ساسانیان مورد توجه قرار می‌گیرد و شاهنامه نیز بیشتر انعکاس تعلیم و تربیت دوره ساسانیان است (مختاری، ۱۳۶۸).

شاهنامه مولود رویدادهای رزمی است. و جنگ و نبرد موضوع اصلی، فراگیر و مناسب‌ترین مسئله برای حماسه به شمار می‌آید؛ چون قهرمانان و پهلوانان همیشه در جنگ و نبرد بودند. شاهنامه، کارنامه رزمندگان و جنگاورانی است که با ویژگی‌های ممتاز و خاص جسمانی، رزمی (مهارت‌های نظامی - ورزشی)، ذهنی (خردمندی و زیرکی) سرآمد و الگوی یک نظام تربیتی و نمادی برای هویت ملی و اجتماعی محسوب شده‌اند (کاظمینی، ۱۳۴۳). بنابراین، ورزش ایرانیان را می‌توان ورزشی میدانی و جنگی در نظر گرفت که در آن پهلوان یک رزمنده و قهرمانان جنگی است (مسکوب، ۱۳۸۱). این قهرمان باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشد که بررسی این ویژگی‌ها هدف تحقیق حاضر را تشکیل داده است.

پیشینه تحقیق

بررسی‌های علمی و نظامدار بسیاری در مورد فرهنگ تربیت‌بدنی و ورزش ایران باستان و دوره اسلامی صورت گرفته است. بخشی از این تلاش‌ها در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۳ توسط تهرانچی (۱۳۴۴)، به طور خلاصه بررسی شده است؛ البته این بررسی‌ها با متدولوژی علمی انجام نگرفته و عمدتاً به ورزش باستانی و زورخانه محدود شده بود در نوشته‌های کریمی (۱۳۶۴)، گزارش محدودی به ورزش باستانی، زورخانه، و به ورزش ایران باستان اختصاص یافته است. البته علی‌نژاد (۱۳۷۷)، برخی از ویژگی‌های پهلوانان را در شاهنامه و روایت‌های پس از اسلام بررسی کرده است. نیکوبخت (۱۳۷۹)، با استفاده از متون حماسی مختلف، ویژگی‌های ورزشی و نحوه اجرای آن، گروه‌های پهلوانی و ارتباط جسم و جان را بررسی کرده و سعید مدنی (۱۳۷۲)، نیز با دوبار خواندن شاهنامه از ۲ نسخه متفاوت، اهمیت و کارکرد ورزش، طبقه‌بندی پهلوانان و انواع ابزارهای ورزشی را با استفاده از اشعار شاهنامه تحلیل کرده است. سرانجام

نیز انواع بازی و ورزش و ویژگی آنها با استفاده از دیوان شاعران تا قرن پنجم هجری (۱۰ میلادی) از جمله شاهنامه توسط خوشکام بررسی شده (خوشکام، ۱۳۸۵) و در کتابی جدید نیز بلوکباشی (۱۳۸۶) برخی بازی‌هایکهن در ایران را برشمرده است. در هر کدام از این کتب، مقالات و رساله‌ها، جنبه‌های مختلف فرهنگ تربیت‌بدنی و ورزش در دوران گذشته مورد توجه قرار گرفته است. اما این تحقیق فقط به بخشی از فرهنگ تربیت‌بدنی و ورزش؛ یعنی ویژگی‌های جسمانی و رزمی (مهارت- ورزشی) محدود شده است.

۹ جلد شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، ابزار اصلی تحقیق است. این منبع در میان متخصصان زبان و ادبیات فارسی از اعتبار کافی برخوردار است. علاوه بر آن از کتب، مقالات و پژوهش‌های مربوط به تعلیم و تربیت و فرهنگ ایران باستان برای جمع‌آوری اطلاعات و مقایسه آن با شاهنامه فردوسی استفاده شده است.

روش جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل یافته‌های تحقیق

ابتدا با مطالعه دقیق سه جلد نخست شاهنامه و نتایج تحقیقات مشابه توسط محققان، ویژگی‌های جسمانی، رزمی و عقلی شمارش، طبقه‌بندی و به عنوان متغیرهای اصلی تحقیق انتخاب شدند. این ویژگی‌ها مشتمل بر ۸ ویژگی جسمانی، ویژگی عقلی-ذهنی بودند. برای انتخاب اشعار مربوط به هر ویژگی یا متغیر، ۹ جلد شاهنامه توسط دو محقق مطالعه شد و ضمن شمارش تعداد ویژگی‌ها، ادبیات و اشعاری برای تحلیل و کاربرد ویژگی‌ها انتخاب و به عنوان گواه و شاهد تحقیقی مورد استفاده قرار گرفت. این ویژگی‌ها در سه دوره اسطوره‌ای شاهنامه (از آغاز تا داستان ضحاک)، پهلوانی (از قیام کاوه تا پایان روزگار رستم) و دوره تاریخی (از داراب تا یزدگرد) طبقه‌بندی شد.

واژه‌های بدن، تن، جسم، نیرو، سترگ، بازو، برنا، برز و بالا برای توصیف ویژگی‌های جسمانی، و واژه‌های سوار، رویین، دلیر، گرد، رزمجوی، نیو، یل، تهمتن، پیلتن، پیل ژیان، شیرژیان، پلنگ، شیر و نهنگ برای توصیف و ویژگی‌های رزمی-پهلوانی، و در نهایت واژه‌های بیدار دل، هنر، راستی، کین، روشن روان، دین، خرد، دانایی- توانایی، کاستی و کژی برای توصیف ویژگی‌های ذهنی و عقلی استفاده شدند. البته واژه‌های هم ریشه مربوط به هر کدام از این موارد یا صفت‌هایی مانند سواری و سوارکاری، دلیری و دلاوری، خردمند و خرد ورزی و... به ترتیب در طبقه سوار، دلیر، خرد و غیره طبقه‌بندی و شمارش شده‌اند. چون تحقیق به روش تحلیلی و تفسیری انجام گرفته، تنها برخی از یافته‌ها به صورت کمی بیان شده است و در اصل گزارش، از شواهد مختلف ادبی و تاریخی و اشعار شاهنامه به خوبی استفاده شده است.

دست‌آورد پژوهش

براساس یافته‌های جدول شماره ۱، در شاهنامه به ترتیب ویژگی‌های رزمی (مهارت نظامی- ورزشی)، ویژگی‌های عقلی و ذهنی و ویژگی‌های جسمانی پهلوانان در رتبه یکم تا سوم قرار گرفته است. هم‌چنین بیش‌ترین درصد تکرار این ویژگی‌ها در دوره پهلوانی و تاریخی بوده است. با توجه به تعداد تکرار این ویژگی‌ها در هر دوره از شاهنامه، ویژگی‌های رزمی (۷۵ درصد)، جسمانی (۶۱ درصد) و عقلی (۵۴ درصد) در دوره پهلوانی به ترتیب در رتبه اول تا سوم قرار گرفتند. در صورتی که در دوره تاریخی ویژگی‌های ذهنی (۴۳ درصد)، جسمانی (۳۷ درصد) و رزمی (۲۴ درصد) در رتبه یکم تا سوم قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، بیش‌ترین تکرار این ویژگی‌ها به ترتیب در دوره پهلوانی و تاریخی است و در دوره اساطیری اختلاف بسیار فاحشی با این دو دوره مشاهده می‌شود. مقایسه هریک از ویژگی‌های جسمانی پهلوانان نشان

می‌دهد که در شاهنامه از اسم بدن، تن و جسم (جمع سه کلمه) برای توصیف پهلوانان بیشتر (۵۲ درصد) استفاده شده است و پس از آن نیز ویژگی برز و بالا (۲۶ درصد) قرار دارد (جدول شماره ۲). اشعار زیادی در شاهنامه اهمیت تن و سلامتی، تندرستی را نشان می‌دهد به‌ویژه اینکه فردوسی تن آسایی و تنبلی را در داستان خاقان چین ناپسند می‌شمارد (فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۸ ص ۱۳۱) که از آن میان است:

۱- تن آسان غم و رنج بار آورد	چو رنج آوری گنج یار آورد
که اندر جهان سود بی رنج نیست	هم آن را که کاهل بود گنج نیست
چو کاهل بود مرد برنا به کار	از و سیر گردد دل روزگار
۲- نماند همی تندرست و جوان	مبادش توان و مبادش روان
که چون کاهلی پیشه گیرد جوان	بماند منش پست و تیـره روان

(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۵، ص ۱۲۳)

فردوسی پس از نکوهش کاهلی و تنبلی به ستایش تندرستی و سلامتی می‌پردازد و برای توصیف قهرمانان خود از این ویژگی‌ها و صفات استفاده می‌کند. به‌ویژه این که فردوسی این نعمت خدادادی را در چنین می‌گوید (فردوسی، ۱۹۶۵- ج ۴، ص ۱۳):

۳- ترا ایزدی هر چه بایدت هست زبالا و از دانش و زر و دست

ایرانی اوستایی، داشتن فرزندان قوی، نیرومند و سالم را دعا می‌کرد و آرزوی هر دختر ایرانی نیز ازدواج با جوان نیرومند بود. این موضوع، اهمیت ویژگی‌های جسمانی را در فرهنگ ایران نشان می‌دهد. به طوری که فردوسی نیز بدن سالم و تندرست را می‌ستاید و آن را ایزدان می‌داند (فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۸، ص ۵۶):

۴- همه تندرستی به فرمان اوست همه نیکویی زیر پیمان اوست

در شاهنامه، تندرستی و سلامتی در نزد هر کسی ارجمند و نعمتی با ارزش تر از هر گنج و سرمایه است (فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۸، ص ۲۰۲):

۵- چه دانی کز و تن بود سودمند همان بر دل هر کسی ارجمند

۶- مرا تا جوان باشم و تن درست چرا بایدم گنج جمشید جست
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۷، ص ۳۲۵)

۷- میان لاغر و ساعد پهلوی به بالا بلند و بازو قوی

(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۳۵۹)

۸- بدین زور و این برز و بالای تو سر تخت ایران سزد جای تو

تنی زورمند و بازو کمند چه روز فرّ تست و هنگام بند
اهمیت توانایی جسمانی و زورمندی به اندازه‌ای است که فردوسی را آن یکی از پنج دارایی اساسی زندگی و برای برتری تلقی می‌کند (فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۸، ص ۱۲۸):

۹- هر آن کس که جوید همی برتری هنرها بیاید بدین داوری

یکی رأی و فرهنگ باید نخست دوم آزمایش بیاید درست

سوم یار باید به هنگام کار زنیک و بد برگرفتن شمار

چهارم که مانی به جام کام را ببینی ز آغاز فرجام را

پنجم اگر زورمندی بود بتن کوشش آری بلندی بود

چو کوشش نیارد تن زورمند نیارد سر آرزوها به بند

چو کوشش زاندازه اندر گذشت چنان دان که کوشنده نوید گشت

خوی مرد دانا بگویم پنج وزین پنج هرگز نباشدت رنج
ویژگی‌های رزمی (نظامی - ورزشی) در شاهنامه بسیار متنوع است و واژه‌های فراوانی مانند جهاندار، رزمخواه و رزمجو، پلنگ، نهنگ، شیر، سوار (سواری، سوارکار، سواران)، هومان، سالار، شیردل، سرافراز، پیل و پیلتن، نیو، گیو، گو و غیره؛ و نمادهایی مانند شیر، پلنگ و نهنگ را در برمی‌گیرد. از میان ویژگی‌های رزمی، بیش‌ترین درصد تکرار به ویژگی سوار، سوارکار و سوارکاران (۲۳ درصد)، نماد شیر، شیر ژیان و شیر دل (۲۲ درصد)، گرد و گردان (۱۷ درصد)، دلیر، دلیری و دلیران (۱۲ درصد) مربوط می‌شود. این ویژگی‌های رزمی بیش‌تر از دیگر ویژگی‌ها مورد ستایش و تمجید قرار گرفته است (جدول ۲)؛ به‌ویژه این‌که چنین ویژگی‌هایی همیشه در کنار ویژگی عقلی (خرد) و اخلاقی دیده می‌شود.

۱۰- برو آفرین کرد کای نامور بمردی و نیروی و بخت و هنر
بماند بر تو چنین جاودان تن پیل و هوش و دل موبدان
چو سالار شایسته باشد بجنگ نترسد سپاه از دلاور نهنگ
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۵، ص ۱۰۴)

۱۱- همو مرد جنگ است و گرد و سوار به‌گوهر بزرگ و بتن نامدار
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۴، ص ۳۵)

۱۲- تو زور و دلیری زیزدان شناس ازو دار تا زنده‌باشی سپاس
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۴، ص ۳۵)

بررسی اشعار شاهنامه نشان می‌دهد که ویژگی‌های ذهنی (خرد) در کنار بسیاری از ویژگی‌های جسمانی و رزمی قرار گرفته‌اند (جدول ۱). ویژگی‌های عقلی یا خرد در دوره تاریخی بیش‌ترین ویژگی‌های پهلوانان را تشکیل داده است (۴۳ درصد)؛

در صورتی که این ویژگی‌ها در دوره پهلوانی در رتبه سوم قرار دارد. به طور کلی ویژگی‌های عقلی یا خرد پهلوانان در اولویت دوم می‌باشد. از بین ۱۱ ویژگی عقلی - ذهنی، ویژگی دانایی (۵۱ درصد)، ویژگی خرد (۳۶/۵ درصد) و ویژگی کین و کین‌خواهی (۲۳ درصد) ویژگی‌ها را تشکیل داده‌اند. فردوسی این ویژگی‌ها را در اشعار زیبایی ستوده است:

- ۱۳- فرستاده گفت آن‌که دانا بود همیشه بزرگ و توانا بود
تن مرد نادان زگل خوارتر به هر نیکی ناسزاوارتر
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۷، ص ۴۵۷)
- ۱۴- خرد راهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۱۳)
در آغاز و مقدمه بسیاری از داستان‌های شاهنامه، خرد مورد ستایش قرار گرفته و زینت بخش توانایی و افسر قهرمانان محسوب شده است.
- ۱۵- زدانش چو جان ترا مایه نیست به از خاموشی هیچ پیرایه نیست
مدارا خرد را برابر بود خرد بر سر جان چون افسر بود
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۸، ص ۱۲۸)
- ۱۶- سرمایه مرد سنگ است و خرد زگیتی بی‌آزاری اندر خور
که دانا به هر کار سازد درننگ سراندر نیارد بپیکار و ننگ
کسی کو به دانش توانگر بود زگفتار و کردار بهتر بود
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۵، ص ۲۳۰-۲۳۴)
- ۱۷- تنومند را کو خریدار نیست بگیتی کس او را خریدار نیست
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۸، ص ۱۳۹)

۱۸- ولیکن خرد نیست با پهلوان
سر بی خرد چون تن بی‌روان
(فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۴، ص ۲۳۳)

جدول (۱)، مقایسه ویژگی‌های اصلی پهلوانان در شاهنامه

ویژگی دوره	ویژگی‌های جسمانی		ویژگی‌های رزمی (مهارتی)		ویژگی‌های عقلی (خرد)	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
اسطوره‌ای	۴۶	۲۳	۴۳	۱	۸۵	۳
پهلوانی	۱۲۷۹	۶۱۸	۳۵۵۹	۷۵	۱۷۰۴	۵۴
تاریخی	۷۷۸	۳۷	۱۱۵۳	۲۴	۱۳۴۵	۴۳
جمع	۲۱۰۳	۲۱	۴۷۱۴	۵/۴۷	۳۱۳۴	۳۱/۵

جدول (۲)، مقایسه ویژگی‌های جسمانی پهلوانان در شاهنامه

ویژگی جسمانی	بدن، تن و جسم										دوره
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
اسطوره‌ای	۱۹	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۲	-	۴	۴۶
پهلوانی	۶۷۶	۶۱	۸۰	۵۶	۷۱	۶۰	۸۴	۷۹	۲۲	۲۵	۱۲۷۹
تاریخی	۴۰۹	۳۷	۶۱	۴۲	۴۴	۳۸	۲۲	۲۱	۶۲	۷۰	۷۷۸
جمع ۳ دوره	۱۱۰۴	۵۲	۱۴۲	۷	۱۱۷	۶	۱۰۶	۵	۸۸	۴	۲۱۰۳

پایان سخن

تقسیم‌بندی نظری و فرضی ویژگی‌های مختلف در تحقیق حاضر، صرفاً برای بیان اهمیت و تأکید ویژگی‌های پهلوانان در شاهنامه بوده است. بنابراین نه فقط می‌توان ویژگی‌های دیگری را برای قهرمانان شاهنامه برشمرد؛ حتی ممکن است تعداد اسامی، اوصاف یا متغیرهای مرتبط با هر ویژگی را افزایش داد. با این وجود به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی، ویژگی‌های اصلی پهلوانان را در برمی‌گیرد. سایر متغیرهای احتمالی نیز به همین اسامی و صفات مرتبط هستند. از طرف دیگر، این ویژگی‌ها در اشعار شاهنامه به صورت ترکیبات ادبی بهتر می‌تواند مقصود حکیمانه فردوسی را نشان دهد تا این که به صورت مفاهیم و واژه‌های جداگانه بررسی گردد؛ بنابراین در تحقیق حاضر با تحلیل و تفسیر اشعار مرتبط با هر ویژگی، تا حد امکان مشکل تفکیک صوری و جدایی مفاهیم کم رنگ شده است.

بررسی ویژگی‌های جسمانی نشان می‌دهد که در شاهنامه فردوسی دوری از تن‌آسایی، اولین و مقدماتی‌ترین مفهوم و پیام در اهمیت نیروی جسمانی تلقی شده است. این بخش از فرهنگ ایرانیان در فلسفه علمی‌زرتشت نیز دیده می‌شود؛ به طوری که ضمن توجه به حفظ صحت و سلامتی بدن، بیکاری و تنبلی از دیوان زیانکار است (بیژن، ۱۳۵۰). به عبارت دیگر رنج بردن تن و سختی دادن به آن مانند فعالیت بدنی یک هدف تربیتی تلقی می‌شود (نیکو بخت، ۱۳۷۹).

بنابراین برای تربیت متعادل کلیه ابعاد وجود، ریاضت جسمانی مثبت، خوشایند و لذت بخش ضروری است. از طرف دیگر، اهمیت تندرستی و نیرومندی نه فقط مورد ستایش فردوسی قرار گرفته است؛ بلکه در سایر یافته‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. چون ایرانیان، تندرستی و نیرومندی را از اهورامزدا می‌دانستند (صدیق، ۱۳۴۹) و بر اساس تعلیم صریح اوستا، حفظ آن برای هر ایرانی یک فرضیه بود و هر زرتشتی

از خداوند پنج چیز می‌خواست که دومین خواسته، قوت بدنی بود حتی ایرانیان راز سلامتی خود را کم خوردن و ورزش می‌دانستند. ویژگی‌های جسمانی ایرانیان نیز ممتاز و برجسته بود و به عنوان افرادی بلند قد و سفید پوست، قوی، دارای انرژی و عضلاتی سریع و چالاک، قوت بازو و سرعت دویدن، سینه فراخ، رانهای بزرگ و چشمانی تیز معرفی شده‌اند (۸ و ۱۲). قهرمانان و پهلوانان ایرانی نمونه زیبایی‌اندام بودند. این موضوع در بیت شماره ۷ مورد تأکید فردوسی است. به گونه‌ای که فردوسی نیز تناسب بدنی را با ویژگی میان لاغر (داشتن کمری متناسب با عرض شانه)، ساعد پهلو (ساعد حجیم)، بالا بلند (بلند قد) و قدرت دستها مشخص کرده است. حتی ویژگی‌های جسمانی جزء شایستگی‌های لازم برای فرمانروایی (بیت شماره ۸) می‌باشد که این موضوع در تمدن چین نیز رعایت می‌شد. اگرچه دومین خواسته از پنج خواسته هر زرتشتی از خدا، داشتن قدرت بدنی بود؛ ولی فردوسی، زورمندی را جز و پنجمین دارایی اساسی زندگی تلقی کرده است (بیت شماره ۹). حتی نعمت با ارزش و ایزدی تندرستی و سلامتی در کنار خرد و دانش، هنر و گوهر قرار دارد و کسی که زور و خرد و دانش داشته باشد، خداوند همه چیز را به او داده است (بیت شماره ۳).

ویژگی‌های رزمی پهلوانان در شاهنامه، مهارت عالی ایرانیان را در نبردهای فردی و گروهی نشان می‌دهد. فردوسی از اسامی و واژه‌های بی‌نظیر و همچنین نمادهای حیوانی (پلنگ، نهنگ، پیل و شیر) و مادی (سنگ و کوه) برای بیان ویژگی‌های رزمی پهلوانان استفاده کرده است. ولی در اهمیت زور و قدرت بدنی از واژه پلنگ و نهنگ به عنوان نماد نیرومندی پهلوانان در خشکی و دریا بسیار زیاد استفاده شده است. شاید همه تلاش فردوسی این بود که ایرانی را یک شهروند جنگجو نشان دهد. مشابه تربیت و آموزشی که در اسپارت و آتن دو دولت شهر یونانی در سده‌های ششم تا چهارم پیش از میلاد، وجود داشت. از این ویژگی‌ها می‌توان نتیجه

گرفت که پرورش اسب و سوارکاری، و سایر مهارت‌های رزمی مرتبط به آن مانند شکار و تیراندازی اولین و مهمترین ویژگی نظامی - ورزشی ایرانیان بوده است. البته رایزنی شاهان و شاهزادگان با قهرمانان و پهلوانان فقط به خاطر زور و قدرت بدنی ایشان نبود؛ بلکه از خرد و اندیشه لازم نیز برخوردار بودند. از طرف دیگر، قهرمانان و جنگاوران در موارد بسیار زیادی فراتر از ظرفیت واقعی افراد معمولی و عادی عمل کرده‌اند؛ چون دوره حماسی (پهلوانی) زمان گذر از دوره اغراق آمیز اساطیری است و افراد هنوز غیرمعمولی هستند. البته این پدیده در دوره تاریخی مشاهده نمی‌شود. همچنین تقدس بخشیدن به خاک، پرورش حس میهن پرستی و دفاع از تمامیت ارضی ایران موجب شده است تا فردوسی با بزرگ جلوه دادن نقش پهلوان و گوشزد کردن این ارزش‌ها، هویت و آرمان اجتماعی قوم ایرانی را تحقق بخشد؛ نه این‌که فقط یک قهرمان و پهلوان در حصار تن و آرزوهای فردی خود محصور شود. امروزه نیز این موضوع در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای دیده می‌شود و قهرمانان فقط برای پیروزی فردی و کسب مدال برای خود نمی‌جنگند؛ بلکه در قالب یک هویت اجتماعی مانند هویت نژادی، ملی، باشگاهی و غیره مبارزه می‌کند؛ بنابراین کارکرد واقعی چنین افرادی از حوزه ورزش فراتر می‌رود و سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد.

شاید مهمترین و بحث انگیزترین موضوع در بررسی ویژگی‌های پهلوانان، ویژگی عقلی یا ذهنی (خرد) و اخلاقی آنان باشد. زیرا از نظر فردوسی، خردورزی نامداران نکوست (فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۵، ص ۲۳۷) و خرد باید با جان پاکان جفت شود (فردوسی، ۱۹۶۵، ج ۷، ص ۳۹۰). عقل و خرد در بسیاری از ابیات شاهنامه به ویژگی‌های جسمانی و رزمی ارزش و جهت می‌دهد. جالب است وقتی که در دوره تاریخی، شاهنامه به تدریج از عقلی و ذهنی (خرد) نسبت به ویژگی‌های جسمانی

و رزمی بیشتر می‌شود، بن‌مایه‌های خردورزی پهلوانان بیش‌تر جلوه می‌کند و در اولویت اول قرار می‌گیرد. با این‌که پهلوانان در موارد زیادی خردمندانه و حتی اخلاقی عمل نکرده‌اند (سرامی، ۱۳۸۵)؛ اما باید پذیرفت که هیچ قهرمان و پهلوانی کامل و بی‌نقص نیست و نمی‌توان او را انسان کامل پنداشت. در اهمیت خرد، همین نکته بس است که در هر جای شاهنامه و در مقدمه بسیاری از داستان‌ها، خرد و دانایی مورد ستایش قرار گرفته و حتی به آن پند و اندرز داده شده است. بنابراین ویژگی‌های جسمانی، رزمی (نظامی - ورزشی) پهلوانان شاهنامه با زیور خرد آراسته می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که تربیت یک بعدی ورزشکاران در سطوح مختلف با فرهنگ ملی ما سازگار نیست؛ به‌ویژه این‌که قهرمانان ورزشی باید الگوی پهلوانی و تجسم تربیت متعادل جسمانی، مهارتی و عقلی - اخلاقی در جامعه باشند.

مآخذ

- بلوکباشی، علی (۱۳۸۶). بازی‌های کهن در ایران. (از ایران چه می‌دانم؟ ۷۳/۹). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بیژن، اسدالله (۱۳۵۰). سیر تمدن و تربیت در ایران باستان. تهران: ابن سینا.
- تهرانچی، محمد مهدی (۱۳۴۴). پژوهشی در ورزش‌های زورخانه‌ای. تهران: نشر کتابسرا.
- حکمت، علیرضا (۱۳۵۰). آموزش و پرورش در ایران باستان. تهران: موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی.
- خوشکام، غزل (۱۳۸۰). پیشینه ورزش در متون نظم فارسی از نظر ابعاد،

- ویژگی‌ها و جلوه‌ها تا قرن ۵، رساله کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۸۰). از رنگ گل تا رنج خار، شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه. تهران: علمی فرهنگی.
- صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). حماسه سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
- صدیق، عیسی (۱۳۴۹)، تاریخ فرهنگ ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- علی‌نژاد، محمد (۱۳۷۷). سیری در ورزش تربیت‌بدنی از واقعیت تا حقیقت. تهران: نشر گلشن.
- فردوسی، ابوالقاسم (-۱۹۶۷ ۱۹۶۵). شاهنامه، به اهتمام م. ن. عثمانوف، جلد ۱-۹ چاپ مسکو، انتشارات دانش.
- کاظمینی، کاظم. (۱۳۴۳). نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات اساسی ملت ایران. تهران: نشر بانک ملی.
- کریمی، جواد (۱۳۶۴). نگاهی به تاریخ تربیت‌بدنی جهان. تهران: نشر دانشگاهی.
- مختاری، محمد (۱۳۶۸). حماسه در راز و رمز ملی. تهران: نشر قطره.
- مدنی، محمد سعید (۱۳۷۲). ورزش و ابزارهای ورزشی در شاهنامه و جایگاه فرهنگی و مردمی آن، رساله کارشناسی ارشد رشته مردم‌شناسی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۸۱). تن پهلوان و روان خردمند. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۶). «نگرشی نو در تاریخ و ورزش باستانی ایران».
فصلنامه ورزشی (۲)، نشر سازمان تربیت بدنی.
- نیکو بخت، محمد (۱۳۷۹). تربیت‌بدنی در آیینه فرهنگ و ادبیات ایران. تهران:
جهاد دانشگاهی.

کشتی بستن و کشتی گرفتن

(گفتاری پیرامون واژه‌ی کشتی و راه یافتن آن در ورزش)

دکترهایده صیرفی^۱

درآمد

کشتی از دیرینه‌ترین ورزش‌هاست که ریشه‌ای عمیق و تنومند در پیشینه و تاریخ ایران‌زمین دارد. این ورزش از آن دسته ورزش‌هایی است که فلسفه‌ای بس نمادین و ژرف در آن نهفته است چرا که کشتی گرفتن علاوه بر صورت بیرونی و ظاهری آن که همان آداب کشتی گرفتن است عواملی درونی و باطنی دارد که بهره گرفته از بن‌مایه‌ای آیینی، دینی و نمادین و همسنگ با رفتار و کردار جوانمردان و پهلوانان است.

دراین گفتار به ریشه واژه کشتی، چیستی و چرایی آن و چگونگی راه یافتن و گزینش این واژه در ورزش پرداخته شده که با استناد به متون دوران باستان و دوران میانه و شاهنامه و بسیاری دیگر است. در پایان این موضوع دریافته می‌شود که کشتی گرفتن از همان نقطه‌ای آغاز می‌شود که پایه اخلاق و ایمان و درستی بسته می‌شود و مرز میان روشنی و تاریکی است.

۱. دکترای تخصصی فرهنگ و زبان‌های باستانی

واژه کشتی

در لغت‌نامه دهخدا زیر مدخل کُشتی گرفتن چنین آمده است:
 «به هم آویختن و پیکار کردن تایکی دیگر را بر زمین زند، زورآزمایی کردن، مَرَد و مَرَد کردن، بند گرفتن، به هم پیچیدن».

اینجا آوردن دو معنی «زورآزمایی کردن» در مفهوم نبرد و دیگری «بند گرفتن» بی دلیل نیست. اگر واژه کشتی به معنی نبرد کردن و کوشیدن و زورآزمایی کردن گرفته شود در این صورت از صورت ضعیف ریشه *kuš* / *kauš*- در معنی کوشیدن و نبرد کردن است.

اما بیشتر زبان شناسان معتقدند که واژه کشتی از ماده *kust* به معنی «ناحیه، سو، طرف، جهت...» (Nyberg, ۱۹۷۴, p۱۲۱) مشتق شده است چنان‌که *coast* در زبان انگلیسی *küste* در زبان آلمانی و *cote* در زبان فرانسه نیز به معنی «سو و ناحیه و طرف» از همین ماده است. در نوشته‌های دوران میانه و در متون پهلوی واژه کُشتی یا کُستی نیز به معنی «سو، جهت، طرف و ناحیه» به کار برده شده و جهات اربعه را «چهار کُستیک» می‌گفتند، به طوری که امروزه همین واژه به صورت «چهار سو» در معنی «چهار طرف» به کار برده می‌شود (پورداد، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳-۱۹۳).

واژه کُشتی اغلب با فعل گرفتن به کار برده می‌شود. کُشتی گرفتن... و مفهوم آن همان مبارزه‌ی دو هم‌اورد است در میدان. اما کُشتی با فعل بستن نیز به کار برده می‌شود و این بار نه در مفهوم مبارزه و نبرد بلکه در مفهوم گروش به دین.

کُشتی در اصل بندی سفید و باریک و شال مانند است که در مراسم دینی زرتشتیان بر میان بسته می‌شود. این بند سه بار به دور کمر بسته می‌شود که نماد همان آموزه سه گانه «اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک» است.

کُشتی بستن باوری دیرینه است که مفهومی کاملاً نمادین و دینی دارد. کُشتی، بندِ

بندگی خداوند است. این شال و کمر بند رشته‌ایست که تمام پیروان آیین مزدیسنا را به هم گره می‌زند و ارتباطی معنوی و روحانی میان آنان برقرار می‌سازد همچنین این بند همه را فرمانبردار و بنده پروردگار می‌سازد. فردوسی نیز در شاهنامه (۱۳۱۵، ج ۲، ص ۴۹۸) چنین می‌گوید:

نه من کودکم گر تو هستی جوان به کُشتی کمر بسته دارم میان
همچنین دقیقی در شاهنامه (پورداود، ۱۳۸۰، ص ۳۸۹) آورده است:
همه سوی شاه زمین آمدند بستند کُشتی به دین آمدند
به بُرز و فر شاهِ ایرانیان ببندید کُشتی همه بر میان
خانم مری بویس (۱۳۸۱، ص ۵۶)، ایران‌شناس فقید، درباره رسم کُشتی بستن چنین می‌گوید:

«... به نظر می‌رسد کُشتی بستن رسمی هند و اروپایی بوده است که مردان برای ورود به جامعه دینی، طناب بافته‌ای را به خود ببندند. برهمنان، طنابی را روی یک شانه می‌بستند که آن را فردی روحانی برایشان گره می‌زد. آنان هرگز بازش نمی‌کردند جز آن گاه که مراسم ایجاب می‌کرد که در این وقت، آن را از یک سو در می‌آوردند و این طناب بستن در حقیقت چه بسا عملی دیرینه و همگانی بوده است که زرتشت آن را برگرفت تا پیروانش را نشانی متمایز بخشد. همه... ، چه مرد و چه زن، طنابی کمر بند وار می‌بندند که آن را سه بار دور کمر می‌پیچند و از پیش و پس گره می‌زنند. ورود به دین در سن پانزده سالگی بوده است، زین پس، ایمان آورنده می‌بایست تا پایان عمر، همه روزه برای نماز، آن را بگشاید و ببندد. مفهوم نمادین این کمر بند که

در ایران آن را کُشتی می‌نامیدند در طول سده‌ها به خوبی تشریح شده است ولی محتمل است که از آغاز این سه حلقه را نماد اصول اخلاقی سه گانه این کیش می‌دانستند و بدین ترتیب اندیشه پوشنده آن بر اعمال دینی‌اش متمرکز می‌شد...».

به نظر می‌رسد که در دوران آریایی‌ها رسم بر این بوده که در سن پانزده سالگی کمری شال مانند می‌بستند تا نماد آغاز سن آرمانی و ورود به جوانی باشد. همچنین در میان دیگر قبایل آریایی مانند هندوان نیز رسم کشتی بستن رواج داشته و هنوز هم هندیان بندی شبیه به کشتی زرتشتیان بر کمر می‌بندند به نام «یجنوپَویتا» (پورداد، ۱۳۸۰، ص ۶۶). این شال در هر دو گروه آریایی نشان از ایمان دارد و از برترین پوشش‌هاست.^۲ در میان برخی از فرقه‌های متصوفه هم شالی نظیر کشتی بسته می‌شود که نماد وصله‌ای از وصله‌های فقر است که در اصطلاح دراویش به آن «رشمه» می‌گویند که این شال تا زمان صفویه «کشتی» نامید می‌شد (پرتو بیضایی کاشانی، ؟ ص ۹۶). بنا بر کتاب دادستان دینی (فصل ۳۹ بندهای ۱۹، ۲۲-۲۳) و کتاب صد نثر از کتاب‌های معتبر دوران میانه (ساسانی) آمده که: جمشید جم رسم کشتی بستن را بنیان نهاد. در کتاب چَم کُشتی از متون فارسی میانه که تنها متن پازند آن به جای مانده درباره دلیل کشتی بستن چنین آمده است:

۱. yajñopavīta

۲- در کتاب بُندَه‌شَن بخش نهم درباره نحوه آفرینش و سروری مردمان و هر چیزی (بهار، ۱۳۶۹، ص ۸۹) آمده که: کشتی بستن سَرَوَر و برترین پوشش‌هاست و در بخش سیزدهم همان کتاب درباره تن مردمان به سان گیتی (ص ۱۲۵) آمده که: «... مردمان نیز کستی به میان دارند سه تاه (دور) اندر چهار گره به مانند اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک در چهار سرشت مردم که پیدایی پاک است در برابر آمیزگی ...».

این بند از هفتاد و دو نخ پشم سفید گوسفند بافته می‌شود که نماد ۷۲ فصل یسنا یکی از مهم‌ترین بخش‌های کتاب اوستاست. این ۷۲ نخ به ۶ رشته تقسیم می‌شود که هر رشته دارای ۱۲ نخ است عدد ۶ نمادشش عید دینی سال (گاهنبار) است و عدد ۱۲ نماد دوازده ماه سال است.

کشتی بستن نشانه‌ی مرز میان دو بخش بالایی و زیرین بدن است و این دو نیمه تن نیز همچون جهان اکبر و جهان اصغر است چنانکه برخی از اندیشمندان دیرین معتقد بودند که جهان نیز شامل دو بخش جهان اکبر و جهان اصغر است. از این روی نیمه بالایی تن که جهان اکبر و جایگاه روشنی است بدین گونه تشبیه شده:

«چشمان نشان روشن بینی، ذهن نشان یابندگی، هوش نشان دارندگی، خرد نماد گزینش‌گری، فکر نماد اندیشه‌گری و زبان نیز آموزه گفتار، گوش آموزه شنیدار و بینی احساس کننده بو است و خانه همه این اعضا در مغز سر بنا نهاده شده و سر همانند بهشت است که در بالاترین بخش جای دارد و جوانه‌ها و شکوفه‌ها از این بخش بهشتی برخیزد.

اما بخش زیرین بدن همانند دوزخ است و جایگاه تاریکی چنان‌که شکم جهان آمیختگی و جدایی و گواریدن و رهاکردن است پس بستن کمر بند کشتی به میان تن نشانه جدایی نیکی از بدی است و هم‌چنانکه نماز در معنا به مفهوم تعظیم کردن است کشتی بستن هم نشان بندگی و کرنش کردن در برابر پروردگار است» (عریان، ۱۳۸۴، ص ۳۷۵).

مفهوم نمادین کشتی بستن این است که: «مقید به بندیم نه بی بند و بار و اینکه من بنده ام نه بی بند و بار» و جالب این که واژه بندگی نیز خود از واژه بند است پس با کشتی بستن به میان تن منش انسان از هر گونه گناه و نافرمانی در برابر دادار محفوظ می‌ماند. چرا که ما را بند از سویی دیگر است نه از سوی خویش و بستن آن پیوند با خداوند است و دوری گزیدن از هر گناه و اگر بند کشتی را نبندیم خویشتن را از دایره بندگی خداوند بیرون نهاده‌ایم و زین سبب بند منش و کنش و گویشمان از پروردگار رها می‌شود و دوزخی خواهیم شد (عریان، ۱۳۸۴، ص ۳۷۵).

پایان سخن

با این توصیفات نیک در می‌یابیم که فلسفه‌ای بس نمادین و ژرف در کشتی نهفته است. پس بی‌سبب نیست که این واژه در ورزش راه‌یافته چرا که بن‌مایه‌ای کاملاً اعتقادی و دینی دارد و هم‌سنگ با رفتار و کردار جوانمردان و پهلوانان است.

شاید بتوان گفت که یکی از دلایل برهنه بودن نیمه‌ی بالایی بدن در هنگام انجام ورزش‌های زورخانه‌ای بهره گرفته از همین نماد باشد؛ روشن بینی، خردورزی، پاکی و سجایای اخلاقی که در ذهن و اندیشه و قلب و منش جای دارد و می‌بایست نمایان و عریان باشد و پوشیدن شلوار و پوشش قسمت زیرین بدن نماد دوری گزیدن از بدی‌ها و تاریکی‌هاست.

در کشتی زورخانه‌ای می‌بینیم که دو پهلوان همواره دست بر کمرگاه هم می‌نهند و کاربرد واژه‌ی کشتی در ورزش با فعل گرفتن از این روی است که منظور گرفتن ناحیه کمرگاه است یعنی همان جایی که بند کُشتی بسته می‌شود. چنان‌که کشتی‌گیران خراسان به ریسمانی که بر کمر می‌بندند «کستی یا کشتی» می‌گویند (بیضایی کاشانی، ۱۳۸۲ ص ۹۶).

بدین‌سان در می‌یابیم که کشتی گرفتن از همان نقطه‌ای آغاز می‌شود که پایه اخلاق و ایمان و درستی بسته می‌شود و مرز میان روشنی و تاریکی است.

مآخذ

- بویس، مری (۱۳۸۱)، زردشتیان: باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسگر بهرامی، تهران: ققنوس.

- بهار، مهرداد [مترجم] (۱۳۶۹)، بندهشن، تهران: توس.

- پرتو بیضایی کاشانی، حسین (۱۳۸۲)، تاریخ ورزش باستانی ایران، تهران: زوار.
- پورداود، ابراهیم [مترجم] (۱۳۷۷)، یشت‌ها، تهران: اساطیر.
- (۱۳۸۰)، یسنا، تهران: اساطیر.
- (۱۳۸۰)، هرمزد نامه، تهران: اساطیر.
- (۱۳۸۰)، خرده اوستا، تهران: اساطیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۲)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- عریان، سعید (۱۳۸۴)، «چَم کستی». در یشت فرزانه‌گی - جشن نامه دکتر محسن ابوالقاسمی، تهران: هرمس.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۱۵)، شاهنامه، چاپ بروخیم.
- Nyberg, Henrik Samuel (1974), A Manual Of Pahlavi, Wiesbaden.

بلند آوازی ایرانیان در چوگان بازی

برات محمدی^۱ - امین الله فاضلی^۲

درآمد

ایرانیان در میان ملت‌های دیگر، توجه بیش‌تری به ورزش و تقویت قوای جسمانی داشته‌اند و در نظام تعلیم و تربیت خود، نقش بیش‌تری برای فعالیت‌های بدنی قائل بودند. ایرانیان باستان به ورزش‌هایی چون سوارکاری، تیر اندازی، چوگان بازی و... اهتمام زیادی داشتند؛ چوگان بازی که مبدع آن ایرانیان هستند، در گذشته به صورت پیاده و سواره انجام می‌گرفت. در واقع این ورزش را می‌توان از اولین ورزش‌های دسته جمعی و تیمی تاریخ ورزش جهان محسوب کرد که در ایران پیش از اسلام و دوره اسلامی نمود ویژه‌ای داشته است. این بازی در تاریخ و فرهنگ و ادبیات ما جایگاه خاصی دارد، به گونه‌ای که در شعرها و ضرب‌المثل‌ها راه یافته است. در این پژوهش سعی بر آن است به طور اجمالی سیر تحولی این ورزش، نحوه بازی، چگونگی و هدف از اجرای آن، اما براساس شاهنامه فردوسی و پاره‌ای اطلاعات در دوران صفویه و دیگر دوره‌های تاریخی، مورد بررسی قرار گیرد.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اورمیه

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اورمیه

واژه چوگان

چوگان مرکب از چوب + گان (پسوند نسبت) است که در پهلوی چویقکان، چوبگان خوانده می‌شود. معرّب آن صولجان و کلمه فرانسوی شیکان^۱، از فارسی مأخوذ است.

در تعریف آن آورده‌اند: چوب بلند سرکجی که در بازی گوی بکار برند. به تعریف دیگر، چوبی که دسته آن راست و باریک و سرش کمی خمیده است و بدان در بازی مخصوصی (چوگان بازی) گوی زنند (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل «چوگان»).

در گذشته چوگان با دسته‌ای بلند بوده و نوک صورت کفچه داشته که گوی داخل آن قرار می‌گرفت. بدین‌گونه که گوی را با چوگان از هوا می‌گرفته‌اند و سپس به هوا پرتاب می‌کرده‌اند از این رو چوگان شبیه به دال فارسی (د) بوده است (سایکس، ۱۳۳۶، ص ۳۵۰). اما امروز سر چوگان یا کمی انحنا دارد و یا آنکه چوب کوتاه دیگری به‌طور متقاطع بر سر چوب دسته چوگان، نصب می‌شود که بتواند گوی را بروی زمین بغلتاند یا با ضربه به هوا پرتاب کند.

سیر چوگان بازی

چوگان بازی از مفیدترین و بهترین ورزش‌هایی است که ایرانیان مبدع آن بوده‌اند و دربارهٔ قدمت آن نیز همین بس که ادیبان ایرانی همواره گفته‌اند: «گوی از بدو آفرینش جهان، مورد لطمه چوگان بوده است» (سایکس، ۱۳۳۶، ص ۳۵۰).

واقع این ورزش را می‌توان از اولین ورزش‌های دسته جمعی تاریخ ورزش جهان به شمار آورد که خاستگاه آن، ایران زمین بوده و از این دیار به دیگر سرزمین‌ها راه یافته

۱. Chicane

است. در این بازی، روح همکاری بازیکنان دخیل بوده و وحدت و انسجام گروهی در انجام بازی نقش بسزایی داشته است. برخلاف دیگر بازی‌ها مثل اسب‌سواری و تیراندازی، پیروزی و شکست منوط به یک نفر، بلکه گروه و تیم در غالب و مغلوب بودن، سهمیم بودند.

اصل ورزش چوگان از ایران است و این بازی چنان با ادبیات و فرهنگ و تاریخ ایران در آمیخته که به شعرها، ضرب‌المثل‌ها، نگارگری، حجاری‌ها، قالی‌ها، و... راه‌یافته که نشان دهنده اهمیت علاقه عظیم ایرانیان به این بازی بوده است.

گویا قدیم‌ترین ذکری که در کتاب‌های تاریخی از چوگان و گوی آمده، مربوط به اساطیر ایرانی است که در ادبیات روایی و حماسه ملی ایرانیان انعکاس یافته است. برخی برآنند که این بازی چندان در دوران هخامنشیان رواج داشت (۵۵۰-۳۳۰ ق.م) که چون اسکندر تصمیم گرفت به ایران حمله کند «دارای سوم» گوی و چوگان برایش فرستاد تا به جای حمله و کشور گشایی به بازی پردازد. گویا اسکندر در پاسخ به شاه ایران گفته بود که، زمین گوی و وی چوگان است (سایکس، ۱۳۳۶، ص ۳۵۲). همچنین در کارنامه اردشیر بابکان از چوگان نام برده شده است که اردشیر و پسرش شاپور در چوگان بازی مهارت زیادی داشته و سرآمد بودند.

این بازی پس از آن که سال‌ها در ایران رایج بود از غرب به روم و مصر و از شرق به هند، و چین و ژاپن راه پیدا کرد، در هر سرزمین مورد پسند درباریان و سربازان واقع شد به گونه‌ای که «در چین باستان چوگان را نه تنها بر پشت اسب بلکه با استفاده از قاطر و الاغ نیز انجام می‌دادند». در هندوستان نیز بازی چوگان از ورزش‌های محبوب پادشاهان، به‌ویژه سلسله گورکانیان (مغولان هند) بود.

در بارگاه اکبر شاه گورکانی همواره چندین تیم چوگان بودند که میان خود

مسابقاتی انجام می‌دادند. تاریخ نویسان نوشته‌اند که اکبرشاه چنان مهارتی در بازی چوگان داشت که می‌توانست گوی را در هوا بزند (فتحی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۷-۱۳۹). در دوره اسلامی به محض این که خلفای عباسی با همکاری ایرانیان روی کار آمدند (۱۳۲ قمری)، ایرانیان بازی چوگان را مانند سایر رسوم قدیم ایران در دربار خلفا رواج دادند. حتی معروف است که هارون الرشید تمایلی شدید به بازی چوگان داشت ولی از بس فربه و کوتاه بود نمی‌توانست از روی اسب، چوگان خود را به گوی بزند.

در تمام ادوار تاریخ ایران، چوگان بازی مورد توجه مردم و به‌ویژه امرا و پادشاهان بود، و در کتاب‌های تاریخی و تعلیمی از روند بازی و نحوه اجرای آن سخن به میان آمده است. بعد از این که عبدالملک امیر سامانی در حین بازی از اسب افتاد و جان باخت، سلاطین و بزرگان احتیاط زیادی به خرج دادند. از این رو است که عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر در کتاب خویش قابوس‌نامه، باب نوزدهم را به چوگان اختصاص داده و از مخاطره‌های این بازی یاد کرده است چنان‌که بیان می‌کند: «اگر نشاط چوگان زدن کنی مادام، چوگان زدن عادت مکن که بسیار خلق را در چوگان زدن بد رسیده است» وی ادامه می‌دهد که:

«اگر به سالی یک بار یا دو بار نشاط او افتد، اما سوار بسیار نه باید تا مخاطره سمله (خسارت) بناید. جمله سوار هشت بیش نباید که تو بر یک سر میدان بپای ویکی دیگر بر آخر میدان و شش کس در میانه میدان تا گوی همی‌زنند. هرگاه گوی به سوی تو آید، تو گوی همی‌بازگردان و اسب را به تقریب همی‌ران اما اندر کُروفر مباش تا از صدمت ایمن باشی و نیز مقصود تو به حاصل شود. طریق چوگان زدن محتشمان اینست که یاد کرده آمد تا معلوم گردد» (۱۳۷۸، ص ۹۶-۹۷).

در عهد صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ق)، چوگان بازی در ایران رواج بسیار داشته است.

گفته می‌شود که شاه عباس میدان شاه (نقش جهان) را در اصفهان به خاطر انجام بازی‌های گوناگون از جمله چوگان بازی ساخت و در آنجا قهرمانان مسابقه، مورد تفقد و دلجویی شاه قرار می‌گرفتند. آن قدر این ورزش در دوره صفویه مورد توجه بوده که چشم سیاحان خارجی را نیز خیره کرده بود و عده‌ای همچون شاردن^۱ و آنتونی شرلی^۲، چگونگی انجام بازی را وصف کرده‌اند. شاردن شمه‌ای از نمایش‌های «میدان شاه» را این‌گونه توصیف می‌کند:

«ابتدا در حدود سیصد سوار خوش قد و قامت و بسیارخوشپوش و مؤدب و معقول از چهار جانب میدان به جلو آمدند. اغلب این سواران اعیان و اشراف جوان درباری بودند و همگی دارای چندین بادپای آزموده و ورزیده می‌باشند. این سواران یک ساعت تمام به گوی و چوگان بازی پرداختند. معمولاً برای انجام این بازی تمام عده به دو قسمت مساوی تقسیم و چندین گوی به میان انداخته می‌شود و برای هریک از بازیکنان چوگان تسلیم می‌گردد. برای پیروزی بایستی گوی را از میان ستون‌های متقابل که در دو انتهای میدان تعبیه شده است، گذرانید. البته حصول پیروزی کار سهلی نیست، زیرا حریفان گوی‌ها را متوقف می‌سازند و به طرف مقابل می‌رانند.

معمولاً اگر کسی گوی را در حالت توقف مرکوب، بزند و یا اینکه آن را متوجه پای اسب سازد، مورد سخریه و استهزاء قرار می‌گیرد. مدار بازی بر آن است که چهار نعله، گوی را بزند و بازیگران ماهر کسانی هستند که بادپای خود را تند و تیز بدوانند و بایک ضربه ماهرانه گوی را برگردانند» (شاردن، ۱۳۳۵، ج ۳، ص ۲۵۳).

چنان‌که بیان شد، چوگان بازی به وسیله مهاجران ایرانی در زمان حکمرانی

۱. Jahne Chardione (۱۶۴۳- ۱۷۱۳)

۲. Anthony sherley (۱۵۶۵- ۱۵۳۵)

گورکانیان هند و علاقه‌مندی شاهان این سلسله، از ایرانیان به هندوستان رفت و بعد از اینکه انگلیسی‌ها بر هند مسلط شدند، این ورزش بسیار مورد پسند افسران انگلیسی قرار گرفت و آن را فراگرفته و در بازگشت به کشور خود آن را رواج دادند تا جایی که در سال ۱۸۶۹ میلادی اولین مسابقه رسمی چوگان بازی در انگلستان انجام شد و در آمریکا نیز در سال ۱۸۷۶ میلادی این حادثه اتفاق افتاد (مصاحب، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۱۵). شاید به همین دلیل بوده که سرپرسی سایکس مأمور سیاسی و نظامی انگلیس در ایران، فصلی از کتاب خود، سفرنامه، را به چگونگی بازی چوگان اختصاص داده و ریشه تاریخی آن را در ایران برشمرده است. شگفت این است که آن‌ها علاوه بر اقتباس این ورزش، ورزش‌های دیگری نیز همانند گلف، هاکی، و... با تکیه بر دو ابزار گوی و چوگان ابداع کردند. درست در زمانی که این بازی کهن در ایران مورد کم توجهی قرار گرفت غریبان آن را به شیوه‌های نوین اما بی‌ریشه در پیشگاه جهانیان قرار دادند.

شیوه بازی چوگان

در ایران باستان، مسابقات چوگان به صورتی که امروزه برگزار می‌شود، نبود. بلکه تعدادی از سواران با چوبدستی‌های بلند، سبک و محکم، وارد میدان بزرگی می‌شدند و گوی را به بازی می‌گرفتند. تاخت و تاز سوارکاران از این سو به آن سوی میدان آن قدر ادامه می‌یافت تا سرانجام یکی از سواران بتواند گوی را از دیگر حریفان بریاید و از میدان به‌در کند.

فردوسی در داستان سیاوش مطالب ارزنده‌ای را در مورد بازی چوگان ارائه داده است و از گفته‌های این حماسه سرای بزرگ ایرانی، معلوم می‌شود که نحوه بازی در

آن دوره با دوران اسلامی چه تفاوت‌هایی از حیث تعداد بازیکنان و نحوه بازی داشته است. طبق گفته فردوسی در دوره باستان تعداد بازیکنان در هر طرف میدان، هفت نفر بوده‌اند. بازی با خروش تبیره و آوای صنج (سَنج) و کرنای آغاز می‌شده و سپس اولین گوی را غلامان در مقابل بزرگترین و متشخص‌ترین فرد بازی کننده به پاس احترام می‌افکنده‌اند و وی آن را به گونه ای که مرسوم بوده با شدت به چوگان می‌زده تا بر آسمان برخیزد و در این موقع دیگران اسب می‌تاختند تا گوی را هنگامی که به زمین رسید به چوگان زنند و دوباره به هوا پرتاب کنند. قدرت بازو و استادی در این بازی خیلی دخیل بوده و برد و باخت را تعداد دفعاتی که یک طرف، پشت سرهم، موفق به زدن گوی می‌شد یا در اثر شدت ضربه، گوی را طوری می‌زد که از نظر ناپدید شود، تعیین می‌کرده است.

حکیم فردوسی درباره چوگان بازی سیاوش داستان‌هایی چند بیان کرده است، یکی آنجا که «هنر نمودن سیاوش پیش افراسیاب» را به نظم کشیده و دیگر آنجا که «اندرگوی زدن سیاوش» گفتاری نغز نوشته است:

شبی با سیاوش چنین گفت شاه	که فردا بسازیم هر دو پگاه
آبا گوی و چوگان به میدان شویم	زمانی ببازیم و خندان شویم
سیاوش بدو گفت که ای نامجوی	از ایشان کی یار شد پیش گوی
گر ایدون که فرمان دهد شهریار	بیارم به میدان ز ایران سوار
مرایار باشند برزخم گوی	بر آن سان که آئین بود بر دوروی
سپهد چو بشنیدزو داستان	بر آن داستان گشت همداستان
سیاوش ز ایرانیان هفت مرد	گزین کرد شایسته کارکرد
خروش تبیره زمیdan بخاست	همی خاک با آسمان گشت راست

از آوای صنج و دم کر نای	توگفتی بجنبید میدان زجای
سیاوش برانگیخت اسب نبرد	چوگوی اندر آمد به پیشش بگرد
بزد هم چنان چون به میدان رسید	بر آن سان که از چشم شد ناپدید
بفرمود پس شهریار بلند	که گوی بنزد سیاوش برند
سیاوش بدان گوی دادبوس	برآمد خروشیدن نای و کوس
سیاوش به اسب دگر برنشست	بینداخت این گوی لختی بدست
پس آنکه به چوگان بروکار کرد	چنان شد که با ماه دیدار کرد

(فردوسی، ۱۳۸۵، ص ۷۷-۷۸)

حکیم فردوسی در داستان‌های دیگر مربوط به سیاوش نیز چگونگی این بازی را به خوبی بیان کرده است. آموزش چوگان به کودکان و برقراری این ورزش به گونه نوعی مسابقه و حتی برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ در میدان رزم از مواردی است که حکیم توس به خوبی به آن اشاره کرده است. در بیان فردوسی به دروازه و لزوم گذراندن گوی از آن اشاره نشده است ولی گویا تعداد دفعات زدن گوی در برد و باخت این بازی تأثیر داشته است.

مطلبی که در بیان فردوسی فوق‌العاده حائز اهمیت است، چوگان بازی کودکان به شیوه پیاده است. این مطلب نشان می‌دهد که آموزش چوگان یکی از موارد تعلیم و تربیت کودکان بوده است و در شاهنامه، هفت سالگی بهترین زمان برای آموزش چوگان ذکر شده است. داستانی که فردوسی می‌آورد به این گونه است: روزی به اردشیر بابکان خبر دادند که وی صاحب پسری هفت ساله از دختر اردوان پنجم است. اردشیر برای شناخت پسر خود که در خفا نگهداری و تربیت شده بود، دستور می‌دهد صد کودک با لباس مشابه و امکانات یکسان به بازی چوگان بپردازند تا دلیرترین و شجاع‌ترین آنها که پسرش (شاپور) باشد، شناخته شود. فردوسی به گونه‌ای بازی

کودکان را شرح می‌دهد که به نظر می‌رسد، این بازی به صورت پیاده انجام شده است:

به فرمان بشد بنده شهریار	بزد گوی و افکند پشت سوار
دوان کودکان از پس او چو شیر	چو گشتند نزدیک با اردشیر
بماندند ناکام بر جای خویش	چو شاپور شیر اندر آمد به پیش
زپیش پدر گوی بر بود و برد	چو شد دورتر کودکان را سپرد
زشادی چنان شد دل اردشیر	که گردد جوان مردم گشته پیر
سوارانش از خاک برداشتند	همی دست بر دست بگذاشتند

(شاهنامه، کتاب سوم، بیت ۳۱۸۳۱-۳۱۸۲۶)

چوگان بازی و هنرنمایی در آن تنها مختص جنگاوران و دلیران مرد نبوده، بلکه زنان دلاور نیز این بازی را انجام داده و باعث شگفتی ناظران می‌شدند. داستانی که حکیم ایرانشاه بن ابی‌الخیر در بهمن‌نامه در وصف چوگان بازی همای، دختر شاه مصر نقل می‌کند، بیانگر این مطلب است:

وز آنجا به اسب اندر آور زپای	چو باد اندر آمد تکاور زجای
چو چوگان گرفت و بینداخت گوی	چنو نامداری کجا باخت گوی
زچوگان چو گویش برانداختی	ابا گوی همبر همی تاختی
نبوده بدی آمده بر زمین	که چوگان زدی باز آن حور عین
ندید از سواران کسی گوی او	چنان چون ندید کس روی او

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۵، بیت - ۱۷۳۴ ۱۷۳۰)

چوگان بازی و چگونگی آن در دیگر کتابهای حماسی از جمله بهمن‌نامه و کوش‌نامه تفاوت‌چندانی با گفته‌های فردوسی ندارند. اما مطلبی که درخور توجه است، این

است که طبق بیان صریح کوروش نامه و بهمن نامه چوگان بازی و تاخت و تاز، تا هفت مرحله ادامه می‌یافت و در مرحله آخر فرد می‌توانست گوی را از میدان به در کرده و بازی را به نفع خود به پایان رساند:

چنان تاختی زیر هنجار گوی که هم در هوای در رسیدی بر او
از این سان همی تاخت تا هفت بار ز میدان برون کرد گوی آن سوار
از او هر کسی کآن سواری بدید همی دست خود را به دندان گزید
(کوش نامه، ۱۳۷۷، بیت - ۳۴۶۶ ۳۴۶۷)

در بهمن نامه نیز چنین آمده:

نه گرد پی اسب او یافت کس نه برگوی او یافت کس دسترس
همی زو چنین گوی تا هفت بار ببرد از سواران مصر، آن نگار
(بهمن نامه، ۱۳۷۵، بیت - ۱۷۷۶ ۱۷۷۵)

طبق گفته کتاب قابوس نامه در قرن پنجم هجری قمری، تعداد بازیکنان دو طرف کلاً هشت نفر معین شده که در واقع دو نفر دروازه‌بان‌اند و شش نفر در وسط گوی می‌زنند. (عنصرالمعالی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶)

در دوره صفویه نیز تعداد چوگان‌بازان هر دسته دوباره از چهار نفر به شش نفر تغییر یافته و دروازه حریف هدف هر دسته از چوگان‌بازان بوده است. علاوه بر بازیکنان اصلی همواره عده‌ای غلام، گوی و چوگان‌های اضافی بازیکنان را حمل می‌کردند و اسب‌های زین کرده‌ی یدک، برای تغییر اسب در کنار میدان نگاه می‌داشتند. این مطلب در سفرنامه سرآنتونی شرلی که در زمان شاه عباس اول به ایران آمده، به وضوح دیده می‌شود:

«شاه در حالی که بوق و کرنا می‌نواختند وارد میدان شده و دوازده نفر از همراهان او به دو دسته تقسیم گردیده و هر شش نفر یک طرف میدان را گرفتند. هریک از این

سوارها چوب‌هایی در دست داشتند که سر آن چوب‌ها چوب دیگری نصب شده بود که آن‌ها را چوگان می‌نامیدند و به چکش شباهت داشت، تاگوی را به آن وسیله از دروازه خارج کنند» (به نقل از سعیدیان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶۱۱).

هدف از بازی چوگان

چوگان ورزشی است سلحشوری که با تلاش و کوشش و تاخت و تاز با اسب، در یک میدان وسیع بین دو گروه انجام می‌گرفت. در نزد ایرانیان باستان چوگان بازی تنها جنبه‌ی سرگرمی یا تفریح، نداشته بلکه طرفین سعی می‌کردند بیشتر قدرت و نیروی پهلوانی و جنگاوری خود را به رخ همدیگر بکشند. حتی در بعضی مواقع چوگان بازی بین دو گروه به صلح و آشتی و یا به جنگ منتهی می‌شد که داستان چوگان بازی سیاوش و گرسیوز نمونه بارز این موضوع است. چون این ورزش با تحرک فراوان همراه است، سعی می‌کردند از آن برای تقویت مهارت سوارکاران و افزایش روحیه‌ی جنگاوری آنها استفاده کنند. به نوعی می‌توان گفت که بازی چوگان برای آمادگی نظامی انجام می‌گرفته تا سربازان و جنگجویان در سواری و هنرهای رزمی، ورزیده شوند.

محمدبن منصور مبارکشاه در کتاب آداب‌الحرب والشجاعة در این باره می‌نویسد: «فایده گوی پهنه‌انداختن و گرفتن آن است که دست در حرب روان شود و انگشتان بر پهنه تاودار شود و از بسیاری انداختن و برگرفتن گوی، دیدار تیز شود از نظرکردن به وقت چوگان زدن، چون گوی پرتابی آید، از آن حذر باید کرد و سنگ‌ها که از حصار آید از منجنیق و عراده و فلاخن، چون چشم مردم بر گوی پهنه‌انداختن خو کرده باشد، اندازه آمدن آن بداند که کجا خواهد افتاد و از آن پرهیز تواند کرد و جز این اندر پهنه، سخن بسیار است؛ چون اندام نرم شدن و نظر

تیز شدن و دست راست شدن و آنچه بدین ماند. اما اندازه گوی انداختن به پشت اسب و گرفتن آن که از فتراک بیندازی، به زانو بگیری. از زانو بیندازی برابر گوش اسب بگیری. اما چوگان زدن که استادان نهاده‌اند و فایده‌اندر آن، آن است که همه سلاح‌ها را شورش نهاده‌اند و شمشیر در نیام کردن و تیرانداختن را نشانه هدف و برجاس نهاده‌اند تا دست بر شمشیر کشیدن و در نیام کردن استخا شود» (به نقل از، نیکوبخت، ۱۳۸۵، ص ۲۵۲).

علاوه بر اینکه پهلوانان با چوگان بازی لیاقت و شایستگی رزمی خود را به اثبات می‌رساندند و قوای خود را به رخ حریف می‌کشیدند؛ در مواقع صلح و آرامش بهترین وسیله برای ورزیده نگه داشتن افراد محسوب می‌شد.

بازتاب چوگان در ادب فارسی

اگرچه شاهنامه فردوسی مهم‌ترین اثری است که از ورای آن می‌توان به کیفیت بازی چوگان و بلند آوازی ایرانیان در این بازی پی برد، اما دیگر ادیبان ایرانی مانند نظامی گنجی، سعدی و حافظ شیرازی، و معاصرانی چون ملک‌الشعراء بهار و شهریار در اشعار خود به این بازی اشاره‌های گوناگون کرده و در موارد مختلفی از آن برای وصف بیان خود بهره برده‌اند.

هر که دل در خم چوگان سر زلف تو بست

لاجرم گوی صفت بی سر و پا می‌گردد

با این بیان حافظ بر آن نیستیم که گوی و چوگان را در غزلیات عاشقانه و عارفانه بررسی کنیم بلکه منظور آن است که بیش و پیش از دیگر انواع و ابزارهای بازی، گوی و چوگان در ادب فارسی تبلور یافته که شایسته یک بررسی همه جانبه است.

پایان سخن

ایرانیان باستان با توجه به اینکه با دشمنان و متجاوزان مختلفی روبرو بودند هر از چند گاهی از طرف آنان مورد تهدید قرار می‌گرفتند، پس برای ایجاد آمادگی و تقویت قوای جسمانی جنگاوران و سربازان به ورزش و تحرکات بدنی نیاز داشتند و بدین منظور به ورزش‌هایی چون سوارکاری، تیراندازی و چوگان بازی توجه ویژه‌ای داشتند. علاوه بر این که چوگان بازی جنبه تفریحی و سرگرمی داشت، برای بالابردن مهارت سوارکاران و روحیه‌ی جنگاوری آنان، به کار می‌رفت. این ورزش طبق گفته‌ی کتاب‌های حماسی، به صورت پیاده و سواره انجام می‌گرفت و نحوه بازی در دوران اسلامی صورت تکامل یافته از دوران باستان بوده است؛ در دوره صفویه نیز که امیران و شاهان به این امر اهتمام زیاد داشتند، باعث شد که اروپائیان شیفته این ورزش شوند و لذا دامنه آن گسترش وسیعی یافت و به اروپا راه یافت. اگرچه امروز نام و نشان ایرانی آن در پرتو ورزش‌های اروپایی قرار گرفته است اما بر اساس اذعان اروپاییان و واقعیت‌های تاریخی، ریشه و پیشینه ایرانی دارد.

مآخذ

- ابن ابی‌الخیر، حکیم ایرانشاه (۱۳۷۰)، بهمن نامه، ویراسته رحیم عفیفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ----- (۱۳۷۷)، کوش نامه، به کوشش جلال متینی، تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.

- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۸)، دایره‌المعارف، ج ۲، تهران: علم و زندگی.
- سایکس، سرپرسی مولزورشا (۱۳۳۶)، سفرنامه (ده هزار میل در ایران)، ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: ابن سینا.
- فتحی، هوشنگ (۱۳۷۱)، تاریخچه و مقررات ورزش‌ها، تهران: مدرسه.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۸۰)، شاهنامه، تصحیح مصطفی جیحونی، کتاب سوم، تهران: شاهنامه پژوهی.
- مجتبی مینوی (۱۳۶۹)، داستان سیاوش از شاهنامه، تهران.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰)، دایره‌المعارف فارسی، ج ۱، تهران: امیر کبیر.
- نیکویخت، محمد (۱۳۸۰)، تربیت‌بدنی در آینه فرهنگ و ادبیات ایران، تهران: جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر زیاری (۱۳۷۸). قابوس‌نامه. به اهتمام غلامحسین یوسفی. تهران: علمی و فرهنگی.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵)، سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

ورزش و اثرات اجتماعی آن از دیدگاه ملک الشعرای بهار

برات محمدی^۱، مجید وصالی^۲

درآمد

توجه به امر ورزش یکی از دغدغه‌های دلسوزان جامعه است. رسانه‌ها و مطبوعات بهترین وسیله برای اطلاع‌رسانی و گوشزد کردن اهمیت ورزش به افراد جامعه به شمار می‌آیند. در دوره مشروطه و چند سالی بعد از آن که رسانه‌ها و مطبوعات گسترش چندانی نداشتند، از شعر و ادبیات استفاده‌های فراوانی می‌شد. اغلب شاعران به پدیده‌های نو و جدید اجتماعی اهتمام ورزیده و درباره اثرات و تبعات آن سخنها سرداده‌اند. ورزش هم به‌عنوان یک پدیده اجتماعی از نگاه آنها دور نمانده و درباره لزوم آن مطالبی عنوان کرده‌اند. در این مقاله دیدگاه ملک الشعرای بهار به‌عنوان یک شاعر و مصلح جامعه درباره ورزش و جایگاه آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنان‌که در نظر وی، ورزش هم یک هنر است که باید به زیور آن آراسته شد و هم ابزاری که بتوان بسیاری از دردهای جامعه را با آن ریشه‌کن کرد. بهار، همچنین از ورزش به عنوان نماد و سلاحی برای رویارویی با رقیبان نام می‌برد.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه اورمیه

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه اورمیه

استاد محمد تقی ملک الشعراء بهار در تاریخ ۱۳ ربیع الاول سال ۱۳۰۴ (ه. ق) در شهر مشهد پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. مبانی ادبیات را نزد پدرش حاج میرزا کاظم متخلص به صبوری آموخت. پس از آن، تحصیلات ادبی خود را نزد ادیب نیشابوری و دیگر استادان دنبال کرد. در جریان مشروطه به صف انقلابیون پیوست و با مقالات و اشعار خود نقش عمده‌ای ایفا کرد (حاکمی، ۱۳۷۴، ص ۴۱). بهار قسمت اعظم عمر گرانقدر خود را در دوره مشروطه سپری و برای روشن ساختن ذهن مردم و تربیت فکر آنان بسیار تلاش و کوشش کرد. وی در نوشته‌های خود از مضامینی همچون آزادی، قانون، استبداد و وطن سخن سر داده که بیان کننده عقاید اوست. شعر او نمودار اوضاع و احوال جامعه ایرانی و آینه تمام‌نمای زندگی در دوران التهاب و انقلاب جامعه است. بهار شاعری است که شعرش را بیدریغ در خدمت میهن گذاشته و به آبادانی و بهروزی وطن اندیشیده است. از دردها و بدبختیهای مملکت سخن سرداده و از اجتماع نابسامان و مردمان نالایق و بیکفایت دوره خویش انتقاد کرده است. بهاریک شاعر، سیاستمدار و محقق است که در هر سه قسمت خوب ظاهر شده و نقشآفرینی کرده است، اما بایک نگاه عمیق به اشعار بهار میتوان وی را یک «مصلح اجتماع» دانست که به بدبختیها و نابسامانیهای مملکت میانداشید و در فکر ارائه راه درمان است. «وقتی به مسایل اخلاقی و تربیتی میرسد، به شیوهای جدی در مقام یک معلم و راهنما برای خود وظیفهای مهم در راه اصلاح جامعه مقرر میکند» (عابدی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳).

بهار و ورزش

بهار از جمله شاعرانی است که به مقوله ورزش توجه کرده و آن را از عواملی دانسته که برای اعتلای جامعه و پیشرفت آن، می‌تواند مؤثر واقع شود. اما اینکه چرا بهار به این امر اهتمام ورزیده، علاوه بر شعور بالای اجتماعی و سیاسی آن، به اوضاع بد

اجتماعی برمیگردد. "به گونه‌ای که: استمرار حکومت استبداد چنان ایرانیان را زیر پنجه قهر ذلیل و زبون ساخته که مملوکی، اسارت، رقیت، ذلت و مسکنت در وجود ما حکم طبیعت ثانوی را گرفته، حالا که با ظهور احساسات آزادیخواهی و مشروطیت، می‌خواهیم به هوش آییم و حقوق غصب شده خود را از غاصبان استراد نماییم، پس دادن حقوق مغضوبه برای ارباب استبداد از دادن جان، سختتر گردیده است» (ذاکر حسین، ۱۳۷۷، ص ۳۶). در چنین محیطی که ایرانیان نتوانستند به خواسته‌ها و حقوق خود دست‌یابند، رفته رفته از بهبود اوضاع دلسرد شده، رو به سستی و تنبلی آوردند و به کار و فعالیت بی‌توجهی کردند:

گفت: این بر همه مردم حالی است تنبلی عاقبتش حمالی است

(بهار، ۱۳۶۸- ج ۱، ص ۵۱۷)

بهار به‌عنوان شاعر و مصلح جامعه با دیدن این وضع اسفبار که به‌نوعی جامعه به رخوت فرو رفته بود؛ سکوت اختیار نکرده و به فکر چاره افتاد تا، مردم از ناامیدی و یأس دست بردارند و تلاش و کوشش آغازند. به عقیده وی مهمترین درمانی که میتوان برای این درد تزریق کرد، واداشتن مردم به فعالیت و ورزش است؛ چرا که ورزش مایه زندگی و اساس سرافرازی است:

تن زنده و والا به ورزشگی است که ورزشگی مایه زندگی است

به ورزش گرای و سرافراز باش که فرجام سستی سرافکنندگی است

به سختی دهد مرد آزاده تن که پایان تن‌پروری بندگی است

دلی بایدت روشن و تندرست اگر جانت جویای فرخندگی است

(بهار، ۱۳۶۸- ج ۱، ص ۶۹۹)

به نظر ملک الشعراء بهار با ورزش و آموختن هنر است که انسان میتواند با نشاط و فرخندگی در راه ناموس ملک، ملت، خویش و تبار بایستد و در برابر دشمنان

سرتسلیم فرود نیاورد و خود را از ننگ و بدبختی نجات دهد:

زندگی جنگست جانابهرجنگ آماده شو نیست هنگام تأمل بیدرنگ آماده شو
در ره ناموس ملک و ملت و خویش و تبار با نشاط شیر با عزم پلنگ آماده شو...
خیز و با ورزش بر آر این کسوت زرد از بدن و ر نه چون شلتو کمسکینبهر دنگا ماد هشو
گر نکردی باز و یخود را به ورزش همچو سنگ ایبلورین ساقو ساعدبهر سنگا آماده شو
(بهار، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۹۹)

وی به افراد جامعه، مظاهر پیشرفت غرب را گوشزد میکند و ابراز میدارد که چگونه آنها در مسائل زندگی از ما پیش افتاده‌اند. اما هرگز یأس او را فرا نمیگیرد بلکه جوانان را تشویق میکند که به عرصه ورزش در رقابت قرار گیرند و به علم و هنر روی بیاورند تا در این راه گوی سبقت را از غرب بریابند:

تا رسی از راستکاری با سر مقصود خویش زیر این چرخ مقوس چون خدنگ آماده شو
ساز چو گانی ز رسم مشرق و علم و فرنگ پس برای بردن گوی از فرنگ آماده شو
اینک این میدان ورزش، عرصه علم و هنر شیرمردا با غریو و با غرنگ آماده شو
(بهار، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۹۹)

بدین سان بهار ورزش را نماد پیشتازی و پیش آهنگی می‌داند اما او تنها ورزش کردن را توصیه نمی‌کند بلکه وی مفاخر و مآثر گذشته و ملی ایران را یادآور می‌شود که چگونه مردمان گذشته روحیه پهلوانی داشته و دست از فعالیت و تلاش نکشیده و سر بر آسمان بلند ساییدند. از این رو تأکید میکند که باید آن آیین‌های پهلوانی و قهرمانی گذشته را تجدید کرد و از یاد نبرد:

ز ورزش میاسای و کوشنده باش که بنیاد گیتی به کوشندگی است

درخشیدن این بلند آفتاب ز بسیار کوشی و گردندگی است
 نیاکانت را ورزش آن مایه داد که شهنامه ز ایشان به تابندگی است
 تو نیز از نیاکان بیاموز کار اگر در سرت شور سر زندگی است
 (بهار، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۷۰۰)

به نظر بهار هر کس آراسته به زیور ورزش شود، صاحب خوی و خصلتهایی می‌شود، که از دیگر مردم متفاوت است. آنان صفات پهلوانی را در پیش میگیرند و از هرچه دورنگی و مکر و حيله است، دوری میگزینند. در رفتار، حرکات، سکنت و گفتار صادقند و در عرصهی عمل، فوقالعاده چابک و فعال:

به تن و توش، جوان و به بر دوش، قوی به روش تند خرام و به سخن چرب مقال
 به سخن گفتن صافند و صریحاند و صدیق به عمل کردن جلدند و جسوراند و جوال
 (بهار، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۷۵۷)

بهار را در عرصه ورزش بیشترین نقش را به تربیت قایل است. به عقیده او بدون تربیت و فراهم کردن زمینه مناسب، امکان شکوفایی استعدادها وجود ندارد. بهار تعلیم و تربیت یک جوان را بهتر از پر کردن جهان با زر و سیم میداند:

گر کنی تربیت جوانی را به که پر ز زر کنی جهانی را
 (بهار، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۸۶۴)

همچنین در جایی دیگر در اشعار خود معتقد است که بدون ورزش و تعلیم و تربیت، عقل انسان هرگز به مرحله تکامل نمیرسد:

عقلغریزیبیمم، بیورزشو تعلیموجد هرچند باشد مستعد، گردد به غفلت محتجب
 (بهار، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۸۰)

اثرات اجتماعی ورزش از دیدگاه بهار

بهار شاید در میان شاعران همدوره خود نخستین فردی است که تا این حد به ورزش اهتمام ورزیده و از اثرات آن سخن به میان آورده، است. او در نگاه به ورزش و اثرات آن به جنبه حرفه‌ای و تحصیل مادیات به گونه‌ای که امروزه شایع است، توجه ندارد بلکه بیش‌ترین اثر ورزش را در دمیدن روح و نشاط در کالبد بی‌روح اجتماع میداند که مردم را به تحرک و انگیزش وا میدارد. در باور وی ورزش توان شکوفا کردن استعدادهای بالقوه انسان را دارد و با استمداد از آن نیروهای خدادادی، بشر رشد پیدا میکند و به بالندگی میرسد. به‌عنوان مثال عقل که یک نعمت الهی است در فقدان تمرین و ورزش تکامل لازم را نمی‌یابد:

عقل فتد از کاهلی در ورطه لایعقلی

جاهلشود دانا، ولی با ورزش و جهد و تعب

(بهار، ۱۳۶۸، ج- ۱ ص ۳۸۰)

از اثرات دیگری که بهار برای ورزش قایل است، آن است که ورزش تن و جسم را سالم نگه میدارد، توش و توان فرد را بالا میبرد و از ابتلا به امراض جلوگیری می‌کند. در باور بهار ورزش نه تنها تن انسان را نیرومند می‌کند بلکه روح و روان فرد را هم تقویت میبخشد. ورزش حتی میتواند نفس را جلا و درخشش داده و از خبثات و پلیدی پاک گرداند و صبغه معنوی به آن بخشد. علاوه بر آن ورزش سطح فکر فرد را گسترده و توان درک آن را بالا میبرد:

ورزش کند تن را قوی، روح و خرد را مستوی

مر نفسها را معنوی، مر فکرها را منتخب

(بهار، ۱۳۶۸، ج- ۱ ص ۳۸۰)

بهار برای ملموس ساختن ورزش و اثرات بینهایت آن به یک داستان تاریخی اشاره

میکند: در عیدگاه رومیان، مردی ضعیف و ناتوان با وزیدن تندبادی به زمین می خورد و همه نظارهگران فریاد و هیاهو میکنند و به ناتوانی او میخندند. مرد ضعیف تصمیم میگیرد یک سال تمام به طور مداوم ورزش کرده و جسم خود را تقویت کند. تا اینکه در عیدگاه سال بعد با شور و نشاط فراوان وارد میدان می شود و کارهای شگردی از خود نشان می دهد و درباره موفقیت خود چنین میگوید:

گفتا منم آن ناتوان، که افتادم از باد دمان

دفع تعنت را میان بستم به ورزشروز و شب

این سعی و این زحمت مرا برهاند از آن رنج و بلا

عیشاست بعد از ابتلا شادیست از بعد کرب

(بهار، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۸۱)

بهار جزو معدود شاعرانی است که علاوه بر توجه به مقوله ورزش به روانشناسی ورزش نیز توجه داشته است. امروزه ثابت شده است که بدون اهتمام به روانشناسی ورزش، ورزشکاران موفقیت چندانی نمیتوانند کسب کنند. حضور روانشناسان مجرب ورزشی در کنار تیمهای ورزشی شاهد این مدعاست. بهار با نگاه عالمانه خود توجه به این رویکرد از ورزش را متذکر می شود.

با پیشدرآمدی که عنوان شد، ورزش در نگاه بهار دارای دو بُعد است: جسمی و روحی. از بعد جسمی ورزش که بهعنوان ورزش تنیاد میکند، فرد میتواند با انجام تمرینات مستمر و فعالیتهای سخت و دشوار به این مهم دست پیدا کند، موفقیتهای لازم را به دست آورد و تنی نیرومند و قوی داشته باشد و بُعد روحی ورزش را که از آن بهعنوان ورزش جان نام میبرد، صعبتر از ورزش تن میدانند. اگر فرد بتواند با ایجاد بسترهای مناسب، روح و روان خود را تقویت کند، تحمل دشواریهای راه بر او آسانتر و سرانجام موفقیت قرین تلاش و کوشش او خواهد شد. به اعتقاد بهار

توجه به مقوله روحی و روانی ورزش باید بیشتر از بُعد جسمی آن باشد، چرا که با برخورداری تن قوی و نیرومند، اما بدون روح و روان سالم، نمیتوان به جایگاه رفیع انسانی دست یافت:

جنبش ار مرد رهی و ورزش جان آگهی
جان را ده از جنبش بهی تا وارهی از تاب و تب
ای تن ز ورزش بارور، وز ورزشجان بیخبر
جان را ز ورزش بخش فرکاین واجبستاین مستحب
در ورزش تن بارها آسان شدست
دشوارها در ورزش جان خارها آرند از بهرت
رطب خواندی کهافکندن فلان سجادهبر آبروان
این ورزشجان استهان، «السعی فیه قدوجب»
(بهار ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۸۱-۳۸۲)

پایان سخن

ملک الشعراء بهار از مهم‌ترین اندیشمندان و سیاستمداران تاریخ معاصر است که پندارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی خود را در قالب آثاری چون تاریخ احزاب ایران، سبک‌شناسی ادبیات فارسی و دیوان اشعار به زبان نثر و نظم تدوین کرده است. وی در عصر مشروطه خواهی ایرانیان می‌زیست و جوان بوده که فرمان مشروطه صادر شد (۱۳۲۴ق). او در چنین هنگامه‌ای کوشید تا مسائل گوناگون جامعه را بیان کند که از آن میان است تأثیر ورزش در روحیات افراد و اجتماع.
بهار از ورزش به‌عنوان ابزاری برای اصلاح جامعه استفاده میکند. وی بایک رویکرد عالمانه به ورزش مینگرد و به هر دو بعد ورزش توجه کرده است. دریک

نگرش روان‌شناسانه، تقویت بعد روحی را بر بعد جسمی ترجیح داده است. ورزش از دیدگاه بهار هم یک هنر است که باید به زیور آن آراسته شد، و هم ابزاری که میتوان بسیاری از نابسامانیهای جامعه را با آن ریشهکن کرد. بهار ورزش را به‌عنوان سلاحی برای رویارویی با رقیب برمی‌شمرد.

مآخذ

- بهار، محمد تقی (۱۳۶۸). دیوان اشعار. ج ۱. تهران: انتشارات توس.
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۷۴). ادبیات معاصر ایران. تهران: اساطیر.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷). ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت. تهران: نشر علم.
- عابدی، کامیار (۱۳۷۶). به یاد میهن؛ زندگی و شعر ملک الشعرای بهار. تهران: نشر ثالث.

فصل ششم

ورزش در ایران امروز

بازآفرینی و گسترش ورزش باستانی در عرصه‌های داخلی و خارجی

سیدامیر حسینی^۱

درآمد

هدف این مقاله به مطالعه تاریخ ورزش‌های زورخانه‌ای و سیر تطور آن و تبیین وضعیت موجود، نقاط قوت و ضعف ورزش باستانی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی و راهکارهای توسعه و گسترش آن می‌پردازد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از برخی منابع مستند موجود، جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفته است.

مقاله بر اساس مطالعات اسنادی با توصیف واقعیت‌های موجود به بررسی و طرح سوالات زیر پرداخته است:

۱. رئیس آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک

- سیر تطور ورزش‌های زورخانه‌ای در طول تاریخ خود چگونه بوده است؟

- چرا ورزش‌های زورخانه‌ای باید توسعه‌یابد؟

- با توسعه این ورزش چه مشکلی حل خواهد شد؟

- این ورزش جای چه چیزی را می‌تواند بگیرد؟

در این بررسی وضعیت موجود تبیین شده، عوامل درونی، نقاط قوت و ضعف، عوامل بیرونی، تهدیدها و فرصت‌ها، گروه‌ها و مناطق جغرافیایی هدف، چشم انداز، اهداف راهبردی، دوره‌های زمانی، استراتژی، اهداف و برنامه‌های اجرایی اصلی، توسعه زیر ساخت‌ها، برنامه‌های رسانه‌ای، آموزش، قهرمانی، نظارت و ارزیابی مورد مطالعه قرار گرفته است.

سنت‌ها، آیین‌ها، آثار ماندگار و جاودان هر سرزمینی بیان‌کننده تاریخ و فرهنگ و نشان‌دهنده اهمیت و دارای اثرات مفید ارزش‌های فردی و اجتماعی است. ورزش باستانی میراث فرهنگی و معنوی ورزشی نیاکان، دارای ساختار ورزشی مناسب فرهنگ، آداب و رسوم مبتنی بر فتوت، جوانمردی، صفا و ادب است. مهارت‌های فردی و تیمی ورزش‌های زورخانه‌ای دارای آثار مثبت ورزشی و به عنوان یک ورزش و ابزار تربیتی مناسب برای تأمین سلامت جسمی، روحی آحاد مختلف جامعه مفید است.

ارتقاء جایگاه مناسب‌تر ورزش باستانی در جامعه امروزی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی یک ضرورت است؛ توسعه و گسترش ورزش‌های زورخانه‌ای در عرصه‌های داخلی و خارجی علاوه بر تقویت هویت ملی و اسلامی، موجب مشارکت و نقش بیش‌تر ایرانیان در فرهنگ جهانی خواهد شد.

ورزش باستانی و مروری بر تاریخچه آن

ورزش باستانی^۱ از دو واژه ورزش و باستانی معادل لغات انگلیسی Sport برای ورزش و Ancient برای باستانی تشکیل شده است. زورخانه محلی است که این ورزش در آن انجام می‌شود. زورخانه Zurkhaneh در واقع مکانی است که ورزش پهلوانی با معیارهای فرهنگ ایرانی (اسلامی و باستانی) در آنجا انجام می‌شود.

زورخانه مکانی است برای نیرومندی و تقویت روحیه ورزشکاری، تواضع و فروتنی و دوری از تکبر. ورزش‌های زورخانه‌ای در فضایی سرپوشیده انجام می‌شده است که شبیه سرداب‌ها و عبادتگاه‌ها بوده که زورخانه‌ها از دوران باستان از آنجا ظهور پیدا کرده، سقف زورخانه بلند و گنبدی شکل، شبیه معابد و مساجد و در ورودی آن کوچک‌تر از درهای معمولی طراحی شده است. ورزش‌های زورخانه‌ای براساس نوع استفاده از ابزار و وسایل ورزشی، به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- حرکات با وسیله شامل: سنگ گرفتن، میل گیری، شنا و کباده زدن.

۲- حرکات بدون وسیله شامل: تمرینات کششی و گرم کردن، پای زدن،

چرخیدن و کشتی پهلوانی.

ازمنظر هدف، زمان، حالت و چگونگی اجرا و نمایش، ورزش باستانی به صورت‌های زیرانجام می‌شود:

اجرای ورزش باستانی در زورخانه‌ها

این اجرا بیش‌تر با اهداف آمادگی جسمانی و تفریحات سالم و غنی‌سازی اوقات

۱. ورزش باستانی همان ورزش‌های پهلوانی و رزمی است که در طول تاریخ خود، در حوزه تمدن مشترک ایران‌زمین، ورزشکاران و پهلوانان برای آمادگی‌های جسمی و رزمی به آن می‌پرداختند. از سال ۱۳۱۳ همزمان با جشن‌های هزاره فردوسی واژه ورزش باستانی بیش‌تر رایج شده است.

فراغت در زورخانه‌ها انجام می‌شود، معمولاً حدود دو ساعت طول می‌کشد و با تعارف‌ها و غزل‌خوانی برخی از ورزشکاران خوش صدا توأم است و مرشد با سخنان جذاب بر شیرینی تمرین و اجرا می‌افزاید. این نوع تمرین‌ها بیش‌تر بین همه گروه‌های سنی بزرگ سال رایج است. ورزشکاران هریک برحسب سابقه ورزشی و مقام‌های ورزشی دارای درجات مختلفی هستند و هنرنمایی می‌کنند.

نمایش ورزش باستانی در مراسم (اروبیک باستانی)

در این شیوه فعالیت ورزشی که سیستم غالب تأمین انرژی آن هوازی یا اروبیک است. ورزشکاران با انجام حرکات ریتمیک و هماهنگ گروهی به مدت ۱۵-۳۰ دقیقه در زورخانه یا در سایر مکان‌های ورزشی به هنرنمایی می‌پردازند. این نوع اجرا بیش‌تر بین گروه‌های ورزشی جوان‌تر رایج است و با رهبری میاندار یا سرگروه و با ریتم ضرب مرشد و با خواندن اشعاری حماسی و کوتاه و جذاب توأم است.

مسابقات ورزش باستانی

سازماندهی رقابت‌های ورزشی در ورزش باستانی بین گروه‌های مختلف ورزشی در قالب مسابقات هنرهای فردی، تیمی و کشتی پهلوانی انجام می‌شود. همه گروه‌های سنی می‌توانند از خرد سالی تا کهن سالی در این مسابقات شرکت کنند. از سوی فدراسیون ورزش باستانی و کشتی پهلوانی جمهوری اسلامی ایران هر ساله مسابقات مختلفی در گروه‌های مختلف سنی انجام می‌شود. این مسابقات در گروه‌های سنی نوجوانان زیر ۱۲ سال تا به اضافه ۸۰ سال برگزار می‌شود. در برخی از شهرهای ایران گزارش فعالیت ورزشکاران باستانی کار بالای یکصدسال نیز وجود دارد.

ریشه‌ها و بنیادهای تاریخی ورزش‌های زورخانه‌ای

درباره ریشه‌ها و بنیادهای تاریخی ورزش‌های زورخانه‌ای پس از مشروطه، پژوهش‌های چندی انجام شده است که از میان این پژوهش‌ها به موارد زیر پرداخته می‌شود:

۱- تاریخ ورزش باستانی ایران، زورخانه، به قلم مرحوم زنده‌یاد پرتو بیضایی کاشانی در سال ۱۳۳۷. این کتاب اخیراً توسط نشر زوار تجدید چاپ و منتشر شده است.

پرتو بیضایی درخصوص علت این پژوهش اشاره داشته «در سنوات اخیر (۱۳۳۷) و از تاریخی که حیات ورزش باستانی تجدید شد بارها مشاهده گردید اشخاص علاقه‌مند، تاریخ ورزش باستانی و چگونگی آنرا جستجو می‌کنند از هنگامی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که ورزش‌های جدید در کشور معرفی و رواج یافت، نامیدن ورزش باستانی به عملیات زورخانه‌یی، رایج شد. این نام احتمالاً از نما و شمای عمومی آن برداشت شده؛ مثل شلوار چرمی و آیین‌های کشتی پهلوانی و اسباب و آلاتی مثل میل که به گرز و کباده که به کمان و سنگ که به سپر سربازان ایران در دوره باستان می‌ماند، و ضرب که مانند طبل وسیله‌ای برای تهییج سربازان در هنگام جنگ بوده است».

در موقع پیدا شدن این نام، این ورزش در سرزمین‌هایی که در یک حوزه تمدنی مشترک قرار داشتند، مانند هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ایران، عراق، ترکیه، آذربایجان و... رواج داشته است.^۱

در این سرزمین‌ها اقوامی هم‌تبار که در روزگاران بس کهن با هم می‌زیستند، حضور داشته و در تکامل فرهنگ و تمدن مشترک، تلاش کردند. اقوام آریایی در

۱. در افغانستان این ورزش به ضرب و میل و در عراق به نام زورخانه معروف بوده است (بازدید پژوهشگر از افغانستان به سال ۱۳۸۳)

واقع نماد این همبستگی و یکپارچگی فرهنگی بودند که به دو بخش تقسیم شدند، گروهی از آنان به هندوستان رفتند و گروهی دیگر سرزمین خود را به اقتباس از نام قومی، دودمانی و خاستگاهشان ایران نام نهادند. دسته اخیر که آریا یا آیریایی یعنی دوست با وفا نام گرفتند، با شاخه‌های گوناگون در سرزمین‌هایی که در آسیای غربی و در گستره ایران تاریخی واقع بودند، از ایران کنونی و افغانستان تا ترکستان در شرق و قفقازیه در شمال غربی، سکنی گزیدند. بدین سان پایگاه جدید را ایران، ایرانشهر و یا ایران‌زمین به معنی مکان آریایی‌ها خواندند (معین، ۱۳۶۴، ذیل «آریا و ایران»).

آریایی‌هایی که به ایران آمدند در سه دسته اصلی: مادها در غرب و شمال غربی، پارس‌ها در جنوب، جنوب غربی و مرکز و پارت‌ها در شمال شرقی ایران ساکن شدند و هر سه سلسله‌های مادها، هخامنشیان و پارتیان (اشکانیان) را بنیان نهادند. آنچه در بین این سه سلسله و جانشینان آنان در زمان ساسانیان که در جمع حدود ۱۴۰۰ سال (از سده هشتم پیش از میلاد تا سده هفتم میلادی) بر ایران‌زمین حکمروایی داشتند، شایان توجه است؛ تکامل، تداوم و اعتلای فرهنگ ایرانی به‌ویژه در عرصه‌های ورزشی و از آن میان فرهنگ پهلوانی و آیین‌های مرتبط با زورخانه است که در دوران اسلامی با دمیدن روح فتوت و برادری و عیاری اسلامی به آن، تا به امروز ادامه یافته و میراث‌دار بخشی از آموزه‌های فرهنگ ایرانی و اسلامی است.

شباهت معماری زورخانه‌ها با معابد مهری

دکتر مهدی بهار در مقاله پژوهشی خود ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن اظهار داشته است:

«بر ورزش باستانی ایران عمری دراز گذشته و مانند همه سنت‌های باستانی، اصل

و منشأ آن در غبار تاریخ گم شده است و امروز اگر می‌کوشیم اصل آن را بازیابیم، این کوشش تنها بر نشانه‌هائی استوار است که اینجا و آنجا به چشم می‌خورد. زورخانه‌های ما شباهت‌های بسیار با معابد مهری دارند. زورخانه‌ها همیشه با پلکانی طولانی از زیر زمین به سطح خیابان می‌رسند. همه زورخانه‌هایی که به آئین نیاکان و نه با معیارهای «مدرن» ساخته شده‌اند، در زیر زمین قرار دارند و معمولاً در زیر بناهای دیگر. این زورخانه‌های کهن نوری اندک دارند» (بهار، ۱۳۵۴).

معابد مهری در کنار یانزدیک آب جاری ساخته می‌شدند (Vermaseren 1963, P. 37). رسم دیگر زورخانه زنگ زدن است و آن زنگی است که با زنجیری بر سردم زورخانه آویزان است و مرشد به هنگام ورود پهلوانان بزرگ آن را به صدا در می‌آورد تا همگان از ورود ایشان آگاه شوند (پرتو بیضائی کاشانی، ۱۳۳۷، ص ۱۶).

در معابد مهری نیز زنگی یافته شده است که گمان می‌کنند آن را به هنگام نشان دادن تصویر مهر در پایان یا در آغاز مراسم به صدا در می‌آورند.

اگر تصور ما در ارتباط آئین زورخانه با معابد مهری درست باشد این زنگ را در معابد مهری به هنگام ورود بزرگان دین به آواز در می‌آورده‌اند. (Cumont, 1956) مراتبی که در زورخانه‌ها وجود دارد، مانند کهنه سوار، مرشد، پیشکسوت، صاحب زنگ، صاحب تاج و نوچه و جز آن، ما را به یاد مراتب هفتگانه پیروان مهر می‌اندازد و چه بسا این هر دو از یک اصل و منشأ بوده باشند.

در آداب زورخانه، چون پهلوانی به مقام استادی می‌رسید، و کمال تن و روان می‌یافت از طرف پیشوایان طریقت به این افتخار دست می‌یافت که تاج فقر بر سر نهد (پرتو بیضائی کاشانی ۱۳۳۷، ص ۸۳). این مراسم در آداب مهری نیز وجود دارد.

(Vermaseren 1963, P. 95- 98)

در بسیاری آثار بازمانده مهری در بیرون شهر رم، ایزد خورشید را می‌توان دید که

در برابر مهر زانو زده است و مهر در دست دیگر خود چیزی شبیه کلاه را آماده گرفته تا به خورشید دهد. در بخارست نقشی مانده است که بنابراین مهر کلاهی فریجی بر سر خورشید می‌نهد. نوچه‌ها، پیش‌خیزها، نوخاسته‌ها و ساخته‌ها در زورخانه همان مقامی را دارند که در آیین مهر، تازه‌واردان داشته‌اند. در آیین مهر رومی، پیروان مهر را با روحیه‌ای جنگی تربیت می‌کردند. (Vermaseren 1963, P. 30) در زورخانه نیز به صورتی نمادین، آداب نبرد آموخته می‌شود.

به احتمال آموختن نبرد در آیین مهر و در آیین پهلوانی ایران باید به اعصاری بسیار کهن و به جرگه مردان در قبایل بدوی بازگردد. در این جرگه‌ها که خاص مردان بوده، به جوانان بالغ یک رشته از مراسم گوناگون را می‌آموختند که از آن جمله آیین نبرد بود. بسیاری از رقص‌های سنتی مردانه در ایران و سرزمین‌های دیگر نیز معرف نوعی نبرد است که خود بازمانده همان آداب کهن جرگه مردانه است. دکتر مهدی بهار معتقد است: «در پی این سلسله ارتباط‌ها، اگر فرض ما درست باشد، می‌توان گمان برد که در معابد مهری اروپائی نیز آیین‌هایی شبیه به ورزش‌های زورخانه‌ای به جای آورده می‌شده است». وی در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد:

۱- با در نظر گرفتن مطالعه تطبیقی آیین مهر و زورخانه و ارتباط زورخانه با جوانمردی، می‌توان گمان برد که زورخانه‌ها باید در ایران قدمتی بسیار داشته باشند و اصل آنها اقلأً به دوره اشکانیان برسد؛ زیرا در این دوره است که آئین مهر گسترشی جهانی می‌یابد، به اروپا می‌رود و معابد مهری که از بسیاری جهات مانند زورخانه‌های ما است، در آنجا برپا می‌شود و آئین عیاری در ایران پا می‌گیرد.

۲- در این آیین پرورش تن برای رسیدن به حقیقت و سلامت روح مهم‌ترین

شرط بوده است، ولی این پرورش و ورزش تن با آدابی چنان روحانی در آمیخته بوده است که در واقع پرورش روان را از تن جدائی ناپذیر می‌کرده است.

۳- ورزش و انجام حرکات پهلوانی جزو فعالیت‌های اصلی روزمره ایرانیان در دوران باستان بوده است. جامعه آن زمان ارزش خاصی برای ورزشکارانی قائل می‌شد که برای قدرت بدنی و شجاعت روحی که در اختیار داشتند، شکرگزار بوده‌اند.

۴- پهلوانان در صورت نیاز از خانواده و سرزمین خود در برابر دشمنان دفاع می‌کردند. این پهلوانان با تشویق زائدالوصف همگان برای ورزش، قهرمانی و قدرت خود روبرو می‌شدند (بهار، ۱۳۴۵).

طبق آموزش مذهبی ایرانیان باستان، مردان زورخانه در نیایش خود ابتدا زیبایی بهشت را می‌ستودند و سپس قدرت بدنی و فکری خود را از خداوند خواستار می‌شدند.

آنها اعتقاد راسخ به بدن سالم و نیرومند داشتند. ایرانیان باستان به فعالیت‌های ورزشی خود، که بر الگوی سلاح‌های جنگی‌شان تأثیر گذار بوده است، روح معنوی می‌دادند.

حکیم فیثاغورث، پسر منزارک، از بزرگ‌ترین فلاسفه و دانشمندان یونان باستان که تولد وی را به روایات مختلف ۶۰۸ یا ۵۸۰ یا ۵۷۲ قبل از میلاد ذکر کرده‌اند و در حدود ۴۹۷ قبل از میلاد درگذشته است؛ از او سیاحت‌نامه‌ای برجای مانده که درباره دخمه میترا، (مهر) Mythra، آورده است:

«بیرون شهر درمدخل غاری تاریک شدم از غرابت تعیین این محل برای برپا داشتن جشن درخشنده‌ترین ستارگان، متعجب بودم، با تنی چند از تماشاچیان به

درون رفتم. آن قدر اعمال و شعائر و مراتب ستایش از پیش چشمانم گذشت که حافظه درستکار من توانایی بیان آن را ندارد، واقفان اسرار را دیدم پیرامون چشمه آب روان، بدن را می‌شستند و پاکیزگی روان و خرد را از یزدان درخواست می‌کردند. زرتشت وظایف پیشوای مذهب را به‌جا می‌آورد و علامتی زوال نا پذیر بر سینه هریک می‌گذاشت، از حصول این مرتبت، غروری در این اشخاص به وجود آمد، هریک نانی خوردند و آبی آشامیدند، این نشانه بعثت یا رمز مرور به حیات جدید بود، چنانکه خورشید در سال نو را به جهانیان می‌گشود، همین را در سرود یزدانی و دعا‌های خود می‌خواندند (سرودن ادعیه با نوازندگی و نغمات توأم بوده)، هنگام ستایش زانو می‌زدند، چند قرص نان و یک پیاله آب در موقع ایفاء مراسم موجود بوده که پیشوایان بر آن دعا می‌خواندند (فیثاغورث، ۱۳۱۴).

اوستا، کتاب مذهبی زرتشتیان و ایرانیان باستان، تاحد زیادی مشوق قهرمانان و ورزشکاران بوده است و از آنان تجلیل و ستایش به عمل می‌آورد، درست همانند آنکه مردان بزرگ در مقابل خدایان خود عبادت می‌نمودند.

کشتی از واژه کستی *kosti* یعنی کمبرند و لنگ از (سدره) بستن گرفته شده بخصوص قبضه بسته شده لنگ (سدره) را روی شکم که به هنگام کشتی به دست می‌گرفته‌اند کستی می‌گفته‌اند و این رسم پیش قبض گرفتن یعنی کشتی گرفتن هنگام شروع کشتی با دورترین رسم زرتشتیان در ایران باستان ارتباط دارد.

با توجه به این حقیقت که در زبان فارسی ایران باستان بیش از ۳۰ واژه در ارتباط با مفاهیم قهرمان و پهلوان وجود دارد، میزان علاقه وافر ایرانیان به قهرمانان و پهلوانان مسلم و آشکار می‌گردد.

در ایران باستان جوانان زیر ۲۴ سال آموزش تکمیلی مرتبط با ورزش را در زمان

خود فرا می‌گرفتند، این ورزش‌ها عبارت بوده از: دو، سوارکاری، چوگان، پرتاب دارت، کشتی، بوکس، تیروکمان، شمشیربازی و... . این فنون تحت شرایط بسیار سخت آموزش داده می‌شد تا بتوانند در زمان نیاز شرایط سخت، ناسازگاری‌ها و مشکلات ناشی از جنگ از قبیل گرسنگی، تشنگی، کوفتگی، گرما، سرما و... را تحمل نمایند (کریمی، ۱۳۶۷).

ادوارد براون از جمله شرق‌شناسان، نیز تاریخ رواج زورخانه‌ها را از دوره باستان دانسته است. انصاف‌پور نیز در تاریخ و فرهنگ زورخانه، اظهار داشته است: در طی تاریخ این ورزش با نام و جایگاهی به شکل دیگر و اسبابی کمی متفاوت و با آداب و رسوم نه چنین جامع رواج داشته است. وی تاریخ معلوم زورخانه را با شکل و وضع کنونی از قرن هفتم قمری دانسته است. انصاف‌پور اشاره می‌کند در قرون پیش‌تر از قرن هفتم، فقط به آلات و بعضی آثار آن به طور متفرق در قالب کشتی گرفتن به‌ویژه در داستان‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی (اوایل قرن ۵ ق)، برمی‌خوریم.

انصاف‌پور جایگاه عملیات ورزش باستانی را از حمله اعراب تا آغاز دوره صفویان به ترتیب: خانه، لنگرگاه، عبادتخانه و ورزشخانه نامیده است. خانه به شهادت تاریخ سیستان به دوره تسلط اعراب و کمی بعد از آن تعلق دارد. لنگرگاه از دوره سلجوقیان تا مغولان و نام ورزشخانه در اثر میرنجات مربوط به دوره صفویه آمده است. عبادتخانه در تومار افسانه پوریای ولی مربوط به پیش از دوره صفویه است.

غلامرضا انصاف‌پور می‌گوید: هنگام تسلط اعراب نخستین جایگاه‌های انجام عملیات ورزشی در مکان‌های زیرزمینی و مخفی گاه‌ها بوده و عیاران و پهلوانان در آنجا، پنهان از چشم بیگانگان با مبادرت به این ورزش خود را برای مقابله با آنان

نیرومند و آزموده می‌ساختند.

شایان ذکر است پس از درگذشت پیامبر اسلام (ص) با قدرت رسیدن حکومت امویان، حاکمان اموی از بیت‌المال برای خوش‌گذرانی و کارهای شخصی استفاده کردند. آنها عدالت اسلامی را زیر پای گذاشته، نژاد عرب را بر دیگر نژادها برتری بخشیدند و با به شهادت رساندن خاندان پیامبر گرامی اسلام موجب نارضایتی مسلمانان و قیام‌های مردمی را فراهم کردند.

عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ق)، یکی از گروه‌های ناراضی عرب بودند که با کمک پهلوانان ایرانی به رهبری ابومسلم خراسانی به حکومت رسیدند. اما پس از مدتی حکومت عباسیان نیز راه ستمگری را آغاز و با کشتار و زندانی کردن مردم موجب شکل‌گیری قیام‌های مردمی را فراهم کردند و حکومت‌های مستقل اسلامی در ایران شکل گرفت و قسمت‌هایی از ایران از سلطه اعراب خارج شد. یکی از حکومت‌های محلی سلسله سامانیان در سده چهارم قمری بود که شهر بخارا را به پایتختی انتخاب کردند، شاعران و دانشمندان را تشویق کردند و به رواج زبان فارسی و اشاعه فرهنگ ایرانی همت گماردند.

به دلایل زیاد مسلم است که ایرانیان از دورترین دوران باستان تا بعد از اسلام و همیشه، جاها و محل‌هایی برای انجام عملیات ورزش‌های سبک و پهلوانی خود داشته‌اند.

مثلاً گزنفون Xenophon در کتاب خود به نام Anabasis می‌نویسد: «جوانان در دوره هخامنشی‌ها در فضای باز و گشاده، تحت توجه معلمین مخصوص آموزش و پرورش بدنی می‌بینند». با استناد به اشعار تاریخی شاهنامه فردوسی (سده چهارم قمری)، ملاحظه می‌شود که در آغاز دوره ساسانیان نیز جوانان در محل‌هایی مخصوص زیر نظر پهلوانان آموزش ورزشی و پهلوانی می‌دیدند.

در تاریخ اساطیری و پهلوانی ایران رستم پهلوان پهلوانان خود یکی از مربیان بوده است و کاووس شاه سیاوش را جهت تربیت به رستم می‌سپارد و او فنون مختلف ورزشی و دلاوری و راستی را به او می‌آموزد.

سفارش کتاب مینوی خرد

در باب ۴۳ کتاب مینو خرد به زبان پهلوی به همه سفارش شده است تا خود را به جامه اطمینان و اعتماد به نفس (یعنی پوشیدن شلوار کشتی) و دانش بیارایند و سپر راستی در دست گیرند و با گرز شکرگزاری و کمان آمادگی با آنچه مظاهر اهریمنی است جنگ کنند.

به خوبی آشکار است که سنگ و میل و کباده چه همانندی و مقارنه‌یی با آن سه آلت جنگی و همچنین ورزش کشتی با کشتی در زورخانه‌ها و عملیات با آن آلات چه ارتباط نزدیکی با این دستور کتاب مینوی خرد پهلوی از عهد باستان دارد. خبر و تفصیل کشتی گرفتن و رونق پهلوانی در بخش اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی مشاهده می‌شود.

به کشتی گرفتن نهادند سر گرفتند هر دو دوال کمر

ورزش باستانی در دوران اسلامی

در دوره تمدن اسلامی، بخاطر دوام آیین پهلوانی اسطوره‌های تازه‌ای درباره منشأ این آئین پدید آمد و آن را با اسلام پیوند دادند. ولی این پیوند خالی از ریشه‌های تاریخی نیست. به ظاهر برمی‌آید که در آسیای غربی از زمانی بسیار کهن، آدابی نظیر جوانمردی وجود داشته است، ولی آنچه محقق است این است که حتی پیش از اسلام، در دوران جاهلیت، آئین فتوت در عربستان وجود داشته است و حضرت علی(ع)

ظاهراً نخستین مسلمانی است که بدین لقب مفتخر آمده است (واعظ سلطانی، ص هشت و نه).

در کتاب مجمل‌التواریخ والقصص که زمان تألیف آن کتاب قرن پنجم هجری بوده است، درباره وجود پهلوانان پایتخت‌ها و جهان پهلوانان و ذکر واژه نوحاسته که از اصطلاحات کشتی پهلوانی و زورخانه مطالبی آمده است. در کتاب هدایه‌المتعلمین که در قرن چهارم قمری تألیف شده است درباره سنگ گرفتن و کمان گروهه کشیدن و ذکر اهمیت کشتی نوشته شده است. این منابع از امکان وجود محل‌هایی حکایت می‌کنند که در آن مکان‌ها ورزش‌های پهلوانی و باستانی صورت می‌گرفته است.

آیین‌های پهلوانی، مکتب فتوت (جوانمردی)، جنبش‌های عیاری و شاطری با طی مقامات و مراتب بستن لنگ یا پیشبند و برهنه جنگ کردن، شلنگ اندازی و داشتن شرایط مستعد بدنی و دلیری و بستن زنگ از دیگر مواردی هستند که در پیوند با ورزش زورخانه دارای آگاهی‌های تاریخی هستند.

در مقدمه فتوت‌نامه سلطانی آمده از شرایط گرویدن به آیین فتوت در دوره رواج عیاری بعد از اسلام، یکی داشتن نیروی بدنی کافی و پرداختن به ورزش‌های جسمانی و آماده شدن برای جنگ و مبارزه بود و کسانی که در آن روزگار به این آیین می‌گرویدند، نیرومند ساختن تن خویش و آماده شدن برای مبارزه و ستیزه را جزء اولین وظایف خود می‌شمردند.

پیوستن الناصر لدین‌الله (از خلفای عباسی) به گروه جوانمردان و در برکردن سراوایل فتوت (شلوار کستی یا کشتی) جزء وقایع بسیار بزرگ و قابل ملاحظه تاریخ فتوت است. این خلیفه به کار و کردار جوانمردان به چشم تحسین می‌نگریست. نشانه زدن با کمان گروهه، بازی در حمام (چاله حوض بازی) که تا چهل سال پیش از بازی‌های

تمرینی مخصوص ورزشکاران زورخانه‌یی بود و دیگر کارهای جوانمردان و ورزش پیشه‌گان را دوست می‌داشت.

بی‌گمان رواج روی آوری مردم در آن دوره به گروه‌های جوانمردان و ورزشکاران و پیوستن الناصرالدین‌الله به گروه فتوت در حدود هشتصد سال پیش نمی‌تواند با وجود ورزش‌خانه‌های پهلوانان و عیاران با ویژگی‌های زورخانه‌یی بی‌ارتباط باشد، اگرچه دلایل متعدد سیاسی داشته باشد.

بنابر خبر *بدایع الوقایع*، کشتی گرفتن پهلوان درویش محمد با پهلوان علی در روستای حوض باغ زاغان هرات در حضور سلطان تیموری، حسین بایقرا، و زعما و اهالی شهر از رواج گود و زورخانه در قرن نهم قمری حکایت دارد. کشتی گرفتن در حوض خالی شده از آب نشانه عادت پهلوانان آن عصر به عملیات ورزشی و کشتی در گود است. همچنین ادعای پهلوان علی روستایی در مورد به هرات آمدن و به زمین زدن پهلوان سرتکیه‌نشین این شهر، لنگرگاه‌ها را به عنوان جایگاه‌های پهلوانان و هم این عقیده را که احتمال دارد که زورخانه هم دریکی از محل (زاویه)‌های هر لنگرگاه (تکیه) بوده باشد، تأیید می‌کند. شرح مفصل آداب کشتی‌گیری در باب ششم *فتوت نامه سلطانی* نمودار آن است که این کار، بدون وجود مکتبی و محلی که بشود در آن تعلیمات فتوت‌نامه‌ها و دستورات کهنه سواران را آموخت و دوره فراگیری فنون کشتی و مراتب پهلوانی را گذراند، ممکن نبوده است.

فراز و فرودها در دوران اخیر

درخصوص تاریخ ورزش باستانی معاصر، مرحوم زنده یاد حسین پرتو بیضایی کاشانی نوشته است: «تاریخی که ورزش جدید توأم با فرهنگ جدید در کشور ایران شیوع یافت زمانی است که جمعی از جوانان کشور به آموختن ورزش‌های

جدید پرداختند». وی اشاره می‌کند از آنجائیکه بالطبع هر جدیدی قدیم را تخطئه می‌کند جوانانی که برای سفر به اروپا رفته بودند و با ورزش‌های غربی آشنا شدند. با مشاهده امکان و آلات و اسباب ورزش جدید در خارج از ایران و مقایسه آن با زورخانه‌های قدیمی ساز ایرانی به کلی قلم نسخ بر ورزش باستانی کشیده و ورود به زورخانه و اختلاط با اهل آن را صحیح نمی‌شمردند در صورتیکه هنوز زورخانه‌های سرخانه که رجال قبل گذشته و پدران همین جوانان ساخته بودند از بین نرفته بود و مسلم است که ورزشکاران قدیم نیز ورزش جدید را به همین چشم می‌دیدند و به حساب نمی‌آوردند». همین امور باعث شد که ورزش باستانی در اواخر قرن سیزده قمری یعنی از چهل سال قبل رونق سابق خود را از دست داد و وارد جاده انحطاط شد. البته پدیده غرب زدگی و خودباختگی فرهنگی خاص ایران نبوده است و کلیه ممالک اسلامی و دیگر کشورهای قاره آسیا، آفریقا و امریکای لاتین را نیز دربرداشته است. این روند را درخصوص ورزش‌های سنتی دیگر کشورها نیز شاهد هستیم که در بخش‌های دیگر این رساله به تحلیل و بررسی آن پرداخته خواهد شد.

جشن هزاره حکیم فردوسی در سال ۱۳۱۳ که به همت انجمن آثار ملی برگزار شد، موجب گردید که در تمامی ولایت یا استانها ورزش باستانی جزء مراسم و جشن‌ها قرار گیرد. استاد عطاءالله بهمنش نویسنده و کارشناس ورزش معتقد است، ورزش باستانی به جهت دو عنصر آمیختگی با مذهب و عرفان اسلامی و فتوت و همچنین برگرفتن از اشعار حماسی حکیم ابوالقاسم فردوسی و روحیه دلاوری و پهلوانی مجدداً با تشکیل انجمن ملی تربیت‌بدنی و پیشاهنگی در طی سالهای ۱۳۱۳ به بعد مورد توجه واقع شد.

پرتو بیضایی همچنین اشاره می‌کند با تشکیل ادارات تربیت‌بدنی که موسسات

جدیدی به حساب می‌رفت نوعی اصلاح در زورخانه‌ها ایجاد شد و تا سرحد امکان وسایل ورزشی جدیدی که در زورخانه‌ها هم قابل استفاده بود به زورخانه‌ها انتقال یافت. مانند: وزنه، فنر، دنبل، هالتر و بعضی از حرکات نرمشی که جزء ورزش‌های قدیم بود. نام زورخانه به باشگاه و ورزشگاه تغییر داده شد و شعارهایی از قبیل «عقل سالم در بدن سالم، و ز نیرو بود مرد را راستی» روی تابلوی زورخانه‌ها رایج شد.

وی اشاره می‌کند در آن ایام در زورخانه بازارچه مروی در تهران وسیله بازی ژیمناستیک فراهم شده بود. ورزشکاران بعد از لخت شدن و قبل از ورود به گود به وسیله آن دستگاه به اصطلاح خود را گرم می‌کردند و بعد وارد گود می‌شدند.

پرتو بیضایی می‌نویسد: با تأسیس انجمن تربیت‌بدنی و جمعیت‌های پیشاهنگی و احداث میدان‌های ورزش در تهران و ولایات چون آن رادمردان مصلح به کلیه مظاهر باستانی ایران علاقه داشتند ورزش قدیم را نیز همراه با ورزش جدید وارد اجتماع کردند و در هریک از جشن‌ها و نمایش‌ها، ورزش پهلوانان زورخانه نیز دعوت و با تنکه‌های پهلوانی قدیمی وارد میدان‌های ورزشی شدند و موجودیت این ورزش نیز مانند سایر امور کشور تقویت گردید و نام زورخانه و ورزش باستانی که نزدیک به فراموش شدن بود در مطبوعات کشور منعکس گشت و این رویه تا شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت.

یکی از قدم‌هایی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ برداشته شد و موجب تجدید حیات ورزش باستانی شد اجرای برنامه ورزش باستانی در رادیو تهران بود. که ورزشکاران زورخانه را جانی تازه داد و مطابق آن اداره تربیت‌بدنی اصلاح وضع داخلی زورخانه‌ها را آغاز کرد. در ولایات غالب زورخانه‌ها به ثبت رسمی رسیدند و امتیاز آن به یکی از

پیشکسوتان یا پهلوانان داده شد (برای آگاهی بیش‌تر: پیوست شماره ۴- اطلاعات کلی زورخانه‌های کشور).

انتخاب پهلوان پایتخت که به قول آقای پرتو بیضایی از دیرزمان موقوف شده بود مجدداً معمول شد. بازوبند پهلوانی چنان ارج و احترامی یافت که همه ساله به بازوی پهلوان کشور بسته شد و احداث زورخانه‌های عمومی - خصوصی و ویژه (مربوط به نهادها و ارگان‌ها) توسعه پیدا کرد که می‌توان به احداث زورخانه بانک ملی و زورخانه شعبان جعفری (زورخانه شهید فهمیده کنونی) اشاره کرد. که این دو زورخانه میزبان بسیاری از هیأت‌های عالیرتبه کشورها و رجال سیاسی بوده است.

برگزاری مراسم جشن‌های چهارم آبان نیز در دو مرحله تأثیر مختلفی داشته است. از یک طرف در پیش از انقلاب اسلامی موجب توجه به ورزش باستانی بود و از طرف دیگر چون سردمداری این حرکت به عهده شعبان جعفری، از عوامل کودتای ضد دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود تأثیر نامطلوبی بر ذهن بسیاری از انقلابیون و حتی کسانی که بر مسند مدیریت کشور و دستگاه‌های فرهنگی بودند، برجای گذاشته بود. این امر عدم توجه مطلوب بر این ورزش سنتی و حمایت جدی از گسترش آن‌را به همراه داشت. از سوی دیگر رشد و گسترش ورزش‌های رسانه‌ای و ورزش‌های موجود در برنامه‌های بازی‌های آسیایی و المپیک و مسابقات بین‌المللی و نبود یک ساختار بین‌المللی بر ورزش باستانی از دلایل اصلی افت ورزش باستانی در مقایسه با پیشرفت سایر ورزش‌ها در کشور بوده است.

شایان ذکر است در این خصوص ژاپنی‌ها برای گسترش ورزش ملی خود مانند جوجیتسو^۱ (جودو)، ضمن ایجاد ساختار بین‌المللی درخصوص توسعه

۱. Jujitsu

این ورزش در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز نظامی خود به توسعه و ترویج زیربنایی این ورزش سنتی و ملی خود اهتمام کردند و با استاندارد کردن آن در کشورهای دیگر جهان کوشیدند. ژاپنی‌ها در بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ توکیو برای اولین بار ورزش جودو را وارد برنامه بازی‌های المپیک کردند و یک ورزش آسیایی به المپیک راه یافت. ژاپنی‌ها در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی به مقام پانزدهم رده‌بندی کشورها دست یافتند. سپس با طراحی برنامه طلایی خود برای بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ هدف خود را دستیابی به مقام پنجم رده‌بندی جهان عنوان ساختند. اما ژاپن در بازی‌های المپیک ۲۰۰۴ آتن طی چهار سال به این برنامه طلایی خود دست یافت و مقام پنجمی رده‌بندی جهان را کسب کرد که بیش‌ترین سهم مدال‌های ژاپن مربوط به ورزش جودو بوده است و این در حالی است که تا تاریخ تدوین این رساله هنوز ورزش باستانی ما در برنامه آموزشی دانشگاه‌های ما جایگاهی ندارد.

اخیراً آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۲ نسبت به تشکیل انجمن ورزش باستانی مدارس اقدام کرده است. و هیئت‌های ورزشی در استان‌ها با کم‌ترین بودجه و امکانات فعالیت می‌کنند. هیئت‌های ورزش باستانی در نیروهای مسلح نیز به سرنوشت سایر هیئت‌ها روبرو هستند و بودجه و اعتبار فدراسیون ملی ورزش باستانی نیز در بین فدراسیون‌های ملی بس ناچیز است (به پیوست مراجعه شود).

آمار دیگری که درخصوص تبیین وضعیت موجود ورزشکاران زورخانه‌ای اطلاعات ناقصی می‌دهد. آمار بیمه شدگان فدراسیون پزشکی ورزشی کشور است که می‌تواند قابل تامل باشد (به پیوست مراجعه شود).

به‌طورکلی می‌توان مشکلات موجود ورزش باستانی را به شرح زیر جمع‌بندی

کرد:

- نبود ساختار بین‌المللی برای این ورزش تا مهرماه سال ۱۳۸۳
- فعال نبودن انجمن ورزش باستانی مدارس تا سال ۱۳۸۲
- فعال نبودن انجمن ورزش باستانی دانشگاه‌ها تا زمان نگارش این رساله
- نبود برنامه آموزشی مدون این ورزش در برنامه آموزشی دانشگاه‌ها
- نبود یک برنامه آموزشی مدون و علمی برای آموزش ورزش باستانی
- نبود مسابقات جذاب و بین‌المللی برای ورزش‌های زورخانه‌ای
- سهم ناچیز پخش تلویزیونی رویدادهای ورزش باستانی در مقایسه با دیگر برنامه‌های ورزشی
- فرسوده بودن بافت ساختمان‌های زورخانه‌های کشور که بنا به پژوهش سال ۱۳۵۴ نیاز جدی به بازسازی داشته است.
- نبود حمایت جدی و تخصیص اعتبار مناسب برای توسعه این ورزش در داخل کشور
- ناکافی بودن درآمدهای مردمی (سردم) برای اداره زورخانه‌ها که منجر به تعطیلی بسیاری از این زورخانه‌ها گردیده است.
- بیمه نبودن مرشدان و مدیران زورخانه‌ها و نبود تأمین مالی و اجتماعی لازم
- نازل بودن تعداد آمار ورزشکاران بیمه شده ورزشکار باستانی
- عدم انجام رویدادهای جذاب مانند برگزاری لیگ بین زورخانه‌ها^۱ که

۱. شایان ذکر است براساس مصوبه شورای ورزش در سال ۱۳۷۳ کلیه فدراسیون‌ها موظف بوده‌اند نسبت به برگزاری مسابقات لیگ خود اقدام نمایند. اما تنها در سال ۱۳۸۳ بنا به پیشنهاد محقق، اداره کل تربیت بدنی استان کرمانشاه با حمایت مدیرکل استان جناب آقای بیگلری موفق به برگزاری اولین دوره مسابقات لیگ زورخانه‌های استان کرمانشاه به نام جام زنگ ولایت شد.

این رویداد می‌تواند در تقویت تعلق گروهی و هویت محله‌ای مؤثر واقع شود.

- نبود جایگاه مناسب زورخانه‌ها در طراحی هویت محله‌ای و شهری در طراحی‌های جدید نظام‌های جامع معماری و شهرسازی

- سهم ناچیز کمک‌های مالی و حمایت‌های معنوی شهرداری‌ها از زورخانه‌های محلات

- کاهش سهم اصناف در ایجاد و نگهداری زورخانه‌ها (در گذشته بسیاری از زورخانه‌ها توسط اصناف ساخته و اداره می‌شد مانند زورخانه سنگ‌تراشها و صندوق‌سازان و...)

- سهم بسیار ناچیز دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی در معرفی ابعاد مختلف علمی و فرهنگی ورزش باستانی

- کمبود نیروی انسانی ماهر و واجد شرایط (مرشد، مدیر، مربی، کارشناس)

- نبود برنامه‌های جامع برای تأمین و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز

- ساختار ضعیف اداری و تشکیلاتی هیأت‌ها و زورخانه‌ها

- تغییر شغل مراکز تهیه و تولید ابزار آلات و ادوات ورزش باستانی و کاهش

بازار تقاضا به دلیل نبود برنامه‌های حمایتی برای توسعه این ورزش در داخل و خارج از کشور (تا زمان نگارش این رساله)

فراملی شدن ورزش باستانی

در راستای اجرای رهنمود و تأکید مقام معظم رهبری درخصوص احیاء و گسترش ورزش‌های زورخانه‌ای این میراث ارزشمند فرهنگی و معنوی نیاکان و ضرورت

فراملی شدن آن به حول وقوه الهی فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای IZSF درمهر ماه سال ۱۳۸۳ تشکیل شد. تأسیس این فدراسیون توسط سازمان تربیت‌بدنی و کمیته ملی المپیک درمحل آکادمی ملی المپیک با حمایت نمایندگان از ۲۲ کشور جهان روبرو شد. پیرو درخواست فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای هیئت محترم وزیران نیز با توجه به مصوبه شماره ۱۴۲۸۹ / ۲۲۴۸ مورخ ۸۴/۳/۹ مبنی بر تاکید بر تداوم گسترش ورزش‌های زورخانه‌ای موافقت کرد: سازمان تربیت‌بدنی کمک‌های لازم را از محل منابع داخلی خود و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور راه‌های کمک به گسترش این ورزش را بررسی کنند. در این راستا به ضرورت بازنگری درسیاست‌های اداری و اجرایی و ارائه راهکارهایی برای گسترش این ورزش در سطح ملی و عرصه‌های بین‌المللی پرداخته می‌شود.

تبیین موضوع:

۱. چرا ورزش زورخانه‌ای باید توسعه‌یابد؟

ورزش باستانی زورخانه‌ای یک میراث فرهنگی و معنوی ورزشی است. این ورزش دارای ساختار ورزشی مناسب، فرهنگ، آداب و رسوم مبتنی بر فتوت، جوانمردی، صفا و ادب در میان ایرانیان است. ورزش زورخانه‌ای به عنوان یک ورزش و ابزار تربیتی مناسب است. علاوه بر این باتوجه به آثار مثبت ورزشی آن توسعه و ارتقاء جایگاه مناسب‌تر این ورزش در جامعه امروزی یک ضرورت است.

۲. با توسعه این ورزش چه مشکلی حل خواهد شد؟

توسعه ورزش باستانی زندگی بهتری را برای مردم مهیا می‌سازد و برای سلامتی

جسمی و روحی و عاطفی و بهزیستی مردم موثر است؛ از جنبه‌های فرهنگی، هنری و زیبایی شناسانه با ارزش و پرثمر است؛ در تقویت قدرت، استقامت و هماهنگی عضلات اسکلتی بدن موثر و برای آمادگی جسمانی اقشار مختلف مردم مفید است.

۳. این ورزش جای چه چیزی را می‌تواند بگیرد؟

ورزش باستانی می‌تواند به عنوان ورزش و تفریحی سالم جایگزین تفریحات مخرب در جامعه باشد، درغنی‌سازی اوقات فراغت مردم پر ثمر است. در هجوم فرهنگ جهانی و مقابله با سیطره فرهنگ جهانی به عنوان ابزاری مناسب می‌تواند در تقویت هویت ملی و فرهنگی مورد استفاده قرارگیرد؛ به عنوان نمادی فرهنگی شیوه‌ای مناسب برای توسعه فرهنگی و گسترش فرهنگ و زبان فارسی باشد و در تقویت هویت ملی و ایفای نقشی موثر در فرهنگ و تمدن جهانی موثر واقع شود. این ورزش می‌تواند، به عنوان منبعی ارزشمند برای توسعه ورزش همگانی از سوی ایران و کشورهای حوزه تمدنی مشترک، به عنوان یک رشته ورزشی بین‌المللی، ورزش همگانی مورد توجه قرارگیرد.

تبیین وضع موجود:

انقلاب صنعتی علاوه بر ایجاد تغییرات بسیار در زندگی مردم، موجب افزایش سریع نظام‌های ارتباطی جدید شد. در این دوران ایجاد هماهنگی و تلاش برای رسیدن به استانداردهای بین‌المللی در زمینه‌های مختلف و ارائه خدمات و مراقبت‌های سلامتی و ورزشی به عنوان نیازی اساسی، ملموس و محسوس می‌شد. مجموعه این تغییرات، الگوها و روش‌های توسعه محله‌ای، بازی‌ها و

ورزش‌های سنتی را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. با ورود ورزش‌های جدید که عمدتاً مبدأ و منشأ آن کشورهای غربی بود و از پوشش وسیع رسانه‌ای به‌ویژه برنامه بازی‌های المپیک برخوردار بودند و ورزش‌های سنتی را در سایه خود قرار دادند.

در ایران نیز ساختار سنتی جامعه بر اساس الگوهای غربی از سال ۱۳۰۰ به بعد تغییر یافت و موجب گسستگی سنت پهلوانی شد (صابر و مختاری، ۱۳۸۱، ص ۲۸). در این راستا ورزش زورخانه‌ای نیز در دهه‌های گذشته در معرض هجوم ورزش‌های جدید و بین‌المللی قرار گرفت. این ورزش از جهت سخت‌افزاری و دارا بودن محیطی مناسب و جذاب و نرم‌افزاری، داشتن مقرراتی کارآمد، برنامه‌ریزی، مدیریت و ساختار مناسب اداری و اجرایی با مشکل روبرو شد. به طوری که ورزش‌های زورخانه‌ای در رقابت با ورزش‌های جدید از توانایی کم‌تری برخوردار شدند. در نتیجه بسیاری از زورخانه‌های قدیمی تعطیل و در معرض نابودی قرار گرفتند و بعضاً تغییر کاربری یافتند (برای آگاهی بیشتر: حسینی و تبارکی، ۱۳۸۳).

در پژوهش بررسی زورخانه‌های تهران که در سال ۱۳۵۴ انجام یافته است، بیشتر زورخانه‌های عمومی تهران مالکیت استیجاری داشته است. به طور کلی بیش از ۷۰ درصد ساختمان زورخانه‌های تهران، قدیمی و فرسوده بوده و احتیاج به بازسازی اساسی داشته‌اند. آمارها نشان می‌دهد بسیاری از زورخانه‌های محلات به جهت عدم حمایت‌های لازم موفق به جذب مخاطب نشدند. فقدان یک نظام حمایتی، تشویقی و آموزشی از مدیران و مرشدان امکان اداره کارآمد زورخانه‌ها را فراهم نکرد و زورخانه‌ها دچار رکود شده و یا در معرض تعطیلی قرار گرفتند. در کتاب میراث پهلوانی آمده است:

«از سال ۱۳۲۴ که کشتی پهلوانی از (گود زورخانه‌ها) به میدان می‌رود، گود زورخانه

از پهلوان خالی می‌شود. زورخانه اصلی‌ترین پشتیبان و مهم‌ترین محرک اقتصادی خود یعنی پهلوان و مجموعه مناسبات پیوسته به پهلوان را از دست می‌دهد. از این پس زورخانه‌داران حرفه‌ای (ورزش‌کاران گمنام و علاقه‌مند) و مرشدان هستند که زورخانه‌داری می‌کنند».

شایان ذکر است پیش از انقلاب اندکی از باشگاه‌ها و زورخانه‌های بخش خصوصی مورد حمایت قرار داشتند، با این حمایت، زورخانه‌ها از یک مقرری مختصر ماهانه‌ای از سوی دولت که از طریق رییس فدراسیون وقت (شعبان جعفری) پرداخت می‌شد برخوردار بودند که امکان فعالیت‌های جاری آنها را در حد گذران وضعیت عادی فراهم ساخته بود. سید عبدالله سجادی رییس فدراسیون ورزش باستانی و کشتی پهلوانی می‌گوید؛ این کمک بیش‌تر شامل زورخانه‌های تهران بوده است (مصاحبه در شهرستان بم، ۱۳۸۴).

کمک مالی به زورخانه‌ها از سال ۱۳۵۸ قطع شد. عدم حمایت از باشگاه‌های خصوصی و حاکمیت نگاه دولتی به باشگاه‌ها و نگرش انقلابی و زیر سوال رفتن برخی نهادها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی در اوایل پیروزی انقلاب، موجب بروز مشکلاتی در اداره زورخانه‌ها شد. از این‌رو اداره زورخانه‌های بخش خصوصی از محل کمک‌های مالی ورزشکاران و از محل درآمد مردم زورخانه‌ها تأمین می‌شد. با این درآمد ناچیز، از رونق و انجام مناسب فعالیت‌ها باز ماندند و در هجوم گسترده ورزش‌های رسانه‌ای و اقبال عملی مسئولان ورزش از این نوع ورزش‌ها، ورزش‌های زورخانه‌ای به حاشیه رفت. به طوریکه ساختار اداری و اجرایی فدراسیون از توانمندی لازم برای رویارویی با شرایط جدید برخوردار نشد.

شایان ذکر است به دنبال تشکیل کمیته فرا ملی کردن ورزش باستانی در اواخر سال ۱۳۸۰ تلاش‌هایی برای جلب حمایت‌ها از ورزش باستانی آغاز شد، اما با وجود افزایش

اعتبارات سازمان تربیت‌بدنی به‌ویژه در بخش عمرانی متاسفانه طی سال‌های ۸۱-۸۵ مقررات موجود اجازه کمک به زورخانه‌های بخش خصوصی را نداده است و عزمی جدی و زیربنایی از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با وجود مصوبه هیئت محترم وزیران مشاهده نمی‌شود. لذا زورخانه‌های عمومی که توسط مردم اداره می‌شود، همچنان با مشکلات روبرو هستند.

غلامرضا انصاف‌پور در کتاب تاریخ و فرهنگ ورزش باستانی به نقل از ادوارد براون، می‌گوید قدمت زورخانه‌ها به دوران باستان می‌رسد. زورخانه‌ها به عنوان کهن‌ترین باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی جهان در تاریخ ورزش ایران مطرح بوده است. در گذشته بنای زورخانه‌ها در مجاورت بازارها و مراکز اقتصادی قرار داشت و اصناف مختلف نقش مهمی در رونق این ورزش داشتند. در گذشته هر محله‌ای برای خود زورخانه‌ای داشت (کلاهی، ۱۳۵۸). اما متاسفانه این میراث معنوی و فرهنگی ورزشی، به تدریج جایگاه واقعی خود را در ساختار کالبدی طراحی محله‌های شهری جدید از دست داد.

توسعه بی‌رویه خانه‌سازی در شهرها، بسیاری از زورخانه‌ها را نیز در بر گرفت و موجب افول نقش و کارکرد ورزش‌های زورخانه‌ای شد. و زورخانه‌های موجود چه بسا موجب بروز مزاحمت برای خانه‌های همسایگان اطراف شد.

در یک جمع‌بندی علیرغم نگاه حکومتی و حمایتی مثبت از ورزش‌های زورخانه‌ای به‌ویژه نظرات حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و دیگر سران عالیرتبه کشور از ورزش‌های زورخانه‌ای این ورزش از جایگاه مناسب خود در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی (در مقایسه ورزش‌های سنتی دیگر ملت‌های آسیایی) برخوردار نیست. امر احیا و گسترش این ورزش در کشور نهادینه نشده است به طوری‌که تصویر وضعیت موجود اینچنین است:

ورزش‌های زورخانه‌ای در آموزش پرورش، دانشگاه‌ها و نیروهای مسلح از ورزش‌های رایج و توسعه‌یافته نیست. درصد ناچیزی از زمان پخش برنامه‌های ورزشی تلویزیونی شبکه‌های مختلف سیما به تولید و پخش این ورزش ایرانی و اسلامی اختصاص دارد (کمتر از ادرصد). ورزش‌های زورخانه‌ای عضو مجمع عمومی کمیته ملی المپیک کشورمان نیستند و در بازی‌های غرب آسیا، آسیایی و کشورهای اسلامی رسمیت ندارد. طی دهه‌های گذشته حمایت ناچیزی از توسعه ورزش‌های زورخانه‌ای در سطوح ملی و بین‌المللی شده است.

عوامل درونی

نقاط قوت:

- اداره زورخانه‌ها در طول تاریخ خود به عنوان کهن‌ترین باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی جهان بر عهده بخش خصوصی بوده است. در حال حاضر نیز تقریباً اداره تمامی زورخانه‌ها بر عهده بخش خصوصی است و این موضوع نشان دهنده وجود ظرفیت برای توسعه سرمایه‌گذاری در این بخش می‌باشد.

- نظام‌های ورزش باستانی نشان‌دهنده ترکیب کامل حرکات موزون، جوانمردی، زیبایی و نیکی است. این حرکات، ذهن و روح را همانند جسم با خرد، درستکاری و قدرت هماهنگ پرورش می‌دهند.

نقش مثبت این ورزش در نگاهیانی ارزش‌های اخلاقی، قومی و عارفانه و میهن دوستی، وفاداری، شجاعت و فداکاری، انسانیت، تواضع و دیگر خواهی ایرانیان، که نشان دهنده بالاترین سطح آرمان‌هایی است که یک انسان می‌تواند از آنها پیروی کند، چشم‌گیر است. (کندیل جارتیر متخصص کانادایی بازی‌های بومی و سنتی این ارزش‌ها

را بالاترین سطح آرمان‌های انسانی می‌داند).

- نقش تربیتی این ورزش در دعوت از قدرتمندان جهت خدمت به جامعه با تواضع و فروتنی
- گرایش فرهنگی مردم و حمایت مسئولان عالی رتبه نظام و فرزندان و فرهیختگان حوزه فرهنگ
- امکان انجام این ورزش در خانه و پرداختن آن در سنین مختلف
- قابلیت این ورزش برای توسعه و فراملی شدن به ویژه در حوزه‌های فرهنگی و تمدنی مشترک
- قابلیت و نقش مثبت این ورزش در تقویت هویت ملی و همبستگی در بین جوامع ایرانی در خارج از کشور
- قابلیت و نقش مثبت این ورزش در گسترش زبان و ادب فارسی در محیط‌های داخل و خارج از کشور

نقاط ضعف:

- ورزش زورخانه‌ای در دهه‌های گذشته در معرض هجوم ورزش‌های جدید و بین‌المللی و رسانه‌ای در سایه قرار گرفت.
- نبود طرح‌های حمایتی، تشویقی و تخصیص اعتبارات لازم موجب شد تا در برنامه‌ریزی‌های ورزش کشور این ورزش از الویت‌های لازم برخوردار نشود و بیشتر زورخانه‌های بخش خصوصی در اداره خود با مشکل روبرو شده‌اند و در معرض زوال قرار گرفتند (برای آگاهی بیش‌تر: حسینی و تبارکی، ۱۳۸۴).

- نبود آمار و اطلاعات کافی در مورد زورخانه و رویدادهای جذاب و مدلی بین‌المللی برای این ورزش
 - ضعف ساختار اداری این ورزش در سطح ملی و تخصیص اعتبارات بس ضعیف از سوی سازمان تربیت‌بدنی در مقایسه با سایر ورزش‌ها (رجوع شود به آمار میزان تخصیص اعتبار سازمان تربیت‌بدنی طی دهساله گذشته)
 - نبود تعامل مثبت با متولیان سازمان تربیت‌بدنی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و جلب حمایت آنها
 - نبود تعامل مثبت با دستگاه‌های بخش ورزش آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، کمیته ملی المپیک، نیروهای مسلح، صدا و سیما و سایر رسانه‌های ارتباط جمعی
 - بی‌توجهی در انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی در معرفی این ورزش و ابعاد مختلف آن
 - نبود یک ساختار بین‌المللی برای معرفی این ورزش و ایجاد انگیزه برای جذب جوانان به این ورزش
- این عوامل از جمله مسائلی است که موجب شد تا در مقایسه با رشد و توسعه سایر ورزش‌های مشابه، جذب گسترده اقشار مختلف مردم به‌ویژه جوانان و نوجوانان به این ورزش سنتی و آیینی با مشکل روبرو شود.

عوامل بیرونی

تهدیدها:

- ورزشهای زورخانه‌ای ورزش‌هایی مردانه‌اند و عملاً بخشی از جمعیت

فعال از حوزه عمل آن خارج شده‌اند.

- استفاده نکردن از ابزارهای علمی و تکنولوژی‌های نو از منظر رسانه‌های تصویری و تماشاگران در ارائه ورزش باستانی و امور داوری و ارائه نتایج مسابقات

- رقابت نزدیک با سایر رشته‌های ورزش سنتی در رسمیت یافتن و حضور در بازی‌های رسمی منطقه‌ای و قاره‌ای و کشورهای اسلامی

- نبود حمایت‌های مالی لازم در عرصه رقابت با سایر کشورها در مقایسه با حمایت آن کشورها در معرفی ورزش‌های ملی و فرهنگی خود

فرصت‌ها:

- بازشناسی هویت فرهنگی و تعلق اجتماعی در محله‌های شهری یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی و در راستای پیشبرد اهداف استراتژیک مدیریت شهری نقش بسیار مهمی را دارا است.

- زورخانه‌ها می‌توانند از جنبه فرهنگی و اجتماعی، به عنوان میراث فرهنگی ارزشمند نیاکان یکی از عوامل اصلی هویت‌بخش محله‌های شهری با ارائه جذابیت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی خود در شناساندن ارزش‌ها به اهالی محله‌ها حتی به گردشگران نیز مفید واقع شوند.

- در هیاهوی ورزش حرفه‌ای توجه این ورزش به معنویت می‌تواند نقش موثری در پرکردن خلاء موجود ایفا کند.

معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی به سایر ملل

- با توجه به موقعیت فرهنگی ورزش باستانی استفاده، از منابع سایر سازمانها از جمله منابع سازمان میراث فرهنگی و گردشگری چه در زمینه بازسازی و احیاء زورخانه‌ها و چه در زمینه تأسیس زورخانه‌ها در اماکن توریستی میسر خواهد بود.

- نقش مثبت این ورزش در جلوگیری از آسیب‌های ورزشی رایج در برخی از ورزش‌ها مانند وزنه‌برداری، والیبال، بسکتبال، هندبال، ورزش‌های راکتی، شمشیر بازی، پرتاب‌ها و پرش با نیزه در رشته‌های دو و میدانی، تیراندازی و سایر ورزش‌هایی که موجب ضعف تعادل عضلات بدن می‌شود.

- نقش مثبت این ورزش برای کسب آمادگی جسمانی بهتر برای انجام سایر ورزش‌ها

- توسعه ورزش باستانی به عنوان منبع ارزشمندی برای گسترش ورزش همگانی به‌ویژه در ورزش دوران میان سالی و کهن سالی

گروه‌های اجتماعی هدف

- دانش آموزان

- دانشجویان

- ورزشکاران نیروهای مسلح

- دانشجویان خارجی مقیم ایران

- دانشجویان رشته‌های ایران شناسی در خارج از ایران

- ایرانیان و علاقه‌مندان به فرهنگ ایرانی در خارج از کشور
- سایر ورزشکاران رشته‌های ورزشی مختلف مانند کشتی، وزنه‌برداری، رشته‌های رزمی، تیراندازی و رشته‌های اجتماعی والیبال، بسکتبال...

مناطق جغرافیایی هدف

- کشورهای حوزه تمدنی مشترک و آسیای مرکزی، غرب آسیا، آفریقا
- کشورهای اروپایی که دارای جوامع ایرانی علاقه‌مند هستند.
- کشورهای فعال در رشته‌های سنتی و رزمی به طور عام

رسالت طرح

- معرفی ورزش باستانی به عنوان یک ورزش ایرانی - اسلامی به جهان برای معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی ورزش، سلامتی و صلح
- استفاده از فرصت بین‌المللی شدن این ورزش برای توسعه آن در کشور
- توسعه ساختارهای سازمانی و نیروهای انسانی مورد نیاز
- توسعه فرهنگ پهلوانی در ورزش از طریق توسعه ورزش باستانی
- حمایت از فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای تا رسیدن به وضعیت پایدار

چشم انداز تا سال ۱۴۰۲

- تعداد فدراسیون‌های ملی ورزش‌های زورخانه‌ای به ۵۵ عضو خواهد رسید.

- تعداد ۳۰ زورخانه در خارج از ایران ایجاد و فعال خواهد شد.
- افزایش ۳۰۰ درصد بودجه برای زورخانه‌هایی که در ایران فعال خواهند بود.
- ورزشکاران فعال ایرانی ۵۰۰ درصد افزایش خواهد یافت.
- ورزشکاران فعال غیر ایرانی به ۱۰۰۰ درصد افزایش خواهد یافت.
- در هر خانه ایرانی یک جفت میل و یک تخته شنا وجود خواهد داشت.

اهداف راهبردی

- جلب همکاری و به کارگیری ظرفیت‌های مدیریتی، کشورهای فارس زبان
- جلب همکاری و به کارگیری ظرفیت‌های مدیریتی کشورهای منطقه
- جذب و اتصال ورزشهای مشابه در سایر کشورها به فدراسیون بین‌المللی
- جذب و آموزش نیروی انسانی به عنوان محور توسعه
- تدوین زیر برنامه‌های عملیاتی مورد نیاز
- توسعه بر مبنای مشارکت گروه‌های غیر دولتی علاقه‌مند با جهت‌گیری به سوی جذب نیروهای جوان

دوره زمانی

- برنامه در سه مرحله زمانی به اجرا در خواهد آمد: (تقسیم فعالیت‌ها و اهداف میان راهی برای هریک از سه مرحله)
- مرحله اول از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹
- مرحله دوم از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲

مرحله سوم از سال ۲۰۱۲ تا پایان ۲۰۱۵

استراتژی

- توسعه بر مبنای توسعه نیروی انسانی و توسعه نرم‌افزاری ضمن تلاش برای تأمین حداقل نیازهای سخت‌افزاری
- توسعه بین‌المللی بر مبنای حداکثر استفاده از ظرفیت‌های انسانی و مادی کشورهای هدف
- حفظ روح ورزش باستانی
- حفظ محوریت جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور مادر

اهداف اجرایی

- احیا ورزش باستانی در خانواده‌ها و ایجاد زمینه و انگیزه در بین اقشار مختلف مردم برای انجام ورزش باستانی
- افزایش شاخص گرایش به ورزش‌های زورخانه‌ای در کشور طی یک برنامه ۱۰ ساله؛ به‌ویژه در میان دانش‌آموزان، دانشجویان و نیروهای مسلح و بسیج
- توسعه، گسترش و ارزش‌های پهلوانی و بازی‌های جوانمردانه در میان مردم
- غنی‌سازی اوقات فراغت و ارتقاء سلامت عمومی مردم
- افزایش کمی تماشاگران علاقه‌مند به ورزش باستانی به عنوان سرمایه‌های اصلی ورزش

- ارتقاء سطح آمادگی جسمانی و مهارت‌های پایه ورزشکاران ورزش‌های زورخانه‌ای
- افزایش شاخص شرکت‌کنندگان در رقابت‌های ورزش باستانی در سطوح منطقه‌ای، استانی، ملی و بین‌المللی
- ایجاد نظام ملی استعدادیابی ورزشی به منظور کسب موفقیت در میادین بین‌المللی ورزشی
- برگزاری مسابقات ورزش‌های زورخانه‌ای در سطح ملی، قاره‌ای و جهانی و ثبت رکوردهای مربوطه
- تهیه و تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور تأمین و تربیت نیروی انسانی کارآمد و متخصص
- برگزاری لیگ زورخانه‌ها و رویدادهای جذاب در سطوح محله‌ای، منطقه‌ای، استانی و ملی و بین‌المللی
- اجرای سیاست‌های حمایتی مالی و تشویقی از زورخانه‌ها و باشگاه‌های فعال ورزش‌های زورخانه‌ای
- اجرای سیاست و حمایت‌های تشویقی از ورزشکاران، مربیان و مرشدان و مدیران زورخانه‌ها
- تهیه و اجرای طرح‌های پژوهشی، علمی، فرهنگی، هنری و انتشاراتی
- اجرای سیاست‌های حمایتی مالی و تشویقی مشارکت شهرداری‌ها، بخش خصوصی و نهادهای علاقه‌مند در احداث و بازسازی زورخانه‌ها و ایجاد حداقل یک زورخانه استاندارد در محلات

- فرا ملی شدن ورزش باستانی و ایجاد زمینه مناسب جهت حضور جوانان ایرانی در عرصه‌های بین‌المللی ورزشی
- ایجاد انگیزه و افزایش گرایش بیشتر بین ورزشکاران به‌ویژه جوانان
- رونق بخشیدن به ورزش‌های زورخانه‌ای در داخل کشور با انگیزه حضور در رقابت‌های بین‌المللی
- افزایش نقش فرهنگ و تمدن ایرانی و گسترش زبان فارسی در فرهنگ جهانی
- بهره‌گیری از ورزش به عنوان وسیله‌ای جذاب در گسترش صلح و دوستی به‌ویژه در میان جوانان جهان
- کمک به توسعه و احداث زورخانه‌ها در کشورهای مختلف به عنوان «نماد فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی»
- مطرح شدن جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای جهان به عنوان یکی از حامیان ورزش، سلامتی و صلح و دوستی
- تقویت همبستگی و هویت ملی در میان جوامع ایرانی خارج از کشور

برنامه‌های اجرایی اصلی

برنامه توسعه زیر ساخت‌ها

زیر برنامه توسعه و تکمیل و بازسازی زورخانه‌های ایران

زیر برنامه ایجاد زورخانه در قطب‌های توریستی ایران

اجرای طرح‌های فرهنگی و هنری به منظور حفظ میراث معنوی نیاکان و معرفی کیفی این ورزش

برنامه رسانه‌ای

- تخصیص و به‌کارگیری منابع مالی و امکانات بخش تربیت‌بدنی و فرهنگ کشور به منظور تغییر نگرش و افزایش گرایش مردم در جامعه و تبیین سهم این ورزش در توسعه کشور
- پوشش رسانه‌ای و معرفی قهرمانان منطقه‌ای، ملی، قاره‌ای، جهانی در رسانه‌ها
- حمایت و تخصیص منابع مالی از سوی صدا و سیما، سازمان میراث فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و سایر نهادهای علاقه‌مند از تولید فیلم‌های مستند و سینمایی ورزش باستانی
- تبلیغ و معرفی این ورزش در عرصه‌های بین‌المللی به منظور افزایش تعداد اعضای فدراسیون بین‌المللی
- تدوین و اجرای سیاست‌های تشویقی به منظور افزایش انگیزه و توجه مدیران و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی
- تدوین و اجرای سیاست‌های تشویقی به منظور افزایش انگیزه و توجه مدیران و دست‌اندرکاران رسانه‌های ورزشی
- ایجاد نظام اطلاع‌رسانی جامع ورزش باستانی در رسانه‌های چاپی و الکترونیکی

برنامه آموزش

- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، کارآموزی، بازآموزی مناسب، ویژه ورزشکاران، مربیان، مرشدان و مدیران زورخانه‌ها

- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، کارآموزی، بازآموزی مناسب، ویژه ورزشکاران، مربیان، مرشدان و مدیران دانشگاه‌ها، مدارس، نیروهای مسلح
- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب، ویژه دانشجویان خارجی مقیم در ایران
- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب، ویژه مهدهای کودک
- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب، ویژه پارک‌ها (ورزش همگانی)
- تهیه و تولید فیلم‌های آموزشی و انتشارات به زبان‌های مختلف
- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی بین‌المللی در سطوح مختلف

برنامه قهرمانی

- طراحی و برگزاری رویدادهای بین‌المللی در قاره‌های مختلف
- حمایت و تخصیص منابع مالی در برگزاری مسابقات زورخانه‌ای بین محلات، مدارس، دانشگاه‌ها، کارگران، روستاییان، نیروهای مسلح، بسیج و سایر ارگان‌های علاقه‌مند
- تدوین برنامه تشویقی قهرمانان و اهداء تسهیلات تحصیلی آموزش عالی
- فراهم سازی تسهیلات اشتغال ورزشکاران مربیان و مرشدان زورخانه‌ها
- اعطای بورسیه‌های بین‌المللی به ورزشکاران و مربیان و مدیران ورزش‌های زورخانه‌ای در خارج از کشور

برنامه‌های اجرایی فرعی

اجرای طرح‌های پژوهشی علمی و فرهنگی و بکارگیری نتایج برای ارتقای سطح کیفی این ورزش

تهیه نرم افزارهای مورد نیاز اطلاعات و ارزیابی نتایج مسابقات

پوشش مناسب رسانه‌ای در برگزاری مسابقات و رویدادهای ورزش باستانی با استانداردهای فنی مناسب

ایجاد تسهیلات تشویقی جهت ورزشکاران به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان

ایجاد ارتباط موثر با شرکت‌های تبلیغاتی و جلب توجه حامیان مالی

حمایت و تخصیص منابع مالی در برگزاری مسابقات جایزه بزرگ ورزش باستانی و کشتی پهلوانی

برنامه‌های نظارت و ارزیابی

تعیین مسئول ارزیابی طرح

تشکیل جلسات و همایش‌های توجیهی و فنی

تهیه گزارش‌های نوبه‌ای از مراحل مختلف اجرایی طرح

بازنگری و روزآمد کردن طرح

مآخذ

- انصافپور، غلامرضا (۱۳۵۳). تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه رو. مرکز مردم‌شناسی.
- بهار، مهدی (۱۳۵۴). پژوهش بررسی فرهنگی اجتماعی زورخانه‌های تهران. شورای عالی فرهنگ و هنر مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی.
- پرتو بیضایی کاشانی، حسین (۱۳۳۷). تاریخ ورزش باستانی ایران. چاپ جدید انتشارات زوار ۱۳۸۲.
- تندنویس، فریدون (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل حرکتی عضلانی اندام‌های فوقانی در منتخبی از مهارت‌های ورزش زورخانه.
- حسینی، سیدامیر (۱۳۸۵). بررسی نگرش مدیران ارشد و کارشناسان ورزش و امور فرهنگی نسبت به تأثیر ورزش باستانی (زورخانه‌ای در ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه) رساله در حال تدوین برای اخذ درجه دکتری مدیریت ورزش. (Ph. D) آکادمی ملی المپیک.
- ----- (۱۳۸۴). «نقش زورخانه در بازشناسی هویت فرهنگی و تعلقات اجتماعی محله به عنوان پایه و بنیان اجتماع شهروندی». همایش بین‌المللی تاریخ و فرهنگ زورخانه. مشهد.
- ----- (۱۳۸۳). «ورزش باستانی و ارتباط آن با سنت و مدرنیته». همایش مرکز گفتگوی تمدن‌ها. تهران.
- حسینی، سیدامیر؛ تبارکی، عباس (۱۳۸۳). بررسی آماری زورخانه‌های تهران: آکادمی ملی المپیک.

- صابر، هدی و مختاری (۱۳۸۱). میراث پهلوانی. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- عباسی، مهدی (۱۳۸۴). تاریخ کشتی ایران. تهران: سپاس.
- فیثاغورث (۱۳۱۴). سیاحت نامه در ایران. ترجمه یوسف اعتصامی. تهران: کمیسیون معارف.
- کریمی، جواد (۱۳۶۴). نگاهی به تاریخ ورزش جهان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلاهی، محمد هاشم (۱۳۵۸). تاریخ ورزش باستانی شهریزد.
- معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- میل، شنا، کباد، سنگ (۱۳۸۳). همایش بین‌المللی تاریخ و فرهنگ زورخانه. تهران: آکادمی ملی المپیک.
- واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰). فتوت‌نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محجوب، تهران: طهوری.
- F. Cumont (1956), The Mysteries of Mithra, New York.
- M. J. Vermaseren (1963), Mithras, the secret God, London.
- Allen Guttmann at Amherst College in 1991. He was doing socio historical research on the same subject, culminating in 1994 in his much praised book Games and Empires: Modern Sports and Cultural Imperialism.
- Loy, John W. -Department of Sociology and Anthropology University of Rhode Island USA TRADITIONAL PLAYS, GAMES, AND SPORT: FROM LOCALIZATION TO GLOBALIZATION Keynote address given at The First International Conference and Festival on Traditional

- Plays, Games and Sports, Bangkok, Thailand, February 2004.
- World: Unity and Diversity, " International Sociology, 6(2), 131147-.
 - Archer, Margaret S. (1991). "Sociology for One
 - Coleman, James S. (Jan. 1967). "Learning through Games, " National Education Association Journal, 6970-.
 - Dunning, Eric and Kenneth Sheard. (1979). Barbarians, Gentlemen, and Players: A Sociological Study of the Development of Rugby Football. Oxford: Robertson & Co.
 - Loy, John W. (1968). "The Nature of Sport: A Definitional Effort, " Quest, 10, 115-.
 - Ritzer, George. (1996). McDonaldization of Society(rev. ed.). Pine Forge Press.
 - Smith, Anthony D. (1990). "Towards a Global Culture?" Theory, Culture & Society, 7, 171191-.
 - Stone, Gregory P. (1955). "American Sports: Play and Dis-Play, " Chicago Review, 9, 83100-.
 - Stringer, Kortney(Dec. 23, 2003). "Music and Video Give New Life to Old Board Games, " Wall Street Journal, p. B1.
 - Sutton-Smith, Brian(1976). "A Structural Grammar of Games and Sport, " International Review of Sport Sociology, 11(2), 116137-.
 - Van Bottenburg, Maarten(2001). Global Games. Champaign, IL: University of Illinois Press

حضور ایران در صحنه‌های بین‌المللی ورزش

اسماعیل کدخدازاده

ایران به‌طور رسمی در سال ۱۳۲۷ / ۱۹۴۸ با شرکت در بازی‌های المپیک لندن به صحنه بین‌المللی ورزش پا نهاد، اما پیش از آن در سال ۱۲۷۹ / ۱۹۰۰ در دومین دوره از بازی‌های المپیک نوین، یک شمشیرباز که از دانشجویان ایرانی مقیم اروپا بود در این بازی‌ها شرکت کرد و بدین‌گونه در تاریخ المپیک نوین، نام ایران به عنوان یک کشور پیشگام در بازی‌های المپیک، رقم خورد.

بیست و هفت سال پس از تأسیس کمیته بین‌المللی المپیک، یک ایرانی و سپس سه سال بعد، ایرانی دیگری به عضویت این نهاد بین‌المللی پذیرفته شدند.

در اولین بازی‌های منطقه‌ای غرب آسیا در سال ۱۳۱۳ / ۱۹۳۴ دهلی‌نو، ایران موفق به حضور در این بازی‌ها نشد اما در هیئت ریسه فدراسیون بازی‌های غرب آسیا نام دو ایرانی به چشم می‌خورد.

سازمان ورزش ایران در سال ۱۲۹۲ / ۱۹۱۳ شکل گرفت و در پی آن برگزارکنندگان بازی‌های المپیک برلین در سال ۱۳۱۵ / ۱۹۳۶ سی جوان ایرانی را برای شرکت در کنگره جهانی تربیت‌بدنی و اردوی جوانان به برلین دعوت کردند. با مساعی دولت ایران ترکیبی از دانشجویان ایرانی مقیم آلمان و فرانسه در این همایش بزرگ شرکت فعال داشتند.

ورزشگاه امجدیه در سال ۱۳۱۵ به بهره‌برداری رسید و اولین دوره مسابقات

قهرمانی ایران در چند رشته در سال ۱۳۱۸ در تهران برگزار شد که نقطه عطف تاریخ ورزش قهرمانی ایران محسوب می‌شود.

برپایی یک حد نصاب جهانی در وزنه‌برداری در سال ۱۳۲۳، حضور ایران در مسابقات بین‌المللی و بازی‌های المپیک را بیش از پیش مطرح کرد و از این زمان ایران که البته سال‌های جنگ جهانی دوم را سپری می‌کرد، روز به روز به حضور فعال خود در عرصه‌های بین‌المللی ورزش افزود.

ایران در سال ۱۳۲۶ / ۱۹۴۷ به عضویت کمیته بین‌المللی المپیک درآمد و در پی آن در چهاردهمین دوره بازی‌های المپیک در لندن شرکت کرد و اولین مدال المپیک توسط جعفر سلماسی برای کشورمان به ارمغان آورده شد. از آن پس تاکنون ایران در سیزده دوره از بازی‌های المپیک تابستانی و هشت دوره از بازی‌های المپیک زمستانی شرکت داشته است.

گرچه نام ایران در بین کشورهای مؤسس بازی‌های آسیایی و فدراسیون بازی‌های این قاره، به چشم نمی‌خورد، اما کشورمان از پیشگامان شرکت در این بازی‌ها است و تاکنون در یازده بازی آسیایی حضور فعال داشته است.

برگزاری بازی‌های آسیایی در سال ۱۳۵۳ / ۱۹۷۴ در تهران از افتخارات کشورمان محسوب می‌شود.

از جمله موفقیت‌های بزرگی که در این دوره از بازی‌ها نصیبمان شد کسب مقام دوم بازی‌ها با ۸۲ نشان (۳۶ مدال طلا)، مخالفت کمیته برگزارکننده با انجام مسابقه دو ماراتون در این بازی‌ها بنا به دلایل تاریخی، و در نهایت شرکت جمهوری خلق چین برای اولین بار در بازی‌های آسیایی که با اقدامات مؤثر ایران به ثمر رسید.

ایران دو بازی المپیک مسکو ۱۳۵۹ / ۱۹۸۰ و لس‌آنجلس ۱۳۶۳ / ۱۹۸۴ را به دلایل سیاسی تحریم کرد. لیکن از سال ۱۳۶۸ / ۱۹۸۸ تا کنون در پنج بازی المپیک به‌طور متوالی شرکت کرده است.

بازشناسی هویت فرهنگی و اجتماعی ورزش چوگان

بهزاد ایزدی^۱، دکترهاشم کوزهچیان^۲

درآمد

هدف از این مقاله تشریح و تحلیل آغاز و توسعه ورزش چوگان در تاریخ ایران و نیز کاوش پیرامون نقش جاری بازی چوگان در جامعه است. ایرانیان باستان به ورزشهایی نظیر اسبسواری، تیراندازی و بازی چوگان میپرداختهاند. ورزش چوگان به وسیله ایرانیان در بین قرن ششم و قرن اول قبل از میلادی ابداع شد. ورزش چوگان به دو روش پیاده و سواره بازی می‌شود. کودکان آن را پیاده و جوانان و بزرگترها به صورت سواره بازی می‌کنند. به طوریکین، ورزش چوگان بخشی از فرهنگ و هنر ایرانیان است و تأثیر زیادی در تاریخ، فرهنگ و ادبیات دارد. فردوسی شاعر بزرگ ایران در شاهنامه اطلاعاتی در مورد مسابقات چوگان سلطنتی در قرن نهم به ما می‌دهد. در حال حاضر ورزش چوگان مورد توجه جوانان و بزرگترها در جای جای دنیا قرار گرفته است. احیاء و حفظ و باززنده سازی این

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، گروه تربیت بدنی

آیینها و میراث فرهنگی و سرمایه ملی، وظیفه مدیران و رؤسای دولتی است. نقش مدیریت در احیاء این ورزش دارای اهمیت زیاد است. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از برخی منابع و اسناد معتبر و تجزیه و تحلیل واقعیتهای موجود بوده است.

نام و نشان

چوگان^۱ یک ورزش تیمی است که بر روی اسب بازی می‌شود و بازیکنان سعی میکنند که با گل زدن به حریف از آنها امتیاز بگیرند. سوارکاران توپ چوگان را به وسیله یک چوب دسته دار بلند به درون دروازه تیم مقابل ضربه می‌زنند. به چوگان در زبان فارسی پهلوی "چوپ‌گان" و "چوبکان" می‌گفتند. واژه عربی "صولجان" و کلمه فرانسوی "شیکان" (chicane) از فارسی مأخوذ شده است. در تعریف چوگان آورده‌اند: چوب بلند سر کجی که در بازی گوی بکار برند. چوبی که دسته آن راست و باریک و سرش کمی خمیده است و بدان در بازی مخصوصی (چوگان بازی) گوی زنند.

چوگان به عنوان یکی از قدیمیترین بازی‌ها در جهان مطرح است. ورزش چوگان به وسیله ایرانیان در بین قرن ششم و قرن اول قبل از میلادی ابداع شد. این ورزش از ایران به عربستان، چین، ژاپن و تبت گسترش پیدا کرد. در حدود ۷۰۰ سال پیش این ورزش در هندوستان رایج شد. انگلیسیها اولین اروپاییان بودند که در منطقه Assam هندوستان به ورزش چوگان پرداختند. افسران انگلیسی در سال ۱۸۶۳ باشگاههایی در این زمینه تأسیس نمودند و پس از بازگشت به انگلستان باعث ترویج و انتقال آن شدند (هیگاک^۲، ۲۰۰۲).

۱. Polo

۲. Hickok

ریشه تاریخی چوگان در ایران باستان

چوگان یک سنت فرهنگی ایرانی و بخشی از سنن و میراث و هنر ایرانی است که قدمت آن به بیش از ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل در این سرزمین می‌رسد، آغاز و سرمنشأ پیدایش این ورزش به عهد باستان تعلق دارد و نام چوگان نیز از آن دوران به یادگار مانده است. زمینه پیشرفت و ترقی این ورزش از زمان حکومت هخامنشیان در ایران شروع شده است (بیژن، ۱۳۵۰، ص ۲۰۹).

در سرگذشت اسکندر مقدونی به گوی و چوگان به این صورت اشاره شده است که چون اسکندر تصمیم گرفت به ایران حمله کند داریوش سوم پادشاه ایران گوی و چوگان مرصعی برای اسکندر فرستاد تا به جای حمله و کشور گشایی به بازی پردازد. اوج توجه به ورزش چوگان تا قبل از اسلام به عهد ساسانیان بر میگردد. در این زمان بود که چوگانبازی بسیار شیوع و رواج یافت، در کارنامه اردشیر بابکان آمده است که اردشیر نزد اردوان رفت و در نخجیرگاه و میدان چوگان بازی فرزندان وی، شرکت نمود و از آنان گوی سبقت را ربود (سایکس^۱، ۱۳۶۳، ص ۳۵۲).

بهرام گور را نیز که از سلاطین شکار دوست ساسانی است، سه نفر آموزگار داشته است که یکی خواندن و نوشتن، دیگری شکار و سومی چوگان بازی و نیز تیراندازی را به وی تعلیم می‌دادند که در شاهنامه به آن اشاره شده است:

سه موبد نگه کرد فرهنگجوی	که در سورسان بود با آبروی
یکی تا دبیری پیام‌وزدش	دل از تیرگیها برافروزدش
دگر آنکه نخجیر بازان و یوز	بیامرزدش کان بود دل فروز

۱. Sykes

سه دیگر که چوگان و تیر و کمان همان گردش تیر با بدگمان

(فردوسی، ۱۳۶۹، ج. سوم، ص ۳۹۴)

در زمان ساسانیان نیز همانند هخامنشیان ورزش با گوی و چوگان به منظور کسب آمادگی نظامی و سرگرمی معمول و متداول بوده است، حتی در آن زمان میدانهایی نیز برای تماشا و برگزاری مسابقات چوگان ساخته بودند که بیشتر مسابقات جنبه اشرافزادگی داشت و خسرو پرویز برای تماشای مسابقات میرفت. در پایان مسابقات نیز جوایزی اهدا میکردند (بیژن، ۱۳۵۰، ۲۰۹). خسرو پرویز شاهنشاه ساسانی روزهای هر ماه را به چهار بخش تقسیم نموده بود تا هم به کارهای لشکری و کشوری و هم به اوقات فراغت و تفریح و سرگرمی بپردازد، وی نخستین بخش از روزهای هر ماه را به چوگان بازی و تیراندازی اختصاص داده بود حتی برای این کار نیز از متخصصان و استادان نامدار بهره می‌جست (ابراهیم‌پور، ۱۳۵۳، ص ۷). بازی چوگان احتمالاً از ایران و از طریق راه ترکستان و تبت در سالهای میان ۶۶۰ و ۷۰۰ میلادی به چین راه یافته است (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۲۳).

تداوم بازی چوگان در دوره اسلامی

در دوره بعد از اسلام و همزمان با دوران استیلای اعراب، ایرانیها مجالی برای ادامه این بازی باستانی نداشتند ولی تدریجاً در اواخر قرن دوم اسلامی بازی مزبور دوباره احیاء گردید و بسیاری از حاکمان و خلفای عرب با تقلید از اشرافزادگان ساسانی به بازی چوگان روی آوردند. هارون‌الرشید خلیفه عباسی از جمله خلفایی بود که به بازی چوگان علاقه‌های خاص و وافر داشت. در قرن بعد نیز یعنی در زمان عمرولیث صفاری چوگان بازی مورد توجه قرار داشت و خود شخصاً به این بازی می‌پرداخت (سایکس، ۱۳۶۳، ص ۳۵۵). در زیریک فصل از قابوسنامه که حاوی مقررات بازی چوگان است، آورده شده است: «بدان ای پسر که اگر نشاط چوگان زدن کنی مادام عادت مکن که

بسیار کس را از چوگان زدن بلا رسیده است»

بعد از اینکه عبدالملک پادشاه سامانی در حین بازی از اسب میافتد و جان میبازد، سلاطین و بزرگان احتیاط زیادی به خرج میدهند، و این احتیاط و همچنین چگونگی بازی در «قابوسنامه» که یک کتاب تعلیمی است کاملاً به چشم میخورد: «اما اگر در سالی یکی دو بار نشاط چوگان کنی روا دارم اما سواری بسیار کردن نباید که مخاطره باشد. سوار، از جمله، باید که از هشت نفر بیش نباشد پس شاید که تو بر سر میدان بایستی و دیگری به آخر میدان و شش کس در میدان گوی زنند؛ هر گاه گوی به سوی تو آید، تو گوی بازگردان و اسب را به تقریب میبر و در کرّ و فرّ مباحش، تا از صدمه ایمن باشی و مقصود تو نیز از تماشا حاصل آمده باشد، این است طریق چوگانزدن محتشمان» (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲، ص ۹۶).

اوج چوگان در ایران پس از اسلام، به عهد صفوی بر میگردد. شاه عباس به چوگانبازی که از ورزشهای بسیار قدیمی ایران محسوب می شود عشق و علاقه خاصی داشت و هر گاه که از کار جنگ و لشگر کشی فراغت مییافت و یا میخواست مهمانان بیگانه خود را مورد پذیرایی قرار دهد و آنان را سرگرم کند، دستور برگزاری بازی چوگان را میداد. سر انتونی شرلی^۱ درباره چوگان بازی شاه عباس نقل می کند که «شاه در حالی که بوق و کرنا مینوازند وارد میدان می شود و دوازده نفر از همراهان او بدو دسته منقسم و هر شش نفر یک طرف میدان مستقر میگردند. سوارها هر کدام چوبی در دست دارند که سر هریک، قطعه چوب دیگری نصب گردیده است و به چکش شباهت دارد، چابک سواران میکوشند که با این چوب دستیها که آنرا چوگان میگویند گوی را، همانطوریکه در بازی فوتبال انگلستان معمول است، از دروازه حریف خارج کنند (فلسفی، ۱۳۵۳، ص ۳۰۴)

۱. Antony Shirley

شاردن^۱ نیز چوگان بازی در میدان شاه عباس را اینگونه توصیف می‌کند: «برای بازی چوگان چند نفر اسب‌سوار بدو دسته مساوی تقسیم شده و هر دسته‌ای جهد می‌کند که گوی را با چوگان از وسط دو ستون سنگی که در انتهای هر سمت میدان نصب شده است خارج کند و اگر کسی اشتبهاً چوگان را به پای اسب بزند مورد طعن و تمسخر واقع می‌شود. چوگان بازان ورزیده آنهایی هستند که مستقیم و چپ و راست تاخت کنند و غفلتاً نیز برگشته گوی را دنبال کنند، تعداد هر دسته‌ای هم از پانزده الی بیست نفر تجاوز نمی‌کند» (سایکس، ۱۳۶۳، ص ۳۵۷).

کشاورزان انگلیسی در سال ۱۸۵۰ میلادی در ایالت Manipur هندوستان با این ورزش آشنا شدند و نوع جدید و مدرن از آن را در سراسر هندوستان گسترش دادند اما بعد از استقلال هندوستان (۱۹۴۸) از استعمار انگلستان از محبوبیت چوگان کاسته شد و رو به فراموشی سپرده شد. در سال ۱۸۶۹ افسران ارتشی چوگان بازی را در انگلستان شروع کردند، باشگاههای غیرنظامی چوگان توسعه پیدا کردند و قوانینی برای آن وضع شد. چوپانان انگلیسی در سال ۱۸۷۵ ورزش چوگان را به آرژانتین انتقال دادند و در آنجا به خاطر علفزارهای یکنواخت و دسترسی آسان و ارزان به اسب‌های پونی از محبوبیت بالایی برخوردار شد. در سال ۱۸۷۶ بازی چوگان به آمریکا آورده شد و به سرعت مراکز اصلی چوگان در ایالت‌های بوفالو، فیلادلفیا، بوستون، سان دیاگو، شیکاگو و کارولینای جنوبی گسترش یافت. چوگان به وسیله افسران نیروی دریایی سلطنتی در نیوزیلند و در آفریقای جنوبی به وسیله افسران نظامی و در استرالیا به وسیله مهاجران معرفی و نشان داده شد (لوینسن^۲، کریستن سن^۳، ۱۹۹۹، ص ۳۰۵).

۱. Jahne Chardione (۱۶۴۳-۱۷۱۳)

۳. Christensen

۲. Levinson

چوگان در ادبیات و متون تاریخی

ردپای چوگان را میتوان در جای جای تاریخ کهن این سرزمین دید و گواه این ادعا در نزد شاعران و آثار تاریخی ایران زمین است. چوگان بازی از دوره ساسانی تا اکنون در متون فارسی مطرح بوده است، اما در میان منابع فارسی، قابوسنامه عنصرالمعالی (سده ۵ قمری) و آداب الحرب و الشجاعة اثر فخر مدبر (سده ۷ قمری) بیشتر از همه در خور توجه هستند. قابوسنامه ۴۴ باب دارد که عنصرالمعالی باب نوزدهم قابوسنامه را باب «چوگان زدن» نام نهاده است. فخر مدبر مستقیماً به بازی چوگان اشاره نکرده است اما برای اسب چوگان مسیری ترسیم کرده است متشکل از مثلثهای بدون قاعده به هم پیوسته. اسب باید به تاخت این مسیر را طی کند و بر فراز ساق مثلث، چون به زاویه میرسد، روی دو پا بچرخد و از ساق دیگر مثلث فرود آید (آذرتاش، ۱۳۷۵، ص ۲۳).

قدیمیترین ذکری که در کتب تاریخ از چوگان بازی به عمل آمده در کارنامه اردشیر بابکان است. فردوسی در داستانهای شاهنامه، نشان می‌دهد که بازی چوگان از قدمت بیش‌تری برخوردار است و از زمان پیشدادیان و ادوار ماقبل هخامنشی این بازی رواج داشته است. برای روشن شدن موضوع چند بیت از شاهنامه فردوسی راجع به چوگان بازی سیاوش در زیر آورده شده است:

سیاوش چنین گفت کای نامجوی	از ایشان که یارد شدن پیش گوی
همه ار شاهنشد و تنها منم	نگهبان چوگان اینها منم
گر ایدونکه فرمان دهد شهریار	بیارم به میدان ز ایران سوار
مرا یار باشند بر زخم گوی	بر آن سان که آئین بود بر دو روی

سپهد چو بشنید زو داستان	بر آن داستان گشت همداستان
سیاوش ز ایرانیان هفت مرد	گزین کرد شایسته کارکرد
خروش تبیره زمینان بخواست	همی خاک با آسمان گشت راست
از آوای صنج و دم کمر نای	تو گفتی بجنبید میدان زجای
فکندند گوئی بمیــدان شاه	برآمد خروش دلیران بـــماه
سپهدار گوئی ز بــــالا بزد	بابر اندر آمد چنان چون سزد
سیاوش برانگیخت اسب نبرد	چو گوی اندر آمد به پیشش بگرد
بزد هم چنان چون به میدان رسید	بر آن سان که از چشم شد ناپدید...

(فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۱).

هرودت^۱ (۴۸۴-۴۲۵ قبل از میلاد) نویسنده یونانی در مورد تعلیم و تربیت ایرانیان دوه باستان به این نکته اشاره می‌کند که در رأس برنامه‌های آموزشی ایرانیان به فرزندان خود، اسبسواری، تیراندازی و راستگویی قرار داشته است و بازی چوگان مانند شکار کردن جزو تعلیمات فنی جنگی برای کسب آمادگی جسمانی و تقویت بنیه نظامی جنگجویان به کار گرفته می‌شد، در ضمن شروع بازی‌های رسمی با تشریفات خاص و ساز مخصوص به خود بوده است. گزنفون^۲ (۳۰۴-۳۵۲ قبل از میلاد) در مطالعات خود به ورزشهای متداول در ایران باستان همچون چوگانبازی، کشتیگیری، اسبسواری، پیاده‌روی، دو، تیراندازی پیاده و سواره، زوبینافکنی، شمشیربازی، پرش و شنا اشاره می‌کند و در مورد اسب و اسبسواری خاطر نشان می‌سازد که فراگرفتن فنون اسبسواری جزئی از قوانین کشوری و لازمه بوده است (آیریا، بهرام، ۱۳۶۴، ص ۲۷۷).

۱. Herodotus

۲. Exnophon

اولین تحقیقات سده ۱۹ که در زمینه ورزش چوگان صورت گرفته است مربوط به پژوهشگران اروپایی نظیر کاتمر^۱، یول^۲، برنل^۳، سایکس، اینو استرانتسلف وهانری ماسه^۴ است. کاتمر (۱۸۳۷-۱۸۴۵ م) در ترجمه کتاب السلوک لمعرفه دولالملوک مقریزی به فرانسه به چوگانبازی امیران سرزمینها اشاره کرده است. یول و برنل (۱۸۸۶ م) در کتاب فرهنگ انگلیسی- هندی درباره سابقه تاریخی چوگان تحقیقاتی انجام دادند. سایکس در آغاز قرن ۲۰ میلادی با استناد به داستانهای چوگانبازی در شاهنامه فردوسی و خسرو و شیرین نظامی و باب چوگان زدن از قابوسنامه عنصرالمعالی، اشعار خیام و حافظ که به چوگان اشاره دارند، تاریخچه‌های از چوگان همراه با دو مینیاتور در کتاب ده هزار مایل در ایران منتشر کرد. اینو استرانتسلف در اوایل قرن ۲۰ میلادی به بازی چوگان و نقش آن در تفریح و ورزش برای کسب آمادگی جسمانی و تقویت توان سواری و رزم جویی در حکومت ساسانیان اشاره کرده است. هانری ماسه نیز در تکمیل تحقیقات پیشین به چند شعر دیگر که در مورد چوگان سخن به میان آورده بودند در مقاله خود آورده است (آذرتاش، ۱۳۷۵، ص ۲۳). پرفسور کارل دیم^۵ آلمانی بزرگترین محقق و مورخ ورزشی در پژوهشهای خود به رایج بودن ورزشهایی در ایران باستان که موجب تنومندی و زورمندی میگردد از قبیل کشتی، اسب سواری، چوگان، پرتاب سنگ و نیزه اشاره دارد (بهنامفراز، ۱۳۶۴).

میادین و قوانین بازی

آثار تاریخی چوگانبازی از سده دهم تا دوازدهم مهر تأییدی بر ایرانی بودن چوگان داردیکی از این آثار، تنگ چوگان در نزدیکی شهرستان کازرون است که از قدیمی ترین

۱. Quatremere

۴. Hanry Mase

۲. Yule

۵. Carl Dem

۳. Burnel

میادین (قرن سوم میلادی) چوگان ایران به شمار می‌رود ولی مهمترین آنها، میدان چوگان نقش جهان (میدان امام خمینی) در شهر اصفهان است که دروازه‌های سنگی آن در شمال و جنوب میدان نقش جهان خود نمایی میکنند و ابعاد آن (طول تقریبی ۵۰۷ متر و عرض ۱۵۸ متر) سرمشق همه محوطه‌های چوگان در سراسر جهان شده است و به عنوان بزرگترین میدان چوگان ایران در زمان صفویه دارای شهرت جهانی است که قدمت آن به ۴۰۰ سال (سده یازدهم) می‌رسد.

در ایران باستان، چوگان بازی بیشتر برای کسب آمادگی جسمانی، تفریح، مسابقه و سرگرمی به دو صورت پیاده و سواره انجام می‌گرفت. چوگان پیاده در زمان لشکر کشی نادر شاه به هندوستان رواج یافت. در واقع ورزش‌هایی امروزی که کشورهای هند و پاکستان پیشگامان آن هستند و ورزش گلف که در کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا رواج دارد از ورزش چوگان پیاده نشأت گرفته است. نوع دیگر بازی گوی و چوگان نیز عبارت از آن بود که گوی را در هوا می‌زدند و وقتی که گوی از یک طرف به هوا پرتاب می‌شد، افراد تیم حریف می‌بایست قبل از فرود آمدن آن گوی را در هوا بزنند (برزگر، ۱۳۵۰، ص ۵۷).

چوگان ورزشی تیمی است که بازیکنان آن سوار بر اسب، توپ یا گوی را توسط چوب چوگان به طرف دروازه تیم مقابل هدایت میکنند، هدف از این بازی به ثمر رساندن گل است. وارد نمودن توپ به دروازه تیم حریف توسط سوارکاران امتیاز محسوب می‌شود. گل‌های به ثمر رسیده در صورتی که بازیکن سوار بر اسب باشد، پذیرفته میشوند (لوینسن^۱، کریستن سن^۲، ۱۹۹۹، ص ۳۰۵).

اگر بازی چوگان در فضای باز انجام شود، هر تیم متشکل از چهار نفر است، در صورتی که در سالن سرپوشیده مخصوص چوگان باشد، هر تیم تنها سه بازیکن دارد.

۱. Levinson

۲. Christensen

بازی در مقاطع زمانی هفت دقیقه‌ای که اصطلاحاً "چوکه" نامیده می‌شوند، انجام می‌گیرد. مدت زمان استاندارد بازی شش چوکه است، اما بسته به قوانین مسابقات در برخی از بازی‌ها چهار یا هشت چوکه هم مشاهده می‌شود. در چوگان داخل سالن، چوکه‌ها معمولاً شش دقیقه‌ای هستند.

همانگونه که قبلاً اشاره شد، این بازی متشکل از شش مقطع زمانی هفت دقیقه‌ای است که اصطلاحاً "چوکه" نامیده می‌شوند، در فواصل بین چوکها که چهار دقیقه است، بازیکنان در صورت نیاز اسب‌های خود را تعویض می‌کنند. بین دو نیمه یک زمان استراحت ده دقیقه‌ای نیز وجود دارد. بازی تنها در صورت وقوع خطا و آسیب‌دیدگی اسب یا سوارکار توسط داوران متوقف می‌شود. هر مسابقه چوگان توسط دو سرداور که سوار بر اسب هستند و یک داور کنار زمین که تصمیم‌گیری نهایی را بر عهده دارد، قضاوت می‌شود.

خلاصه‌ای از قوانین ورزش چوگان: پایه گذار این قوانین در سه کشور انگلستان، آمریکا و آرژانتین به ترتیب Harlingham club، انجمن چوگان آمریکا و انجمن چوگان آرژانتین می‌باشند که همگی آنها در مبنا و اصول اولیه مشترک می‌باشند و فرق چندانی با هم ندارند.

مشخصه‌های زمین چوگان

چوگان در دو زمین بزرگ (میدان) و کوچک (مانژ) به ترتیب با طول و عرض به ابعاد ۲۷×۱۴ متر و ۹۱×۴۶ متر برگزار می‌شود، سرعت و قوانین بازی در دو زمین کوچک و بزرگ متفاوت است (البته در کشور آمریکا و آرژانتین این ابعاد کمی از استاندارد رایج بزرگتر می‌باشد).

طول دروازه زمین بزرگ: ۷ متر.

طول دروازه زمین کوچک: ۳ متر.

اسب در ورزش چوگان: در ورزش چوگان معمولاً از اسب‌های کوتاه قد استفاده می‌شود، بدین منظور پونیه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و در یک بازی معمولاً از یک اسب حداکثر در دو چوکه استفاده می‌شود، البته باید بین آنها یک چوکه استراحت به اسب داده شود و سپس چوکه دوم خود را آغاز کند.

شیوه ورزش چوگان:

قطع مسیر سوارکاری که در طول مسیر خود در حال گوی زدن است و با این حرکت حریف را به مخاطره بیندازد
ضربه زدن از جهت مخالف.
سوارکاری و یا زدن ضربه به شکلی خطرناک که برای سایر سوارکارها ایجاد خطر نماید.

انواع جریمه‌های بازی چوگان:

احتساب یک گل برای تیم مقابل در صورت برخورد خطرناک و یا خطای عمد در نزدیکی دروازه.
زدن یک ضربه آزاد از فاصله ۲۷ متری در جهت مخالف دروازه و قرار گرفتن مدافعان در پشت خط دروازه؛ قابل به ذکر است که زمانی مدافعان حق دخالت دارند که ضربه زده شود
زدن یک ضربه آزاد از فاصله ۳۶ متری با همان شرایط.
زدن یک ضربه آزاد از فاصله ۵۴ متری با این شرایط که هیچ مدافعی تا فاصله ۲۷

متری نقطه زدن توپ نباید قرار داشته باشد.

زدن یک ضربه آزاد از وسط زمین بدون وجود قانونی مانند آفساید و ... مانند فوتبال.

زدن یک ضربه آزاد از محل وقوع خطا که در این شرایط هیچ مدافعی نباید تا فاصله ۲۷ متری از نقطه زدن ضربه قرار داشته باشد.

کرر مانند فوتبال وجود ندارد ولی حرکتی مشابه به شکل زیر انجام میگیرد: یک ضربه آزاد از فاصله ۵۴ متری دروازه به این شرط که مدافعان در فاصله ۲۷ متری از زدن ضربه قرار داشته باشند.

چیدمان بازیکنان در چوگان: رایجترین آرایش یک تیم چوگان بدین قرار است که ۲ نفر در خط حمله، یک نفر هافبک و یک نفر نیز در موقعیت بک قرار دارد که با توجه به تاکتیک تیمی این چیدمان قابل تغییر می‌باشد.

شروع مسابقه چوگان: در ابتدای شروع مسابقه، هر دو تیم در میانه زمین و پشت خط میانی صف‌آرایی کرده و چیدمان مخصوص بخود را میگیرند و سپس داور توپ را از فاصله ۴/۶ متری به میان آنها پرتاب می‌کند و سپس بازی با تصاحب توپ از طرف یکی از دو تیم شروع می‌شود.

توقف بازی و شرایط خاص نگهداشتن بازی: توقف مسابقه چوگان در شرایط معمولی فقط در زمان پایان یک چوکه و آنهم به دستور داور جهت استراحت و تعویض اسبها صورت میگیرد ولی اگر در میان یک چو که یکی از اتفاقات زیر رخ دهد داور می‌تواند دستور توقف بازی را صادر نماید:

زمین خوردن یکی از اسبها در حین مسابقه

مصدوم شدن یک اسب بر اثر سانحه و یا اتفاقی غیر مترقبه برای یکی از اسبها.
قابل به ذکر است که در صورت زمین خوردن سوار کار از اسب به‌طوری

که اتفاق جدی برای سوارکار رخ نداده باشد، بازی همچنان ادامه خواهد داشت.

نحوه ثبت امتیازات در مسابقه چوگان: زمانی یک امتیاز برای تیمی ثبت می‌شود که توپ از خط دروازه آشکارا گذشته باشد و داور نیز صحت آن را تصدیق نماید، در صورتیکه توپ به قسمت فوقانی دروازه برخورد کند ثبت امتیاز مشروط به تأییدیه داور خواهد بود.

وسائل ضروری سوارکار:

کلاه ایمنی مخصوص چوگان؛ دستکش؛ شلاق چوگان که اندازه آن تقریباً معادل ۱۰۶ سانتیمتر است و علت آن نیز سهولت استفاده از آن هنگام مسابقه است؛ چکمه سوارکاری بدون بند.

اندازه عصای (چوب) چوگان و توپ چوگان: چوب چوگان معادل ۱۲۲ سانتیمتر طول دارد که انتهای آن بصورت استوانهای است و معمولاً برای ساخت آن از بامبوی چوبهای سبک و مقاومی همچون چوب درخت خرمالو استفاده میگردد. اندازه قطر توپ حدود ۷/۶-۸/۹ سانتیمتر است و در حدود ۹۹-۱۲۸ گرم وزن دارد، جنس توپ نیز از چوب بید و یا بامبو میباشد که در شرایط بازی‌های تمرینی از نوع پلاستیکی و فومی آن هم استفاده می‌شود (FIP).

مدیریت جدید و بازشناسی دوباره

حفظ و احیاء بازی‌ها و ورزشهای سنتی و بازی‌های بومی و محلی همچون ورزش چوگان میتواند به عنوان وسیله‌ای در ایجاد انگیزه، حرکت، تلاش برای آمادگی جسمانی و لذت بردن از تفریحات به کار برده شود و زمینه مناسبی را جهت

گسترش سلامتی افراد و مشارکت اجتماعی را در بین اقشار مختلف جامعه فراهم آورد. شناخت و توجه به نقش ورزش چوگان میتواند در توانمند سازی و افزایش ظرفیتها در جامعه و ارتقای کیفیت زندگی مؤثر واقع شود. با توجه به کثرت جمعیت کشور و منابع اعتباری و مالی، مدیران بایستی تلاش کنند تا با برنامه‌ریزی ورزشی و راهبردهای اجرایی میزان بهره‌وری را نزد ارکان باشگاهها و مجتمعهای ورزشی و فرهنگی مجری ورزش چوگان افزایش داده به طوریکه استفاده بهینه‌ای از سرمایه‌گذاری موجود به عمل آید. مدیریت باید کاستیهای اطلاع‌رسانی و آموزشی در بخش چوگان که این سرمایه ملی را با دشواری مواجه ساخته است و در سالهای اخیر به موازات رشد کمی و کیفی سایر ورزش‌ها مورد توجه قرار نگرفته است را مرتفع سازد. همچنین با مدیریت صحیح، این ورزش میتواند محلی برای جذب توریست و کسب درآمد باشد. برای دستیابی به این هدف باید با تجزیه و تحلیل فرهنگ گذشته و تقویت و بازنده‌سازی نقاط قابل توجه و اهم آن، ضعف‌هایی را که در اثر هجوم فرهنگ بیگانه بر پیکره ورزشهای باستانی سایه افکنده است را از بین ببریم. با مطالعه راه و رسم و زندگی نیاکان و اجدادمان در مییابیم که در عین حال که به امورات روزمره زندگی میپرداخته‌اند برای امر ورزش و سلامتی جسم و جان نیز اهمیت فراوانی قائل بوده‌اند، همانطور که در اسلام پرداختن به ورزشهای مانند شنا، تیراندازی و اسب‌سواری تأکید فراوانی شده است.

طبق تحقیقاتی که انجام شده است به طور میانگین ۲ درصد ورزشکاران کشور به ورزشهای محلی و باستانی میپردازند که این رقم در میان انواع ورزشهای رایج امروزی کمترین مقدار را دارد، لازم به یادآوری است که از این مقدار نیز بیشترین داده‌های به دست آمده مربوط به ورزش زورخانه‌ای و باستانی است و این امر در مورد ورزشهای دیگر نظیر چوگان جای تأمل دارد. از این ارقام دور شدن و فزاینده

ورزش‌های ملی را میتوان دریافت. در دههای اخیر با شرایط موجود برای ناکامیها در این رشته ورزشی به این نتیجه میرسیم که بی‌نظمی فرهنگی، مدیریت متزلزل، فقدان طرح و سازمان، کمبود طرحهای آموزشی و نبود مربی متخصص باعث ناشناخته ماندن رشته ورزشی چوگان شده است.

در حالی که چوگان در بیش از ۷۵ کشور جهان دارای فدراسیون ملی است و در کشورهایی نظیر انگلیس، آرژانتین، فرانسه، پاکستان، هندوستان، ترکمنستان و آمریکا از رواج همگانی برخوردار است اما امروزه ما می‌بینیم که ورزش چوگان در سرزمین آبا و اجدادی خود کم و بیش به دست فراموشی سپرده شده و تنها با خاطره‌ها و تاریخ گذشتگان زنده است. هر چند روزگار نه چندان دوری می‌ادین چوگان ایران زبازد عام و خاص بوده است اما در حال حاضر نبود میدان چوگان استاندارد یکی از مهمترین مشکلات آن قلمداد می‌شود. امروزه تنها چهار زمین چوگان و آن هم در تهران وجود دارد که عبارتند از: باشگاه نیروی زمینی (نظامی)، باشگاه شهدا و نوروزآباد (دولتی) و باشگاه کانون چوگان (خصوصی). شرایط برگزاری مسابقه تنها در زمین کانون چوگان که خصوصی است مهیا میباشد. در حال حاضر استانهای تهران، اصفهان و کرمانشاه در این ورزش فعالیت و سرمایه‌گذاری میکنند و تعداد ۶ تیم که به صورت آماتور به ورزش چوگان می‌پردازند عبارتند از: قصر فیروزه، کانون چوگان، نیروی زمینی، نصف جهان، خرگوش دره و کانون چوگان.

دلایل بیشماری باعث معرفی نشدن و ناشناخته ماندن این ورزش اصیل ایرانی در میان جوانان و جامعه شده است اما میتوان به تازه تأسیس بودن فدراسیون چوگان (اواخر سال ۸۱)، برآورده نکردن نیازهای اولیه و اساسی ورزش چوگان، نداشتن لیگ و مسابقات منظم، گران بودن این رشته ورزشی، نبود مراکز آموزش



برای جوانان، نوجوانان و همچنین خانمها و نبود تبلیغات اشاره کرد. نداشتن لیگ و مسابقات منظم باعث شده است که مسابقات آن در طول سال یا برگزار نشود یا اینکه در برگزاری آن نقایص فراوان و حمایت‌های اندکی پاسخگوی شأن و منزلت این ورزش ایرانی نباشد. گران بودن این رشته ورزشی نیز باعث ناشناخته شدن آن شده است به طوری که هر چوگان باز باید حداقل ۲ تا ۵ اسب داشته باشد تا بتواند زمان بازی هر ۷ دقیقه یک بار آن را عوض کند. غیر از مورد فوق چوگان باز به وسایل بازی همچون چوب و توپ نیاز خواهد داشت و همچنین شرکت در مسابقه برای شرکت کنندگان نیز گران تمام می‌شود که از دیگر دلایل ناشناخته بودن این ورزش می‌باشد. بازی چوگان از نگاه تیز رسانه‌ها به دور مانده است و همین دلیل باعث شده است تا مثل رشته‌های ورزشی دیگر در تیررس منتقدان قرار نگیرد و با سرعت لازم و مطلوب شکوفا و احیاء نگردد.

پایان سخن

برای کشوری که زمانی مهد چوگان و چوگان بازی بوده و ورزش‌ها و بازی‌های آن نمادهای پر معنای میراث سنتی و بخشی از کلیت فرهنگی آن هستند آمار و ارقام ارائه شده جای بسی تفکر و تأمل دارد. پژوهش‌های بنیادی که در زمینه فرهنگ، تاریخ، اخلاق و دین در مقوله ورزش انجام می‌گیرد میتواند چشم انداز احیای فرهنگ و ورزش باشد. امروزه ورزش به یک صنعت درآمدزا و رقابتی کاملاً حرفه‌ای تبدیل شده است؛ ورزش و بازی‌های سنتی و عدم رونق آنها نگرانی‌های عمیقی را فراهم آورده است این در حالی است که این ورزش‌ها و بازی‌ها میتوانند به عنوان وسیله‌ای برای تنظیم و ساماندهی به کار گرفته شوند. مشکلات فرهنگی و همچنین عوامل گوناگون که مانع بروز و رشد این رشته ورزشی شده‌اند بایستی مشخص شوند. سیر

تاریخی ورزش با توجه به ضعف و قوت فرهنگی در دورانهای گذشته دنبال شود و از تاریخ به عنوان یک معلم، یک تجربه و روشنگر راه آینده ورزش کشور استفاده شود. امروزه چوگان به نگاه تیزبین و طراحی دقیق لازم دارد، طرح‌ها و برنامه‌هایی که بتواند در آینده افقی روشن و در خور فرهنگ و سنت چوگان ترسیم شوند و آن را به جایگاه اصلی خود برسانند. مطبوعات و رسانه‌های همگانی باید بیشتر به مبانی اعتقادی و فرهنگی ورزش در جوامع اسلامی تکیه داشته، به حوائج معقول و متناسب عامه مردم نسبت به ورزش اعتنا کنند و آنگاه با در نظر داشتن شرایط فرهنگی جامعه از یک طرف و نیاز حقیقی مردم از طرف دیگر با برنامه‌ریزی اساسی و اصولی در تغییر نگرش حرکت کنند.

برگزاری لیگ منظم، آموزش و طبقه‌بندی مربیان این رشته از نظر تجربه و تخصص، معرفی و شناساندن این رشته به جامعه مخصوصاً جوانان، احداث مجموعه مانژ سر پوشیده و دایر کردن مدرسه بازی چوگان از جمله کارهایی است که در جهت حفظ و احیاء این ورزش باید انجام داد. در طراحی و ساخت زمینها و مجموعه‌های ورزشی چوگان توصیه می‌شود با استفاده از ایده‌ها و ابداعات مفید و نظر طراحان و مدیران و متخصصین و صاحب‌نظران ورزشی با امکان دسترسی بهتر و آسانتر، اقتصادی بودن، تردد وسایل نقلیه و امنیت مراجعین پیش بینی و طراحی شوند. هر چند از نظر زمانی رسیدن به جایگاهی در خور شایسته این ورزش ملی فاصله زیاد است اما با مدیریت صحیح و طرح و برنامه مناسب و توجه به زیر ساختهای اصلی در آیندهای نزدیک میتوان به شکوفایی و بالندگی و همگانی بودن آن مانند گذشته امیدوار بود.

مآخذ

- ابراهیم پور، محمد تقی (۱۳۵۳). چوگان. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- آذرتاش، آذرنوش (۱۳۷۵). چوگان به سبک ایرانی. نشریه نامه فرهنگستان، شماره ششم.
- آریا، جمشید. بهرام، عباس (۱۳۶۴). تاریخ تربیت بدنی و ورزش. تهران: انتشارات دانشگاه فنی و مهندسی.
- برزگر، فرامرز (۱۳۵۰). تاریخ ورزش ایران. تهران: انتشارات سازمان تربیت بدنی.
- بهنامفراز، رشید (۱۳۶۴). نگرشی بر ورزش ایران و ایران در بازی‌های آسیایی. انتشارات کمیته ملی المپیک.
- بیژن، اسدالله (۱۳۵۰). سیر تمدن و تربیت در ایران باستان (دوره‌های اوستایی، مادی و هخامنشی). تهران: ابن سینا.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). ده هزار مایل در ایران. ترجمه: سعادت نوری، حسین. تهران: لوحه.
- کریمی، جواد (۱۳۷۰). نگاهی به تاریخ تربیت بدنی جهان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۶۹). شاهنامه. جلد اول و سوم. تهران: چاپخانه سپهر.
- عنصرالمعالی، کیکاوسابن اسکندر (۱۳۳۵). قابوس نامه. به اهتمام امین عبدالمجید بدوی. تهران: ابن سینا.

- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳). زندگانی شاه عباس اول. جلد دوم. تهران: دانشگاه تهران.

- Hickok, Ralph(2002). polo. The Encyclopedia of North American Sports History, Second Edition. New York: Facts On File, Inc. . American History Online. Facts On File, Inc. <http://www.fofweb.com/activelink2.asp>
- Levinson. D and Christensen. K(1999). Encyclopedia of World Sport. Oxford University Press.
- Federation of international polo.

روند تاریخی شکل‌گیری و تحول باشگاه‌های ورزشی در ایران

هدی صابر

درآمد

نزدیک به یک سده قبل به سال ۱۲۸۶ هجری خورشیدی (۱۹۰۷ میلادی)، یک سال پس از انقلاب مشروطه، با مساعی کمپبل سفیر وقت دولت انگلستان در ایران، یک دوره مسابقات فوتبال با عنوان «آسوسییشن‌کاپ» میان تیم‌های «سفارت‌خانه»، «تلگراف‌خانه»، «بانک شاهی» و یکی دو تیم ایرانی مرکب از کارکنان سفارت‌خانه، تلگراف‌خانه و بانک شاهی در تهران برپا شد.

گرچه نخستین بار کارکنان ایرانی سفارت‌خانه انگلستان در تهران و یا فرزندان آن‌ها در محوطه سفارت‌خانه و سپس دانش‌آموزان ایرانی مدارس خارجی در تهران با ورزش‌های نوین همچون فوتبال، بیس‌بال، گلف و تنیس آشنا شدند و شیوه بازی و قواعد و قوانین مربوط به آن‌ها را به بیرون منتقل کردند و سرایت بخشیدند، اما برپایی مسابقات ورزشی میان انگلیسی‌های مقیم ایران در میدان مشق، محل کنونی وزارت خارجه، شوقی در میان نوجوانان و جوانان ایرانی گردآمده در آنجا زمینه‌ای جدی برای تشکیل گروه‌های ورزشی در پایتخت، فراهم آورد. به این ترتیب، سال‌هایی

چند پس از برگزاری رقابت‌های آسوسییشن‌کاپ، اولین «کلب» ورزشی در تهران اعلام موجودیت کرد؛ به سال ۱۲۹۹ خورشیدی با مراجعت برادران خان‌سردار از سوئیس به ایران، «کلب ایران» با مساعی این سه برادر خان‌خانان، احمدعلی و حسین‌علی و مشارکت تنی چند از نخستین توپ‌زن‌های ایرانی همچون کریم زندی، علی امیراصلائی، هامبارسون، عزیزالله افخمی و حسن مفتاح، تشکیل شد. گرچه پیش از ورود برادران خان‌سردار، کریم زندی، حسن مفتاح، پل و ژرژ در درون سفارت‌خانه و بانک شاهی، پایه‌توپ‌شده و اولین فوتبالیست‌ها به شمار می‌آمدند.

نخستین کلب‌های ورزشی

در پی تأسیس کلب ایران، چند کلب دیگر نیز به وجود آمدند؛ «کلب اسپرت ارامنه» با تلاش ژرژ، پل، آرشاک و هراند، «کلب طوفان» مرکب از چهره‌هایی چون علی‌کنی، سیف‌الله آهنی، رضا قلاش‌کلانتر و حسن کریمی و دیگران و «کلب اجتماع‌یون» توسط مرحوم شایسته با بازیکنانی همچون حسن گوشه با ضمن آن که بازیکنان کلب ایران پس از مدتی نام خود را به «کلب تهران» تغییر دادند. بدین گونه در حد فاصل سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۴، مرحله کلب‌سازی را در پایتخت شاهد هستیم. حال آن که پیش از آن، «دستجات» انگلیسی تنها گروه‌های ورزشی در رشته‌های نوین محسوب می‌شدند.

توپ‌زن‌های نسل اول که در کلب‌ها حیات گروهی آغاز کردند، در دی ماه ۱۳۰۴ اولین تیم ملی ایران را تشکیل داده و برای سه مسابقه راهی بادکوبه شوروی شدند. در پی این رخداد مهم و با عبور از یک دوران فترت سه ساله، نسل دوم فوتبالیست‌ها، «تیم»‌های جدیدی در تهران تشکیل دادند.

تیم «تدین» شامل برادران گنج‌بخش و برادران اخوان، تیم «طوفان» مرکب از گیلان‌شاه،

عزیز فرزندگان، هدایت کلاتر، مصطفی بهارمست، عباس قریب، مصطفی سلیمی و... تیم «تهران» متشکل از فتح‌الله مین‌باشیان، احمد خلیلی، فیروز شادلو، احمد خطیبی، اکبر مولوی، اصغر زاهدی، محمد انشاء و مهدی نیکخو. تیم «کوهستانی» دربرگیرنده عبدالله سعیدایی، عباس تنیده‌گر، عصار، عباس عقدایی، احمد گلبو و...

و بالاخره تیم شعاع با توپ‌زن‌هایی چون یوسف خوش‌کیش، اسدالله صدفی، اسماعیل چهلتن، احمد ایزدپناه و دیگران.

اگر نسل اولی‌ها کارکنان ایرانی سفارت و بانک شاهی، دانش‌آموزان مدارس خارجی و از فرنگ بازگشتگان شامل می‌شدند، نسل دومی‌ها از محلات مختلف تهران که در زمین‌های خاکی «لنج» در چهار راه کالج و «دولت» در دروازه دولت در پی توپ می‌دویدند، برخاسته بودند. ضمن آن که برخی از آن‌ها در رشته‌های دیگری چون کشتی، والیبال، بسکتبال و تنیس نیز فعال بودند.

در این مرحله، توپ‌زن‌های محلات با حداقل امکانات شامل زمین‌های تسطیح شده توسط خود آن‌ها، یک دست شورت و پیراهن، یکی دو توپ چهل تکه، کفش‌های پروصله، مناسبات رفیقانه و یک جهان عشق، دوران «تیم‌داری» و رقابت‌های محلی را رقم زدند.

تشکیل نخستین باشگاه‌ها

اما مرحله بعد، حال و هوا، سازمان‌دهی و قواعد دیگری داشت؛ در دوران شش‌ساله ۱۳۱۶-۱۳۲۳ و به بیانی سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم و بخشی از دوران جنگ که نیروهای متفقین نیز در ایران حضور داشتند، «باشگاه»‌ها سربرآوردند و ورزش‌های نوین در باشگاه‌های نو تأسیس، مأوی یافتند. ضمن آن که ورزش در سطح محلات همچنان زنده بود.

در این شش ساله، سه باشگاه دولتی راه‌آهن (۱۳۱۷)، بانک ملی (۱۳۱۸) و کارگر آبادان (۱۳۲۱) و شش باشگاه خصوصی تهران نیرو و راستی (قبل از شهریور ۲۰)، جوان (۱۳۱۸)، شاهین (۱۳۲۱)، دارایی (۱۳۲۱)، آرات (۱۳۲۲)، دوچرخه‌سواران و سپس تاج (۱۳۲۳) حیات آغاز کردند. مهم آن بود که باشگاه‌های تازه تأسیس جز شاهین، جملگی در چند رشته ورزشی فعالیت داشتند و محدود به تک‌رشته فوتبال نبودند. در پی آن‌ها، باشگاه‌های دولتی دخانیات و آتش‌نشانی و باشگاه‌های خصوصی جم آبادان و بوستان ورزش نیز، موجودیت اعلام کردند.

این مجموعه بنیان‌گذاری‌ها به رونق ورزش قهرمانی در کشور، یاری بس مؤثری رسانیدند. به‌ویژه آن‌که آغاز مسابقات قهرمانی کشوری در رشته‌های مختلف از سال ۱۳۱۸ زمینه‌ای عینی برای ورزشکارپروری و رقابت در باشگاه‌ها، ایجاد کرده بود.

آن چه که در خور عنایت بود، سازمان‌یافته‌شدن ورزش ایران از مجرای باشگاه‌های نو تأسیس با حداقل امکانات مادی و مالی بود که خودانگیختگی، خودجوشی و امکان‌آفرینی از ویژگی‌های بارز این باشگاه‌های نوحیات، قلمداد می‌شد. گرچه باشگاه‌های دولتی از امکانات دولتی بهره‌مند بوده و پس از سال ۳۲ نیز باشگاه تاج - که بانی‌اش روابط ویژه‌ای با هیئت حاکمه وقت داشت -، از ردیف بودجه دولتی برخوردار شد. شایان توجه آن که دو باشگاه شاخص تاج و شاهین که از طیف‌های گسترده هواداری برخوردار بودند، از همان سال‌های پایانی دهه بیست و آغازین دهه سی، به گسترش تشکیلاتی دست‌یازیدند و در شهرهای مختلف کشور شعبه تأسیس کردند. باشگاه شاهین تا سال ۱۳۴۶ دارای ۶۲ شعبه در سراسر کشور بود. باشگاه تاج نیز شعب متعددی را در سراسر کشور دارا بوده و زیرمجموعه‌هایی با عناوین افسر و دیهیم را نیز در برمی‌گرفت. چنین می‌توان عنوان داشت که توان و فعالیت

باشگاه‌های به وجود آمده در سال‌های پس از ۱۳۱۷ تا میانه دهه ۲۰، سهم ویژه‌ای در قوام بخشیدن به ورزش ملی در رشته‌های جدید، ایفا کرد. ضمن آن که ورزش آموزشگاهی و ورزش محلی نیز دو منشأ خودجوش، کم‌هزینه و پربازده برای ورزش ملی محسوب می‌شدند.

نخستین تجربه‌های باشگاه‌داری

با رجوع به حافظه تاریخی اهالی ورزش و مراجعه به نشریات ورزشی دهه‌های قبل به روشنی می‌توان دریافت که اساس رونق رقابت‌های ورزشی در رشته‌های مختلف در دهه‌های بیست، سی و چهل چه در سطح پایتخت و چه در سطح استان‌ها بر مساعی باشگاه‌های شکل‌گرفته در همین دوران تاریخی است.

رخداد‌های نیمه دهه چهل مبتنی بر سیاست‌های حذف و فشار از سوی بانی و مدیر باشگاه تاج از موضع ریاست وقت سازمان تربیت‌بدنی بر باشگاه‌های رقیب، به انحلال، خودانحلالی و کناره‌گیری باشگاه‌های صاحب‌پیشینه‌ای چون شاهین، دارایی و تهران جوان انجامید. این مداخله هدف‌دار مدیریتی مانع از آن شد تا باشگاه‌های تأسیس‌یافته در ماقبل و مابعد سال ۱۳۲۰، به رشد طبیعی خود ادامه داده و قوام تشکیلاتی پیدا کنند. گرچه باشگاه‌های دارایی، شاهین و تهران جوان پس از کنار رفتن ریاست سازمان در ابتدای دهه ۵۰، حیات مجدد آغاز کردند، اما وقفه پنج‌ساله فعالیت و غیبت در عرصه رقابت‌ها، به طور طبیعی آثار و عوارض خود را بر کیفیت حضور آن‌ها بر جای گذاشته بود.

در سال‌های اولیه دهه ۴۰، اتفاق دیگری در عرصه باشگاه‌داری به وقوع پیوست و آن رخ‌نمونی باشگاه‌های تحت مدیریت نهادهای نظامی و انتظامی بود؛ باشگاه عقاب تحت مدیریت نیروی هوایی، باشگاه‌های پاس و شهربانی تحت مدیریت شهربانی کل

کشور و باشگاه دژبان وابسته به دژبان مرکز. هنگامی که باشگاه برق وابسته به مدیریت برق منطقه‌ای تهران نیز به جرگه رقابت‌های ورزشی وارد شد، کفه ترازو به نحو محسوسی به جانب باشگاه‌های دولتی - نظامی سنگین‌تر شد و باشگاه‌داری در ایران بیش از پیش، سمت دولتی شدن به خود گرفت. به رغم آن که باشگاه‌های کوچکی همچون کیان و شعاع که در دهه‌های قبل شکل گرفته بودند تا میانه دهه ۴۰ فعالیت داشتند و در سال ۴۲ نیز باشگاه پیکان و سپس پرسپولیس به عرصه وارد شدند و باشگاه آرات نیز به سان گذشته در رشته‌های مختلف به فعالیت خود ادامه می‌داد، اما وزن باشگاه‌های دولتی - نظامی در میانه میدان رقابت‌ها، بسیار سنگین‌تر شده بود. در این میانه باشگاه‌های خرد و سنتی به سان اقبال، پهلوان‌پور، ایران ما و ایزد مهرآباد در سطح دستجات پایتخت، فعالیت‌های محدود خود را امتداد داده و هنوز عضو خانواده باشگاه‌ها محسوب می‌شدند.

اما جدی‌ترین مرحله باشگاه‌داری در ایران در دهه پنجاه رقم خورد؛ آغاز رقابت‌های منظم و سراسری لیگ در رشته فوتبال و سپس در رشته‌های والیبال، بسکتبال و کشتی به سازمانی منسجم‌تر و به مناسباتی تعریف‌شده‌تر از قبل نیاز داشت. شروع رقابت‌های فوتبال جام تخت جمشید و رقابت‌های زیرگروه آن از سال ۱۳۵۲، فوتبال باشگاهی را به دوران شبه حرفه‌ای رهنمون ساخت و یکی دو سال پس از آن نیز با آغاز لیگ‌های والیبال، بسکتبال و کشتی، عقد قرارداد، پیش‌پرداخت و حقوق‌های ماهانه در این رشته‌ها باب شد.

در این مرحله علاوه بر باشگاه‌های پرسپولیس و آرات با مدیریت خصوصی، تاج با مدیریت خصوصی و بودجه دولتی، پاس و عقاب با مدیریت نظامی و بانک ملی، برق و راه‌آهن با مدیریت دولتی، باشگاه‌های جدیدی نیز در رقابت‌های سراسری رشته‌های مختلف حضور یافتند.

شکل‌گیری باشگاه‌های صنعت نفت آبادان، ذوب آهن اصفهان، تراکتورسازی و ماشین‌سازی تبریز، آب و برق اهواز، هما (هواپیمایی ملی ایران) و ملوان وابسته به نیروی دریایی، در چارچوب سازمان‌دهی جدید باشگاه‌داری در ایران معنا می‌یافت. در شرایطی که صنایع مادر و صنایع سنگین و یکی دو نهاد نظامی نیز به جرگه باشگاه‌داران پیوستند، سمت و سوی باشگاه‌داری در ایران به مراتب بیش از گذشته دولتی شد. ناتوانی و کم‌توانی باشگاه‌های کوچک و متوسط خصوصی در برابر تقبل هزینه‌های سنگین حضور در لیگ رشته‌های گوناگون از یک سو و تمایل بارز مدیریت سیاسی حاکم برای تحت کنترل داشتن همه امور اجتماعی از جمله ورزش از دیگر سو، شرایط را برای باشگاه‌داری خصوصی، سخت‌تر می‌نمود.

در همین حال، سازمان‌یافته شدن باشگاه‌ها، ایجاد تیم‌های پایه در رشته‌های اصلی، تا حدودی روشن شدن حقوق صنفی ورزشکاران و صاحب ورزشگاه شدن برخی از باشگاه‌ها از نقطه قوت‌های دورانی است که باشگاه‌های دولتی در بستر رقابت‌های لیگ، وزن و سهم افزون‌تری یافتند.

باشگاه و باشگاه‌داری پس از انقلاب اسلامی

اما این مسیر نیز در همان مراحل اولیه خود باقی ماند و به مراحل جدی‌تر و تکامل‌یافته‌تر، راه نبرد. اتفاق سیاسی - تاریخی بهمن ۱۳۵۷ و تغییر نظام سیاسی، وضعیت عرصه‌های گوناگون از جمله ورزش را دگرگون کرد. گرچه در اثر وقوع هر انقلاب، بر هم خوردن نظم پیشین و استقرار نظم نوین، بسط طبیعی است، اما نظم نوین در ورزش کشور به زودی مستقر نشد؛ برخورد سیاسی با مقوله ورزش، زیر سؤال رفتن ورزش قهرمانی، دولتی شدن باشگاه‌های بزرگ، جایگزینی مناسبات آماتوری در قبال مناسبات شبه حرفه‌ای دهه ۵۰، بی‌سازمانی فدراسیون‌های ورزشی،

در هم‌ریختن سازمان رقابت‌های سراسری، بی‌امکاناتی باشگاه‌ها و... مدت زمان مدیدی مانع از آن بود که سازمان ورزش قهرمانی و مدیریت باشگاه‌داری متناسب با آن به گونه‌ای منطقی و ضروری شکل بگیرد. بدین ترتیب ورزش‌های گروهی مجدداً به سان دهه‌های قبل‌تر، در هیئت «تیم» ظاهر شدند و «تیم‌داری»، جایگزین «باشگاه‌داری» شد.

در دوران جدید، بیش از یک دهه زمان مصرف شد، تا نظم تازه‌ای برقرار شود. در آستانه دهه ۷۰ با برپاشدن رقابت‌های سراسری شبه‌لیگ در برخی رشته‌ها و سپس گذار از شبه لیگ به لیگ در سال‌های پایانی این دهه، ضرورت سازمان‌یافتگی ورزش در چارچوب باشگاه‌ها، بیش از گذشته احساس شد. در وضعیت جدید و در شرایطی که مناسبات مالی مجدداً به عرصه ورزش قهرمانی بازگشت، بانک‌ها و صنایع و ادارات دولتی در مدار باشگاه‌داری، فعالیت آغاز کردند.

در آستانه دهه ۷۰ به این سو بانک‌های تجارت، صنعت و معدن و کشاورزی و صنایع ایران خودروی، سایپا، پارس‌خودرو، بهمن، صنم، صباباطری و همچنین برق شیراز، فجر سپاه و...، باشگاه‌دار شدند که تعدادی از آن‌ها هنوز در عرصه فعالند و در زمره باشگاه‌های پرهزینه به حساب می‌آیند. اکنون که لیگ‌های سراسری فوتبال، والیبال، بسکتبال، فوتسال، هندبال، کشتی و وزنه‌برداری در نظم جدید خود ادامه داشته و مناسبات مالی - حقوقی نیز در آن‌ها برقرار است و حضور در برخی رقابت‌های سراسری همچون فوتبال بسیار پرهزینه است، در عمل عرصه به طور کامل در اختیار باشگاه‌های دولتی است اعم از آن که منشأ نظامی - انتظامی، بانکی، صنعتی یا خدماتی داشته باشند و یا چون استقلال و پرسپولیس، اساساً یک باشگاه دولتی با مدیریت انتصابی و ارتزاق‌کننده از بودجه

عمومی به حساب آیند. در دوران نو، محدود تجارب باشگاه‌داری خصوصی همچون نمونه شمشوک نوشهر و استقلال اهواز، شکل گرفته‌اند که با انواع تهدیدهای ناپایدارکننده مواجه‌اند و تضمینی برای طی سیر طبیعی آن‌ها وجود ندارد. هم‌اینک نیز تمرکز امکانات در دست نهادها و دستگاه‌های دولتی یا مرتبط با دولت و همچنین تمایل آشکار عنصر سیاسی بر مدیریت سازمان ورزش و حضور جدی عناصر غیرورزشی در مدیریت ورزشی، در عمل مسیر را برای فعالیت خصوصی باشگاه‌داری مسدود کرده است.

در همین حال باشگاه‌های پرپیشینه‌ای چون شاهین و تهران جوان که قدمتی بیش از ۶۰ سال دارند، تنها به «بقای حداقلی» می‌اندیشند و باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس نیز با سوابقی ۶۲ ساله و حدوداً ۴۰ ساله، در شرایط زیست کاملاً دولتی قرار دارند. از دیگرسو، هم اینک اقبال کم‌نظیر هواداران رشته‌هایی چون فوتبال، کشتی، والیبال از رقابت‌های باشگاهی و ملی، بهره‌گیری باشگاه‌ها از حامی مالی، جدی‌تر شدن بحث حق پخش تلویزیونی، حساس‌تر شدن رقابت‌های ورزشی از منظر اجتماعی - سیاسی چه در عرصه ملی و چه فراملی، مجموعاً زمینه مساعدی را برای باشگاه‌داری خصوصی و مردمی در ایران فراهم آورده است. اما در عین حال موانعی چون استقرار و تمرکز امکانات مادی و مالی نزد دستگاه‌های دولتی وارد شده به عرصه ورزش قهرمانی و نیز اراده تسلط عناصر غیرورزشی بر ورزش و اعمال مدیریت سیاسی بر آن، بسیار جدی‌تر عمل می‌کنند و زمینه‌های مساعد را کم‌اثر می‌سازند.

ورزش ایران که در طول ۹ دهه اخیر از کلوب‌سازی و تیم‌داری اولیه به باشگاه‌داری ساده و کم‌هزینه دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ و باشگاه‌داری سازمان‌یافته و پرهزینه دهه ۵۰ و سپس به مرحله تیم‌داری دهه ۶۰ و باشگاه‌داری دولتی

و پرهزینه دهه‌های ۷۰ و ۸۰ راه برده است، لامحاله می‌باید به باشگاه‌داری خصوصی با قواعد و مناسبات شناخته‌شده و روابط اخلاقی و شفاف، روی آورد. تزریق مدیریت و منابع دولتی به ورزش قهرمانی، در جهان کنونی ورزش و در عصری که ورزش قهرمانی خود به صورت یک صنعت گسترده و پیچیده عمل می‌کند، قابل دوام نخواهد بود.

تاریخچه تکواندو در ایران و جهان

داریوش شیخ‌الاسلامی وطنی^۱، محمد اسماعیل آذرپاد^۲، سید سعید مهیمن^۳

درآمد

هدف این گزارش، ارائه تاریخچه تکواندو در ایران و جهان است. برای این منظور با استفاده از منابع دست اول و منابع دست دوم، اطلاعات مورد نظر درباره پیشینه این ورزش در جهان و ایران و نیز نحوه ورود این ورزش به کشور مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود نشان داد ریشه های این ورزش به قرن هشتم و نهم پس از میلاد مسیح برمی گردد؛ اما تکواندو به صورت مستقل و به شکل امروزی آن از سال ۱۹۴۸ در جمهوری کره توسعه پیدا کرد و در سال ۱۹۶۱ انجمن تکواندو کره شروع به کار کرده است. طی مراوده های نظامی دو کشور ایران و کره، در سال ۱۹۶۷ یکی از واحدهای نظامی ارتش به نام نیروی مخصوص (کلاه سبزه ها) برای اولین بار با ورزش تکواندو آشنا شدند و در سال ۱۹۷۱ اولین کلاس آموزشی تکواندو با شرکت افسران نیروی زمینی تشکیل شد. به دنبال تشکیل فدراسیون ورزش های رزمی در دی ماه ۱۳۵۶، اولین فدراسیون تکواندو ایران در

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان و مسئول کمیته تحقیقات و پژوهش فدراسیون تکواندو

۲. عضو کمیته فنی فدراسیون تکواندو

۳. مسئول کمیته آزمون فدراسیون تکواندو

سال ۱۳۶۳ شروع به کار نمود و طی ۲۲ سال، این ورزش در کشور به میزان بسیار چشمگیری توسعه یافته است به طوری که هم اکنون در ۳۰ استان کشور، ۳۰ هیأت استانی فعال وجود دارند و این رشته جزو پرمثال ترین و پرافتخارترین رشته‌های ورزشی کشور به شمار می‌آید.

زمینه تاریخی

انسان‌های اولیه برای فرار از حمله حیوانات، از اندام‌ها و قسمت‌های گوناگون بدن خود در جهت‌های مختلف و به شیوه‌های متنوع استفاده می‌کردند تا از خود محافظت کنند. این حرکات شامل حرکت به سمت خارج بازوها و ساق پا و پرش عمودی نیز می‌شد. در واقع منشأ هنرهای رزمی و از جمله تکواندو به زمان‌های بسیار دور بر می‌گردد و به منظور دفاع از خود بوده است. زمینه تاریخی ورزش تکواندو را می‌توان در مقاطع تاریخی مختلف مورد مطالعه قرار داد.

تکواندو در عهد باستان: در دوران باستان سه پادشاهی سیلا^۱ (در قسمت جنوب شرقی شبه جزیره کره)، بائل‌جه^۲ (در سمت چپ امپراطوری سیلا) و کوگوریو^۳ (در شمال آن) وجود داشتند که بین آن‌ها جنگ و ستیز برقرار بود. این وضعیت امپراطوری سیلا را بر آن داشت که خود را به تجهیزات جنگی و هنرهای رزمی مجهز نماید. یکی از مسابقاتی که جوانان حکومت سیلا به آن علاقه‌مند بودند، هوارانگ دو^۴ بود. هوارانگ‌ها با فراگیری هنر رزمی سوباک^۵ (که بسیار شبیه تکواندو بود) در این مسابقات شرکت می‌کردند. هوارانگ‌ها تمریناتی مانند شمشیر بازی، سوارکاری و کشتی را انجام می‌دادند (۴ و ۵)^۶. از نقاشی‌های

۱. Silla

۲. Baelje

۳. Koguryo

۴. Hoarangdo

۵. Sobok

۶. شماره‌های داخل () نشانه شماره مأخذ در پایان مقاله هستند.

موجود در آرامگاه‌های سلسله کوریو نیز نوعی ورزش رزمی دیده می‌شود. همچنین در معبد سوکورام در شهر کیونگ جو تندیس دو راهب بودایی در حال اجرای تکنیک کوم گانگ ماک^۱ دیده می‌شود که سند محکمی بر وجود هنرهای رزمی در آن زمان است (۵).

تکواندو در قرون وسطی: سلسله کوریو از سال ۹۱۸ تا ۱۳۹۲ بعد از میلاد، هنر رزمی تکیون^۲ را توسعه داد، به طوری که این ورزش جزو مواد امتحانی برای ورود دانشجویان به دانشکده افسری محسوب می‌شد (این ورزش احتمالاً از ریشه‌های رشته تکواندو می‌باشد). این نظامیان از فنون سوباک هیو^۳ نیز آگاهی داشتند. اساتید بزرگ تکیون، آقایان سونگ توک کی و سین مان سونگ معتقدند که بین تکیون و تکواندو تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در این ورزش از دست‌ها و پاها برای برهنه استفاده می‌شد و پشت پا زدن، سرنگون کردن حریف، هل دادن و ضربه با دست، و کشیدن حریف به منظور برهم زدن تعادل حریف، از جمله حرکات آن به شمار می‌رفت. مسابقه در زمینی به مساحت ۷۰ متر انجام می‌گرفت و زمانی که یکی از گروه‌ها، ۱۲ نفر از افراد مقابل را پشت سر هم بر زمین می‌انداخت، برنده محسوب می‌شد. این ورزش در میان مردم از اعتبار خاصی برخوردار بود و مسابقات آن با حضور پادشاه انجام می‌گرفت (۲ و ۴).

تکواندو در عصر جدید: سرزمین کره تحت فرمانروایی چوسان در طی چند سده، تا ۱۹۱۰ همزمان با سلطه امپراطوری ژاپن و قوانین استعماری آن دچار چالش‌های زیادی بوده است، اما علی‌رغم ممانعت دولت ژاپن از برگزاری بازی‌های سنتی کره و بازداري مردم از فرهنگ اصیل خود، فنون رزمی تکیون توسط اساتید کره‌ای به صورت مخفیانه تعلیم داده می‌شد (۲).

۱. Keumgang makki

۳. Sobak hio

۲. Taekion

تکواندو مدرن: با استقلال جمهوری کره در سال ۱۹۴۸، تکواندو به عنوان یک ورزش مدرن و مستقل توسعه پیدا کرد. در ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۱ انجمن تکواندو کره شروع به کار نمود و در اکتبر ۱۹۶۲ برای اولین بار به عنوان یک ورزش رسمی در بازی‌های ملی (کره) اجازه فعالیت یافت. در سال ۱۹۷۱ بیش از ۲۰۰ استاد به کشورهای مختلف جهان اعزام شدند و به معرفی رشته تکواندو به عنوان یک هنر رزمی پرداختند (۲ و ۴).

سازمان و تشکیلات جهانی تکواندو: بعد از جنگ داخلی کره، انجمن تکواندو نیروهای مسلح کره جنوبی با برگزاری سمینارهای مختلف و دوره‌های مربیگری و داوری در داخل و خارج کشور، به‌ویژه با اعزام اساتید این ورزش رزمی به ارتش‌های مختلف جهان، گامی مهم در معرفی و ترویج تکواندو برداشت. فعالیت‌های این انجمن ضمن آموزش به واحدهای نظامی کم کم به باشگاه‌های آزاد راه یافت و یکی از عوامل مهم در توسعه تکواندو و تشکیل سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف در بیشتر کشورهای جهان شد. با استقبال زیادی که از این هنر رزمی به عمل آمد، انجمن تکواندو نیروهای مسلح دیگر توان جوابگویی به نیازهای روزافزون کشورهای مختلف را نداشت، به همین دلیل در سال ۱۹۷۳ فدراسیون جهانی تأسیس شد. ریاست این فدراسیون را شخصی کارآمد به نام دکتر اون یونگ کیم^۱ عهده‌دار شد. اکنون فدراسیون جهانی تکواندو (WTF)^۲ دارای ۱۷۹ عضو از ۵ قاره جهان است (۶). فدراسیون جهانی تکواندو از همان ابتدا مسابقات گوناگونی مانند مسابقات جهانی و آسیایی (هر دو سال یکبار)، مسابقات سیزم (ارتش‌های جهان)، مسابقات جام جهانی، مسابقات نوجوانان، دانشجویان و مسابقات و تورنمنت‌های مختلف قاره‌ای و بین‌المللی را به اجرا درآورد. همزمان با تأسیس فدراسیون جهانی تکواندو، ساختمان مرکزی و

۱. Un Yong Kim

۲. World Taekwondo Federation

اداری آن به نام کوکی وان^۱ در سال ۱۹۷۲ افتتاح گردید و بیشتر مسابقات و سمینارها در آنجا برگزار شد (۳).

ورزش تکواندو با تلاش دست اندرکاران فدراسیون جهانی و همکاری فدراسیون‌های منطقه‌ای در سایر کشورها و با انطباق ویژه‌ای که خاص این هنر رزمی است، توانست به بازی‌های المپیک راه‌یابد. در سه المپیک گذشته تیم‌های برتر جهان از جمله قهرمانان کشورمان اولین مدال‌های با ارزش المپیک را به دست آوردند.

تاریخچه تکواندو در ایران: با توجه به روابط دیپلماتیک و ارتباطات نظامی مابین دو کشور ایران و کره (جنوبی)، یکی از واحدهای نظامی ارتش به نام نیروی مخصوص (کلاه سبزا) برای اولین بار با ورزش تکواندو آشنا شدند. با آمدن اولین هیأت نظامی ارتش کره جنوبی به سرپرستی سرگرد کیم سورین^۲ و دو نفر از همراهانش در سال ۱۹۷۱ میلادی اولین دوره آموزشی تکواندو زیر نظر تربیت‌بدنی نیروی زمینی ارتش با شرکت ۷۵ نفر از ورزیده‌ترین افسران و درجه‌داران به مدت ۱ سال تشکیل شد و در پایان این دوره یک ساله ۶۱ نفر موفق به دریافت گواهینامه دایک مشکی شدند. فارغ‌التحصیلان این دوره با تشکیل کلاس‌های آموزشی و اجرای نمایش‌های مختلف، این هنر رزمی را ابتدا به سایر نظامیان و سپس با فعالیت در باشگاه‌های آزاد، آنرا به عموم معرفی کردند. این فعالیت‌ها فارغ از مشکلات جانبی نبود، زیرا ورزش کاراته که از سابقه بیشتری در ایران برخوردار بود، با توسعه ورزش تکواندو مخالفت داشت و آنرا به عنوان کاراته کره‌ای معرفی می‌کرد. با وجود این مشکلات، تکواندو راه ترقی و پیشرفت خود را آغاز کرد و توانست در سراسر کشور به فعالیت بپردازد، به طوری که هم اکنون در تمامی استان‌های کشور، ۳۰ هیأت استانی فعال مستقر هستند.

۱. Kokkiwon

۲. Kim Sooran

با آمدن آقای لی وون سه^۱ اولین نماینده فدراسیون جهانی به ایران (در سال ۱۹۷۴) و آشنایی نخستین دوره دیده‌های ورزش تکواندو با سبک پومسه، حرکتی نو در ساختار فنی این رشته در کشور آغاز شد و مقدمه حضور تیم‌های مختلف ملی کشورمان در مسابقات گوناگون فراهم آمد (۲).

با دعوت تربیت‌بدنی نیروهای مسلح از ژنرال چوی هونگ هی^۲، یکی از بنیانگذاران تکواندو جهان و تیم همراهش به ایران (در پائیز ۱۹۷۴)، تکنیک‌های پیشرفته این ورزش و نیز شکستن اجسام سخت (کیوکیا) در سالن ورزشی حیدر نیا و دانشکده افسری ارتش برگزار شد. برای اولین بار ورزش دوستان شاهدیک نمایش بزرگ با همکاری تکواندوکاران ایران و تیم میهمان بودند.

با تلاش پیگیر مربیان و پیشگامان ورزش تکواندو در سال ۱۹۷۶ انجمن تکواندو نیروهای مسلح رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. از جمله اقدامات انجمن تکواندو نیروهای مسلح (قبل از انقلاب) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شرکت تیم تکواندو نیروی مخصوص (چتربازان) به دومین دوره مسابقات جهانی تکواندو در اکتبر ۱۹۷۵ و کسب اولین مدال برنز توسط حسین ربیع زاده در وزن چهارم، شرکت تیم تکواندو نیروی مخصوص در مسابقات ملبورن استرالیا (۱۹۷۷)، شرکت اولین تیم ملی تکواندو ایران در سومین مسابقات آسیایی تکواندو در هنگ کنگ (۱۹۷۸) و کسب مقام سومی آسیا، شرکت تیم ملی در چهارمین دوره مسابقات جهانی تکواندو در آلمان، و اعزام دو نفر از تکواندوکاران به کلاس داوری بین‌المللی.

تکواندو پس از انقلاب: با انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی ایران آقای محمد مهرآئین (در سال ۱۹۷۹) تصدی فدراسیون ورزش‌های رزمی را به عهده گرفت. در سال ۱۳۶۳ (هجری شمسی) اولین فدراسیون تکواندو با ساختاری مستقل به ریاست

۱. Lee Woon Se

۲. Choi Hong Hi

آقای سید مصطفی صفوی شروع به کار نمود. با تلاش استادان ایرانی و آقای کانگ شین چال^۱ (مربی کره‌ای) موفقیت‌های چشمگیری مانند تشکیل کمیته‌های آموزشی، آزمون، مربیان، و داوران، مطابق با استانداردهای فدراسیون جهانی به دست آمد. در این دوره (۱۳۶۳-۱۳۶۸) با برگزاری دوره‌های مربیگری و کلاس‌های داوری خدمات شایسته‌ای به ورزش تکواندو صورت گرفت. از سال ۱۳۶۹-۱۳۷۳ آقای سید محمد قمی ریاست فدراسیون تکواندو را عهده‌دار بود. با برگزاری کلاس‌های متعدد مربیگری و داوری، حضور تیم‌های ملی در مسابقات مختلف، اعزام ۹ نفر از داوران ممتاز به کلاس‌های بین‌المللی، و اعزام تیم ۳ نفره تکواندو به المپیک بارسلون، ورزش تکواندو جایگاه خود را در کشور پیدا کرد. در نیمه دوم سال ۱۳۷۳ آقای سید مصطفی صفوی برای دومین بار تصدی فدراسیون را از سر گرفت و تأسیس لیگ نقش جهان یادگاری ماندنی از زمان تصدی فدراسیون توسط ایشان می‌باشد. طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۹ آقای مختار کلانتری فعالیت خود را آغاز نمود و تکواندوی ایران با برنامه‌ریزی صحیح در ردیف بهترین فدراسیون‌های کشور شناخته شد. تکواندوی ایران با کسب عنوان قهرمانی جهان در لیون فرانسه و با شرکت تیم ۲ نفره کشور به المپیک سیدنی و کسب اولین مدال المپیک (برنز) توسط هادی ساعی جهانی شد. با تشکیل مجمع عمومی (در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۴) و انتخاب آقای سید محمد پولادگر به ریاست فدراسیون تکواندو و با توجه به آشنایی ایشان با این ورزش، تکواندوی کشور تحولی جدید را تجربه کرد. در چند سال اخیر تکواندو ایران به روند رو به رشد خود ادامه داد. علاوه بر افتخارات متعدد ملی پوشان در رده‌های سنی مختلف، می‌توان به کسب مدال توسط بانوان کشور اشاره کرد که نشان از رشد همه جانبه این رشته رزمی در کشور دارد. همچنین قهرمانی

۱. Kang Shin Chal

تیم دانشجویان (و پائین کشیدن سلطه کشور کره)، کسب گواهینامه استاندارد ISO (به عنوان اولین فدراسیون ورزشی در منطقه خاورمیانه و حتی آسیا) کسب عناوین فدراسیون نمونه و فدراسیون برتر به صورت متوالی در کشور و... گوشه‌ای از افتخارات ورزش تکواندوی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

جمع آوری اطلاعات

در این مطالعه که از نوع تحقیقات تاریخی می‌باشد از منابع دست اول (منابعی که توسط شاهد واقعی حادثه ارائه شده‌اند) و نیز منابع دست دوم استفاده شده است. منابع دست اول بیشتر مربوط به تاریخ تکواندو در ایران است؛ چون همانطور که قبلاً اشاره شد در سال ۱۹۶۷ اولین گروه از نظامیان کشور کره برای آموزش واحد ویژه نیروی زمینی به ایران آمدند و بعضی از افراد تعلیم دیده این دوره و دوره‌های بعد هم اکنون به عنوان شاهدان چگونگی ورود این رشته به کشور حضور دارند. خاطرات و یادداشت‌های دستی محمد اسماعیل آذرباد و تعداد دیگری از بنیان‌گذاران این رشته در کشور، سهم بسزایی از اطلاعات مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهد. در مورد تاریخچه تکواندو در جهان از کتاب‌های مرجع در این زمینه استفاده شده است.

پایان سخن

انسان‌های اولیه از هنرهای رزمی به منظور بقای خود استفاده می‌کردند. پس از آن در دوره‌های مختلف تاریخ، بکارگیری هنرهای رزمی نه تنها برای دفاع از خود بلکه به منظور بهبود زندگی و افزایش قابلیت‌های جسمی و ذهنی مورد تاکید بوده است (۳ و ۴).

این تحقیق با هدف بررسی تاریخچه شکل‌گیری ورزش تکواندو (در جهان) و نیز

نحوه ورود آن به کشور انجام گرفت. این که منشأ دقیق هنر رزمی تکواندو مربوط به کدامین ورزش اولیه است هنوز نامشخص است، اما ریچارد چون^۱ در کتاب خود به نقل از دیناستی^۲ (قرن ششم بعد از میلاد) آورده است که در یکی از غارهای کشور کره جنوبی نقاشی‌هایی بر روی سنگ حکاکی شده است که نشان دهنده تکنیک کوم کانگ یوکسا^۳ است که یکی از تکنیک‌های ابتدایی تکواندو به شمار می‌رود (۵). موی دوبو تانگی^۴ در کتاب مرجع خود اظهار می‌دارد که هنر رزمی کره‌ای سوباک دو که شکلی ابتدایی از تکواندو به شمار می‌آید، در قرن نهم پس از میلاد وجود داشته است (۵). در کتاب تاریخچه تکواندو (پارک چونگ هی^۵) اشاره شده است که سلسله کوریو از سال ۹۱۸ بعد از میلاد به توسعه هنر رزمی تکیون پرداخته‌اند و علی‌رغم تفاوت‌هایی که این رشته با تکواندو دارد، می‌توان از آن به عنوان یکی از رشته‌های رزمی زیر بنای تکواندو مدرن نام برد (۴).

هیچ منبع قابل ذکری که نشانه‌هایی از ورزش تکواندو را در ایران باستان، عهد صفویه و یا پس از آن نشان دهد، وجود ندارد. به نظر می‌رسد این رشته رزمی در قرن بیستم و اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی (از طریق نظامیان کره‌ای) وارد کشور شده است و دلایل محکمی که بتوان ریشه‌های این هنر رزمی را در داخل و به دوره‌های قبل ارتباط داد وجود ندارد.

مآخذ

- ۱- دلاور، علی، (۱۳۸۱). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، انتشارات نشر، ویرایش سوم، صفحه ۱۷۵-۱۹۰.

۱. Richard Chun

۴. Muye Dobo-tangi

۲. Dynasty

۵. Park Chung Hee

۳. Kum Kang Yuksa

۲- آذریاد، محمد اسماعیل (۱۳۸۵)، پایان نامه دان هشتم تکواندو.

- 3 - Kim Joong-young. (2006). TAEKWONDO TEXTBOOK. O-sung publishing company. The 2nd edition.
- 4 - Park Chung Hee. History of Taekwondo.
- 5 - Richard Chun, (1976). TAEKWONDO, The Korean Martial Art. Harpper & Row.
- 6 - WTF TAEKWONDO, (2006). Official publication of the world taekwondo federation.

فدراسیون اسلامی ورزش زنان

یکی از عرصه‌های بروز قابلیت‌های ورزشی، میادین بین‌المللی است که به دلیل مغایرت الگوهای رایج با مذهب و اعتقادات زنان مسلمان جهان، حضور این دسته از زنان در مسابقات بین‌المللی و بعضاً ملی بسیار کمرنگ بوده است، لذا با ابتکار و پیشنهاد نایب رئیس وقت کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۹ (فائزه‌هاشمی) و نیز موافقت ریاست کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)، آقای آقاخوان آنتونیو سامارانش، ریاست شورای المپیک آسیا (OCA)، آقای شیخ احمد الفهدالصباح، و حمایت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران در آن زمان، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، تشکیل شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی با هدف رفع این خلاء در دومین جلسه هیأت اجرایی کمیته ملی المپیک در سال ۱۳۶۹ مطرح و به تصویب رسید.

اولین قدم، همفکری و جلب نظر سایر کشورهای اسلامی بود، لذا نخستین کنگره همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی با حضور نمایندگان ۲۳ کشور اسلامی در تهران به سال ۱۳۷۰ برگزار شد که براساس قطعنامه این کنگره، شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی تأسیس شد.

اهداف

براساس اساسنامه فدراسیون اسلامی ورزش زنان، اهداف تأسیس آن به شرح زیر تصویب گردیده است:

- ایجاد شرایط مناسب جهت انجام فعالیت‌های ورزشی زنان با رعایت موازین

اسلامی

- تحکیم مبانی صلح، دوستی، تفاهم و همبستگی

- گسترش فرهنگ تربیت‌بدنی و ورزش در جوامع

- تأمین تندرستی، ایجاد نشاط و شادابی در زنان

- توسعه و تعمیم ورزش همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای

- افزایش توانایی‌های مدیریتی، اجرایی و فنی زنان کشورهای عضو

- ارتقاء سطح علمی زنان در زمینه ورزش

- تقویت همکاری و هماهنگی بین اعضاء در مسائل مشترک.

این فدراسیون در جهت نیل به اهداف فوق، ضمن تدوین اساسنامه، آئین‌نامه فنی و اجرایی مسابقات و آئین‌نامه دوره‌های آموزشی، برگزاری دوره‌های آموزشی، برگزاری مسابقات و برگزاری کنگره‌های علمی ورزشی اقدام می‌نماید.

مجامع

براساس ماده ۱۱، فصل دوم اساسنامه فدراسیون اسلامی ورزش زنان، مجامع برگزار شده به شرح زیر است:

ردیف	عنوان	زمان	مکان
۱	دهمین مجمع عمومی	۸۴/۷/۴	ایران/تهران
۲	نهمین مجمع عمومی	۸۲/۷/۱۱	عمان/مسقط
۳	هشتمین مجمع عمومی	۸۰/۸/۱۸	ایران/تهران
۴	هفتمین مجمع عمومی	۷۹/۱۲/۲	انگلستان/لندن
۵	ششمین مجمع عمومی	۷۶/۸/۲۸	ایران/تهران
۶	پنجمین مجمع عمومی	۷۴/۶/۵	ایران/تهران
۷	چهارمین مجمع عمومی	۷۲/۲/۴	ایران/اصفهان
۸	سومین مجمع عمومی	۷۱/۷/۲۸	ایران/تهران
۹	دومین مجمع عمومی	بهار ۱۳۷۱	ایران/تهران
۱۰	اولین مجمع عمومی	۷۰/۷/۱۴	ایران/تهران

دوره‌های آموزشی

براساس ماده ۴ اساسنامه فدراسیون اسلامی ورزش زنان در برشماری اهداف این فدراسیون به افزایش توانائی‌های مدیریتی، اجرایی و فنی زنان در کشورهای عضو اشاره شده که به همین منظور این فدراسیون اقدام به برگزاری کلاسهای آموزش داوری، مربیگری و اجرایی به شرح زیر نموده است.

عنوان دوره	زمان	رشته	مکان	تعداد
آموزش مربیگری	تیر ۸۲	تکواندو/والیبال/دوومیدانی	افغانستان	۳ دوره
	اردیبهشت ۸۳	هندبال/تنیس روی میز	یمن	۲ دوره
	خرداد ۸۵	هاکی	ایران	۱ دوره
	مرداد و شهریور ۸۵	کاراته/تکواندو/تیراندازی با کمان،	تاجیکستان	۳ دوره
آموزش داوری	شهریور ۱۳۸۰ همزمان با سومین دوره بازی‌های زنان مسلمان	۱۲ رشته ورزشی مسابقات	ایران	۲۹ دوره
	شهریور ۱۳۸۴ همزمان با برگزاری چهارمین دوره بازی‌های اسلامی زنان	۱۸ رشته ورزشی مسابقات	ایران	۳۰ دوره
	همزمان با مسابقات جام همبستگی ۱۳۸۱	شطرنج	عراق	۱ دوره
	همزمان با مسابقات جام همبستگی ۱۳۸۲	والیبال/هندبال	قطر	۲ دوره
آموزش کادر اجرایی	مرداد ۸۳	والیبال	یمن	۱ دوره
	مرداد ۸۴	هندبال	یمن	۱ دوره
	مرداد و شهریور ۸۵	کاراته/تکواندو/تیراندازی با کمان	تاجیکستان	۳ دوره
	شهریور ۱۳۸۰ همزمان با سومین دوره بازی‌های زنان مسلمان	—	ایران	۱۲ دوره
	شهریور ۱۳۸۴ همزمان با برگزاری چهارمین دوره بازی‌های اسلامی زنان	—	ایران	۲۸ دوره

مسابقات

بازی‌های چهار سالانه:

براساس اساسنامه فدراسیون اسلامی ورزش زنان یکی از ابزارهای اصلی برای رسیدن به اهداف مندرج در اساسنامه فدراسیون، برگزاری بازی‌های چهارسالانه بوده که تاکنون به شرح زیر برگزار شده است:

اطلاعات دوره	زبان	مکان	ورزشکاران	کشورها	تیم‌ها	ناظران فنی	داوران	رشته‌ها	درج در فدراسیون جهانی	دوره‌های آموزشی
اولین دوره بازی‌های زنان کشورهای اسلامی	بهمن ۱۳۷۱	ایران تهران	۵۴۶	۱۱	۴۶	۱	۱۹۰	۸	—	—
دومین دوره بازی‌های زنان کشورهای اسلامی	آذر ۱۳۷۶	ایران تهران	۷۴۸	۲۵	۹۵	۶	۲۹۰	۱۲	—	—
سومین دوره بازی‌های زنان مسلمان	آبان ۱۳۸۰	ایران تهران	۷۹۵	۲۳	۸۴	۸	۳۸۹	۱۵	۲	۲۷ دوره
چهارمین دوره بازی‌های اسلامی زنان	مهر ۱۳۸۴	ایران تهران	۱۵۸۷	۳۹	۲۰۳	۱۶	۳۷۴	۱۸	۱۲	۵۸ دوره

دومین دوره بازی‌های زنان کشورهای اسلامی با پیام تصویری آقای خوان آنتونیو سامارانش ریاست وقت کمیته بین‌المللی المپیک افتتاح شد. سومین دوره بازی‌های زنان مسلمان با پیام و تصویر آقای ژاک روگ ریاست کمیته بین‌المللی المپیک افتتاح

گردید. گفتنی است در سومین دور بازی‌های زنان مسلمان تا قبل از حمله آمریکا به افغانستان بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر، ۳۴ کشور برای حضور در این مسابقات اعلام آمادگی کرده بودند که بدلیل وقوع این حادثه و ترس از نا امنی منطقه تعداد کشورها به ۲۳ و تعداد ناظران از ۱۵ نفر به ۹ نفر کاهش یافت.

چهارمین دوره بازی‌های اسلامی زنان با پیام ریاست کمیته بین‌المللی المپیک جناب آقای ژاک روگ و دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی، جناب آقای احسان اوغلو افتتاح گردید.

ضمن آنکه به مناسبت نامگذاری سال ۲۰۰۵ به سال جهانی ورزش توسط سازمان ملل، برگزاری این دوره از بازی‌ها در تقویم سازمان ملل درج گردید و بعنوان یکی از فعالیت‌های مهم این سال رقم خورد.

علاوه بر آن ۱۲ فدراسیون جهانی از ۱۸ رشته ورزشی این دوره با درج تاریخ برگزاری مسابقات در تقویم خود، این بازی‌ها را حمایت نمودند.

- اولین و دومین دوره این بازی‌ها با حضور ورزشکاران مسلمان کشورهای اسلامی برگزار شد

- سومین دوره این بازی‌ها، بدلیل تقاضای مسلمانان کشورهای غیر اسلامی در این دوره از رقابت‌ها با حضور بانوان مسلمان سراسر جهان، تحت عنوان بازی‌های زنان مسلمان برگزار گردید

- چهارمین دوره آن با افزایش فعالیت‌های کمی و کیفی فدراسیون با حضور ورزشکاران زن مسلمان و غیر مسلمان از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با رعایت موازین اسلامی برگزار شد.

کشورهای شرکت کننده در چهار دوره بازی های اسلامی زنان

کشورهای شرکت کننده در چهارمین دوره بازی های اسلامی زنان		کشورهای شرکت کننده در سومین دوره بازی های زنان مسلمان		کشورهای شرکت کننده در دومین دوره بازی های زنان کشورهای اسلامی	کشورهای شرکت کننده در اولین دوره بازی های زنان کشورهای اسلامی
زنان غیر مسلمان کشورهای غیر اسلامی	زنان مسلمان کشورهای غیر اسلامی	کشورهای اسلامی	زنان مسلمان کشورهای غیر اسلامی	کشورهای اسلامی	
ارمنستان	آمریکا	ایران	اوگاندا	ایران	ایران
آلمان	انگلستان	افغانستان	انگلستان	آذربایجان	آذربایجان
تایلند	اتیوپی	آذربایجان	هند	افغانستان	بنگلادش
سریلانکا	قبرس شمالی	اردن		بنگلادش	بحرین
سنگاپور	قزاقستان	امارات متحده عربی		بحرین	پاکستان
ژاپن		اندونزی		پاکستان	تاجیکستان
روسیه		بحرین		تاجیکستان	ترکمنستان
گرجستان		برونئی		سودان	سوریه
کره جنوبی		بنگلادش		سنگال	قرقیزستان
		بوسنی و هرزگوین		سوریه	مالزی
		پاکستان		زئیر	مالدیو
		تاجیکستان		قطر	سوریه
		ترکمنستان		قرقیزستان	سودان
		سوریه		عمان	فیجی
		سودان		عراق	قزاقستان
		سنگال		کویت	قرقیزستان
		قطر		مالزی	عمان
		قرقیزستان		مغرب	لبنان
		عمان		مالدیو	کویت
		عراق		یمن	گینه
		لبنان			گابن
		کویت			مالدیو
		مالزی			نیجر
		مالدیو			یمن

عنوان کشورهای قهرمان در چهار دوره بازی‌های اسلامی زنان

عنوان دوره‌ها	اولین دوره بازی‌های زنان مسلمان	دومین دوره بازی‌های زنان مسلمان	سومین دوره بازی‌های زنان مسلمان	چهارمین دوره بازی‌های اسلامی زنان
رده‌بندی کشورها				
مقام اول	قرقیزستان	ایران	ایران	ایران
مقام دوم	ایران	قزاقستان	سوریه	سنگال
مقام سوم	آذربایجان	اندونزی	آذربایجان	ارمنستان

جام همبستگی

براساس مصوبه هشتمین مجمع عمومی، فدراسیون اسلامی ورزش زنان به برگزاری مسابقاتی تحت عنوان «جام همبستگی» با هدف توانمندسازی زنان در زمینه‌های مدیریتی، فنی و اجرایی و گسترش فعالیتهای فدراسیون در کشورهای عضو اقدام نموده و تاکنون ۳ دوره این مسابقات به شرح زیر در کشورهای عضو برگزار گردیده است.

رشته ورزشی	کشور برگزار کننده	تاریخ	کشورهای شرکت کننده
شطرنج	عراق	تیر ۱۳۸۱	فلسطین، سوریه، عراق و آذربایجان
والیبال	قطر	شهریور ۱۳۸۲	ایران، قطر، سوریه، افغانستان و سودان
هندبال	قطر	شهریور ۱۳۸۲	قطر، ایران و سوریه

کنگره‌ها

براساس ماده ۴، اساسنامه فدراسیون اسلامی ورزش زنان، یکی از اهداف خود را ارتقاء سطح علمی زنان در زمینه ورزش برشمرد که بر این اساس تا کنون ۵ کنگره علمی توسط این فدراسیون در ایران برگزار شده که به شرح زیر است:

ردیف	عنوان کنگره	سال برگزاری	تعداد مقالات ارائه شده
۱	اولین کنگره بانوان کشورهای اسلامی	مهرماه ۱۳۷۰	
۲	دومین کنگره علمی ورزشی زنان مسلمان	آبان ماه ۱۳۸۰	۵۷
۳	سومین کنگره علمی ورزشی (اولین کنگره بین‌المللی پزشکی ورزشی IOC-MC)	بهمن ماه ۱۳۸۱	۵۰
۴	چهارمین کنگره علمی ورزشی (دومین کنگره خاورمیانه ایچپر)	آذرماه ۱۳۸۲	۷۰
۵	پنجمین کنگره علمی ورزشی زنان (بسوی آینده)	مهرماه ۱۳۸۴	۴۶

فهرست کتاب‌ها و بروشورهای منتشر شده:

ردیف	عنوان اثر	نویسنده	ترجمه	تاریخ انتشار
۱	کتاب اولین دیدار	هوشنگ فتحی	سید محمد صادق حسینی، محمد عزیزی	دی ۱۳۷۲
۲	کتاب دومین دیدار	عطاء الله بهمنش	ماندانا رسولی، مهشید سجادیان صدیقه طباطبایی یزدی	پائیز ۱۳۷۹
۳	بروشور آموزشی ایروبیک	یاسمن مؤیدی	یاسمن مؤیدی	۱۳۸۱
۴	بروشور آموزش دوپینگ	دکتر طلوعه آل نبی	دکتر طلوعه آل نبی	۱۳۸۲
۵	کتاب پزشکی تیم	دکتر لاین جیم می کلی دکتر آنجلا اسمیت دکتر نوربرت دیچل	دکتر بهرام عسگری خانقاه، دکتر فرزین حلب چی دکتر شهرام فرج زاده موالو، دکتر محمد رازی، دکتر فرزانه ترکان، دکتر سیده طلوعه آل نبی، دکتر فاطمه سلامی، دکتر فریده شجاعی، دکتر فریال فرنیان	۱۳۸۳
۶	کتاب سومین دیدار	سهیلا قاسمی	مهسا حسینی، آرزو درانی، لیلا کرمی، خلیل ملکی رائی	تابستان ۱۳۸۵

فهرست کتابچه‌های اطلاعاتی فدراسیون:

ردیف	عنوان	تاریخ انتشار	تهیه کننده
۱	شناسنامه شورای همبستگی ورزش زنان کشورهای اسلامی (پس از پایان اولین دوره)	۱۳۷۴	ماندانا رسولی
۲	کتابچه آمار و اطلاعات فدراسیون (آمار جنسیت افراد شرکت کننده در شش کنگره)	۱۳۷۶	دکتر فریده هادوی
۳	اساسنامه فدراسیون ورزش بانوان کشورهای اسلامی	۱۳۷۸	دبیرخانه فدراسیون
۴	شناسنامه فدراسیون اسلامی ورزش زنان (پس از پایان سومین دوره)	۱۳۸۱	روابط عمومی فدراسیون
۵	آئین نامه‌های فدراسیون اسلامی ورزش زنان	۱۳۸۵	سهیلا قاسمی

فهرست فیلم‌های تهیه شده در فدراسیون اسلامی ورزش زنان:

ردیف	عنوان فیلم	موضوع فیلم	تاریخ ساخت	سازنده
۱	«تلاش» صلای صلح، طنین جنگ	برگزاری سومین دوره بازی‌های زنان مسلمان	آبان ۱۳۸۰	کاوه گلستان
۲	BBC. الجزایر	برگزاری سومین دوره بازی‌های زنان مسلمان	آبان ۱۳۸۰	تلویزیون BBS تلویزیون الجزیره
۳	شکوه همبستگی	برگزاری چهارمین دوره بازی‌های اسلامی زنان	مهر ۱۳۸۴	عباس درویش

فهرست موزیک‌های ساخته شده:

ردیف	عنوان موزیک	سازنده	تاریخ ساخت
۱	مشعل	مجید انتظامی	آبان ۱۳۸۰
۲	فیلم تلاش	مجید انتظامی	آبان ۱۳۸۰
۳	سرود همبستگی	آیدین کاظمی	شهریور ۱۳۸۳

فهرست تولیدات و انتشارات فدراسیون اسلامی ورزش زنان:

ردیف	موضوع	عنوان	تاریخ
۱	اولین کنگره همبستگی ورزش زنان کشورهای اسلامی	پوستر	مهر ۱۳۷۰
		گواهی شرکت	مهر ۱۳۷۰
۲	اولین دوره بازی‌های زنان کشورهای اسلامی	پوستر	بهمن ۱۳۷۱
		گواهی شرکت	بهمن ۱۳۷۱
		احکام قهرمانی	بهمن ۱۳۷۱
		تمبر	بهمن ۱۳۷۱
۳	دومین دوره بازی‌های زنان کشورهای اسلامی	پوستر	آذر ۱۳۷۶
		تمبر	آذر ۱۳۷۶
		احکام قهرمانی	آذر ۱۳۷۶
		گواهی شرکت	آذر ۱۳۷۶
۴	هفتمین مجمع عمومی فدراسیون ورزش زنان کشورهای اسلامی	پوستر	اسفند ۱۳۷۹
۵	سومین دوره بازی‌های زنان مسلمان تهران	پوستر	آبان ۱۳۸۰
		حکم قهرمانی	آبان ۱۳۸۰
		گواهی شرکت	آبان ۱۳۸۰
		تمبر	آبان ۱۳۸۰
		کتابچه راهنمای عمومی و فنی	آبان ۱۳۸۰
		فولدر/سرپرگ/کارت شناسایی / پاکت	آبان ۱۳۸۰
۶	دومین کنگره علمی ورزشی زنان مسلمان	پوستر	آبان ۱۳۸۰
۷	سومین کنگره علمی ورزشی فدراسیون اسلامی ورزش زنان IOC - MC	گواهی شرکت	بهمن ۱۳۸۱
		پوستر	بهمن ۱۳۸۱
		کتابچه راهنما	بهمن ۱۳۸۱

فهرست تولیدات و انتشارات فدراسیون اسلامی ورزش زنان:

ردیف	موضوع	عنوان	تاریخ
۸	چهارمین کنگره علمی ورزشی فدراسیون اسلامی ورزش زنان	گواهی شرکت	آذر ۱۳۸۲
		پوستر	آذر ۱۳۸۲
		کتابچه راهنما	آذر ۱۳۸۲
		کتابچه خلاصه مقالات	آذر ۱۳۸۲
۹	چهارمین دوره بازی‌های اسلامی زنان	پوستر	مهر ۱۳۸۴
		گواهی شرکت	مهر ۱۳۸۴
		احکام قهرمانی	مهر ۱۳۸۴
		تمبر	مهر ۱۳۸۴
		کتابچه راهنمای عمومی	مهر ۱۳۸۴
		کتابچه راهنمای فنی	مهر ۱۳۸۴
		گواهی شرکت	مهر ۱۳۸۴
۱۰	پنجمین کنگره علمی ورزشی «به سوی آینده»	کتابچه راهنمای عمومی و خلاصه مقالات	مهر ۱۳۸۴
		کارت شناسایی	مهر ۱۳۸۴
		پوستر	مهر ۱۳۸۴
۱۱	چهارمین مجمع عمومی فدراسیون ورزش زنان کشورهای اسلامی	پوستر	۱۳۷۳/۲/۴
۱۲	پنجمین مجمع عمومی فدراسیون ورزش زنان کشورهای اسلامی	پوستر	۱۳۷۴/۹/۵
۱۳	ششمین مجمع عمومی فدراسیون ورزش زنان کشورهای اسلامی	پوستر	۱۳۷۶/۸/۲۸

انتصابات و عضویت‌ها

- انتصاب «دکتر شکوه نوابی نژاد» مشاور این فدراسیون از سوی ریاست سازمان ایچپر به سمت «مدیریت کمیسیون روانشناسی و مشاوره ورزشی» آن سازمان

- عضویت خانم فائزه‌هاشمی در گروه کاری زنان IWG

- عضویت ناظر فدراسیون اسلامی ورزش زنان دربانک توسعه اسلامی.

- عضویت در سازمان بین‌المللی ایچپر.

- عضویت ناظر فدراسیون اسلامی ورزش زنان در سازمان کنفرانس اسلامی.

اعضای ناظر و افتخاری فدراسیون:

- اعطای عنوان عضو ناظر به گروه کاری بین‌المللی زنان IWG

- اعطای عنوان عضو ناظر به مؤسسه سازمان شرکای جهانی ورزش
Global sport توسط فدراسیون

- اعطای عنوان عضو ناظر به فدراسیون اسلامی همبستگی ریاض

- اعطای عنوان عضو ناظر به گروه کاری زنان در آسیا AWG

تاریخ ورزش نابینایان در ایران

بهرام جدیدی، زهرا شاهی

قبل از ورود به بررسی تاریخچه ورزش نابینایان مفید خواهد بود تا آشنایی مختصری از تعداد افراد نابینا در ایران و جهان کسب نماییم. به طور متوسط در هر دقیقه یک نفر در جهان نابینا می‌شود؛ ۳۷ میلیون نفر در جهان نابینا و ۱۲۴ میلیون نفر کم بینا هستند که ۴۰۰ هزار نفر از این نابینایان در ایران هستند و تنها ۷۷ هزار نفر از آنها شناسایی شده‌اند. از ۱۰۰ درصد علل نابینا شدن افراد ۶۰ درصد قابل پیش‌گیری است و ۲۰ درصد از نابینایی‌ها قابل درمان است و ۲۰ درصد باقیمانده از جمعیت نابینایان به کمک ورزش می‌توانند از زندگی مستقل و سالمی سود ببرند.

نگارش تاریخ و اهمیت درج نکات مهم دریک برهه از زمان باعث آگاهی و صرف هزینه کمتر جهت دستیابی به تجربیات افراد و آگاهی از دوره‌های پیشرفت می‌شود. همچنین این امر باعث ارج نهادن بر زحمات افرادی است که در دوره‌های مختلف باعث پیشرفت توانایی‌های یک رشته ورزشی خواه از نظر تربیت‌بدنی و یا از نظر ورزشی شده‌اند.

در دوره قاجاریان و قبل از آن بر طبق روایت پیشکسوتان؛ بهترین محیط از نظر ورزش و تمرین برای افراد نابینای علاقه‌مند به ورزش؛ شرکت در محیط زورخانه

بود. در این محیط ایشان بدون احساس خطر از صدمه دیدن می‌توانستند در محیطی اخلاقی اقدام به ساخت بدن و ذهن خود بنمایند.

در مصاحبه بایکی از پیشکسوتان در خصوص سابقه تاریخی ورزش افراد نابینا در ایران؛ ایشان با ذکر تجربیات و ذکر مشاهدات پیشینیان خود اظهار می‌داشت که در اواخر سلطنت قاجاریان سه برادر نابینا در محیط زورخانه‌ای در شهر نیشابور؛ سال‌های طولانی اقدام به ورزش می‌نمودند و اشاره داشتند که چون افراد نابینا به دنبال یافتن محیط امن برای اجرای ورزش بودند بهترین محیط برای اجرای تمرینات در آن زمان و ازمنه گذشته؛ محیط گود زورخانه بود زیرا فرد نابینا پس از قرار گرفتن در محیط گود و شناخت محیط اطراف خود به راحتی می‌توانست در آن محیط بدون آن که برخوردی با محیط اطراف داشته باشد حرکت نماید و در زمان استفاده از وسایل خاص ورزش زورخانه مانند تخته شنا، میل، کباده، سنگ و امثالهم مشکلی برای خود و سایر ورزشکاران ایجاد ننماید. همچنین در این محیط افراد نابینا می‌توانستند با سایر ورزشکاران آشنا شده و از این طریق ضمن معرفی خود و توانائی‌های خود به ایشان، دوستان صاحب اخلاق و منش پهلوانی برای خود پیدا نمایند.

از حدود نیم قرن اخیر توجه و رسیدگی به امور تربیت‌بدنی و توانبخشی افراد نابینا همواره متأثر از رسیدگی به امور تربیت‌بدنی و توانبخشی افراد معلول و استثنایی بوده است. هر گاه رسیدگی به امور سلامتی و تندرستی افراد معلول در متن توجه قرار داشته بالتبع امور تربیت‌بدنی افراد نابینا نیز بهبودیافته است.

در طی این مدت دو دوره را متمایز از یکدیگر می‌توان در نظر گرفت:

- دوره‌ای که بیشتر تربیت‌بدنی و توانبخشی افراد نابینا در متن توجه قرار داشته است.

- دوره‌ای که علاوه بر تربیت‌بدنی و توانبخشی افراد نابینا، ورزش نیز در قالب

برگزاری مسابقات درون مرزی و برون مرزی بر آن افزوده شده است.

- در دوره اول؛ ارائه خدمات تربیت بدنی و توانبخشی به وسیله سازمان‌های خدمات اجتماعی؛ سازمان‌های خیریه و موسسه‌های خصوصی انجام می‌گرفت. به کوشش این سازمان‌ها و موسسات؛ توجه عموم به نیازها و حقوق افراد نابینا جلب می‌گردید و طی برنامه‌های مراقبتی و توانبخشی؛ به امور تحصیل، تربیت بدنی و فوق برنامه این افراد توجه می‌گردید. این نگرش‌ها باعث گردید تا پایه‌های فکری تأسیس اولین مدارس مخصوص افراد نابینا در ایران در سال ۱۳۳۶ پایه گذاری شود و اولین مدارس خاص نابینایان (حدود سال ۱۳۴۰) در تهران تأسیس گردید.

همزمان با بازگشایی این مدارس، ورزش نابینایان و کم بینایان نیز تحت سرپرستی سازمان رفاه نابینایان در ایران شروع به فعالیت نمود. برنامه‌های این مرکز بیشتر جنبه‌های تفریحی، اردویی و فوق برنامه را در بر می‌گرفت.

برنامه‌های تربیت بدنی در مدارس نابینایی بیشتر آموزش تربیت بدنی شامل: مهارت‌های ورزشی، گلبال، ژیمناستیک، کشتی، شنا، فوتبال، شطرنج، بدنسازی، وزنه‌برداری، آموزش صف بندی، رژه و آموزش اجرای پیرامیدهای ورزشی در میان دختران و پسران دانش آموز نابینا بود. این برنامه‌ها شامل فعالیت‌هایی هماهنگ و متنوع بود و در این برنامه‌ها ورزش‌های داخل مدرسه و ورزش‌های بین مدرسه ای ارائه می‌شد. در راستای این فعالیت‌ها، برگزاری اردوهای ورزشی و تفریحی به طور مرتب در دستور کار این مراکز قرار داشت.

مجمع نابینایان شبانه روزی شهید محبی با دارا بودن موقعیت مکانی و الگو پذیری از ساخت مراکز آموزشی پیشرفته بین‌المللی نابینایان به عنوان بزرگترین مرکز آموزشی نابینایان در خاورمیانه به شمار می‌آید که امر آموزش و پرورش

افراد نابینای مراجعه کننده از کل کشور را بر عهده داشت. این مجتمع با دارا بودن امکانات استخر شنا، زمین فوتبال، اتاق ورزش، اتاق شطرنج، کلاس آموزش ماساژ و کلاس‌های فوق برنامه دیگر عهده‌دار آموزش تربیت‌بدنی و پر کردن اوقات فراغت افراد نابینا را فراهم می‌نمود. ورزش‌های همگانی و انجام تمرینات بدنی در صبحگاه (ساعت ۶) توسط دانش آموزان انجام می‌شد که این تمرینات از جمله فعالیت‌های مفید تربیت‌بدنی همه روزه دانش آموزان این مجتمع بود. فوتبال به عنوان رشته مورد علاقه افراد نابینا و نیمه بینا از حدود سال ۱۳۴۱ در این مرکز اجرا می‌گردید و دو زمین مجزای فوتبال جهت استفاده افراد نابینا و نیمه بینا در آن طراحی و ساخته شده بود. دو استخر در این مرکز موجود بود که در یک استخر آموزش ورزش شنا به افراد نو آموز و در استخر دیگر شنای تفریحی برای همه افراد نابینایی که در مهارت شنا تبحریافته بودند برقرار بود. تعداد معتناهی تخته شطرنج نابینایی در اختیار خوابگاه‌ها و افراد قرار داده شده بود تا در اوقات فراغت در محیط‌های خوابگاهی یا فضای سبز مرکز بتوانند اقدام به اجرای این مهارت فکری بنمایند. بدنسازی در اتاق ورزش امکان‌پذیر بود. در این اتاق انواع دوچرخه ثابت، قایق ثابت، هالتر و دیگر وسایل بدنسازی موجود بود. تخته‌های تشک کشتی جهت اجرای مهارت کشتی و اجرای حرکات ریتمیک ژیمناستیک و ساخت پیرامیدهای ورزشی توسط دانش آموزان مورد استفاده واقع می‌گردید. یکی از اقدامات مفید در آن برهه از زمان، آموزش ماساژ به افراد نابینا بود که این نگرش با توجه به قدرت لمس بالای این افراد به خوبی محقق شده بود. ماساژ توسط دکتر واحدی آموزش داده می‌شد و یک دوره نیز جهت تکمیل آموزش ماساژ، مدرسین نابینا به خارج اعزام گردیدند.

مجتمع دیگر نابینایان در تهران، مجتمع خزانلی بود که جهت پر کردن اوقات

فراغت دانش آموزان نابینا و تربیت بدنی ایشان از امکانات مرکز توانبخشی رودکی و امکانات موجود در ورزشگاه شهید شیرودی از جمله استخر شنا، کشتی و غیره استفاده می‌کرد. آموزش و انجام مسابقات شطرنج نیز از جمله ورزش‌های فکری بود که توسط افراد نابینا در این مجتمع برقرار گردیده بود.

در مصاحبه با یکی از پیشکسوتان نابینا در خصوص ترویج ورزش شطرنج ایشان یادآور شدند که در یکی از مسابقات شطرنج قهرمانی کشور در سال ۱۳۴۷ یک فرد نابینای شرکت کننده از اهالی رشت ضمن شکست دادن کلیه حریفان، حائز رتبه اول کشوری در این رشته گردید.

- دوره‌ای که علاوه بر تربیت بدنی و توانبخشی افراد نابینا؛ ورزش نیز در قالب برگزاری مسابقات درون مرزی و برون مرزی بر آن افزوده شده است.

در سال ۱۳۵۷ ورزش نابینایان تحت سرپرستی فدراسیون معلولین اداره می‌شد. در سایر استان‌ها ورزش نابینایان تحرک چندانی نداشت و صرفاً استان‌هایی مانند کرمانشاه، لرستان، اصفهان و تهران در زمینه ورزش معلولین و نابینایان فعالیت می‌نمودند.

ورزش نابینایان تحت عنوان کمیته ورزش نابینایان کشور از سال ۱۳۵۸ فعالیت رسمی خود را تحت سرپرستی فدراسیون معلولین آغاز نمود. اولین رشته‌هایی که افراد نابینا در آن‌ها به فعالیت می‌پرداختند رشته‌های ورزشی گلبال، شطرنج، شنا، دوومیدانی، کشتی و وزنه‌برداری بود و اولین مسابقه ورزشی نابینایان به عنوان یک مسابقه بین استانی در رشته گلبال و بین چهار تیم اصفهان، لرستان (دروود)، تهران (شهید محبی و خزائلی) برگزار گردید. تمرینات و مسابقات شطرنج در محل سابق کمیته ملی المپیک که به نام خانه ورزش نابینایان نامیده می‌شد برگزار گردید. شنا گران نابینا نیز جهت تمرینات به ورزشگاه شهید شیرودی مراجعه می‌کردند.

مسئولیت فدراسیون معلولین را تا سال ۱۳۵۹ آقای مهندس برجیان بر عهده داشتند.

اولین حضور بین‌المللی مسئولین ورزش معلولین و نابینایان؛ مربوط به مسابقات بین‌المللی افراد معلول در هلند (تابستان ۱۳۵۹) بود. هدف از این اعزام کسب تجارب فنی و تهیه منابع، قوانین و مقررات و آشنا نمودن فدراسیون جهانی با ورزش معلولین و نابینایان در ایران بود.

پس از بازگشت گروه اعزامی از مسابقات بین‌المللی هلند، اولین دوره کلاس‌های مربیگری ورزش‌های معلولین در چند رشته در همان سال برگزار شد. مربیان پس از آموزش‌های لازم به استان‌های خود مراجعت و نسبت به تشکیل تیم‌های ورزشی اقدام نمودند. اولین دوره مسابقات افراد معلول و نابینا در شهریور ماه ۱۳۵۹ در تهران برگزار شد که نابینایان فقط در رشته شطرنج شرکت داشتند.

از سال ۱۳۵۹ مسئولیت فدراسیون معلولین بر عهده آقای خسروی وفا بوده است. در اوایل سال ۱۳۶۰ سمیناری در هتل انقلاب تهران تشکیل گردید که در این سمینار اهمیت آغاز به کار رشته‌های مختلف ورزشی نابینایان متذکر گردید و در راستای راه‌اندازی و ترویج و توسعه این رشته‌های ورزشی پیگیری‌های لازم آغاز شد. از تحولات دیگر در این سال تغییر نام فدراسیون ورزش‌های معلولین به فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین بود.

از سال ۱۳۶۰ هماهنگ با فعالیت کمیته ورزش نابینایان کشور تحت سرپرستی فدراسیون جانبازان و معلولین، هیئت‌های تربیت‌بدنی استان‌ها نیز تحت سرپرستی ادارات کل تربیت‌بدنی آن استان و بالطبع هیئت ورزشی معلولین آن استان و بعضاً به صورت مستقل فعالیت خود را آغاز نمودند. شروع به کار و فعالیت هیئت‌های ورزش معلولین و نابینایان در هر استان بستگی به نظر مثبت و موافقت مدیران کل تربیت‌بدنی هر استان داشت.

از جمله رویدادهای مهم بین‌المللی در زمینه ورزش افراد نابینا تأسیس تشکیلات

ورزش‌های بین‌المللی نابینایان (I. B. S. A.) در سال ۱۹۸۱ مطابق با سال ۱۳۶۰ در ایران بود که از آن پس آخرین اخبار قوانین و مقررات رشته‌های ورزشی نابینایان جهت کمیته ورزش نابینایان در ایران نیز ارسال می‌شود. در کل سال ۱۳۶۰ نقطه اوج اولیه فعالیت‌های ورزشی معلولین و نابینایان در بعد از انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد.

محل استقرار کمیته ورزش نابینایان از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۲ در محل سابق کمیته المپیک که به نام خانه ورزش نابینایان اطلاق می‌شد قرار داشت. از سال ۱۳۶۲ هیئت ورزش‌های نابینایان از محل خانه ورزش نابینایان به محل فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین تغییر مکان داد و تا سال ۱۳۶۶ در همین محل استقرار داشت. مسئولیت فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین از سال ۱۳۶۳ بر عهده آقای سرخیل قرار داشت و تا پایان مسابقات المپیک سئول و کمی بعد از آن ادامه داشت. از سوی دیگر هم سو با توسعه ورزش در میان مردان؛ با تأسیس انجمن ورزش‌های بانوان جانباز، معلول و نابینا در سال ۱۳۶۵، انجمن فوق از بدو تأسیس تحت پوشش معاونت ورزش بانوان فعالیت خود را رسماً آغاز نمود این ورزشکاران تا پیش از آن تحت پوشش فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین (هیئت ورزش‌های نابینایان) فعالیت می‌کردند.

محل استقرار هیئت ورزش‌های نابینایان از سال ۱۳۶۶ از محل فدراسیون جانبازان و معلولین به محل دفتر امور مشترک هیئت‌ها انتقال یافت و از نظر مکانی نیز نابینایان دارای محل مستقل گردیدند.

اولین حضور ورزشکاران نابینا در میادین بین‌المللی پس از تحریم دو المپیک آمریکا و شوروی سابق، مربوط به مسابقات پارالمپیک سئول ۱۹۸۸ مطابق با ۱۳۶۷ بود که تیم گلبال نابینایان به همراه تیم‌های مختلف ورزشی معلولین در این دوره از

مسابقات حاضر شدند لیکن به دلیل قرار گرفتن در مقابل تیم رژیمن اشغالگر قدس از بازی امتناع کردند و این امر باعث محرومیت ده ساله برای تیم گلبال گردید. از سال ۱۳۶۷ مجدداً مسئولیت فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین بر عهده آقای خسروی وفا گذاشته شد.

به خاطر شرایط خاص نابینایان و قابلیت‌های ورزشی که این عزیزان در رشته‌های مختلف از خود بروز داده بودند، لازم بود امکانات ویژه‌ای برای این قشر از جامعه کشورمان مهیا گردد لذا در طی یک دوره مسابقات معلولین و نابینایان در سال ۱۳۶۷ موضوع ارتقاء جایگاه ورزش نابینایان به یک کمیته مستقل با آقای درگاهی رییس وقت سازمان تربیت‌بدنی در میان گذاشته شد و ایشان جهت آن که هیئت نابینایان از استقلال عمل بیشتری در فدراسیون جانبازان و معلولین برخوردار باشد با ارتقاء این هیئت به یک کمیته مستقل موافقت نمودند و آقای حسینی که از سال ۱۳۵۹ مسئولیت هیئت ورزش‌های نابینایان را بر عهده داشتند به عنوان مسئول کمیته ورزش نابینایان به خدمت خود ادامه دادند. از آن پس ورزش نابینایان در ابتدای بزرگراه آزمون‌های پیش رو و اثبات لیاقت خود در حفظ جایگاه به دست آمده و دسترسی به امکانات بیشتر قرار گرفت. با استقلال عمل بیشتر ورزش نابینایان و به قول الهی و با پیگیری‌های لازم موضوع تشکیل هیئت‌های ورزشی نابینایان در استان‌ها مطرح که مورد تصویب سازمان تربیت‌بدنی قرار گرفت و به ادارات کل تربیت‌بدنی استان‌ها ابلاغ و هیئت‌های ورزشی نابینایان در استان‌ها به صورت رسمی فعالیت مستقل خود را آغاز نمودند. در این زمان ورزش نابینایان جایگاه‌های بایسته خود را در مراکز استان‌ها به دست آورد و هدایت این تشکیلات نو پا در دستور کار کمیته ورزش نابینایان کشور قرار گرفت.

آمار جذب نابینایان و کم بینایان ورزشکار رو به افزایش می‌نمود و پیش‌بینی‌های لازم برای گسترش سطح فعالیت و اختیار عمل بیشتر این کمیته ورزشی لازم به نظر

می‌رسید؛ لذا در سال ۱۳۶۸ موضوع در شورای عالی تربیت‌بدنی سازمان مطرح و موافقت شد که کمیته ورزش‌های نایبانیان فدراسیون به سطح نائب ریسی فدراسیون در امور نایبانیان ارتقاء یابد و کماکان در تشکیلات ورزشی جانبازان و معلولین کشور به فعالیت خود ادامه دهد. آقای معمایی در آن سال نائب رییس فدراسیون در امور نایبانیان شدند و آقای مظلومی مسئولیت کمیته ورزش نایبانیان را تا سال ۱۳۷۰ بر عهده گرفتند. از سال ۱۳۷۰ به بعد آقای مظلومی به عنوان نائب رییس فدراسیون و رییس کمیته نایبانیان به خدمت خود ادامه دادند.

محل استقرار ورزش نایبانیان از سال ۱۳۶۸ به محل فدراسیون جانبازان و معلولین باز گشت.

از دیگر تغییرات مهم و اثر گذار در ورزش نایبانیان در سال ۱۳۶۸ ادغام فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین با بخش تربیت‌بدنی و ورزش بنیاد مستضعفان و جانبازان در یکدیگر بود. با همگام شدن فعالیت بنیاد با فدراسیون؛ توانمندی‌های ورزشی نایبانیان سیر صعودی گرفته و باعث فعالیت رو به رشد ورزش این قشر گردید و در زمینه برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، ورزشی و اردوهای متعدد جهت آماده سازی ورزشکاران و اعزام‌های متعدد و کسب مقام‌ها تأثیر زیادی را بر جای گذارد. این ادغام تا سال ۱۳۷۵ به قوت خود باقی بود.

به پشتوانه تلاش‌های صورت پذیرفته در دهه ۱۳۵۸-۱۳۶۸ و جهت تثبیت هر چه بهتر موقعیت ورزش نایبانیان و کم بینیان در فدراسیون جانبازان و معلولین و معاونت ورزش بانوان در دهه ۱۳۶۸-۱۳۷۸ از لحاظ آموزشی و پرورشی برای این عزیزان تلاش‌های بسیاری صورت پذیرفت از جمله آموزش رشته‌های مختلف ورزشی به منظور ارتقاء سطح آگاهی مربیان و داوران در اولویت قرار گرفت. در پی آن برنامه‌های مندرج در تقویم ورزشی سالیانه افزایش یافت. با برگزاری مستمر

مسابقات در رشته‌های گلبال، دوومیدانی، وزنه‌برداری، شنا، کشتی، جودو، شודان و شطرنج قابلیت‌های ورزشی این عزیزان با رشد قابل توجهی مواجه و در سطح داخلی و همچنین برون مرزی نمایان گردید.

اولین اعزام بین‌المللی موفقیت آمیز ورزشکاران نابینا در رشته کشتی قهرمانی جهان بود در این مسابقات که در کشور هلند ۱۹۹۰ مطابق با ۱۳۶۹ برگزار شد تیم ایران به مقام اولی جهان با کسب یک مدال طلا، دو نقره و یک برنز دست یافت. پس از این پیروزی ورزشکاران نابینا و کم بینای کشورمان موفق شدند در برخی از رشته‌ها مانند وزنه‌برداری قدرتی با حضور شایسته فاتح سکوی نخست قهرمانی در این رشته گردند و در مسابقات وزنه‌برداری قدرتی قهرمانی جهان در اسپانیا ۱۹۹۴، آمریکا ۱۹۹۵ و کانادا ۱۹۹۶ سه بار به مقام قهرمانی جهان در رشته وزنه‌برداری دست یابند. همچنین ورزشکاران نابینا و نیمه بینا در مسابقات بین‌المللی دوومیدانی قهرمانی جهان در استرالیا ۱۹۹۹، توانستند به مقام‌های مهمی دست یابند.

در سال ۱۳۷۰ اولین مجتمع ورزشی نابینایان و اولین محیط ورزش باستانی برای افراد نابینا در مجتمع آموزشی شهید محبی تهران طراحی و با مساعدت شهرداری تهران ساخته شد.

در محیط ورزش باستانی این مجتمع افراد نابینا ساعت ورزش را به آماده سازی روح و بدن خود می‌پرداختند؛ در این محیط افراد با پوشیدن لباس مخصوص ورزش باستانی به اجرای نرمش می‌پرداختند و سپس از تخته شنا، میل، کباده و سنگ استفاده می‌نمودند. در بخشی از این محیط سکویی برای مرشد در نظر گرفته شده بود در این محیط با توجه به مهارت افراد نابینا در نواختن ضرب و داشتن صوت خوش از خود آن‌ها به عنوان مرشد سود برده می‌شد. در سال ۱۳۷۲ به مناسبت روز جهانی نابینایان توسط همین ورزشکاران دانش آموز نابینا، اجرای نمایش ورزش زورخانه در سالن

والیبال مجموعه ورزشی شیروودی تهران به اجرا در آمد.

در سال ۱۳۷۵ تحقیقی تجربی پیرامون آموزش تربیت‌بدنی به افراد نابینا از طریق روش تصاویر برجسته شده ورزشی توسط نگارنده صورت پذیرفت که به عنوان یک روش جدید تدریس تربیت‌بدنی به افراد نابینا برای اولین بار در جهان، از طرف سازمان (I. B. S. A 1996) مورد تأیید قرار گرفت و در مجله Blind Sport معرفی گردید.

همچنین در طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ تحقیقاتی پیرامون وسایل و ابزار مورد استفاده رشته‌های مختلف ورزشی افراد نابینا توسط نگارنده صورت پذیرفت که شانزده تحقیق منجر به ابداع وسایل جدیدی گردید. این ابداعات مورد تأیید سازمان ثبت اختراعات و سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران واقع شده است و موجب تحولاتی در اجرای رشته‌های ورزشی گلبال، دوومیدانی، دوچرخه‌سواری، فوتبال و... افراد نابینا گردیده است.

گسترده‌گی سطح فعالیت‌های ورزشی این عزیزان و افتخارات غرورآفرین ایشان در میداين پر شور ورزشی داخلی و خارجی موجبات جلب نظر و تحسین مسئولین سازمان جهانی ورزش‌های نابینایان (I. B. S. A) را فراهم نمود و در سال ۱۳۷۸ به دنبال بذل هماهنگی و پیگیری‌های لازم ریاست فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین و بخش امور ورزش نابینایان و کم بینایان در مورد حمایت ریاست (I. B. S. A) قرار گرفت و همچنین موافقت رییس سازمان تربیت‌بدنی منجر به تأسیس فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم بینایان در جمهوری اسلامی ایران گردید. فعالیت رسمی این فدراسیون از مهر ماه سال ۱۳۷۸ آغاز شد و آقای خداوردی به سمت رییس فدراسیون انتخاب شدند. با تشکیل فدراسیون مستقل ورزش‌های نابینایان و کم بینایان، عضویت رسمی این فدراسیون در سازمان جهانی (I. B. S. A) پذیرفته شد.

از موفقیت‌های دیگری که در سال ۱۳۷۸ فدراسیون تازه تأسیس نابینایان و کم

بینایان به آن دست‌یافت ریاست منطقه آسیایی (I. B. S. A) بود که تا پایان سال ۲۰۰۲ بر عهده آقای خداوردی رییس فدراسیون نایب‌نایان و کم بینایان گذاشته شده بود. در بعد پژوهشی برای اولین بار در ورزش معلولین و نایب‌نایان یک مقاله در زمینه ورزش نایب‌نایان به پنجمین کنگره بین‌المللی پارالمپیک سیدنی ۲۰۰۰ ارائه شد که مورد پذیرش واقع گردید. این مقاله در زمینه دوچرخه سواری نایب‌نایان بود و در بخش بیو مکانیک آن کنگره حائز رتبه دوم گردید.

از جمله تغییرات مهم و حساس پس از تشکیل فدراسیون نایب‌نایان، می‌توان از شکل‌گیری مستقل انجمن ورزش بانوان نایب‌نایان در سال ۱۳۷۹ یاد کرد. انجمن فوق تحت پوشش معاونت ورزش بانوان عهده‌دار فعالیت‌های ورزشی و آموزشی بانوان ورزشکار نایب‌نایان گردید. همچنین در همین سال اولین حضور بین‌المللی بانوان ورزشکار نایب‌نایان را در مسابقات شطرنج در اسپانیا ۲۰۰۰، مطابق با ۱۳۷۹ را شاهد بودیم.

از جمله رویدادهای مهم سال ۱۳۷۹ مطابق با سال ۲۰۰۰ تشکیل کمیته پارالمپیک جمهوری اسلامی ایران بود که پس از تأیید کمیته ملی المپیک کشورمان رسماً فعالیت خود را جهت پیشبرد اهداف ورزش معلولین قطع عضو، قطع نخاع، فلج مغزی، کم توان ذهنی و نایب‌نایان را بر عهده گرفت.

حضور قدرتمند وزنه برداران قدرتی نایب‌نایان و کم بینا پس از سال ۱۳۷۸ داشت و قهرمانی این دلاوران تاکنون ادامه داشته است. ایشان در مسابقات هلند ۲۰۰۰، جمهوری چک ۲۰۰۲، کانادا ۲۰۰۳ و مجدد جمهوری چک ۲۰۰۵ چهار بار دیگر مقام قهرمانی جهان را از آن جمهوری اسلامی ایران نمودند.

با تغییراتی که در قوانین و مقررات (I. B. S. A) به وجود آمد رشته ورزشی جودو، جانشین رشته ورزشی کشتی گردید و در طی سال‌های ۱۳۸۱ تاکنون جودو

کاران نابینا در پنج مسابقه بین‌المللی شرکت نموده‌اند که حاصل آن بیش از هشت مدال طلا، نقره و برنز بوده است.

همچنین اولین حضور شناگران نابینا در مسابقات جهانی کانادا ۲۰۰۳ مطابق با ۱۳۸۲ کسب یک رتبه دومی در این دوره از مسابقات جهانی بود.

همزمان با افتخار آفرینی قهرمانان ورزشی نابینا در میادین داخلی و بین‌المللی، فعالیت‌های پژوهشی نیز در موازات این افتخارآفرینی‌ها تداوم یافته است. یکی دیگر از رویدادهای ورزشی نابینایان در سال ۲۰۰۲ مناسب سازی رشته بسکتبال برای افراد نابینا و کم بینا بود که این ابداع به یازدهمین کنگره بین‌المللی (I. C. E. V. I) نابینایان در هلند معرفی شد و مورد پذیرش جهت ارائه واقع گردید.

بر اساس انتخابات فدراسیون نابینایان در سال ۱۳۸۲ مسئولیت فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم بینایان بر عهده آقای هادی زاده قرار گرفت.

جهت ارائه مقالات و دست آوردهای علمی و پژوهشی ورزش نابینایان و با تلاش بخش آموزش و پژوهش فدراسیون نابینایان اولین کنگره ورزش نابینایان در سال ۱۳۸۳ در تهران افتتاح گردید.

اولین مدال پارالمپیک نابینایان در مسابقات آتن ۲۰۰۴ مطابق با ۱۳۸۳ در رشته جودو کسب گردید.

در مجموع از سال ۱۳۶۹ تاکنون ورزشکاران نابینا و نیمه بینای کشورمان در مسابقات پارالمپیک؛ جهانی؛ منطقه‌ای و بین‌المللی موفق به کسب بیش از ۱۴۰ مدال شامل ۷۳ طلا؛ ۴۴ نقره و ۲۷ برنز شده‌اند.

مآخذ

- بهرام، عباس؛ آریا، جمشید (۱۳۶۴). تاریخ تربیت‌بدنی و ورزش. تهران. جهاد دانشگاهی.
- تاریخچه فدراسیون ورزش‌های نایب‌نایان و کم بینان، مطالعه از سایت فدراسیون ورزش‌های نایب‌نایان و کم بینان.
- تاریخچه ورزش جانبازان و معلولین کشور. مطالعه از سایت فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین کشور.
- تاریخچه مختصر ورزش‌های جانبازان و معلولین؛ نایب‌نایان و کم بینان. کمیته ملی پارالمپیک - مطالعه از سایت فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین کشور.
- کریمی؛ جواد (۱۳۶۴). نگاهی به تاریخ تربیت‌بدنی جهان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مدال‌آوران پارالمپیک؛ قهرمانی جهان؛ منطقه‌ای و بین‌المللی (۱۳۸۵). انتشارات کمیته بین‌المللی پارالمپیک.
- مصاحبه با یازده نفر از صاحب‌نظران: سه نفر از پیشکسوتان ورزش نایب‌نایان، نائب رئیس فدراسیون نایب‌نایان، دبیر و دبیر اسبق فدراسیون نایب‌نایان، دبیر فدراسیون معلولین، چهار نفر از تحصیل‌کردگان سابق مراکز آموزشی نایب‌نایان.
- مهدوی نژاد، رضا؛ معتمدی، پژمان (۱۳۸۱). تاریخ تربیت‌بدنی و ورزش. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

هاکی میراث ورزشی ایرانیان

معصومه تهرانچی

درآمد

هاکی قدمتی چند هزار ساله و ریشه در تاریخ ایران دارد که نشانه‌های بسیاری در ایران‌زمین وجود دارد. بر دیواره‌های معبر معروف بنی حسن در دره نیل نقش و نگاره‌هایی از ۴ هزار سال پیش، از بازی هاکی دیده می‌شود و نشان می‌دهد مصریان باستان نیز با چوبهای سر کج و خمیده در انتها به توپ ضربه می‌زدند. از طرفی دیگر، سوابقی از این بازی در اتیوپی وجود دارد که نشان می‌دهد ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح مردمان این کشور نیز هاکی بازی می‌کردند. نام هاکی احتمالاً از سر کج چوگان گرفته شده است و نشان دهنده چوب سر کجی است که برای توپ کوچک استفاده می‌شود. مصریان و رومیان و یونانیان نیز از جمله ملت‌هایی هستند که در این ورزش، قدمتی دیرینه دارند. به عقیده تاریخ نویسان، شکل چوبدستی سر کج از روی شکل پای انسان الگو برداری شده و بازیکنان هاکی به جای آنکه با پا به توپهای سنگین ضربه بزنند، با چوبهایی همانند پای خود به توپ یا چیزهای دیگر ضربه می‌زدند، تا پای خودشان

آسیب نبیند. به همین دلیل است که شکل‌های مختلفی از بازی توپ و چوبدستی در نقاط مختلف جهان ظاهر شده است.

بومیان سرخپوست امریکا، در میان خود بازی جالبی داشته‌اند که به شکل بسیار هیجان‌انگیز و حتی خشونت‌آمیزی با توپ و چوبدستی‌های مخصوص انجام می‌گرفته است. در یک نقاشی مربوط به سرخپوستان قبایل آزتک در امریکای مرکزی صحنه‌ای است که در آن خدای تاریکی و خدای روشنایی مشغول بازی با توپ و راندن آن به مشرق و مغرب هستند. به عقیده سرخپوستان آزتک این گوی همان ماه و خورشید بوده است که در آسمان حرکت می‌کند.

اما شواهد دیگری نشان می‌دهد چوگان تقریباً چیزی شبیه بازی است که مردم فلورانس در ایتالیا با پای پیاده انجام می‌دهند و به آن کالچو می‌گویند. نحوه بازی از این قرار است که هر طرف سعی می‌کند توپ را به دروازه مقابل برساند و فقط فرق میان بازی مردم فلورانس با بازی ایرانیان این است که آنها پیاده و در میدان کوچکی با تعداد زیادی بازیکن این بازی را انجام می‌دهند و به یکدیگر ضربه و تنه و مشت می‌زنند در حالیکه تعداد بازیکنان ایرانی بیش از پنج تا شش نفر نیست.

این ورزش در ایران، موجب بوجود آمدن ورزش‌هایی همچون هاکی و گلف گردید. آثار عهد صفویه حاکی از آن است که میدان نقش جهان در اصفهان محل تاخت و تاز اسبدوانان و ورزش چوگان بوده است. این بنا نشان می‌دهد که فرمانروایان و مردم از آن به عنوان یک میدان ملی برای بازی کهن خویش استفاده می‌نموده‌اند. اصل ورزش هاکی از ایران باستان شکل گرفته است و نشان می‌دهد هاکی از دیرپا انجام می‌شده است.

ورزش جدید هاکی از سال ۱۲۹۹ فعالیت خود را در ایران آغاز نموده است. هاکی نیز چون کشتی پهلوانی جزء قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین ورزش‌های ایرانی است. نخستین متون ورزشی هاکی در روزنامه اطلاعات منتشر شد: در متن منتشره آمده بود: نظر به

اینکه هاکی توانسته است طرفداران بسیاری را به خود جلب نماید. لذا کانون ورزش ایران تصمیم دارد تا نخستین بازی تیم ایران و یک تیم از انگلستان را در زمین کالج برگزار نماید.

اولین تیم هاکی در جنوب کشور ایران شکل گرفته است و اولین رقابتهای هاکی با حضور چهار تیم برگزار شد که تیمها عبارت بودند از تیمهای ببر ایران، انگلیس، تیم بانک شاهنشاهی و تیم سفارت انگلستان که به پیکار پرداختند و تیم ببر ایران و تیم سفارت انگلستان به فینال راه یافتند. و سرانجام تیم ببر ایران مقام اول را بدست آورد. اعضای تیم عبارت بودند از دکتر ذوالفقاری، مجید امیر ابراهیمی، شاپور امیر ابراهیمی، حسن گوشه، کتابچی، دکتر رنجت، فیروز.

این اولین تورنمنت هاکی در تاریخ ایران به ثبت رسید. همچنین کانون ورزش ایران، هاکی را جزء برنامه‌های ورزشی خود قرار داده، برای مسابقات یک گلدان نقره‌ای قدیمی در نظر گرفتند.

در سال ۱۳۲۰ انجمن هاکی ایران توسط داود نصیری ایجاد گردید. اما به علت عدم توجه مسئولین وقت توفیق چندانی نیافت. با این حال در همان زمان نیز در مناطق نفت‌خیز ایران به علت وجود انگلیسی‌ها و هندیها، کارگران شرکت نفت در ایران به این ورزش علاقه پیدا کردند و مسابقات منظم هاکی برگزار شد.

سپس تیم‌های نفت اهواز، نفت آبادان، نفت گچساران تشکیل گردید. هاکی ایران در سال ۱۳۳۴ به عضویت فدراسیون جهانی هاکی در آمد. ولی فعالیت‌های رسمی هاکی در ایران از سال ۱۳۵۱ آغاز شد. فدراسیون هاکی در سال ۱۳۵۱ به ریاست پروفیسور سیروس جاوید تأسیس شد. این اقدام همزمان با برگزاری مسابقات هاکی آسیا بود. پس از تشکیل فدراسیون هاکی اولین تیم هاکی ایران از بین ۱۸ نفر از تبعه کشورهای هلند، آلمان، هند، پاکستان که در ایران زندگی می‌کردند، تشکیل شد و

تمرینات را در استادیوم شهید شیروودی انجام دادند.

اولین مربی ایرانی آقای خداداد جاماسپیان بود. اولین مسابقه رسمی هاکی ایران در تهران بین تیم ایران و تیم اتباع خارجی ساکن تهران در سالن سر پوشیده هفتم تیر برگزار گردید؛ در روزنامه کیهان این مسابقات را تحت عنوان «تثبیت هاکی در تاریخ ورزش ایران نام بردند».

بدین ترتیب در سال ۱۳۵۲ بر اساس فعالیت هاکی در ایران از آقای پروفیسور سیروس جاوید دعوت بعمل آمد تا در جلسه هیئت ریسه کمیته بین‌المللی هاکی که در کشور هلند برگزار می‌گردد حضوریابند و به همین منظور فدراسیون هاکی ایران به عضویت فدراسیون بین‌المللی هاکی در آمد.

اولین مسابقات قهرمانی هاکی سال ۱۳۵۲ در منظره تهران برگزار شد. فعالیت رسمی بانوان با اجباری شدن رشته تربیت‌بدنی در مدرسه عالی ورزش آغاز شد. در سال ۱۳۵۳ اولین دوره مسابقات هاکی بانوان با حضور ۵ تیم انجام گرفت همچنین فعالیت هاکی بانوان فقط تا سال ۱۳۵۶ ادامه داشت. سپس با تلاش مسئولان ورزش بانوان و فدراسیون هاکی در سال ۱۳۷۴ اولین دوره کلاس مربیگری ویژه بانوان برگزار شد. و عملاً از سال ۱۳۸۰ انجمن هاکی بانوان به ریاست سرکار خانم تهرانچی در حوزه معاونت ورزش بانوان ایجاد گردید.

هاکی در جهان به چهار صورت انجام می‌شود:

- ۱- هاکی چمنی
- ۲- هاکی روی یخ
- ۳- هاکی سالنی
- ۴- هاکی اسکیت

هاکی روی چمن به شکل مدرن و امروزی خود اولین بار در اواسط قرن ۱۸

در مدارس انگلستان بازی می‌شد؛ در قرن ۱۹ این ورزش ساماندهی بیشتری یافت. در سال ۱۹۰۸ برای اولین بار بازی‌های المپیک تابستانی برگزار شد. در سال ۱۸۶۰ نخستین مقررات هاکی از سوی انگلیس‌ها تدوین شد.

هاکی روی‌یخ نیز به عنوان نوع دیگری از این ورزش است؛ در سال ۱۹۰۸ فدراسیون بین‌المللی هاکی روی‌یخ تشکیل شد و در سال ۱۹۲۰ برای نخستین بار در بازی‌های المپیک زمستانی قرار گرفت.

در سال ۱۹۲۴ فدراسیون بین‌المللی هاکی روی چمن مردان تشکیل گردید. با توسعه سریع این بازی در بین زنان، فدراسیون بین‌المللی انجمن هاکی چمن زنان نیز در سال ۱۹۲۷ تأسیس شد. در سال ۱۹۲۸ سرانجام این دو سازمان بین‌المللی بایکدیگر تلفیق شدند و فدراسیون بین‌الملل هاکی روی چمن را تشکیل دادند.

در حال حاضر ورزش هاکی دارای دو فدراسیون بین‌المللی است. این دو فدراسیون به عنوان رهبران جهانی ورزشهای فوق‌فعالت می‌کنند.

هم‌اکنون رقابت در ورزش هاکی چمنی بین کشورهای اروپایی (هلند، آرژانتین، آلمان) و آسیایی (هند، پاکستان، کره) انجام می‌گیرد.

در کشورهای اروپایی بدلیل علاقه زیاد به ورزش هاکی چمنی و سرمای شدید در زمستان این ورزش به ورزش سالنی انتقال یافت.

در ایران تا سال ۱۳۶۶ هاکی روی چمن برگزار می‌شد ولی به علت مشکلات مالی و کاهش اعتبارات کلیه مسابقات به داخل سالن انتقال یافت. این امر از جمله مشکلات وضعیت موجود ورزش هاکی است.

محیط ورزشی مناسب یکی از عوامل موثر در ارتقاء کیفی اجرای ورزشی به شمار می‌رود. فقدان و کمبود امکانات و تسهیلات ورزشی مناسب از جمله عواملی است که می‌تواند پیشرفت ورزشکاران را تحت تأثیر قرار دهد. در صورتیکه این مشکل

برطرف نشود بعید به نظر می‌رسد که ورزشکاران بتوانند به بالاترین سطح اجرایی خود برسند. بایک نگاه اجمالی به بولتن مدالهای قهرمانی کشورهای مختلف می‌توان مشاهده نمود. بیشتر این افتخارات نصیب کشورهایی است که از امکانات ورزشی مناسب‌تری برخوردارند.

در حال حاضر فدراسیون هاکی جمهوری اسلامی ایران به ریاست مهندس بهرام شفیع اداره می‌شود که دارای ۲۷ هیئت فعال برای مردان و بانوان در سراسر کشور می‌باشند.

از نظر حجم اخبار ورزشی در سال ۱۳۸۰ تنها ۲۵ درصد را به خود اختصاص داده است که سهم بسیار کمی است و در بین رشته‌های ورزشی، هاکی رتبه ۳۷ را دارا بوده است. در سال گذشته برای اولین بار پخش مستقیم مسابقات هاکی در رسانه‌ها وجود داشته است. تا سال ۲۰۰۵ بر اساس جدول رده‌بندی کشورها در ورزش هاکی روی چمن مردان ایران با کسب ۳۱ امتیاز در رتبه ۵۵ قرار دارند که تنها ۱۴ جایگاه با مقام آخر جدول فاصله دارد.

هاکی روی یخ

تعداد بازیکنان جمعاً ۱۲ نفر

تعداد بازیکنان ذخیره ۶ نفر

۱ نفر دروازه بان

۲ نفر دفاع

۳ نفر مهاجم

این نوع هاکی ترکیبی از بازی اسکیت و هاکی است که بازیکنان چوبدستی تیغه‌ای بدست دارند مدت بازی: ۶۰ دقیقه است که در ۳ گیم ۲۰ دقیقه ای اجرا می‌شود. زادگاه این نوع هاکی در کشور کانادا است و برای نخستین بار سال ۱۸۷۵ بود که در مونترال برگزار شد.

کاناداییها که بدلیل شرایط آب و هوای سرد کشور خود علاقه زیادی به پاتیناژ و سرسره بازی روی یخ دارند بازی با توپ را هم به پاتیناژ افزودند و به این ترتیب هاکی روی یخ را بوجود آوردند.

از ویژگیهای جالب هاکی روی یخ سرعت زیاد آن است که گاه بازیکنان با سرعت ۵ کیلومتر در ساعت روی یخ حرکت می کنند و سرعت توپ به مرز ۲۰۰ کیلومتر در ساعت می رسد.

بدلیل این سرعت زیاد که در هاکی روی یخ وجود دارد گرفتن بازیکنان مقابل، تنه زدن، پشت پا زدن و انداختن بر خلاف مقررات است و برای این گونه خطاها بازیکن جریمه می شود.

هاکی سالنی:

۱- تعداد بازیکنان جمعاً ۱۲ نفر

تعداد بازیکنان در زمین بازی ۶ نفر

(۱ نفر دروازه بان ۲ نفر دفاع ۳ نفر مهاجم)

تعداد بازیکنان ذخیره ۶ نفر

۲- مسابقات در دو نیمه ۲۰ دقیقه انجام می گیرد که بر اساس موافقت کمیته

فنی و تیمها می شود زمان را کاهش داد.

۳- زمین بازی و اندازه ها:

طول زمین نباید کمتر از ۳۶ m و بیشتر از ۴۴ m باشد.

عرض زمین نباید کمتر از ۱۸ m و بیشتر از ۲۲ m باشد.

تعویض بازیکنان: بی نهایت

زمان استراحت بین دو نیمه: ۵ تا ۱۰ دقیقه می‌باشد.

هاکی چمنی

۱- تعداد بازیکنان:

۱۱ نفر داخل زمین (۱ نفر دروازه بان - ۱۰ نفر بازیکن)

۱۱ نفر ذخیره

جمعاً ۲۲ نفر

۲- مسابقات در دو نیمه ۳۵ دقیقه انجام می‌شود که بر اساس موافقت کمیته فنی و تیمها می‌شود زمان را کاهش داد.

۳- تعویض بازیکنان: بی نهایت

۴- زمین بازی و اندازه‌ها: مستطیل شکل، طول $91/m$ و عرض $55/m$.

زمین بوسیله خطوط طولی و عرضی انتهایی محدود شده است. کانال زه کشی در فاصله ۵ متری در توی خطوط عرضی و ۴ متری به موازات خطوط کناری خارج از زمین است.

زمان استراحت بین دو نیمه: ۵ تا ۱۰ دقیقه می‌باشد.

تجهیزات:

وسایل مورد نیاز: دروازه بان

۱- کلاه ایمنی

۲- دستکش

۳- ساق بند

۴- کفش مخصوص

۵- محافظ گلو

۶- محافظ سینه

۷- چوب

۸- پت

وسایل مورد نیاز بازیکنان

۱- دستکش مخصوص بازیکنان

۲- لثه مخصوص بازیکنان

۳- ساق بند مخصوص بازیکنان

۴- توپ

۵- چوب

هم اکنون در آسیا کشورهای پاکستان، هندوستان، بنگلادش، مالزی دارای مقام هستند.

مسابقات به صورت رده‌های زیر برگزار می‌شود:

۱- رده سنی نونهالان

۲- رده سنی نوجوانان

۳- رده سنی جوانان

۴- رده سنی امید

۵- رده سنی بزرگسالان

- ۶- مسابقات دستجات آزاد برگزار می‌شود.
- یک مسابقه تشکیل شده است:
- ۱- سرپرست کل مسابقات ۱ نفر
- ۲- سرپرست فنی مسابقات ۱ نفر
- ۳- سر داور ۱ تا ۳ نفر (بستگی به نوع مسابقات دارد)
- ۴- تعداد داوران ۲ نفر در زمین بازی ۱ نفر وقت نگه دار ۲ نفر منشی ۱ نفر سر داور
- نماینده فدراسیون و یا یک نفر تام‌الاختیار همراه با ابلاغ در مسابقات رسمی حضور دارند.

مآخذ

برنامه‌های راهبردی فدراسیون هاکی: معصومه تهرانچی؛ ع. فراهانی

روزنامه جام جم ۸۲/۱-۲۶

روزنامه اطلاعات ۱۳۱۵/۷-۲۴

تاریخ ورزش هاکی به قلم پروفیسور جاوید

-[http. // home. alphalink. com. au/hockey/history](http://home.alphalink.com.au/hockey/history).

-[http. //stats hockey. homestead. com/history of hockey](http://stats.hockey.homestead.com/history_of_hockey).

-[http. //www. doha, 2006. com/gis/menuroot/sports/hockey-history. aspx](http://www.doha,2006.com/gis/menuroot/sports/hockey-history.aspx)

-[http:// daneshnameh. roshd. ir/mavara/index](http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/index).

-[www. olympic. org](http://www.olympic.org).

-Ethipia

-[www. fi hockey. org](http://www.fi-hockey.org)

فصل هفتم

المپیک و تاریخ ورزش در جهان

جنبش المپیک را چه مشکلاتی تهدید می‌کند؟
دکتر سید نصراله سجادی^۱

درآمد

از نظر پیر دوکوبرتن بنیان‌گذار کمیته ملی المپیک و دوره جدید المپیاد، بازی‌های المپیک تنها یک رویداد ورزشی قلمداد نمی‌شوند؛ بلکه نقطه عطفی در حرکت وسیع‌تر اجتماعی و فرهنگی است. حرکتی که از طریق بازی و ورزش، موجبات رشد و تکامل انسان را فراهم می‌سازد و جهان را به مکانی برای سالم زیستن تبدیل می‌کند.

گرد آوردن ورزشکاران از اقصی نقاط کره زمین در یک زمان در محلی مشخص در هر چهار سال یکبار، بزرگترین و بی‌نظیرترین جشنواره ورزشی را پدید آورده که این نیز از اصول و مبانی منشور المپیک نشأت گرفته است. اگر چه کوبرتن و سایر

۱. استادیار دانشگاه تهران

اندیشمندان متأخر المپیک در میان آرمان‌های این جنبش و امیدهایی که برای آن داشته‌اند، تلاش‌های بسیاری کرده‌اند، تا این بازی‌ها با کمترین مشکلات و تهدیدها روبرو شود.

کوبرتن و همکارانش از همان ابتدا که بازی‌های المپیک نوین شکل گرفت، در پی استقرار و حاکمیت شعار آماتوریزم در المپیک بود. او همیشه تلاش می‌کرد تا صحنه بازی‌های المپیک دستخوش موضوع‌هایی از قبیل حرفه‌ای‌گری در ورزش، مسائل و تنش‌های سیاسی، قدرت طلبی بعضی از کشورها و نژاد پرستی و برتری طلبی سیاسی نشود. البته او بعدها دریافت که این خواسته‌ها، شاید آرزویی بیش نباشد و ورزش به عنوان یک مقوله فرهنگی - اجتماعی نمی‌تواند در برابر تهدیدهای موجود در جوامع، مصونیت کامل خود را حفظ کند.

در این مقاله به بررسی مشکلاتی که جنبش المپیک و این بازی‌ها را تهدید کرده و می‌کند، پرداخته شده است. مسائلی از قبیل: مشکلات ورزشکاران آماتور و حرفه‌ای، مسائل دوپینگ، رشد فوق‌العاده کشورهای شرکت‌کننده، توسعه رشته‌ها و رویدادهای ورزشی، مسائل سیاسی، قدرت طلبی بعضی از کشورها، مسائل و مشکلات مالی و برتری طلبی قدرت‌های ملی و تحقیر ملیت‌های کوچک و مواردی از این قبیل.

از نظر کوبرتن «پرورش و پروردن در زندگی مردم امروز حائز اهمیت بسیار است. ورزش بخش اصلی و معنوی این پروردن را تشکیل می‌دهد. ورزش نه تنها عضلات را تقویت می‌کند که شخصیت را نیز کامل می‌سازد.»

مهم‌ترین نکته در بازی‌های المپیک از نظر کوبرتن «بردن نیست» بلکه «شرکت کردن» است. همان طور که مهم‌ترین کار در زندگی، «پیروز شدن» نیست؛ بلکه تلاش کردن است و اساسی‌ترین اصل «غلبه کردن» نیست؛ بلکه «خوب نبرد کردن» است.

در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم، جنبش المپیک را مسائل و مشکلات مهمی تهدید می‌کند، که اگر تصمیم گیران کمیته بین‌المللی المپیک و اندیشمندان و همه علاقه‌مندان جنبش المپیک به بررسی و تحلیل آن‌ها نپردازند، بدون شک این جنبش از آرمان‌ها و اهداف مندرج در منشور المپیک فاصله بسیار خواهد گرفت و همین امر تهدیدی بسیار بزرگ برای ادامه حیات پاک و مقدسی که بنیان‌گذاران آن در اندیشه داشتند، خواهد بود و اصولی همچون اصل «مسابقه صادقانه دوستی» تبدیل به «مسابقات خصمانه»؛ اصل «ایجاد فرصت‌های برابر» به «تبعیض‌ها و نابرابری‌های رایج»؛ «استقلال و نفوذناپذیری ورزش» به دخالت‌های سیاسی قدرتمندان حاکم تبدیل خواهد شد و تهدیدهایی از این قبیل مشکلات بزرگی را برای جنبش المپیک به وجود خواهد آورد.

مشکلات ورزشکاران آماتور و حرفه‌ای

پیرو دو کوبرتن^۱ از همان ابتدا که بازی‌های المپیک نوین را احیا کرد، در پی استقرار و حاکمیت شعار آماتوریزم در المپیک بود. او همیشه تلاش می‌کرد تا صحنه بازی‌های المپیک دستخوش موضوع‌های حرفه‌ای‌گری نشود. البته او بعدها دریافت که خواسته او، آرزویی بیش نیست و متأسفانه ورزش آماتور شاید امری غیرممکن باشد. طی دهه ۵۰ تا ۶۰ و در زمان ریاست اوری براندج^۲ بر کمیته بین‌المللی المپیک، او همیشه در تلاش بود تا محیط المپیک را سالم نگه دارد و از ورود ورزشکاران حرفه‌ای، به بازی‌های المپیک جلوگیری کند (۱)^۳. بعدها، لرد کیلانین^۴ رییس ایرلندی IOC، نیز تلاش کرد تا مشکل ورزشکاران

۱. Pierre de cubertin

۲. Avery brundage

۳. شماره داخل پرانتز، نشانه شماره منبع در مآخذ است.

۴. Lord kilanin

حرفه‌ای را در المپیک به ترتیبی حل کند، با اصلاحی که در ماده ۲۶ منشور المپیک به عمل آمد، گفته شد که ورزشکاران آماتور می‌توانند توسط کمیته‌های ملی المپیک یا فدراسیون‌های بین‌المللی، به جمع کردن پول اقدام نمایند (۲).

جیم تروپه^۱ که یک سرخپوست آمریکائی و قهرمان پنج گانه و ده گانه بود، در بازی‌های المپیک ۱۹۱۲ استکهلم پذیرفته نشد، زیرا در سن ۱۹ سالگی برای بیس‌بال چند دلار گرفته بود (۳). بازی‌های المپیک ۱۹۳۲ لس‌آنجلس نیز دو اخراجی داشت (۱۱).

یک فرانسوی و یک فنلاندی، نیز که برای ورزش کردن پول دریافت کرده بود اخراج شدند (۴). امروز کمیته‌های ملی المپیک کشورها در قبال پیروزی قهرمانان خود، به آن‌ها جوایز ارزنده‌ای می‌دهند. برای مثال بعد از المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا، پرداخت جوایز از طرف کمیته‌های ملی المپیک در نوع خود یک رکورد محسوب می‌شود. کشور یونان به دارندگان مدال طلا ۲۶۰ هزار دلار پرداخت کرد (۱۵).

امروز، به سبب جاذبه‌های مادی بازی‌های المپیک، جابه‌جایی رکوردها با آنچه که در دوره‌های اول اتفاق می‌افتاد، اصلاً قابل مقایسه نیست. بایک بررسی کوتاه در زمینه رکوردها و نتایج به دست آمده طی بیش از صد سال برگزاری المپیک، ملاحظه می‌شود که تفاوت رکوردها بسیار زیاد و رشد آن‌ها خیلی سریع بوده است. به طور قطع انگیزه‌های گوناگونی باعث جابه‌جایی رکوردها تا این میزان شده است. به روشنی می‌توان دید انگیزه‌های گوناگون دیگری قرار دارد. اگر انگیزه‌های مادی در بازی‌های المپیک و ورزش جهان وجود نداشت، شاید ورزشکاران تا این حد سعی و تلاش خود را صرف تمرینات شدید نمی‌کردند و به انجام کاری دیگر می‌پرداختند (۱۳).

۱. JIM TROPE

حرفه‌ای‌گری در ورزش به حیطه بازی‌های المپیک هم نفوذ کرده است و در اکثر رشته‌ها، حضور کامل دارد و این مسئله یکی از تهدیدهایی است که بازی‌های المپیک را تهدید و سبب بروز مسائل ضد اخلاقی ورزش شده است (۸).

دوپینگ

در اولین گردهم‌آیی "طب ورزشی اروپا" در سال ۱۹۶۳، موضوع دوپینگ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در سال ۱۹۶۱ IOC اقدام به تأسیس کمیسیون ورزشی کرد. شروع کار این کمیسیون خیلی کند بود، ولی از سال ۱۹۶۷ فعالیت آن بالا گرفت و طی بازی‌های المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی و المپیک زمستانی، گرونوبل در آن سال توانست از ۷۵۳ ورزشکاران شرکت‌کننده نمونه آزمایشگاهی بگیرد (۵).

در بررسی بازی‌های المپیک سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۸ (۲۰ سال) به این نتیجه می‌رسیم که طی این سال‌ها، اوج استفاده از مواد نیروزا در ورزش است و به همان نسبت که رشته‌های ورزشی از علوم مختلف بهره برده‌اند؛ پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه علوم ورزش صورت پذیرفته است و موضوع دوپینگ هم سهم مهم و تعیین‌کننده‌ای در این رابطه داشته است.

برای جلوگیری و کنترل بیشتر دوپینگ باید فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی، همگام با کمیته‌های ملی المپیک همکاری بسیار نزدیکی داشته باشند و ورزشکاران برجسته ملی را بیشتر تحت نظر بگیرند، می‌توان امیدوار بود که در این مورد، اقدام جدی به عمل آید.

بر اساس توافق نامه بین کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون‌های بین‌المللی، فدراسیون‌ها موظف هستند که در مسابقه رسمی، از چهار نفر اول نمونه بگیرند

و آن‌ها را از نظر کنترل مواد نیروزا آزمایش کنند. در رشته‌های گروهی نیز در هر بازی از بین بازیکنان، دو نفر به طور تصادفی انتخاب می‌شوند و از آن‌ها نمونه گرفته می‌شود.

این نمونه در دو ظرف «الف» و «ب» ریخته شده و در حضور ورزشکار مهر و موم می‌شوند و پس از انجام مراحل کد گذاری به آزمایشگاه‌های مورد تأیید آی. او. سی ارسال می‌شود.

برای جلوگیری و کنترل بیشتر، انجمن جهانی ضد دوپینگ (WADA) در طی سال‌های اخیر تأسیس شد، این انجمن در سطح ملی در بیشتر کشورهای عضو IOC تحت عنوان انجمن ملی ضد دوپینگ (NADA) تأسیس شده است. در کشور ما نیز این انجمن فعالیت دارد.

رشد فوق‌العاده کشورهای شرکت‌کننده

یکی از مسائلی که برگزار کنندگان بازی‌های المپیک با آن روبرو هستند، رشد قابل ملاحظه کشورهای شرکت‌کننده است. پس از تغییرات جغرافیایی و تقسیمات جدید در دهه ۹۰ کمیته بین‌المللی المپیک دچار بحرانی جدی از نظر کثرت داوطلبان شرکت‌کننده در بازی‌ها شده است.

اولین دوره بازی‌های المپیک در سال ۱۸۹۶ در آتن با حضور ۲۸۰ ورزشکار از ۱۳ کشور برگزار شد. در یازدهمین دوره بازی‌های المپیک در سال ۱۹۶۳ در برلین، یعنی تا زمانی که پیرو دو کو برتن زنده بود، تعداد کشورهای شرکت‌کننده در این بازی‌ها به ۴۹ و تعداد ورزشکاران به ۴۰۷۶ نفر رسید. شاید نه کو برتن و نه هیچ‌یک از اعضای IOC تصور نمی‌کردند که این بازی به حدی مورد استقبال ملت‌های جهان قرار گیرد که ناگزیر از برقراری محدودیت‌هایی برای شرکت

ورزشکاران شوند.

در آغاز قرن بیستم یکی از مشکلات و مسائلی که جنبش المپیک را تهدید می‌کند استقبال بیش از حد کشورها، در بازی‌های المپیک است. با توجه به این که تعداد کمیته‌های ملی المپیک در بازی‌های المپیک ۲۰۰۴ آتن به عدد ۲۰۲ رسید و در مقایسه با بازی‌های المپیک ۱۹۸۸ سئول که ۱۶۷ کمیته ملی المپیک بود، شاهد رشد بسیار سریع و فزاینده‌ای در این زمینه هستیم. نظر کمیته بین‌المللی المپیک بر این است که تعداد ورزشکاران شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک از ده هزار نفر تجاوز نکند، ضمن آن که تعداد همراهان تیم‌ها ۵۰ درصد ورزشکاران شرکت‌کننده باشد.

مسائل سیاسی

جنگ‌های جهانی و یا جنگ سرد شکل‌های گوناگون نمایش برتری، تسلط، ملی‌گرایی یا تفوق است. شاید بتوان گفت ورزش در سیاست تا اندازه‌ای جالب است، اما سیاست در ورزش هیچ جالب نیست. در شیوه‌های حکومتی سابق مانند حکومت شوروی و آلمان شرقی و یا اکنون در برزیل، کوبا و آرژانتین، ورزش نقش تعیین‌کننده‌ای در مسائل سیاسی جامعه دارد. بازی‌های المپیک هم هیچ‌گاه از مسائل سیاسی جدا نبوده است. بازی‌های المپیک هم هیچ‌گاه از مسائل سیاسی جدا نبوده است، چنانچه که گاهی مسائل سیاسی IOC را وادار ساخته تا در کنار موضوع‌های سیاسی باشد، به طور کلی، المپیک‌ها در بسیاری از دوره‌ها، صحنه بروز مسائل و موضوع‌های سیاسی روز شده‌اند (۷).

چند پرسش:

آیا موضوع اصلی المپیک، مشارکت در ساختن دنیای بهتر توأم با صلح و صفا و به دور از مسائل سیاسی نمی‌باشد؟
در دنیای کنونی، آیا ورزش به عنوان ابزاری در خدمت سیاست‌مداران برای پوشش دادن به مقاصد خودشان است؟
آیا ورزش برای این که حیات خود را حفظ کند، ناگزیر است در مسائل بین‌المللی درگیر شود؟

عده‌ای عقیده دارند که در موقعیت جدید سیاست بین‌المللی، ممکن است ورزش به عنوان عامل کوچکی در جهت مسائل سیاسی به کار رود. بعضی دیگر بر این عقیده‌اند که بایک قطبی شدن سلطه جهانی، این خطر احساس می‌شود که ورزش و میادین ورزشی تحت تأثیر همین طرز تفکر قرار گرفته و نتواند مقاومت کند.
در سال ۱۹۳۲، ایدی تولان^۱، ورزشکار سیاهپوست آمریکایی، رکورد صد متر المپیک لس آنجلس را شکست. به طور کلی، در بازی‌های این سال، سیاهپوستان درخشش چشمگیری داشتند. ایدی تولان در این مسابقات گفت: «سیاهان، در المپیک زنگ تفریح نیستند»^(۶) و زمانی که روی سکو رفت، با مشت‌های گره کرده در مورد زورگویی به سیاهان در جامعه خود اعتراض کرد. (۵)

در بازی‌های المپیک ۱۹۳۶ برلین، هیتلر^۲، بزرگترین اهانت را به ورزشکاران سیاهپوست کرد. او آن‌ها را شبیه میمون خواند و در زمان اعطای مدال به جسی اونس^۳، دهنده سیاهپوست آمریکایی، صحنه را ترک و به او مدال نداد؛ زیرا اعتراض کرد که چرا یک آلمانی به مقام اول نرسیده بود. هیتلر با این اعمال خود، اوج نژاد

۱. Edy Tolan

۳. Jecy ovence

۲. Hitler

پرستی را مطرح کرد و بر خلاف منشور المپیک گام برداشت (۶). از این قبیل و نمونه‌های دیگر، هشدار جدی را برای گردانندگان جنبش المپیک در پی دارد که اگر چنین وضعی ادامه یابد باز هم شاهد تکرار نمونه‌های زیر خواهیم بود.

نمونه‌ها:

۱۹۱۶؛ جنگ اول جهانی

۱۹۳۶؛ اهانت هیتلر که ورزشکاران سیاهپوست را شبیه میمون‌ها خواند.

۱۹۴۰ و ۱۹۴۴؛ عدم برگزاری دو دوره از بازی‌های المپیک به سبب بروز جنگ جهانی دوم

۱۹۵۶؛ المپیک ملبورن و مسابقه شوروی- مجارستان به سبب درگیری‌های سیاسی و کشاندن حساسیت‌ها به این مسابقات و استخر خونین

۱۹۷۶؛ المپیک مونترال با تحریم کشورهای آفریقایی به جهت تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی

۱۹۸۰؛ المپیک مسکو با تحریم بلوک غرب

۱۹۸۴؛ المپیک لس آنجلس با تحریم بلوک شرق

برتری طلبی قدرت‌ها

در اکثر قریب به اتفاق المپیک‌ها، آمریکا بر اساس برنامه‌ریزی هدفمند، بیشترین مدال‌های این بازی‌ها را تصاحب می‌کند و در رده‌بندی بیشتر دوره‌های المپیک در مقام اول جدول مدال‌ها قرار گرفته است. در طی ۲۸ دوره برگزاری بازی‌های المپیک بیشترین مدال را آمریکا تصاحب کرده است و این ناشی از تفکر برتری طلبی است که

در همه عرصه‌ها، از جمله ورزش دارد (۶)

پس از ورود کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۵۰ به جرگهٔ بین‌المللی ورزش، رقابت این دو کشور بسیار نزدیک و فشرده شد. این دو کشور که در زمینه‌های اقتصاد، سیاست، نظامی و... به برتری‌طلبی و سلطه‌جویی مشغول بودند، این تفکر خود را به ورزش هم سرایت دادند، لذا برای پیروز شدن به حریفان، از هرگونه ابزاری استفاده می‌کردند (۸).

پس از فروپاشی شوروی سابق، آمریکا مانند سایر عرصه‌های دیگر در ورزش نیز، یکه تازی خود را ادامه داده و بدین ترتیب به دنبال استمرار حرکت روانی - اجتماعی برتری و تحکیم آن است.

پیروزشدن و شرکت در بازی‌ها

بازی‌های المپیک در نزد میلیون‌ها نفر بیننده از درجه و اعتبار بالایی برخوردار است، به همین دلیل سهم شدن در بازی‌ها برای همه کشورهای شرکت‌کننده، اهمیت بسیاری دارد (۱۰). هدف کمیته بین‌المللی المپیک بر اساس اهمیت حضور شرکت کنندگان در مسابقات بود و نه بر اساس پیروزی آن‌ها، زمانی که پیرو دو کوبرتن بازی‌های المپیک نوین را پایه گذاری کرد، به این هدف، بیشترین توجه را داشت که:

«مهم شرکت کردن در المپیک است، پیروزی یا شکست مفهومی ندارد» (۷)

امروز، صحنه بازی‌های المپیک نسبت به گذشته و روزهای آغازین تفاوت بسیار کرده است. موفقیت با کسب مدال و البته تعداد و رنگ آن سنجیده می‌شود و نه با شرکت کردن در مسابقات.

لذا هر پیروزی با پرچم و سرود ملی کشورها جشن گرفته می‌شود. اگر کشوری سهمی از مدال‌ها نداشته باشد، نامی هم در جدول رده‌بندی نخواهد داشت و در تاریخ

ورزش جهان هم نامش به عنوان شرکت کننده ثبت نخواهد شد. اما کشورهایی که مدال کسب می کنند، برای همیشه در جدول رده بندی مدال ها مکانی خواهند داشت و نامشان در تاریخ هر دوره ثبت خواهد شد.

تعداد رویدادهای رشته های ورزشی

اولین دوره بازی های المپیک سال ۱۸۹۶ در آتن در ۹ رشته ورزشی و ۴۳ رویداد انجام شد. در سومین دوره بازی های المپیک ۱۹۰۴ سن سوئیس، تعداد رویدادها به ۸۵ رسید که رشدی صددرصدی داشت. افزایش رشته های ورزشی و رویدادهای آن در برنامه المپیک از رشد بسیار زیادی برخوردار بوده است به ترتیبی که بازی های المپیک ۲۰۰۴ آتن با ۲۸ رشته ورزشی و ۳۰۱ رویداد برگزار شد (۱۴).
تعداد رشته های ورزشی جدید و رویدادهای آن با سیر صعودی روبرو بوده است.

بدین معنی که علاوه بر افزایش تعداد رشته های ورزشی، رویدادهای هر رشته به برنامه المپیک اضافه شده است. صاحب نظران جنبش المپیک، یکی از تهدیدهای جدی برای این جنبش را، افزایش رشته های ورزشی در برنامه المپیک می دانند و اعضای اجلاس IOC به طور جدی به این تهدید پی برده و طی سال های اخیر همواره مطرح است که تا چه زمانی آنان می توانند با ورود رشته های جدید مخالفت کنند. شاید در دوره های آینده جابجایی بین رشته های ورزشی صورت گیرد و یا بعضی از رشته های ورزشی با نوبت یک دوره در میان در برنامه المپیک قرار گیرند.

پایان سخن

بارون پیر دوکوبرتن و بارونس کوبرتن همسر او در اولین دوره های بازی های المپیک

آتن بسیار مشتاقانه حضور یافتند. نظر به مشکلات عدیده سفر در آن روزگار، این زوج ورزش دوست در بسیاری از دوره‌های بازی‌های المپیک نتوانستند حضور یابند.

آنان در بازی‌های المپیک ۱۹۰۰ پاریس، ۱۹۰۸ لندن و ۱۹۱۲ استکهلم حضور داشتند.

در طی بازی‌های المپیک ۱۹۲۰ آنتورپ و ۱۹۲۴ پاریس از کوبرتن و همسرش تجلیل کردند.

در فوریه سال ۱۹۲۴ کوبرتن در اولین دوره بازی‌های المپیک زمستانی شامونی حضور یافت ولی این «نخستین خانواده المپیک» در پیچاپیچ زندگانی طولانی و پر ماجرای خود فقط یک روز شاهد این بازی‌ها بودند و پس از آن، دیگر در هیچ دوره‌ای در بازی‌های المپیک تابستانی و زمستانی حضور نیافتند. کوبرتن در سپتامبر ۱۹۳۷ در سن ۸۴ سالگی دیده از جهان فرو بست و پیکر او در لوزان به خاک سپرده شد. همسر او بارونس کوبرتن در سن ۱۰۳ سالگی (۱۹۳۶) در مصاحبه‌ای درباره شوهرش گفت: «او دیوانه بود... دیوانه رؤیاهای المپیک؛ دیوانه ورزش برای همه و ورزش برای نخبگان. او بر این باور بود که نیل به اهداف، همانا حرکت به سوی دستیابی به صلحی پایدار است (۷).

اگر کوبرتن در سال‌های آغازین قرن بیستم ویکم و در المپیک ۲۰۰۴ آتن حضور می‌داشت، شاید احساسات او در امواجی از رضایت و سردرگمی غرق می‌شد. نهضت المپیک امروز به صورت جنبشی عالم گیر در آمده است و حضور بیش از ۱۲۰ عضو در آخرین اجلاس IOC با نژاد، رنگ، مذهب و طبقات اجتماعی - اقتصادی گوناگون در همایش المپیک، حکایت از استقبال همه کشورهای جهان از این پدیده مهم دارد (۱۵).

شاید فاصله گرفتن از آرمان‌های المپیک، تهدیدهای امروزی را باعث شده و نزدیکی به همان اهداف که ناشی از تفکر بنیان‌گذاران این نهضت بود، بتواند این جنبش عظیم را نجات دهد.

مآخذ

- ۱). سجادی، سید نصرالله (۱۳۷۹). جنبش صد ساله المپیک. تهران: نور.
- ۲). سجادی، سید نصرالله (۱۳۸۵). آموزش جنبش المپیک. تهران: کمیته ملی المپیک.
- 3). Leaflet no1 the Olympic Movement
- 4). Leaflet no 12, Culture and the Olympic Games, Georges Candilis
- 5). Leaflet no3, the Ancient Olympic Games
- 6). Leaflet no 4, the Ancient Olympic Games: Problems
- 7). Leaflet no 17, Politics
- 8). the Olympic Humanist, 2002
- 9). ASIMPLE SOUVENIR, Peter G. Van Alphen, published by: the American Numismatic Society, 2005
- 10). the Olympic games EXPLAINED, VASSIL GIRginov and jim parry, published by: Routledge, 2004.
- 11). Sport, culture and the media, david Rowe, 2004
- 12). International Olympic committee Award, Gills Bertrand, Published by: Vo2 Diffusion, 2005.
- 13). Olympic Review, Issue 51, APR, MAY, JUNE 2004.

14). Olympic Review, Issue 49, Oct, NOV, DEC 2003.

15). ATHENS TO ATHENS, DAVID MILLER, published by: Mainstream publishing co, 2004.

16). Whitaker, s OLYMPIC ALMANACK, STAN GREENBERG, PUBLISHED, by: A and C Black

تاریخ ورزش جهان^۱

پروفسور کارل دیلم^۲

درآمد

یکی از طبیعی‌ترین راه‌ها برای نگهداشت صورت فعاله بدن موجودات زنده، (بازی) است. انسان و حیوان هردو بازی می‌کنند. وقتی حیوان بالغ می‌شود، بازی کردن را کنار می‌گذارد، در صورتیکه بازی در انسان همچنان پایدار می‌ماند و فقط نوع و شکل آن عوض می‌شود. بازی کردن انسان در آغاز زندگی حالت مکانیکی یا بهتر بگوییم (جانوری) دارد اما به تدریج جنبه فکری و عقلانی یا روحی آن رو به تزاید و تکامل می‌گذارد. از آنجا که انسان دارای روح است، پس از مرحله بلوغ جسمی این تکامل خود را تا مرحله انتهای زندگی خود ادامه می‌دهد.

بازی کردن برای انسان وسیله‌ای است جهت ارضاء خاطر شخصی و در نتیجه می‌توان گفت ورزش یک مرحله کمال (جسمی - روحی - بشری) است.

۱. این مقاله در سال ۱۳۵۱ به سفارش کمیته ملی المپیک و توسط خانه ترجمه، به فارسی برگردانده شد که در این مجموعه، بدون تغییر، ارائه می‌شود. هم‌چنین عدد سال‌های داخل متن میلادی است.

۲. Carl Diem (۱۸۸۲-۱۹۶۲)

ورزش مسلماً به دسته بازی‌ها تعلق دارد، اما یک بازی به خصوص که آزادانه انتخاب می‌شود، ارزش دارد، جدی تلقی می‌شود، قواعد دقیق دارد و از همه مهم‌تر به توازن بستگی دارد و به همین علل ورزش جایگاهی فیما بین بازی کردن و زندگی جدی را اشغال می‌کند.

منشأ اصلی ورزش از همان میل به حرکات (جانوری) سرچشمه می‌گیرد و به همین جهت می‌توان ورزش را در تاریخ از همان زمان که انسان را در آن می‌شناسیم، پیدا کنیم. البته ورزش در عصر جدید به تحول عظیمی دست یافته است. تکنیک جدید، حرکات بدنی را به علت شرایط زندگی امروزی محدود می‌نماید.

ورزش عکس‌العمل این تکنیک است و متأسفانه به نظر می‌رسد که بستگی عوامل زندگی، ورزش را جزء مسائل بهداشتی می‌آورد و برای حفظ نسل بشر لازم است.

ورزش به عنوان (بازی) تا زمانی ورزش است که توسط خود شخص انجام گیرد و هدفی سیاسی و اقتصادی در آن مشاهده نگردد.

انسان میل دارد که نه فقط به عنوان دسته یا نژاد بلکه به عنوان (فرد) باقی بماند و به همین سبب خود را از دسته به صورت انفرادی آزاد می‌کند، چنانچه شیلر می‌گوید:

«به خاطر زیبایی ایده آل، آنچه که برای او زیبا به نظر برسد، هدفی در آزادی او قرار می‌گیرد» و همین یکی از علل و محرک‌های مهم برای قهرمانی و قهرمان شدن است.

می‌توان ورزش را چنین تعبیر کرد که: بشر به علت نیروی بیولوژیکی و اداری به خصوص در سنین جوانی، آزادانه به دنبال مدل زیبایی از وجود خویش است، حال

چه برای ترمیم و تکمیل استعداد بدنی نهفته در او باشد و چه برای جبران ضعف‌هایی که رفته رفته احساس می‌کند. از این جهت ورزشکار بهترین سعی را می‌کند و آخرین قوای خویشتن را به کار می‌برد (رکورد).

منشأ روانی ورزش در احتیاج انسان نهفته شده است. بشر محتاج آن است که دریک بازی شرکت جوید و وجود خود را احساس و لمس نموده و به این وسیله نیاز خود را ارضاء و جبران نماید.

این کتاب (مقاله) فقط در ورزش‌هایی بحث می‌کند که ورزش به معنای خاص خود باشد. از این جهت محدود به (تربیت) بدنی در معنای ورزشی خود بوده و هدف خود را در هسته تکامل موضوع قرار داده است.

همچنین به علت ضیق صفحات و زمان، تمام بازی‌ها را نمی‌توان مورد بحث قرار داد. مثلاً بازی‌های کودکان در ملل مختلف و ادوار متفاوت و نیز انواع رقصها را می‌توان نام برد و از این دو مطلب فقط آنچه که به ژیمناستیک مربوط شود مورد مطالعه قرار گرفته است. به جهاتی که ذکر شد ورزش‌هایی که با وسایل ماشینی و موتوری انجام می‌شوند، قابل ذکر در این کتاب نیست. اگرچه امروزه ورزشهای موتوری ویا فکری نقش بزرگی را برعهده‌دارند.

از ورزش‌های تجارتي که بستگی به شغل دارد، مثل اسب‌سواری ویا به طور کلی آن دسته از ورزش‌ها که دارای جنبه‌های نمایشی می‌باشد، صرف‌نظر شده است، خواه دارای قوانین ورزشی باشند، خواه نباشند. چون ظاهر یک نمایش نیست که نیروی بدنی یا مسابقه را به صورت ورزش به معنای واقعی آن درمی‌آورد بلکه (ورزش) در مفهوم اصلی خویش است.

هدف این کتاب (مقاله) آن نیست که تاریخچه ورزش را آنچنان کامل بنویسد که واقعا دیگر چیزی باقی نماند، در این زمینه مطلب بسیار فراوان است و حتی امکان

دارد بعضی چیزها، که نویسنده خود مشاهده ویا تجربه کرده است، در این کتاب نیامده باشد.

تشریح سیستماتیک ورزش و تکامل ورزش در جهان امکان‌پذیر نیست، چرا که خواننده را غرق در مطالب مختلف خواهد کرد.

از شکار به علت این که در درجه اول مربوط به تهیه غذا و تأمین تغذیه انسان است نیز سخن به میان نمی‌آید و بازی‌هایی که ملزم به مهارت باشند، حتی اگر چنانچه ذکر شد دارای قواعد سنگین و مشکل ورزشی باشند نیز مورد بحث در این کتاب واقع نخواهد شد.

این کتاب می‌کوشد تا ریشه‌های تاریخ ورزش و فرهنگ آن را روشن سازد، زیرا ما در عصر تکنیک فقط موقعی می‌توانیم به عنوان نژاد و رده، پابرجا بمانیم که تربیت‌بدنی توأم با نیرو و حرکت جزء وظایف روزمره ما قرار گیرد، تا قدرت بیولوژیکی ما افزایش یابد و دوستی موجود در ورزش صلح جهانی را جاودان سازد.

تاریخ ورزش انسان در فرهنگ جالب توجه است چه با مردم و ملل مختلف سروکار دارد. هر زمانی ورزشی مخصوص به خود داشته است و چگونگی موجودیت هریک از اقوام در ورزش آن قوم منعکس گردیده است.

با تحقیق در ادوار و مناطق مختلف می‌توان دریافت که بازی‌ها چگونه به وجود آمده‌اند، به چه نحوی تغییر یافته و کامل شده‌اند و بالاخره چگونه به دیگر ملل راه یافته و در قومی دیگر متداول گشته‌اند.

من باب مثال بازی ایرانی چوگان ابتدا در چین و ژاپن متداول شده و از آنجا به مانیپوریکی از ایالات هندوستان که در مرز برمه قرار دارد انتقال می‌یابد و سپس از این منطقه به تبت راه یافته و بالاخره به اروپا و آمریکا کشانده می‌شود.

همچنین به طوری که از یکی از لوحه‌های سنگی پیدا شده در حفاری‌های موهنجودارو^۱ واقع در هندوستان مشهود است، در حدود سه هزار سال قبل از میلاد نوعی گلوبازی رایج بوده است. هزار سال پس از آن زمان در جزیره کرت^۲ واقع در یونان این بازی متداول می‌شود به طوری که بسیار مورد توجه جوانان نجیب زاده و تربیت شده بوده است.

بعد از هزار سال دیگر، این بازی به دشت‌های سرسبز و خرم ناحیه تسالی^۳ یونان کشانده شد و پانصد سال بعد از آن برای مدتی کوتاه در شهر رم متداول می‌شود و امروزه این بازی در اسپانیا با وضعی خونین و در میان قبایل باسک واقع در مغرب سلسله جبال پیرنه بدون خونریزی و کشتن حیوان اجرا می‌شود.

در شمشیر بازی اقوام چینی، ژاپنی، هندی و مصر قدیم نیز وجه اشتراک و تشابه فراوان مشاهده می‌شود. امروزه ورزش یک سرگرمی مسرت بخش برای ورزشکار و یک تفریح خوب برای تماشاچی آن است، همچنین موضوعی است بدون اشکال و سختی برای گفتگو و بحث و مطالبی برای تحریر اخبار.

ورزش جنبه تربیتی و رمانتیک دارد. در آغاز امر جنبه اساطیری داشته و سمبل زندگی بوده است.

از بسیاری از سنگ نبشته‌ها و نقوش آن‌ها می‌توان به آسانی دریافت که انسان در آغاز امر عادت به مبارزه با قدرت‌های مافوق خویش داشته است و این قدرت را برای خدایان به کار می‌برده و به آنها تقدیم می‌داشته است.

از همان زمانی که انسان به کشف نیروهای طبیعت پرداخته و برای هریک از آنها خدایی پنداشته، شرکت کنندگان در ورزش ظهور کرده‌اند.

در نمایش‌ها و مجالس ورزشی، همیشه جایگاه خدایان با احترام فراوان خالی

^۱-Mohenjo Daro

^۳-Thessalien

^۲-Kreta

نگهداری می‌شد. برای هر ورزش خدایی جستجو و انتخاب می‌شد، مثل آپولو و هرمس در یونان و سوخی پیلی^۱ در قبایل آزتک^۲ و غیره...

بدین ترتیب و کم‌کم حماسه‌ها به وجود آمدند و شعری همچون هومر^۳، کلوپشتوک^۴، بایرون^۵، گوته^۶، برناردشاو، هرمان هسه^۷، گوتفردین^۸، و مونترلانت^۹، (ویا فردوسی - نویسنده) پدیدار شدند.

حماسه‌ها همیشه باید از نو به رشته تحریر درآیند، زیرا به موازات تغییر و تکامل ورزشی هر نسلی گذشته خود را با دیده‌ای دیگر می‌نگرد و این موضوع مورد تاکید رانکه^{۱۰} نیز هست. قسمت اول این کتاب در اطراف منشأ و سرچشمه ورزش و ارتباط آن با خدایان افسانه‌یی گفتگو می‌کند. و در این باب شواهد و اسناد فراوان موجود بوده و نشان می‌دهد که انسان قدیم از نظر سازندگی و ابتکار دست کمی از انسان چند هزاره بعد خود نداشته است.

انسان به طرق مختلف به خدایان احترام می‌گذاشته و وظایفی را که در قبال ایشان احساس می‌کرد به بهترین وجهی انجام می‌داده است. این احترام از طریق التماس، پرستش، قربانی کردن و شکرگزاری و... انجام می‌شده است.

زمان تولدیا مرگ و هنگام ازدواج ویا در جشنهای تفریحی دیگر که مسابقات ورزشی در آنها ترتیب داده می‌شده است، وجود خدایان با سوگند یاد می‌شده است. امروزه بسیاری از این عادات و جشنها منسوخ و متروک شده‌اند اما در بعضی قبایل عقب افتاده، این سنن همچنان مرسوم است.

۱- Xochipilli

۲- Azteken

۳- Homer

۴- Klopstock

۵- Byron

۶- Goethe

۷- Hermann Hesse

۸- Gottfried Benn

۹- Montherland

۱۰- Ranke

جهان از حالت قدیمی خود به دنیایی علمی و ماشینی تبدیل شده است، اما اعجاز ورزش ارزش خود را همچنان حفظ کرده است.

سبقت نیروها، هر جا که انسان به پیشرفت سعی دارد، به صورت یک تربیت اصیل پدیدار است. در فرهنگ مترقی، انسان‌هایی را ملاحظه می‌کنیم که اصالت خود را در عضلاتی ورزیده محفوظ داشته‌اند. این مسئله در نزد هتی‌ترها، کرت‌ها، مصری‌ها، اتروسک‌ها و بالاخره هلنی‌ها و در نزد قبایل روم قدیم بسیار دیده می‌شود.

هنر و ورزش دو برادرند. یونانی‌ها سعی داشتند که این نظر را به صورت درسی برای زندگی و ایده‌ای برای تربیت قرار دهند و ورزش را برای جهان‌بینی بیشتر خویش تکامل دهند و سبب پیدایش فرهنگ ورزش مغرب زمین چیزی جز این نیست.

ورزش قدیم و جشن‌های عالی آن، همچون بازی‌های المپیک مهمترین قسمت این بخش کتاب را تشکیل می‌دهد. غرب قسمتی از تکامل را در بر دارد.

در شرق، فرهنگی دیگر رواج داشته است. قسمت سوم کتاب مربوط به همین مطلب بوده و حتی آنچه را که امروزه مرسوم است، مورد نظر قرار می‌دهد.

فاصله بین فرهنگ قدیم و جدید را که قرون وسطی (اروپا) به هم مربوط می‌سازد، در قسمت چهارم این کتاب مورد گفتگو قرار می‌دهیم.

در دوره رنسانس که علم و هنر توأم با نوع دوستی و اتکاء به نفس و قدرت خلاقه افراد بود، نیروی طبیعی و خدا داده نقشی بزرگ داشت.

بشر موفق به تسخیر دنیایی از آزادی روحی شد که در آن فرد و جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌داد و در نتیجه از زمان تاریک قدیم دوری گرفت و در عصر جدید برای (بدن) تعریفی دیگر به وجود آمد و تفسیر تکامل بدنی، تغییر یافت.

این جهش ابتدا در یونان و سپس در ایتالیا به وقوع پیوست. اقتباس از سنن قدیم و

بازی‌های باستانی با تغییر شکل جدید بین مردم رایج و منتشر می‌شد. به خصوص در قرن ۱۶ مراکزی برای تربیت روحی و جسمی در آلمان، فرانسه و انگلستان به وجود آمد.

ساعات و دقائق تکامل نزدیک می‌شد. رفته رفته آزادی‌های فردی جان می‌گرفت و ایده‌های سیاسی نوین پدید می‌آمد.

انقلاب فرانسه شکوفا شد و این انقلاب زمان تربیت و فرهنگ بدنی نوینی را پی‌ریزی می‌کرد. این مسائل در بخش پنجم کتاب نوشته شده است.

ژان ژاک روسو اولین کتاب را درباره تربیت‌بدنی به رشته تحریر در آورد و حتی گوته که تفکری کلاسیک داشت، عقاید وی را تأیید می‌نمود.

همچنین کانت، شیلر، هردر^۱، و سپس پستالوزی و نیچه درباره ورزش و تعلیم و اهمیت آن وارد معرکه گردیدند.

در دوره جدید می‌توان از افرادی نام برد که به ورزش، روحی تازه بخشیده‌اند و در تکامل و پراکندن آن صمیمانه خدمت نموده‌اند مثل موتس^۲ و یان^۳ در آلمان، تاختیگال^۴ در دانمارک، لینگ^۵ در سوئد، تیرز^۶ در بوهم، توماس آرنولد^۷ در انگلستان، آموروس^۸ در اسپانیا و فرانسه، کلیاس^۹ در سوئیس، موسو^{۱۰} در ایتالیا، استرهازی^{۱۱} در مجارستان و فولن^{۱۲} و جان گریسکوم^{۱۳} در آمریکا.

بدیهی است تکنیک عصر جدید در اثر به وجود آمدن ماشین و بعد از آن

۱- Herder

۲- Muths

۳- Jahn

۴- Nachtigal

۵- Ling

۶- Tyrs

۷- Thomas Arnold

۸- Amoros

۹- Clia

۱۰- Mosso

۱۱- Esterhazy

۱۲- Follen

۱۳- Griscom

اتوماسیون، زندگی مرفه‌تری را برای بشر ساخته و ساعات فراغت بیشتری را فراهم آورده است.

از طرف دیگر این زندگی مرفه و اتوماتیک، قسمت اعظم حرکت و فعالیت‌های جسمی را که برای او الزامی بوده، ربوده است.

علاوه براین، مراحل مختلف کار جدید روح را صدمه می‌زند و شخصیت را با تمامی وجودش فقیر می‌سازد. در اینجا است که ورزش با وظیفه ارشاد روحی و جسمی به صورت بهداشت تظاهر نموده و به صورت نیرویی شگرف در میان طبقات مردم، برای ورزشکار و در نتیجه سازمان‌های ورزشی به خودنمایی می‌پردازد.

ورزش رابطه‌یی جدید با طبیعت برقرار می‌سازد مثل کوهنوردی، راه پیمایی، دوچرخه سواری، شنا و سایر ورزش‌های آبی و بالاخره پرواز با هواپیماهای بدون موتور.

جوانان از محیط بسته خانوادگی به صورت جمعیت جوانان آزاد در می‌آیند، لباس‌ها و مد آن‌ها آزاد می‌شود، زندگی آخر هفته بیشتر در باغات، مزارع و جنگل‌ها سپری می‌شود.

بازی‌هایی که با دویدن و یا تحمل سختی‌ها توأم است در تمام جهان طرفدار پیدا می‌کند و همه را در حالیکه به سوی خود می‌خوانند می‌گویند: بیرون آید از آن سالن‌ها و محیط‌های بسته.

بار دیگر برای تسکین و یا مبارزه بر علیه شهوت رکورد و رقابت‌های تجارتي واز همه مهمتر برای فرهنگ و جنبه(قوی شدن) ورزش، بازی‌های المپیک زنده می‌شود و از نو به جریان می‌افتد و مرسوم می‌شود.

امروزه، ورزش جزء لایتجزای زندگی بشر شده است و میلیون‌ها نفر در تمامی

جهان به آن عشق می‌ورزند.

ورزش برای رفع خستگی‌های زندگی ویا تماس و آشنایی با افراد دیگر و شاید هم به خاطر فرار از (جدی بودن وجود) جزء لوازم ضروری انسان در آمده است و بالاخره ورزش با همه نکات تاریک و روشن خود به جامعه امروزی ما تعلق و پیوستگی دارد، بدانسان که بی آن نمی‌توانیم وجود خود و چگونگی روحی آن را درک کنیم.

سرچشمه پرستش در ورزش

تمرینات بدنی، تماماً از پرستش و احترام آمده‌اند. هنوز در نزد ملل باستانی، شواهد این امر دیده می‌شود. در ملل متمدن و جدید نیز آداب و رسوم حکمفرماست که خاطرات قدیم را زنده می‌کند و می‌توان ریشه‌های آنرا در معتقدات اقوام باستانی جستجو نمود.

از این جهات می‌توان گفت که ورزش چیزی بالاتر از تفریح ویا وقت گذرانی سالم است.

احترام غیر ارادی و تکریم و حتی اغراق در ارزیابی ورزش‌ها، ارثیه‌ای است که از دیرزمان به جای مانده است. مردم امروز، چنین می‌اندیشند که ورزش فقط یک (بازی) است و در آن چیزی جز پر کردن ساعات اضافی و بیکاری نمی‌توان دید و بدون اینکه در این مورد تعمق فکری داشته باشند چنان می‌دانند که باید چشم و گوش بسته قبول کنند که ورزش در قدیم از عمیق‌ترین کوشش‌های روحی- روانی بوده است که تکلیف انسان را با قدرت خدایان روشن می‌کرده است.

اما پاسخ به چنین عقایدی چندان مشکل نیست. روزگاری انسان، مراحل بسیار سخت برای زنده بودن پیموده است. او بایستی برای زنده بودن و برای وجود

خویش پیکاری بس بزرگ و در تحت شرایط حاصله از احتیاجات مستقیم خود آغاز می نمود.

او برخلاف حیوانات، به طور عمودی و بر روی دو پای خود استوار بود و راه می پیمود. از این جهت همواره دیده به آسمان داشت و احساس می نمود که نیروهایی برتر و بالاتر از او وجود دارند.

این نیروهای بزرگ به شکل رعد و برق، زلزله، سیل و همچنین صدای مبهم و اسرار آمیز نسیم، سرخی غروب، نیروی زندگی دهنده نامرئی باران و نور اسرار آمیز ماه، خود را به او آشکار می ساخت.

در آغاز چیزی از آزادی اراده اش درک نمی کرد، بلکه تمام تصمیم و رفتار ارادی خود را از قدرت خدایان می پنداشت و تمام وجود خویش را هدیه ای از آنان می انگاشت.

آنچه که از فعالیت های بدنی برای تهیه مایحتاج زندگی خود اضافه داشت، به صورت تمرینات سخت بدنی با احساسی نامرئی و اسرار آمیز به قدرت های مافوق خود تقدیم می نمود.

چه از خطوطی که بر روی گرز چوبین خود می نوشت و بر دسته استخوانی کارد سنگی خود کنده کاری می کرد و چه خود را در مسابقات می آزماید گواهی است از احساس پرستش او به نیروهای مافوق.

این احساس تا امروز بطریقی همراه ماست. اما دچار تغییراتی گشته و یا ضعیف تر شده و یا به صورتی مذهبی درآمده و عمیق تر شده است و هم چنین این احساس قسمت اعظمی از مذاهب بزرگ و در طول هزاران سال سایه افکنده بود و چهره مذهبی آن روزگاران را شکل می داده.

هنوز هم می توان در بعضی مواقع و در محیط ورزش، مثلاً در بازی های المپیک

مشاهده نمود که مسابقه دهنده قبل از شروع به آزمایش، درود و سپاس کوتاهی می‌فرستد. چنانکه ادیسه Odysseus در مسابقات دو سرعت مربوط به مجلس ترحیم پاترکل patroklos به الهه آتنه athene درود می‌فرستد (به دویدن من کمک کن) و این بدان معنی بود که:

(پاها و دستهای مرا از آن آسمان بالا سبک نما).

بشر اولیه، دنیا و قدرت‌های طبیعت را به صورت یک مقیاس می‌بیند و او می‌بایست تحت شرایط بسیار سخت خود بنمایاند و (وجود) خود را اثبات کند. آنچه که بر سر راه او قرار گیرد و سخت مقاومت نماید، به عنوان (قویتر) جلوه می‌کند و در نتیجه خارج از فرمان اوست و به نیروی برتر یا قدرت (خدایان) تعلق دارد.

بنابراین باید با این نیروها سازش نماید و به این جهت بشر ناچار است که با یکدیگر مرتبط شود و به همکاری نیازمند است.

اما با همه این ارتباط و اتحاد، بدون وجود خدایان کاری از پیش نمی‌رود به این جهت است که برای شکار، محصول، سعادت خانواده و تأمین، به درگاه آنان ملتمس می‌شود.

انسان می‌خواهد که با تمام خانواده و متعلقاتش از تمام امراض و بلیات در امان باشد و یا از طرف آنان بهبود یابد. او غلبه بر دشمن، و گشایش در کار و فراوانی در محصول و حفاظت از خود در مقابل عوامل خشن طبیعی از قبیل رعد و برق و طوفان و سیل، بدرگاه الهی پناه می‌برد و به همین روی خدایان را به وسیله برگزاری بازی‌هایی از قبیل آنهایی که برشمردیم تقدیس و احترام می‌کرد. او برای افزایش هرچه بیشتر سلامت خود ناگزیر به اطاعت از خدا بود، اعتقادش براین بود که قضا و قدر سرنوشت را از پیش برایش تعیین کرده است و تلاشش

در جهتی بود که هر چه بیشتر تقدیر و اطاعت خدا را در ضمن انجام بازی‌ها و نمایشات به سود خود برگرداند. نتیجه طبیعی، فقر و تنگدستی تمایل به سحر و جادو و مراسم خرافی قبیله‌ای بود و به مرور زمان این امور و مراسم در سطوح مختلف وسعت یافتند و هر روز پیچیده‌تر و سردرگم‌تر شدند تا بدانجا که رسماً جزو اعتقادات همگانی در آمدند و بدینسان امر پرستش و ستایش به عنوان یک پایه اساسی متافیزیکی و روحانی یا به عنوان یک دوره منظم قابل تکرار با هدف و به اجبار قبیله‌ای برای سپاسگزاری از نعمت‌های الهی انجام می‌شد.

از همان اوایل پیدایش اعتقادات که نتیجه صددرصد طبیعی عوامل وحشتزای محیط بوده است روش و نحوه انجام مراسم مذهبی در کلیه شرایط اقلیمی یکسان تقریباً اوضاعی بسیار مشابه دارند. بشر دست‌هایش را با خلوص نیت به سوی آسمان بلند می‌نماید و از درگاه الهی طلب بخشش و برکت می‌کند و او به تأثیر بخشی این حرکات کاملاً مقید و پایبند است. روایت می‌کنند: هر بار که حضرت موسی می‌خواست موفقیت و پیروزی نصیب قومش گردد، دست‌ها را به طرف آسمان گشوده و به دعا می‌پرداخت؛ ما علاوه بر دست بلند کردن در نیایش با زانو زدن و تعظیم کردن مسیحیان در کلیسا، رکوع و سجود کردن مسلمانان در نماز و چهار زانو نشستن بودائیان برخورد می‌کنیم، کم‌کم این حرکات تکامل پیدا کرده و به فضای آزاد نیز راه یافت، به عنوان مثال: بشر دست‌ها را به طرف آسمان دراز کرده و با این حالت به سوی مکان مقدسی چون، بیشه، جنگل یا محراب گام برمی‌داشت. گذشته از نیایش می‌توان به رقص‌های مذهبی که بعضی از آنها فقط از چند حرکت ساده تشکیل گشته و امروزه نیز متداول می‌باشد اشاره کرد. شیلنگ و گوته شاعران آلمانی زبان رقص را که پایه و اساس جشن‌های ورزشی بودند به عنوان ریشه تکامل روح و جان و یک هنر یاد کرده‌اند.

رقص به عنوان نیرو و قدرت سحرآمیزی ثمربخش، بشر را از گزند دشمنان برحذر می‌دارد در رقص بشر نمایشگر قدرت الهی می‌باشد. همانند که سیارات که برطبق قوانین فلکی بگردش در می‌آیند، بشر نیز از این حرکات برای تقدیس خدایان الهام می‌گیرد. علاوه بر رقص‌های معبدی و رقص (بیت Bitt) نزد هندیان رقص (هوهوتی Huehueti) نزد سرخپوستان، رقص شعبده بازی، و رقص‌های (توتوگوری Tutuguri) و (یوماری yumari) و (ماتاخیر Matachin) نزد (تاراهومارا Tarahumara) در مکزیك که تمام روز به طول می‌انجامد. از حضرت داوود نیز روایت می‌کنند که او در زمان حیات خود رقص‌هایی ترتیب داده بود. هنگامی که اهالی تاراهامارا مشغول کشت و زرع در مزارع بودند، مردی را به محل رقص می‌فرستادند که بدون لحظه‌ای استراحت تمام وقت می‌رقصید و گوئی بدینوسیله خدایان را به تهیج و تحرک در می‌آورد که برای اهالی فراوانی محصول باران بفرسد. ما از همان دوران ابتدایی تاکنون با این‌گونه رقص‌ها در نقاط مختلف جهان برخورد می‌کنیم که به عنوان مثال می‌توان رقص‌هایی را که در کلیساهای کاتولیک برپا می‌شود نام برد. (Jesuit menetrier) می‌نویسد که در روز عید پاک رقص‌های کانونیس همراه با کر کودکان اجرا می‌شد. همچنین در کلیسای بن یک روز قبل از دوره روزه مسیحیان رقص‌هایی برگزار می‌شد. همواره حرکات رقص موزون و از طبیعت الهام گرفته شده و به منظور بیان عقاید و نه تنها برای رضایت و خشنودی خدایان و برقراری همبستگی بین بشر و خدا، بلکه صرفاً برای بشر نیز شادی آفرین بود، ترتیب می‌یافت، این عقاید سبب بیداری هنر و قدرت‌های خلاقه در بشر نیز بود. گوته در این باره می‌گوید:

در رقص بشر مایل نبود که خدا را به حالت بشریت در آورد بلکه سعی داشت که بشر را به مرحله الوهیت برساند. سالخوردگان سعی بر آن داشتند که خدایان خود را

همواره جوان وقوی تصور کنند، لذا بدان جهت خود به نرمش‌های بدنی می‌پرداختند، در افسانه‌های یونانیان قدیم، درباره مسابقات خدایان روایاتی زیاد در دست است، همانطور که (پیندار pindar) می‌نویسد:

آنها در زیر نور خورشید تابان، به مبارزات و نرمش‌های بدنی پرداخته و با تزیین اسبان آن‌ها را نیز خوشحال می‌ساختند.

این اعتقادات بیش از ۱۰۰۰ سال پابرجا بود. بعد از آن (آن آس aneas) قهرمان (آئاس ورجیل) جسد پدرش (آنخیزز Anchises) را در محلی که بهار ابدی حکومت می‌کرد، می‌گذارد و ارواح عالیه را که روی چمنهای (پالسترا palaestra) به نرمش‌های بدنی، کشتی، پرتاب نیزه و اسب‌دوانی و رقص و آواز می‌پرداختند، در می‌یابد.

با بررسی تاریخ قدیم ما اغلب به گزارش‌هایی درباره مسابقات خدایان برخورد می‌کنیم. به عنوان مثال: مسابقه پرتاب دیسک (آپولو apolo) خدای شعر و موسیقی با دوستش (هیاکیتوس hyakintos)، گرچه این مسابقه به وضع رقت‌باری خاتمه می‌یابد، و همانطور که از محاوره خدایان (لوکیان lukian) نقل می‌کنند، الهه (هرمس hermes) بر الهه (اروس Eros) در مسابقه کشتی پیروز می‌شود، در این بازی اروس در اثر پشت پایی که هرمس به او می‌زند، مغلوب گشته و استخوان پایش می‌شکند. در یکی از تصاویر بسیار قدیمی خدای شعر و موسیقی به عنوان یک بوکسور جوان در حال جشن پیروزی دیده می‌شود.

در افسانه بنای المپیک، خدایان به عنوان اولین بازیکنان شرکت می‌جویند و گویا الهه آپولو بر الهه هرمس در مسابقه دو و بر الهه (آرس Ares) در مسابقه مشت زنی پیروز می‌شود. قبیله (اینسولانهای Insulan) (سلبه Celebe) معتقد بودند

که ارواح در جشنهای محصول ناظر مسابقات کشتی می‌باشند. دلایل مشابهی نیز وجود دارد که خدای آسمان شخصاً به سرخپوستان (کاریبی Karibi) یعنی به (اوئی توتوها Uitoto) قواعد توپ بازی رایاد داده است. (آستک‌ها Aztek) میدان توپ بازی را مظهر آسمان می‌دانستند. در (کودکس بوربونیکوس Codex Borbonicus) خدایان را در حال بازی (Steitzballspiel) (بعداً به این بازی اشاره می‌شود). نشان می‌دهد در یک طرف الهه (سوخیلی Xochipilli) و برادرش (ایکسلیتون Ixilton) و از طرف دیگر خدای (کوتسال کواتل Quetzalcouatl) و الهه (سیواکواتل Ciuacouatl) قرارداد داشتند. بعضی از بازی‌ها یا نمایش‌ها در غالب خدایان نشان دهنده مبارزات بین روز و شب، طلوع و غروب، آسمان و زمین، می‌بودند. (کریکه برک Krickeberg) در کتاب توپ بازی در آمریکای مرکزی به اساطیری که در آنها گفته شده که میدان بازی را با گل‌های زیبایی تزئین می‌کردند، اشاره کرده است.

اعتقاد به نیروی ورزشی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ هر حرکت ساده اندام، برانگیزنده یک تحرک درونی و مایه عیش بیشتر بشر است، به طوریکه سرانجام می‌تواند تجربه هیجانات شورانگیزی باشد که نمونه آنها را در مراسم توبه هندی‌ها و یا رقص‌های مذهبی که به بیهوشی می‌انجامد مشاهده کرد. ما هنوز از ساعت طولانی رقص‌های نامفهوم (درویش‌ها Del) و rwsche و نیز رقص‌های پرتحرک سرخپوستان با پایکوبی‌های خاصشان در شگفتیم.

اگر امروزه قبل از هر بازی با نرمش‌های بدنی خود را گرم می‌کنیم، این کار همانطور که از پروفان (Profane) ترجمه شده برای اینست که بدن آمادگی بیشتری پیدا کند، زیر در سابقه مراسم مذهبی با نرمش‌های بدنی توأم بوده است. ما در این فرم خلاصه‌ای از قدرت الهی را می‌بینیم و در کنار آن با نیروهای

جادوئی که آنرا افسون هوموپاتیشن^۱ (Homoopathisch) نیز می‌نامند برخورد می‌کنیم. یعنی عقاید بشری به امکانات قابل تغییر اثر می‌بخشد، همانطور که طبیعت بشر را در بهار شاد و قوی می‌سازد. او نیز براین اعتقاد است که این شادی را به طبیعت یا (بالعکس) بازگرداند. و بهمین دلیل است که سیاهپوستان با سوزاندن علوفه دود ایجاد می‌کردند که ابر سیاهی تشکیل شود زیرا آنها معتقد بودند که این ابرها با آسمان رفته و برای آن‌ها باران می‌فرستد یا از برخورد دو چوب بهم سر و صداهائی چون رعد و برق راه می‌انداختند، بامید اینکه این افسون خدا را وادار به ریزش باران سازد، یا استرالیائی‌ها با اجرای رقص‌هائی چون اموس (Emuc نام پرنده‌ای است) و کانگورو این حیوانات را به طرف خود می‌کشاند و بالاخره رقص‌های ماهی و گاومیش را سرخپوستان برای به‌چنگ انداختن و شکار این حیوانات ترتیب می‌دادند.

چینی‌های قدیم معتقد بودند که رقص و موسیقی وسیله‌ایست برای رام کردن جهان سرکش و در باویر آلمان نیز بعنوان جادوی فراوانی و برکت در محصول مسابقات دویا اسب‌دوانی در روز عید فینگستن (Pfingsten) برگزار می‌شد. و میتوان گفت که جشنهای محصول پائیزی و مسابقات دو، پرش، کشتی و بالا رفتن از درخت و غیره از همین مبدأ سرچشمه گرفته است.

بازی‌های دو تاراهومارا یا توپ بازی سرخپوستان مکزیکی براساس حرکت خورشید (از شرق به غرب) برای بخشایش بشر بوسیله خداوند برگزار می‌شد و گویا مسابقه پرش ارتفاع را بخاطر رشد کنف و ذرت و مسابقه پرش طول بین الئوزونی‌ها (Eleusini) را بخاطر توسعه کشاورزی برپا می‌کردند.

در بعضی از قبایل با اجرای رقص‌های لخت و عریان و شهوانی اهالی خواستار

۱. استفاده از داروهای خطرناک با اندازه کم برای معالجه

ازدیاد محصول از طبیعت می‌شدند، و همچنین این نوع بازی‌ها را پیروزی برحریف و از بین بردن قدرت دشمن تعبیر می‌کردند.

جشنهای فروانی و برکت محصول در بین اسکاتلندی‌ها، فرانسویان، و همچنین ملل قدیمی چون اسکیموها یک سنت قدیمی بشمار میرفت، که در آن جوانان مجرد و متأهل در مقابل یکدیگر به بازی فوتبال (توپ بازی با پا) در روز روشن می‌پرداختند. اینکاها (Inka) معتقد بودند، بازی‌های پر سر و صدا قادرند که بشر را از ناخوشی مرض و گناهان کبیره برحذر دارند. بر همین مبنا تارهومارائی‌ها در مسابقه دو بخود زنگوله‌هائی آویزان می‌کردند. سرخپوستان کانلا (Canella) از قبیله گس (Ges) برزیل شرقی در مسابقات دو باکنده چوب (راجع به این مسابقه بعداً بتفصیل اشاره خواهد شد) و فلزاتی که تولید سر و صدا میکرد که بکمر بند خود می‌بستند. ژاپنی‌ها و چینی‌ها در بازی چوگان اسب‌های کوچک پونی (Pony) خود را با ظروف فلزی و زنگوله تزئین می‌کردند.

مانیپوری‌ها (Manipuri) در بازی چوگان به اسب‌های خود توپک‌های سفید و ظروف فلزی آویزان می‌کردند. در اطیش و آلمان امروزه نیز مرسوم است که به اسب سورتمه زنگوله آویزان کنند. مسابقات بوکس سیامس (Siamese)‌ها با موسیقی توأم بود. همچنین در مسابقات اسب‌دوانی، در تبت، چین، ژاپن و بالاخره ایران و ترکیه آویختن زنگوله و آلات صدادار با اسب مرسوم بود. مخصوصاً در ایران و ترکیه مسابقه توأم با موسیقی اجرا می‌شد و یک ارکستر موسیقی با شرکت نوازندگان بوق و کرنا و طبل دوروبر میدان می‌ایستادند و با آهنگ‌های شاد بازیکنان را تشویق می‌کردند. به عنوان مثال می‌توان بازی جرید (Djerid) را نام برد. (راجع به این بازی بعداً اشاره می‌شود)، دسته ارکستری با چنین آلات موسیقی در تصاویری از بازی چوگان، در ایران، هندوستان و مصر

دیده می‌شود. ما با این گونه دسته موزیک در مسابقات بوکس و کشتی در تایلند و در آرشیپل (Archipel) هند و نزد سرخپوستان مکزیکی و بالاخره بازی‌های ژیمناستیک ایرانیان قدیم نیز برخورد می‌کنیم.

در ایران علاوه بر دسته موزیک تماشاچیان بنا بر سنت قدیمشان در منقل فلزی روی ذغال گذاخته اسپند می‌ریختند، دودی که بر می‌خواست باعث می‌شد که بازیکنان از چشم زخم مردم و اهریمنان دور باشند، امروز نیز اسپند دود کردن هنوز در ایران متداول است.

بازی فوتبال نیز از سری بازی‌هایی است که در آن سر و صدا برای رهایی از ارواح خبیثه نقش مهمی داشته است. بومیان دهکده پس از خاتمه بازی فوتبال در غروب آفتاب با آلاتی که تولید سر و صدای فراوان می‌کرد از سوی شرق به غرب حرکت می‌کردند و بین راه کسبه را مجبور به بستن دکان‌هایشان می‌نمودند. این عمل زیان بسیاری بهمراه داشت تا اینکه بالاخره انگلیسی‌ها سخت با آن مخالفت کرده و ایجاد سر و صدا و آشوب را ممنوع ساختند. بازی فوتبال با این کیفیات معمولاً در ایام کریسمس و عید پاک یعنی روزهای پرجوش و خروش صورت می‌گرفت.

آیا هیچ می‌دانید که جفجغه امروزی برای بازی و آرام کردن کودک، همان وسیله جادوگرانه بشر اولیه بوده که هنوز در بعضی از ملل چون لامائی‌ها (lamai) جنبه مذهبی خود را حفظ کرده است. در واقع تمام شکل‌هایی که ذکر شد از یک نوع اندیشه سرچشمه گرفته است. جنب و جوش و تحرکاتی برای رهایی از گزند ارواح شرور، برای گریز از واقعیات زندگی یکنواخت و به منظور لذت بخشیدن به آنها بوده که به صورت دو، راهپیمایی، سوارکاری و اسب‌دوانی تجلی می‌نموده است.

نگرشی به ورزش در قلمرو طبیعت

در دوران‌های اولیه، پیش از اینکه روح انسان در طی مراحل پرستش و نیایش به تکاملی نایل آید، انسان پدیده‌های طبیعی را به عنوان نخستین عوامل عبادتی مورد پرستش قرار می‌داد.

خورشید، به عنوان نیروبخش و هستی ده، بیش از هر پدیده‌ای دیگر پرستیده می‌شد به طوری که از قرائن پیداست، پرتاب دیسک سحر و جادویی اولین مرحله در راه بزرگداشت خورشید بوده است. به همین جهت دیسک یا گرده در میان هندیان به عنوان مظهر خدای ویشنو (Vishnu) جنبه تقدس دارد. لغت ککره (cakra) که همان ریشه اصلی کلمه چرخ می‌باشد، به عنوان سمبل خورشید شناخته می‌شد. حتی در قرون وسطی نیز مسیح را به صورت خورشید نشان می‌دادند و تزئینات سرخ رنگ پنجره‌های روی در ورودی کلیساها نیز از خورشید الهام گرفته است، امروزه ما معتقدیم که این ستاره درخشان مرکز منظومه شمسی بر جان و روح و جهان‌هایی که هنوز هم بر دانش امروزه شناخته نیست، تأثیر دارد.

ماه و ستارگان در حقیقت افراد خانواده خورشید محسوب می‌گردند، از این رو ماه را نیز بشر مورد ستایش قرار داده است. بشر در زمان‌های باستان پی به وجود قوایی در خورشید و ماه برده بود، که باعث می‌گردید آن‌ها مورد پرستش قرار گیرند. از روی حرکات ستارگان بشر اولیه رقص‌هایی ابداع کرده بود که جنبه مذهبی داشت.

پس از این مرحله ستایش درختان و جنگل‌ها، مورد توجه یونانی‌ها و ژرمن‌ها قرار گرفت. قبل از اینکه معابدی بر پا گردند، پرستش درختان و جنگل‌هایی از قبیل جنگل بلوط دودونا (Dodona) جنگل درختان کاج (الهه دریا) در ایستموز (Isthmos)

جنگل درختان زیتون المپیک و هم چنین جنگل درختان بلوط ژرمن، معمول و مرسوم بود.

در (تصویر قربانیان) که از جزیره‌ای در دریای مدیترانه به دست آمده است، شکل درختی دیده می‌شود که در میان نرده‌ها محصور بوده و توسط نگهبانی حفاظت می‌شود.

هنگامی که به دستور اسقف بونی فاتیوس (Bonifatius) در حدود سال ۷۵۵ میلادی یکی از درخت‌های مقدس بلوط ژرمن در نزدیکی گیسمار (Gessmar) واقع در منطقه هسن (Hessen) قطع گردید این عمل اسقف، اقدامی جسورانه و متهورانه تلقی شد.

درخت لوربیر (Lorbeer) نزد آپول (خدای نور و موسیقی)، آنچنان جنبه تقدس داشت که حتی شاخه‌های آن را به عنوان تجلیل و بزرگداشت به قهرمانان می‌دادند. درخت زیتون نیز، درختی مقدس به شمار می‌آمد و (هاله‌ای) از شاخ و برگ زیتون درست می‌شد، اگر کسی بر سر می‌گذاشت، پاکیزگی سیمای او دو چندان می‌شد. خوشه انگور به عنوان مظهر کثرت و برکت، در نزد یونانی‌ها جنبه تقدس داشت و یونانی‌ها به خاطر آن مراسمی برپا داشته، تاکستان‌ها را آذین‌بندی می‌کردند.

رودخانه و چشمه نیز جنبه ستایش و نیایش داشتند، و در این مورد، می‌توان چشمه دلفی (Delphi) را مثال زد. کوه‌ها نیز به نوبه خود از داشتن حالت تقدس بی‌بهره نبوده‌اند، المپ از نظر یونانیان، سینا در نظر مردم یهود، البرز از نظر ایرانیان، کلیمانجارو برای مردم سواحل افریقا (مسائی‌ها) و فوجی‌یاما از نظر ژاپنی‌ها دارای جنبه تقدس بود. از طرفی دیگر دره (ریکی) را آلبرت بونستتن آلمانی (Bonstetten) به عنوان معبد ارواح برگزید.

در این مرحله از پرستش به این نکته بر می‌خوریم که آتش نیز به عنوان مظهر زند خورشید مورد ستایش قرار می‌گیرد. کافی است که در این زمینه از مشعل‌هایی که توسط یونانی‌های قدیم در حال دو یا سواره حمل می‌گردید، تاشکل کامل یافته امروزی چراغ‌های کلیساهای کاتولیک که از مشعل‌های مومی تا چراغ روشن ژرمن‌های نواحی غرب، تغییر شکل یافته‌اند، یا کنیم. مراسم امروزی حمل مشعل المپیک نیز در مسابقات جدید به وسیله هواپیما یا از طریق زمینی، نمایشگر همان عقیده به تقدیس آتش در زمان‌های قدیم می‌باشد. در میان بعضی از مات‌ها مراسم مذهبی، رنگ همین تمایلات اولیه بشر را دارد. مثلاً در بلغارستان مردم به کاخ قدیمی سلطنتی با مشعل‌های روشن می‌رفتند و یا در لورد (Lourdes) واقع در جنوب فرانسه زائرین کاتولیک، با مشعل‌های روشن حرکت می‌کردند.

از وجود حیوانات نیز در انجام مراسم مذهبی، مظاهری به چشم می‌خورد در کتاب مقدس مسیحیان گاو نر مظهر قدرت و خشونت و برکت به شمار می‌آید ما با این مفهوم از گاو نر در نزد سامی‌هایونانی‌ها، چینی‌ها، و در ناحیه مالزی و در میان قبیله‌ای به نام آرتک در مرکزیک نیز بر می‌خوریم. دختر پادشاه اروپا گاو نر را به جزیره کرت (Kreta) واقع در دریای مدیترانه برد، یعنی جزیره‌ای که در آن عبادت (گاو) نقش عمده‌ای را بازی می‌کرد. فریزر (Frazer) در کتاب خود به نام شاخه طلایی مثال‌های زیادی در این باره آورده است. علاوه بر گاو نر بز نر و بز کوهی و گوساله نیز پرستیده می‌شد.

اسب در نزد هندیان مظهر خورشید می‌باشد. همین حیوان در یونان باستان نیز بخاطر نقشی در پیدایش بال‌های پگازوس داشت، مقدس شمرده می‌شد. طبق عقیده الهه‌های یونان اسب‌هایشان را با بهترین علوفه و مواد غذایی تغذیه می‌کردند و به طوری که در تصاویر نیز دیده می‌شود چهار راس از این حیوان‌های اصیل و نجیب

گردونه خورشید را می‌کشند. حضرت محمد نیز سوار بر اسب در آسیای صغیر دارای مفهوم خاصی هستند و هر دو سمبل عقیده واحدی می‌باشند. ژرمن‌ها، عرب‌ها، و بربرها در اسب نجابت، قدرت و ثروت را یافتند.

عقاب از دیدگاه یونانیان حتی از نظر زئوس (zeus) نیز مقدس بود اما قبلاً هیتی‌ها آن را نشانه قوام و دوام خانواده می‌دانستند. گرگ هم به نوبه خود از نظر وتانها (Wotan) مردم آسیا جنبه تقدس داشت - بنابراین جای تعجب نیست که چادر نشینان اسب پیروز را (کوک بری Kok-buri) یعنی گرگ آبی می‌نامیدند. در حالیکه آبی به مفهوم آسمان نیز هست.

مار را از آن زمان که انسان به وهم و تخیل پرداخت تا تصویر آن به صورت اژدها در چهار چوب رقص‌هایی که با سلاح در چین انجام می‌شد، می‌بینیم، پیوسته در مبارزات جنبه اعتقادی پیدا می‌کرد. چوب مقدسی که ماری به دور آن پیچیده شده بود نشانه سلامتی بود. همچنین گفته شده است که آپولو خدای نور و موسیقی و شعر اژدهای پیتون (python) را به قتل رسانیده است.

در ارتباط عبادات با مظاهر طبیعی نمونه‌های فراوانی در دست است. لیکن تجسم تفکرات نیایشی انسان در قالب حیوانات هنوز هم در بعضی از بازی‌های ورزشی به صورت اسفینکس sphinx (موجودی با سر انسان و بدن شیر) و کنتاور Kentaure موجودی با سر انسان و بدن اسب به چشم می‌خورد.

جشن‌های موسمی در طول سال

به شروع مراسم مذهبی ورزشی به طور کلی در جشن‌های بهاری یا در مراسم آغاز سال نو بر می‌خوریم و در مواردی که آغاز سال نو با فرا رسیدن بهار تقارن پیدا می‌کند مراسم یکجا انجام می‌گیرد. به طور کلی تغییر فصل انگیزه مهمی برای برگزاری جشنها

و مراسم به شمار می‌آید. در جشن‌های مربوط به آغاز سال نو روزگار باستان تا امروز در صحن معبد کاگورا (Kagura- ژاپن) مسابقات کشتی برگزار می‌شود. نمونه این گونه جشن‌ها در ممالک فارسی زبان نیز از قبیل تاجیکستان نیز دیده می‌شود. در این جا علاوه بر کشتی رقص‌هایی با شمشیر نیز اجراء می‌گردید. در بورئو همراه با انجام مبارزات کشتی سال نو آغاز می‌شود و در سومبا این روز با مسابقات مبارزه نیزه دو نفر انجام می‌پذیرد.

در یکی از نیمه شب‌های تابستان در کارپات Karpat زیر نور کم فروغ شمع مسابقه‌ای میان پسران به عمل می‌آید. به عنوان جایزه به برنده مسابقه یک شاخه پر طاووس جایزه داده می‌شد و او در تمام مدت سال این افتخار را داشت که پر طاووس را با خود حمل نماید. در کیتان Kitan یکی از قبائل تونگاس (از قبایل شمال آسیا) هنوز هم پس از گذشت نزدیک به ۱۰۰۰ سال پس از میلاد مسیح در روز اول سال نو مسابقات کشتی ترتیب می‌دهند ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد نیز هیتی‌ها در مراسم جشن‌های بهاری مسابقات دو و مراسم نیایشی برگزار می‌کردند. همچنین ۸۰۰ سال قبل از میلاد نیز بابلی‌ها در آشور مسابقات دو بر پا می‌نمودند. سرآلی‌ها cerealie به افتخار الهه زمین در نوزدهم آوریل جشنی ترتیب داده و روباهی را به طرف اسبها رها می‌کردند. در ۲۱ آوریل نیز چوپانان و دام داران قبیله پارلیا parilie مراسم جشن نظافت و پاکی و مسابقات اسبدوانی برپا کرده، به بازی‌های سحرآمیز می‌پرداختند؛ رویگال‌ها Robigal در ۲۵ مارس بعد از بازدید از اجرای یک مسابقه دو با شرکت دختران و پسران بزرگ و کوچک در جنگل شهر کلاودیا واقع در حومه شهر برپا می‌کردند. لودی مارتیالی‌ها یک مسابقه اسبدوانی بنام لودوس ترویا در روز ۱۲ ماه مه به عنوان جشن بهاری و روز بنیانگذاری معبد مارس واقع در کاپیتول (Kapitol) و روز اول ماه اوت بعنوان جشن پائیزی و

بنیانگذاری معبد مارس - اولتر ترتیب می دادند.

این گونه جشن‌ها معمولاً در فصل بهار و مخصوصاً موقع عید پاک که سالروز معراج حضرت عیسی می‌باشد به عالیت‌ترین حد خود می‌رسید. شکار ماهی و نبرد با نیزه در روی قایق که هریک از شرکت کنندگان در مسابقه سعی می‌نموده دیگری را با نیزه به داخل آب پرتاب کند از جمله مراسمی بود که غالباً در این مواقع بیشتر به چشم می‌خورده است - این گونه مراسم که در عین حال جنبه تفریحی نیز دارد از زمان مصری‌های قدیم تا به امروز هنوز پابرجاست و در بیش از ۸۵ نقطه از ممالک اروپایی همانطوری که دربخش چهارم این کتاب به تفسیر صحبت خواهد شد - هنوز هم این نوع بازی معمول و متداول می‌باشد.

چه نوع ورزشی در عید پاک برگزار می‌شد؟

طبق عقاید فرانسویان اولین یکشنبه در طول مدت روزه مسیحیان مسابقات دو توأم با برافروختن آتش دوستی دلاوران انجام می‌گرفت که در طی آن برنده مسابقه خروس را به عنوان جایزه دریافت می‌نمود. این مراسم نیز مانند بسیاری از مراسم قدیم دیگر در اغلب کشورهای اروپایی همراه با جشن بهاری آتش که قدمت آن به سال‌های قبل از میلاد می‌رسد برگزار می‌گردد.

بازی فوتبال چینی‌های قدیم در روز خوراک سرد(روزی که حضرت عیسی به صلیت کشیده شد) یا در روزهای اول بهار یعنی چند روز قبل یا بعد از این روز مقدس انجام می‌شد. هم چنین در تمدن قدیم ترک‌ها در موقع برگزاری جشن بهاری که به آن جشن خورشید جوان هم می‌گفتند چنین روز را به انجام مسابقات فوتبال اختصاص داده بودند. یک صد سال بعد از تولد مسیح نیز در چین در روز چینک - مینک یا چند روز قبل از آن چینی‌ها به بازی فوتبال

می‌پرداختند. حتی جشن‌های فوتبال (مقصود از فوتبال - باز فوتبال با کیفیت امروزی نیست بلکه مقصود توپ بازی با پا می‌باشد.) پولو (بازی شبیه چوگان و هاکی) هم که همراه با آواز خواندن برگزار می‌گردید جزو مراسم بهاری به شمار می‌آمد. مراسم تشریفاتی مسابقات تیراندازی مغول‌های سی - دان و نیز عین این مراسم در روز پنجم ماه ژوئن در پکن نیز برگزار می‌شد. دلایلی در دست است که نشان می‌دهد ترک‌های قدیم در زمان‌های قبل از تولد مسیح جشن‌های تابستانی پرشکوهی هم بر پا می‌کردند - پنجمین روز از پنجمین ماه سال نیز زمان معین و مشخصی بود در کنار رودخانه‌های چین برای اجرای بازی پولو و عبادت رودرگاتا (Ruderregatta)، در باره این موضوع به تفصیل در این کتاب بحث شده است. روز معینی در سال روز بنیان‌گذاری معبد کامو در کیوتو همراه با مراسم سوارکاری جشن گرفته می‌شد. تبتی‌ها نیز سال جدید را با بازی‌های ورزشی و شرکت کشیش‌های بودائی آغاز کرده مراسم باشکوهی بر پا می‌ساختند که راهبه‌ها و مردم عادی نیز در این مسابقات شرکت می‌جستند.

در کلاو شو (Cloeshoe ایرلند) و تمام ایرلند و شمال فرانسه بازی‌های ژیمناستیک و اسب‌سواری سه روز قبل از سالروز معراج حضرت عیسی در دوره روزه مسیحیان برگزار می‌شد. در سال ۱۱۰۵ مردم ناحیه پواتیه poitier به انجام یک نوع بازی می‌پرداختند به نام لوزوس پیلائه که حتی اسقف‌ها نیز در آن شرکت می‌کردند. از اسقفی به نام منده در سال ۱۲۸۶ نقل شده است که در روز مقدس عید پاک اسقف‌های اعظم و روحانیون در دیر و مقر اسقف‌ها به توپ بازی می‌پرداختند در برخی از نواحی آلمان حتی تویی بنام عید پاک ساخته و آن را بین مردم پخش می‌کردند. در دانمارک و برخی نقاط سوئد نیز حتی امروزه در چنین روزی مسابقات اسب‌دوانی به وسیله بچه‌ها انجام می‌گیرد. در سال ۱۴۰۴ شاهزاده شهر براندون بورگن

Brandenburgen یوهان سیسرو Johan Cicero در یکی از اعیاد مسیحیان (عید نصارا) یک مسابقه اسب سواری دور شهر برلین ترتیب داد. همچنین در سال ۱۵۴۳ نیز یک مسابقه اسب سواری ترتیب یافت که به برنده آن یک راس گاو که آن را می توان الهامی از جشن های هایدنی ها دانست داده شد. در سال ۱۳۱۵ در ونیز در روز سن پل یک مسابقه قایقرانی از کلیسای سن مارکو تا لیدو برگزار شد. در فصل بهار یا زمانی که درختان جوانه می زنند در جزایر استرالیا بنا بر انگیزه مذهبی همواره مراسمی اجرا می شود. همواره برگزاری این نوع جشن ها کثرت و وفور نعمت به دنبال داشته و موجب تأسیس مدارس کشتی و ورزش های دیگری توسط یونانیان قدیم گردیده بود.

همچنین جشن های متعددی نیز در پاییز برگزار می شد شومو پادشاه ژاپن در سال ۸۰۰ نارا مقر سلطنت خود یک مسابقه کشتی میان کشتی گیران ولایات شرقی و غربی مملکت خود ترتیب داد. امروزه نیز بزرگترین مسابقات کشتی حرفه ای در فصل پائیز انجام می شود؛ در حال حاضر در جزایر اندونزی مراسمی توأم با برداشت محصول برنج و ریشه یامز برگزار می گردد. رومی ها هم علاوه بر لودی مارتیالی ها که قبلاً ذکر آن شده. کونزوالی ها هم برای پرستش کونزوس خدای قدیم روم در ۲۱ اوت و ۱۵ دسامبر در آرا پائیس مسابقات سوارکاری ترتیب می دادند.

مردم کشورهای شمال نیز همانطوری که اولوس ماگنوس مورخ معروف نوشته است در فصل زمستان یک مسابقه اسب سواری روی یخ انجام می دادند که مسافت آن در حدود ۴ تا ۶ مایل بوده و این مسابقه توأم با تشریفات مذهبی نیز بوده است. جوایزی که در این مسابقه به برندگان اعطاء می گردید عبارت بود از مقدار زیادی غلات لباس و اسب. از طرفی جشن های خانوادگی نیز از همان اول انگیزه جالبی برای برگزاری مسابقات ورزشی بوده است این گونه جشن ها عبارت بوده است از جشن

تولد کودک - ختنه سوران - تراشیدن موی سر - سوراخ کردن گوش دختر - سوهان زدن دندان - خال کوبی - خبر بارداری - و جشن عروسی؛ مسابقات بسیاری هم برای به دست آوردن عروس انجام و همانطوری که از زندگی زیدهارتای جوان از مقدسین آئین بودا در هند بر جای مانده، در مراسم و جشن‌های سیاهپوستان افریقا نیز دیده می‌شود، معمول بوده است. مردم ممالکی که برای به چنگ آوردن عروس مبارزه می‌کردند و بقولی عروس ربایی می‌نمودند عبارتند از کولی‌های آسیا - ایران - بربرها در مراکش و در این بازی از یک عروسک کاهی استفاده می‌کردند.

آلمان‌ها نیز در سال ۱۲۰۰ مانند جشن‌هایی که در بازارهای قدیم سهله و در جاده‌های نزدیک مزارع تورینگن برگزار می‌شد به جشن عروس بازی می‌پرداختند. جشن‌های معمولی در روزهای عزا و مراسم تدفین و تشییع جنازه دیگری به چشم نمی‌خورد. درحالی که عبادت و ورزش نزدیکی زیادی بهم داشتند و در این باره در فصل ستایش مردگان بتفصیل اشاره می‌شود.

از عوامل عمده‌ای که باعث برگزاری مسابقات و جشن‌ها می‌گردید می‌توان ساختن کلبه جدید ورود مهمانان عالیقدر و یا تشکیل جلسات بزرگان قبیله و امثال آن را نام برد.

خصوصیات ورزش

- کدام یک از بازی‌های ورزشی در خدمت مذهب قرار دارند؟

- چه خصوصیتی در آنها دیده می‌شود؟

سرعت و چابکی و استقامت و چالاکی.

این عوامل نمایشگر استقامت و قدرت فردی در بازی‌ها و رقص‌های دسته جمعی

هستند. سرعت اغلب به عنوان نشان دهنده قدرت جوانی زندگی و همچنین دیانت بعنوان قابلیت رویت ازدیاد نور به شمار میرفت. مسابقه دو مسافت کوتاه عالی ترین ورزش یونان به شمار می رفت و در طی آن برنده مسابقه نام خود را به جشن المپیا بخشیده و به وی این افتخار داده می شد که آتش ابدی المپیا را مشتعل نماید. تصاویر این گونه مراسم بر روی بدنه برخی از گلدان های قدیمی به چشم می خورد. مسابقه سرعت و چابکی را از جمله ورزشی های توأم با عبادت می یابیم. اسکیموها در شمال قاره امریکا نیز مانند سرخ پوستان آمریکای جنوبی و مرکزی عادات مذهبی را رعایت می کردند.

در قبیله کیموی از قبائل سرخ پوست تصاویر بیشماری بر روی گلدان مکشوفه در این زمینه و همچنین تصاویری مربوط به دو سرعت که شبیه ورزش های یونان نیز می باشد دیده می شود. دوندگان با خود توبره های پر از میوه حمل کرده و دیوها آنان را مشایعت می نمودند. در نزد آنان کشت وزرع به عنوان مظهر حاصلخیزی بوده و هدف آنها بنا کردن اهرام یا معابدی برای خدایان بوده است. در مکزیک در مراسم برگزاری جشن های الهه خورشید جوان که با عملیات توپ بازی همراه بود یک نمایش غم انگیز از تولد هویت سیلو پوخت لیس نیز ترتیب می یافت که در آن مسابقات دوهای صحرانوردی این مراسم را به حد اعلای شکوه خود می رسانیده در میان افراد قبیله کاهوئیلای یکی دیگر از قبایل مکزیکو مسابقات دو انجام می شد. آنها معتقد بودند که این مسابقات بر طول عمر افزوده و باعث می شود پس از مرگ دوباره قدرت پیدا کرده و به زندگی مجدد بازگردند. حتی در بین اجداد آلمانی ها مخصوصاً در شب اول ماه مسیحیان بین عید پاک و یکی دیگر از اعیاد به نام فینگستن و روزهای برداشت محصول مسابقات دو انجام می گردید. همه ساله نیز بین چوپانان مارک گرونیک واقع در ناحیه شوب آلمان هم مسابقات دو ترتیب می یافت. کتاب

Eulenspiegel یکی از کثیرالانتشارترین کتابهای سال ۱۵۱۵ بود؛ در این کتاب نقل شده است که: شخص ثروتمندی مقداری شیرینی به یک پسر و مقدار دیگری به یک دختر داد به شرطی که آنها مقدار زیادی بدونند.